هذا کتاب تسهیل بسم الله الرحمن الرحیم الدواء لتحصیل الشفاء رحمه الله مؤلفه

بسم الله الذی لا یضر مع اسمه سمّ ولا داء وجعل حمده دواء
وذکره شفاء وطاعته غنی واختار لنفسه احسن الاسماء و
امر عباده بالدعاء فی الشدة والرخاء لیصرف به الاسواء ویکثر
النعماء فلا یخیب لدیه الامال ولا ینقطع منه الرجاء والصلوة و
السلم علی سید الانبیاء وخیر الاولیاء وافضل الاصفیاء واعلی
الازکیاء محمد وآله النجباء الذینهم کالنجوم فی الاهتداء بتطفیلهم
خلقت الارض والسماء اما بعد چنین گوید حقیر فقیر کثیر
التقصیر المذنب ابن غیاث الدین محمد عبد المطلب عفی عنه تجاوز الله عن
ذلاتهما که این رساله ایست موسوم بتسهیل الدواء لتحصیل
الشفاء که این ذره بیمقدار از نسخ بسیار وامکنه متعدده متفرقه
معتمده انتخاب والتقاط نموده ودر رشته تالیف کشیده و
عمده دواعی بر جمع این نسخه این بود که روزی از ایام در حین

والدعاء

در حین مطالعه بعضی از کتب معتبره احادیث خلاصه این مضمون
منظر فاتر این احقر رسید که از پیشوای متقیان ومولای مومنان و
شاه مردان علی ابن ابی طالب علیه الصلوة والسلم پرسیده اند که
بهترین خلقان بعد از ائمه هدی علیهم السلم کیان باشند
فرمودند که علما هرگاه بصلاح باشند پس سوال نمودند که بدتر
ترین خلقان کیانند فرمودند که بعد از ابلیس وفرعون ونمرود و
کسانی که غصب منزلت کنند علمائی که فساد نمایند وفساد ایشان
آنست که اباطیل را ظاهر سازند وحقایق را بپوشند ودر باره
ایشان حق تعالی فرموده اُولٰئِکَ یَلْعَنُهُمُ اللهُ وَیَلْعَنُهُمُ اللّٰاعِنُونَ
اِلَّا الَّذِینَ تَابُوا وَاَصْلَحُوا وَبَیَّنُوا فَاُولٰئِکَ اَتُوبُ عَلَیْهِمْ
وَاَنَا التَّوَّابُ الرَّحِیمُ وچون پیش از سعادت این مطالعه نیز
[illegible] رساله بین العوام مشهور ومعروف بمطالع ودیونامه زاد دیده
بوده که کما مطالب چند را که در آنجا جامع آن مذکور نموده ملاحظه
ومطالعه نیز نموده بود همت بر افساد آن گماشته نسخ متعدده
را از آن در معرض تلف وفساد در آورده بود وهمیشه خاطر فاتر
این مقصر مایل آن بود که شاید بنحوی تواند نمود که طبایع عوام را از آن
ضلالت نامه منحرف شده رجوع بدان نمایند تا اسم ورسم آن مندرس

و منطمس گردد اما چون مؤلف بغایت آن رساله اکاذیب و اباطیل
و زخرف چند بر هم بافته بجهت عوام و تهیه تجربه نفع قلیلی دام
آش و نان خود نموده و آن اکاذیب در نظر عوام کالانعام و زنان
جلوه گر گردانیده و چنان شیرین و دلنشین بخردان ساخته
که تبعی بلیغ طبع ایشان را از آن منحرف نتوان ساخت و دل ایشان را
چنان راسخ العقیده در آن نموده که از لوح دل ایشان نتوان کرد آن نقش
دل پسند محبت آن را محو و حک نتوان نمود و لهذا اتفاقات در همین
اوان عبور و مرور این حقیر بدبستان یکی از معاصران افتاد در حینی
که یکی از عوام بجهت عوذه استشفا مریضی نزد او آمده بود و آن
بیچاره چون آن غافل را مانند صید در سر دام خود یافته جمع
[illegible] که داشت از او ماکیان سیاه خواسته که
از خون آن تعویذی بجهت او بنویسد آن بیچاره غافل حسب
الفرموده آن بسعات ماکیان را مقید نزد آن نامقید آورده
قدری از خون آن گرفته اراده داشت که از آن خون چیزی نویسد
آن عاصی [illegible] این حقیر او را از آن حرکت منع و زجر نموده از آن
حالت باز داشت و لایق ممنوع گشته بجهت آنکه مبادا اخلاف
گفته اش ظاهر گردد [illegible] در عوض خون نوشته تمام را آن

و آن بیچاره غافل را از سر وا کرده ماکیان حلال او را بر خود حرام
گردانیدند و آن آن بخاطر فاتر خلید که ابنای این زمان کوشش
در تحصیل آب و نان زیاده بر تکمیل ایمان و معاشرت آن جهات
دارند و شیطان نیز ایشان را از این راه بیشتر گول می زند و اگر
عوام در دفع آلام و اسقام بقصد آنکه تعاویذ مانند دوا
رفع آن میتوان نمود با امثال اینها بیشتر اوقات که گفتار ایشان مکرر دارند
موافق نسبت بر صیکردند لهذا نسخه که در این باب جامع باشد از
عوذات و رقیات و ادویه مجربه مفرده و غیره اشیاء منتفعه را
بجهت هر علتی و مرضی از ائمه دین و علما داشته و اکابر پیشین
و مجربین جمع نموده در رشته تالیف انتظام دهد هر چند
که بعضی از آن منسوب الیه شرع انور در ظاهر نبوده باشد مانند
اکثر الفاظ رقیات و عبارات که معنی آن مفهوم و معلوم عرب نباشد
اما باعتبار آنکه شاید بعضی از تاثیر ترکیب طبایع و امتزاج حروفات
آن چنین استفاده نموده باشد و فی الواقع آن کلامی نبوده باشد
که از گفتن و نوشتن آن خللی در دین بهم رسد و مع ذلک چون غرض
و نیت بر مفسده نیست بحکم انما الاعمال بالنیات [illegible] هذا
و هم چنین بعضی از اسرار که در انشای آن چندان مفسده مترتب نمیشود

بلکه دفع مکروهی دائم و منتج بود بنابر تاثیر آنها ایراد نمود شاید
که ضعفای عوام بلکه شکم پرستان مردم فریب نیز بآن رجوع نموده
منتفع گردند و مطلع نظری که در باب متروک شده نسخه مرغوب
و نفع عقید آن جمع نمود نیز بعمل اید راجع و رجیع هر دو بدین
انکه ورد و وبالی چند مستفید کردند لهذا این نسخه را تالیف
مبوب بهشت باب و مقدمه و خاتمه که هر یک مشتمل بر فصول چند
باشد کردانید مقدمه و ابواب و خاتمه را این تفصیلست **مقدمه**
در دعاهای جمیع علل و امراض و اوجاع و در آن چند فصلست **باب**
**اول** در دفع علل متوهمه مشوهه مکروهه و ان مشتمل بر چند
فصل است **باب دویم** در دفع شرور و بلیات **باب سیوم**
در دفع انسام تبها **باب چهارم** در دفع دردهای اعضا
**باب پنجم** در دفع مرضها و زخمها **باب ششم** در دفع همو
و غموم **باب هفتم** در دفع مرض هوام **باب هشتم** در دفع
امراض اطفال و زنان **خاتمه** در ذکر بعضی از تجارب حکما
در معرفت احوال المریض **مقدمه** در دعاهای جمیع علل و امراض
و اوجاع و در این مقدمه چند فصل است **فصل اول** در بیان
ادعیه و تعویذ در دفع هر علت و مرض در حدیث صحیح از حضرت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون بر سر بیماری
هفت نوبت بگو أُعِيذُكَ بِاللهِ العَظِيمِ رَبِّ العَرْشِ الكَرِيمِ مِنْ شَرِّ
كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ و در حدیث حسن منقولست که
بعضی از فرزندان حضرت صادق علیه السلام بیمار شدند حضرت با و
فرمودند که این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي
بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
**ایضا** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
چون بر سر بیمار روی هفت مرتبه بگو أَسْأَلُ اللهَ العَظِيمَ رَبَّ
العَرْشِ العَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ وَيُعَافِيَكَ اگر اجلش نرسیده باشد
شفا می یابد ان شاء الله تعالی و از حضرت امام رضا علیه السلام
روایت که بجهت هر مرضی که بوده باشد بر آن مریض بخوانند
شفا یابد یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْزِلْ عَلَى وَجَعِي الشِّفَاءَ و در کتاب مجتبی آورده که این
دعا را مریض یک نوبت بخواند اگر شفا یابد بهتر و الا تکرار نماید
شفا یابد ان شاء الله تعالی اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ
المُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ المُرْسَلِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا
كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الْمَرَضَ مِنَ الْكَثِيرِ الَّذِي تَعْفُو عَنْهُ وَتُبْرِئُ
مِنْهُ اسْكُنْ اَيُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلِ السَّاعَةَ مِنْ هٰذَا الْعَبْدِ
الضَّعِيفِ سَكَّنْتُكَ وَرَحَّلْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که فرمود برای هر آزاری این
دعا را بخوانند یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ اَنْزِلْ عَلٰى مَا بِي
مِنْ دَاءٍ شِفَاءً و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول
است که هر که را الحی باو رسد دردی از بدن این دعا را بخواند هیچ
الم و دردی ضرر باو نرساند اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ
عَلَى الْاَشْيَاءِ كُلِّهَا اُعِيذُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
وَاُعِيذُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ مِنْ دَاءٍ اُعِيذُ
نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَشِفَاءٌ ایضا فرمود که دستها را
بسوی آسمان بردارد بجهت هر علتی که بوده باشد بخوید که حالی
بوده باشد مانند سقف و غیره و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَيَّرْتَ
فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا
يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا يَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ
ضُرِّي وَلَا تَحْوِيلَهُ غَيْرُهُ اِكْشِفْ ضُرِّي وَحَوِّلْهُ اِلٰى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ

عَلَى — تام — در میان — قوما — عنی احدا — صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مَعَكَ اِلٰهًا آخَرَ فَاِنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ غَيْرُكَ و کفعمی نقل کرده که
بخط شیخ شهید علیه الرحمه یافتم که دست را بر سر مریض بگیرند
و هفت نوبت سوره حمد بخوانند و بعد از آن این دعا بخوانند پس اگر
سبکی در مریض حاصل شد فبها و الا سوره حمد را هفتاد مرتبه
تکرار کنند تا ان شاء الله شفا بخشد اَللّٰهُمَّ اَزِلْ عَنْهُ الْعِلَلَ وَالدَّاءَ
وَاَعِدْهُ اِلَى الصِّحَّةِ وَالشِّفَاءِ وَاَمِدَّهُ بِحُسْنِ الْوِقَايَةِ وَرُدَّهُ
اِلٰى حُسْنِ الْعَافِيَةِ وَاجْعَلْ مَا نَالَهُ مِنْ مَرَضِهِ هٰذَا مَادَّةً
لِحَيٰوتِهِ وَكَفَّارَةً لِسَيِّئَاتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ و از
حضرت ابی جعفر علیه السلام منقولست که فرمود اهل بیت بیمار هر کس
که مشفقتر باشد بر بیمار کف دست خود بر دهانش نهد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ
سه بار وَبِجَلَالِ اللّٰهِ سه بار وَبِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ سه بار و
بعد از آن بر بیمار بدمد بیمار شفا یابد و ایضا جهت جمیع علل و بیماریها
این افسون را بر آن خوانند نافع شود و در کتاب مجتبی آورده که این دعا
برای بیمار بخوانند در ساعت نیک شود بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَقْسَمْتُ
عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْعِلَّةُ بِعِزَّةِ عِزَّةِ اللّٰهِ وَبِعَظَمَةِ عَظَمَةِ اللّٰهِ وَ
بِقُدْرَةِ قُدْرَةِ اللّٰهِ وَبِسُلْطَانِ سُلْطَانِ اللّٰهِ وَبِلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَبِمَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَبِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِلَّا

اثره — اثره — وَلَا يُطِلْ السُّقْمُ وَلَا تَرُدَّهُ مِنْ مُبَاشَرَةِ الْاَلَمِ — بحق محمد و آله المعصومین — برای ...

کفایة تمام

منه و اگر جهار دخ دو شش بخوانند بکوید

انصرفت یعنی ایضاً این آیات هفت مرتبه بخوانند و بر مریض دمند
و کتابت در نسخه دیده کرد که وش راست مریض باید خواند و مکرر تجربه
نموده بسم الله الرحمن الرحیم و کفی بالله ولیا و کفی بالله
نصیرا و کفی بالله حسیبا و کفی بالله وکیلا و کفی بربک
هادیا و نصیرا و کفی بربک بذنوب عباده خبیرا بصیرا و
کفی الله المؤمنین القتال و کان الله قویا عزیزا ایضاً مشهور
است که حرز قلنسوه را سر نوبت بخوانند و بر بیمار دمد شفا یابد
باذن الله بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الملک الحق المبین شهد
الله انه لا اله الا هو والملائکة و اولوا العلم قائما
بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله
الاسلام الله نور و حکمة و سلطان و هیبة و رحمة و
حول و قوة و قیوم لا ینام لا اله الا الله آدم صفوة الله
لا اله الا الله نوح نجی الله لا اله الا الله ابراهیم خلیل
الله لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح
الله و کلمته لا اله الا الله محمد رسول الله و حبیبه لا اله
الا الله علی ولی الله اسکن ایها المرض باذن الله
الذی سکن له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم

لله و
و برهان و قدرة

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین ایضاً روایت کرده شده از
حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله که هر که را رنجی و زحمتی
واقع میشد باین دعا استشفا ای آن مخصوص مینداشتند بعضی
میخواندند و بعضی با خود نگاه میداشتند و بعضی بتربت مقدسه
کتابت کرده و با آب محو نموده میخوردند و از آن مرض شفا مییافتند و لو
ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم
به الموتی بل لله الامر جمیعا و من یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا الله
خیر حافظا و هو ارحم الراحمین فسیکفیکهم الله و هو
السمیع العلیم و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة
للمؤمنین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین ایضاً
منقولست که بجهت استشفا این دعا را بتربت مقدسه حضرت امام
حسین علیه السلام بر کاسه چینی بنویسند و بگلاب شسته مریض
بیاشامد البته شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم
و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین فائده

افسون هندی که آنرا منتر گویند بجهت امراضی که بهیچ وجه به نشود
سه روز متعاقب بر آن خواند و باد بر آن دمد بعون الله صحت
یابد هرمس مرمنا خالقنا و بالقنا ادنحی رنحی البنسا یلبسا
خسکی وسا آید دنودانی خبا بجه محمد صلی الله علیه و آله
از دنیا رفت تو هم برو خدا بزرگست تو بزرگ مشو بحق توریه
و انجیل و زبور و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و سلم لا اله الا الله
محمد صلی الله علیه و آله رسول الله علی ولی الله و در کتاب
مکارم الاخلاق از امام محمد باقر علیه السلم روایت کرده که
هرگاه در نفس خود علتی یابی و از آن ترسی سوره انعام را بخوان
تا از آن علت مکروهی بتو نرسد انشاء الله تعالی فصل دوم
در بیان مداوا و ادعیه بجهت هر آزاری و دردی که در هر عضوی
باشد در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم رویست که
هر که دردی داشته باشد دست بر موضع درد گذاشته و
سه مرتبه بگوید الله الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا
اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی و در روایت
دیگر فرمود که بسم الله بگوید و دست بر موضع درد بمالد و هفت
مرتبه بگوید اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ

و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و
اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و
من شر ما اخاف علی نفسی ایضا فرمود که هر که دردی بهم
رساند دست بر آن گذارد و با خلاص نیت بگوید و ننزل من
القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین
الا خسارا ایضا فرمود که دست بر موضع درد میگذاری و میگوئی
بسم الله و بالله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و
لا حول و لا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد و سه
مرتبه دست بر آن موضع میکشی ایضا فرمود که دیگری دست بر موضع
درد گذارد و هفت نوبت بخواند و اقلش سه نوبت ایها الوجع
اسکن بسکینة الله و قر بوقار الله و انحجز بحاجز الله و اهدء
بهدء الله و اعیذک ایها الانسان بما اعاذ الله به عرشه و
ملائکته یوم الرجفة و الزلازل و در کتاب دروس شیخ شهید
آورده که کسی که دردی داشته باشد بر قدح آب چهل نوبت سوره حمد
را بخواند و آن آب را بر مریض بپاشند و بعضی از علما ذکر کرده‌اند و بسیار مجرب و محقق
ده بدست خود و او را امر کنند که بجهت او دعا کند تا عافیت یابد و در
نسخه دیگر و دیگر آورده که این دعا را بمشک و زعفران بنویسند و با آب

بسم الله الرحمن الرحیم بدان یا شامد شفا یا بد صاحب درد بیا تشوید و
بسم الله المبارک العظیم یا طعسعها یا کیا غها یا ططفشا
رجیلا یا تجهشا العشا المحیط یا هتبا یا شیشیا یا رهیثا
یا شمحیثا یا نجیثا طا جمطینا یا لقا کفیثا وصلی الله علی
محمد وآله الطیبین ایضا از زعفران بشوید و بیاشامد اللهم
لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک
اللهم لا تواخذنا بسوء اعمالنا ولا تسلط علینا من لا
یرحمنا وکف ایدی الظالمین عنا یا حفیظنا احفظنا وحصل
مرادنا ویسر امورنا برحمتک یا ارحم الراحمین وازابی
عبد الله علیه السلم رویت که دست بر محلی که درد میکند
بکذارد و سه مرتبه بکوید اللهم انی اسئلک بحق
القرآن العظیم الذی نزل به الروح الامین وهو عندک
فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک و
تداوینی بدوائک وتعافینی من بلائک وصلی الله
علی محمد وآله الطاهرین صاحب در مکنون این یازده حرف را
خواص عجیبی ذکر کرده اب ت ث ط ظ ف ک ل لا ی وبعضی از
آن خواص است که اکر کسی را در عضوی از اعضا دردی پیدا شود

محیطنا یا هلیطا
یا شیثا جد

این تعوید را بجهت هر ازاری بخط هندسه بر ظرفی
نویسند بیاشامند یا مائم والحصی بلا عدد
والقوی بلا مدد والعزیز بلا ولد والمنجز بلا
وعد وهو السید السند الواحد الاحد الصمد
الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

شود مثل درد و صداع و درد سینه و شکم و پا و غیر آن از اوجاع
ظاهری و باطنی باید که حرف اول از اسم عربی آن عضو بکیرد
و در میان این حروف یازده کونه درج کند مثلا درد چشم حرف
اول او از اسم عربی که عین است و درد سر حرف اول او از اسم
عربی که را است و علی هذا القیاس سایر اعضا برین کونه امتزاج
دهد اع بع تع ثع طع ظع فع کع لع لاع یع وبعد از امتزاج
ترکیب دهد برین وجه اعبع تعثع طعظع فعکع لعلاعیع و اکر دانالله
با را امتزاج داده باشد ترکیب آن برین وجه است ار بر تر ثر طر
ظر فر کر لر لار یر و بعد از آن صاحب درد آن رقعه را با خود نکاه دارد
اکر فایده ظاهر شود فبها والا حرف دویم اسم آن عضو را برین
دستور در ذیل عمل امتزاج و ترکیب داده با خود دارد تا نتیجه
مترتب شود و اکر از این نتایج بخشد حرف سیم آن اسم را برین
اسلوب در ذیل عمل آورد البته آن وجع درد زایل شود و در
سایر امراض که بر بدن وارد میشود عمل برین موجب است و در
تسبیبا دعا زمطالب و مقاصد این عمل را اجرا میتوان کرد و در
اعمال محبت اسم طالب و مطلوب را بهمین کیفیت امتزاج و ترکیب داده
در ساعت سعد با خود دارد و یا در مکان پاکیزه محفوظ کند و در

اعمال عداوت ملاحظهٔ ساعت نحوسه نماید و ترکیب کند بنام

دشمن و در مکان تاریک یا قبر قدیم مدفون نماید تا مقصو

حاصل کردد و هم چنین امتزاج حروف اسم عضو متألم را با اهم

بدستور متصل و منفصل همین خاصیت دارد مثلا در مکرا

اعه ایه انه یا منفصل اع ه ای ع ان ع و بعضی اسم عضو (حروضه)

متألم را بعد از حروف اهم بطریق اتصال و انفصال با ین طریق

معمول داشته اند اهع اهی انی یا منفصل ه ع ای اه ن (اهن م)

والله اعلم **فصل سیم** در بیان مداوای علل و امراض به

تربت مقدسه و آب نیسان این دعا بر تربت مقدسه بخواند (مشهور است که)

و بعد از آن بقدر کمتر از نخودی بخورد بسم الله الرحمن (شفا یابد م)

الرحیم اللهم بحق هذه التربة المبارکة الطاهرة

المطهرة و بحق الملک الذی هو خازنها والملائکة

الموکلین علیها و بحق الوصی الذی وارته اجعل فی هذه

التربة لی رزقا واسعا و علما نافعا و عقلا کاملا

دینا وادراکا و ذهنا فی العلم و شفاء من کل داء و امانا (من کل خوف عظیم و امانا ... م)

من کل ظالم و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین (و خاصیته م)

و صلی الله علی محمد و آله و بجهت طلب علم و وسعت رزق و قضای

حوائج نیز نافع است **و در** حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام

روایت که هر که تربت مقدسه را بقصد شفا بخورد چنان است که

گوشت ما را خورده و چون بقصد شفا بخورد بگوید بسم الله و

بالله اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة و رب

النور الذی انزل فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله (و رب الجسد الذی سکن فیه م صل علی محمد و آل محمد م)

لی شفاء من کل داء و سقم کذا و کذا و آن آزار را ذکر نماید پس تربت

را بقدر نخودی بخورد و بجرعهٔ آب بعد از آن بخورد و بگوید اللهم

اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء و سقم (انک علی کل شیء قدیر م)

چون چنین بکنی نفع مینشود المحمد لله و خود مخیا بی نزد و بیماری و غم

واندوه و در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن تربت اینه دعا بخوان

بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما

نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر اللهم رب (و سقم م)

هذه التربة المبارکة و رب الوصی الذی وارته صل

علی محمد و آل محمد و اجعل هذا الطین شفاء من کل داء

و امانا من کل خوف **طریقه** دیگر آنست که تربت مقدسه را با قدری

زعفران و عسل و آب باران معجون ساخته در آزار خود ملا نماید (با آب باران م)

**طریقه** دیگر آنست که هفت حب از تربت مقدسه را که هر یک بقدر

علامتی باشد وهمت دار سیاهدانه وهفت قطره عسل را در آب باران
روغنی کنند و سوره حمد و معوذتین و آیة الکرسی و اول سوره
حدید بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله تا الی الله ترجع الامور
و آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره بر
آن بخوانند و استعمال نماید شفا یابد ان شاء الله تعالی **طریقه**
استشفا، با آب باران نیسان هر یک از فاتحه و آیة الکرسی و قل هو الله
و معوذتین و جحد را هفتاد بار بخوانند بر آب نیسانی که قبل از سه کس
تعیین کرده باشد و بر باقی سوره قدر و تکبیر و تهلیل و صلوات بر
پیغمبر و آل او نیز بهمان عدد هفتاد بار بخواند و هفت روز متوالی
صبح و شام از آن بیاشامد شفا یابد از هر دردی که در بدن او باشد
و هر چیز بدی که در دل او باشد و اگر عنین باشد عنینت از او زائل شود
و هر فرزندی که خواهد از ذکر و انثی از او متولد شود و درد چشم و سودا
نافع باشد و مهیج سندا نفار الحکم کند و دهن را خوشبو نماید و دفع کند
سیلان لعاب و صفرا و بلغم و تخمه و بادها و فالج و زکام و درد پشت و شکم
و دندان و معده و کرم آنرا و قولنج و ناسور و حکه و آبله و جنون و جذام
و برص و رعاف و فی و کری و کوری و گنگی و زمانت و آب سیاه از چشم رود
آهن در جهاو [illegible] و صلو [illegible] و شیاطین و جنیات و غش و

---

و غیبت و حسد و کبر و بخل و حرص و غضب و عداوت و انکار دون در زبان
مردم و عیب ایشان را نافع است **نوع** دیگر آب غیر باران که باشد یکبار حمد
و توحید و معوذتین هر یک را هفتاد مرتبه بر آن بخوانند و در صبح
و شام قدحی از آن بیاشامد حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
بخدائی که مرا به نبوت اختصاص فرمود که برای هر علتی و المی که باشد از
این آب نزد علتان بدن و استخوان و عروق او بیرون رود **فصل**
**چهارم** در مداوای علل و امراض بتصدق دادن و قربانی کردن و
عنوان آن بدانکه صدقه دادن بلیات را دفع میکند و علل و امراض را زائل
میگرداند و در عمر و روزی می افزاید و دعای سائل را در حق معطی
اجابت میکند و احادیث بسیار در این مراتب زیاده از حد و حصر وارد
شده اما دستور و دعا کردن در حین تصدق بیمار بدینطور چنانکه
گرا... دعا را بخوانند و بعد از آن موازی یک دینار شرعی که چهار دانگ
و نیم مثقال است طلا تصدق کند و به پنج نفر یا بیشتر از مستحقین که
علوی نباشند بدهد مگر اینکه بیمار علوی باشد که در این صورت
بمستحق علوی دادن ضرر ندارد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک باسمک الذی اذا ذکرت به سجدت له الملائکة
و سبحت و بالاسم القدوس القدیم و بالاسم المخزون المکنون و

وبالاسم الذی هو مکتوب علی سرادق المجد

بالاسم الذی سمیت به نفسک و بالاسم الذی هو مکتوب علی
سرادق العرش و بالاسم الذی هو مکتوب علی سرادق
البهاء و بالاسم الذی هو مکتوب علی سرادق الجلال
و بالاسم الاکبر الاکبر و بالاسم الاعظم الاعظم المحیط بملکوت
السموات والارض و بالاسم الذی مشی به الخضر علی الماء
فلم تبتل قدماه و بالاسم الذی کشفت به ضر ایوب و بالاسم
الذی وهبت به لزکریا یحیی ان تشفینی من مرض الذی انا فیه

دعای کند

اما آنچه بعضی یکند در حدیث معتبر از جابر داود بن زربی
روایت کرده که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدیدی چون از خبر
بحضرت صادق علیه السلم رسید مرا نوشت که یک صاع گندم جو
بپشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز و نثار کن و بگو اللهم
انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک المضطر کشفت ما به من
ضر و مکنت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی خلقک ان
تصلی علی محمد و علی اهل بیته و ان تعافینی من علتی پس درست
بنشین و گندم را جمع کن و باز این دعا را بخوان و آن گندم را
چهار قسمت کن و هر قسمتی را بیک فقیری بده و باز این دعا را بخوان
داود گفت من چنان کردم که گویا از بند رها شدم و بسیار کسان کردند

قربانی برای بیمار

وشفا یافتند و اما طریق قربانی کردن گوسفند بکبود گوسفندی که
نیت قربانی فدای بیمار کرده نزد او این دعا را بخواند و بر دهان
گوسفند بدمد و در حین ذبح بخواند اللهم ان هذه الشاة
لک و من فضلک و کرمک وصلت الی و انا افدیها لعبدک
فلان ابن فلان اللهم ان هذه فداؤه لحمه بلحمه و دمه
بدمه اللهم تقبل منی کما تقبلت من خلیلک ابراهیم علیه السلم
حین فدی لولده اسمعیل علیه السلم بحق حرمة محمد رسول
الله صلی الله علیه و آله و بحرمة علی و فاطمة و الحسن و
الحسین و علی ابن الحسین و محمد ابن علی و جعفر ابن محمد و موسی
ابن جعفر و علی ابن موسی الرضا و محمد ابن علی و علی ابن محمد و
الحسن ابن علی و الحجة ابن الحسن صاحب الزمان صلوات
الله و سلامه علیهم اجمعین اللهم هذه فداؤه فتقبله
منی بعد از آن بگوید الله اکبر سه مرتبه و بعد از آن بگوید بسم
الله الرحمن الرحیم و ذبح کند در محلی خالی که مستقبل باشد و خون
او را در گودی کند در موضعی که مردم پای ننهند و سر گوسفند را در خاک
کند و دو دست و پای او را از پوست جدا نکند چنانچه پوست بپای او
بکشد و همه را بکشد و خوردن گوسفند آنچه از دم

جدا نشود وگوشت آنرا بجاه وهفت پاره کند ودرمیان پوست
پنهان کند وهر پاره به نیت فقیری ومسکینی بیرون آورده بهای
کس دهد که بر نیت او بیرون آورده تا شفقت کس تمام شود اما
مداوای بصدقه دادن وخیر کردن بدانکه در احادیث تاکید و
تحریص شدید وارد شده بجهت صدقه کردن در دفع بیماریها
ومنقولست که تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند وقضاهای
محکم را دفع میکند بر طرف می نماید وحضرت امام رضا علیه السلم
فرموده بیماری را بگیرد مانند دعا چیزی وتصدق وآب سرد وفرموده
که منتهای پرهیز چهار روز است وپرهیز نه آنست که چیزی نه
خورند بلکه پرهیز آنست که کمتر بخورند وحضرت رسول صلی
الله علیه وآله فرموده که دوا کنید بیماران خود را بتصدق
ومنقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
عرض کرد که من باده نفر از عیالان خود بیماریم فرمود که
دوا کن ایشان را بتصدق که هیچ چیز بیشتر وبهتر وزودتر از
تصدق دفع نیکند اما توسل بحضرت امام موسی کاظم
بجهت شفای جمیع دردهای اعضا خصوصا درد چشم مجرب
رسیده وآن بدین طریقست که بگوید اللهم بحق ولیک

موسی ابن جعفر الکاظم علیه السلم الا سلمتنی في جمیع
جوارحی ما ظهر منها وما بطن یا جواد یا کریم وصلی الله علی
محمد وآله اجمعین واما دعا کردن مادر جهة فرزندان
بدو طریق میباشد اول آن چنانست که مادر دو رکعت نماز
بگذارد ودر سجده بگوید که اللهم انک وهبته لي ولم
یک شیئا فهبه لي هبة جدیدة راوی گوید بیماری داشتم
حضرت صادق علیه السلم بعیادت من آمد چون جزع مادر مرا
بدید باین دستور تعلیمش کرد چون صباح شد بنحوی صحت یافته بودم
که هر بیمه نجنه بودند نیز با ایشان شراکت کردم واین طریق
در روایت دیگر چنین آمده که راوی گفت مردم آمده بودند که بر
جنازه من حاضر شوند حضرت صادق علیه السلم بمادرم فرمود
که غسل کن وبر بام خانه رو ودر زیر آسمان دو رکعت نماز بکن
وبعد از نماز بگو اللهم انک وهبته لي ولم یک شیئا
اللهم اني استوهبکه مبتدئا فاعرنیه دوم
آنست که مادر بیمار بر بالای بام رود ومقنعه از سر برداشته
وموی باسمان گشوده بگوید اللهم انت اعطیتنیه و
انت وهبتنیه فاجعل هبتک الیوم جدیدة انک قادر

ان سلمتنی م د
لی م د
شیئا م
وهبتنا م
فاعذبنیه م د
سعه
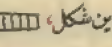
مقتدر هو نصران سجده بر نداشته باشد کر فرزندش شفا یابد
انشاء الله تعالی فصل پنجم در ادعیه و دواء درد
مفاصل و جمیع دردها و درمان عضوها مرویست که شخصی بحضرت
امام محمد باقر علیه السلم شکایت کرد از درد مفاصل فرمود کم
این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک باسمک المبارک
ودعوة نبیک الطیب المبارک المکین عندک صلی الله علیه
واله وبحق ابنته فاطمة المبارکة وبحق وصیه امیر
المؤمنین وبحق سیدی شباب اهل الجنة الا اذهبت
عنی ما اجد بحقهم بحقهم بحقهم یا اله العالمین 8
چون این دعا بخواند درد ساکن شود و در کتاب بکار
اورده که بجهت جمیع الام واسقام بنویسد بر کاغذی و بر بعض
بندد نافع است وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما
ارسلناک الا مبشرا ونذیرا وننزل من القرآن ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنین وما محمد الا رسول قد خلت
من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم
ومن ینقلب علی عقبیه وامنوا بما نزل علی محمد وهو
الحق من ربهم کفر عنهم سیاتهم واصلح بالهم ما کان

کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین
وکان الله بکل شیء علیما محمد رسول الله والذین امنوا
معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من
اثر السجود ذلک مثلهم فی التورية ومثلهم فی الانجیل
ومبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جاءهم
بالبینات قالوا هذا سحر مبین ولو ان قرانا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل
لله الامر جمیعا الملک لله الواحد القهار پس بگوید
بسم الله المکتوب علی سرادق العرش واز خواص مجرب
است که بجهت جمیع دردهای بدن با خود دارد اح ح ح ط
ک ل م ن د س ص لای و بجهت جمیع مرضان از درد در وجع مفاصل
این اشکال را بنویسد بر پارچه کاغذی یا برگی و بر موضع وجع
نهد و هر گاه وجع بعضو دیگر نقل کند نوشته را بر آن موضع نقل
نماید تا بالکلیه وجع زائل شود
انشاء الله تعالی و در کتاب
مجربات نافع کرتالیف شیخ جلال الدین
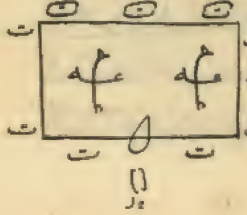
هندی است آورده که بکیرند بکوید تا موضع درد را محکم بکیرد و این
دعا را بخواند و بکارد در زمین خطها بکشد نیکو شود بسم الله الرحمن
الرحیم اسکن یا ریح بحق الباری و هم چنین کفته اند که
در زمین خط بکشد باین شکل IIIIIII و در وقت خط کشیدن
بکوید اسکن یا ریح بحق الباری و بعد از آن کارد را بجای
چپ خط فرو برد و محل درد را محکم بانکشت بکیرد و هفت بار بیک
نفس همان دعا را بخواند و بعد از فراغ مریض را بکوید تا برود
فی الحال به شود وایضا سفال آب ندیده را بشکند و هفت پاره بر
دارد و هر پاره را بر موضع درد زند و این کلمات را بکوید درد
مربان دمغ شود کیهن کیهن اخرج ایضا بجهت درد هفت اندام
و استخوان ها که کویا درد در هم میشکند بسم الله الرحمن ۵
الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا تا نصرا عزیزا نوشته
تعویذ نماید ایضا منها دمسکن الاوجاع منقول از تحفة المؤمنین
در تسکین درد مفاصل حاره و بارده مجرب است حلبه را با آب و
شکر بالسویة طبخ نماید تا مهرا شود و عسل بوزن حلبه اضافه
نماید و بجوشاند تا غلیظ شود و نیم کرم طلاء نماید نافع بود باب
اول در علل مشوهه مستکرهه و دفع آن و در این باب چند فصل

هفت م

دام

ازم

حکیم میر محمد مومن تنکابنی

حلبه

کرم

فصل است وفصل اول در دفع آبله اطفال در کتاب مکارم الاخلاق م
این شکل را برای دفع آبله اطفال و کم بیرون آمدن نقل کرده و تعبیر
آنست که بترتیب عدد بنویسد
و در نسخه دیگر دفع آورده است
که این شکل را بموم بکیرد و بر کردن
وی بندد هفت آبله بیشتر بیرون

| ۱۳ | ۲ | ۳ | ۱۶ |
|---|---|---|---|
| ۸ | ۱۱ | ۱۰ | ۵ |
| ۱۲ | ۷ | ۶ | ۹ |
| ۱ | ۱۴ | ۱۵ | ۴ |

نیاورد و دفع شود باذن الله تعالی و مربع اعداد باین طریق و ترتیب بحروف
نوشته اند وایضا آورده است که
همین مربع را با نقار هندسه بنویسد
و بر همان دستور برای وبا و نیز همین
خاصیت را می بخشد وایضا در خاصیت

| ب | یج | ج | یو |
|---|---|---|---|
| ز | یب | و | ط |
| ید | ا | یه | د |
| یا | ح | ی | ه |

۱۶ ۷

| ۲ | ۱۳ | ۳ | |
|---|---|---|---|
| ۷ | ۱۲ | ۶ | ۹ |
| ۱۴ | ۱ | ۱۵ | ۴ |
| ۱۱ | ۸ | ۱۰ | ۵ |

این شکل کفته اند که بر طفل بندند آبله بر نیاورد و اکر بر آورد زیاده
از سی و چهار آبله بیرون نیاورد
ایضا در خاصیت این شکل جهت آبله

| ۱۵ | ۴ | ۵ | ۱۰ |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۱۴ | ۱۱ | ۸ |
| ۱۲ | ۷ | ۲ | ۱۳ |
| ۶ | ۹ | | ۳ |

۱۶

| رعو | رعو | اع | ۱ |
|---|---|---|---|
| د | عو | عنغنم | ۲ |
| اع | ۱۱ | ۲ | ۸ |
| ۱ع | ۳ | ۳ | ۳ |

مجرب یافته اند وایضا این اشکال را جهت

و سر مخته م

مرد م

همین خاصیت یافته‌اند اینت سی سی وبالقرهل سرلود (لعه) در
ثلثیه مالیه یا موسی **ایضًا** بجهة آبلہ ابزا بنویسد وتعلیق

نماید

| صف ح | برادبر | مهربود | ودرصاد | سارخبار | ا م |
|---|---|---|---|---|---|
| سرهزار | هسرعهد | برخوم | ولدس | ه د وه | وورد ر |
| مصـــل | | مح | و | رو | رسید |

**ایضًا** اینشکل

رانبویسد وبرپا ذ ویش ببندد اکر بیرون نیامده باشد بیاید

| سے سے وبالقرهم |
|---|
| دربوس اسس اس امن بارت |

**ایضًا** بنویسد وبرطفل ببندد از آبلہ بیرون اوردن ایمن کردد

باذن الله تعالی

| الحمد لله ١٦ | رب العالمین ٣ | الرحمن ٢ | الرحیم ١٣ |
|---|---|---|---|
| مالک یوم الدین ٥ | ایاک ١٠ | نعبد ١١ | وایاک ٨ |
| نستعین ٩ | اهدنا الصراط ٦ | المستقیم ٧ | صراط الذین ١٢ |
| انعمت علیهم ٤ | غیر المغضوب ١٥ | علیهم ٤ | ولا الضالین ١ |

**ایضًا** بجهة آبلہ وجراحت که از بدن انسان بیرون می آید این آیة ونقش را بنویسد ودر کردن بندد
از درد آن در دو هفته بنشیند وبه آسانی برآید وزود دفع شود بل
اِیّاهُ تَدْعُونَ فَیَکْشِفُ مَا تَدْعُونَ اِلَیْهِ اِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا
تُشْرِکُونَ ط ١١١٩٩٩ ١١ ١٩٩ ١١٤ ٢١١٣١٤ ٥ه
**ایضًا** ابیاتی که در فصل آینده خواهد آمد بر آن خوانند ودمند یا بر بیاض نیز

چه این نسخه در یکار مرقده سوره فاتحه است چنانچه کذشت مشهور با فاتحه است لهذا در اینجا عدد سوره با یکدیکر بنا با احتیاط ثبت مشهور است

بر بیاید **دیگر** خواص الآیات مذکور است که بجهة آبلہ چشم مجربست که
بگیرد در لیمان که کودکی رشته باشد که هنوز دندان او نیفتاده
هفت کاف کند وسوره الم نشرح بخواند وهر کافی که بسته باشد ...
برآن زند تا هفت کره شود بعد از آن هفت بار سوره زیبه را
برآن خوانده از پیش چشم کسی که آبلہ داشته باشد بیاویزد آبلہ زایل
شود وگفته‌اند که اگر پاهای مجدور را حنا ببندند آبلہ در چشم او
بر نیاید **ابن سینا** در خواص حنه آورده که آب طرخون و وادیانه
ترو شریت کاوی منع آبلہ وحصبه میکند **منتقل** اما اگر آبلہ در چشم
افتد از ابتدای آیة را بر کند و بر بار غلت خوانند ودر آب اندازد
نَحْنُ وَنَمِیتُهُ وَوَارِدِهِیْ وَوَارِدِهِیَتُهُ فَاِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ فَا
فَکَشَفْنَا عَنْکَ غِطَاءَکَ فَبَصَرُکَ الْیَوْمَ حَدِیدٌ اَوْلٰی لَکَ
فَاَوْلٰی ثُمَّ اَوْلٰی لَکَ فَاَوْلٰی اَیَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَنْ
یُتْرَکَ سُدًی اَلَمْ یَکُ نُطْفَةً مِنْ مَنِیٍّ یُمْنٰی بقدرة الله
تعالی بطرف شود **فصل دویم** در دعاها ودفع دمل وقرحه
وجراحت وبثور وخراج وجرب وناسور وغیر آن از حضرت
امام جعفر صادق در حدیث صحیح منقولست که هیچ کس نیست از
بنی آدم مکر او را دو رک میباشد یکی از آن در سر که خوره وحرکت

بجدری ا

کر کاوی اسم هندی آنست وبعربی کنج نامند وآن دردخواست در رعالی عمان وکثیر الفوائد است وشربت کاوی آنست که چوب آنرا کوبیده بجوشانند وآنرا با شکر بقوام آورند وضع م

می آورد و دیگری در بدلش که بیسی را بحرکت می آورد پس چون رگ
سر بحرکت می آید خدای تعالی دکام را بر او مسلط میگرداند که
دردهای سر را میکشد و اگر آن رگ بدن بحرکت می آید حق
تعالی دمل را بر آن میگمارد و لیکن چون دکام و دمل بهم رسانید
خدا را شکر کنید و در روایتی دیگر فرموده که این دملها و بثورها
اکثر آن از خونی ناسی است که در وقت طغیان آن از بدن بیرون
نمیکنند بیرون می آید پس اگر کسی را از اینها عارض شود چون
برخت خواب رود بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته
التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر کل ذی
شر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت دیگر
فرمود که شورو و دملهای ریزه که از بدن بیرون می آید در اول
که اثرش ظاهر شد انگشت شهادت بدور آن بگرداند و هفت مرتبه
بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم انگشت را بقوت فرو
برد یعنی بیفشرد و در روایت دیگر منقول است که از برای جرب و کرمی
و دمل و قوبا و مانند آن از آیات الهی بنویسند و باخود نگه
دارد بسم الله الرحمن الرحیم ومثل کلمة خبیثة کشجرة
خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار منها خلقناکم

خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری الله
اکبر انت لا تکبر الله یبقی وانت لا تبقی والله علی کل شیء
قدیر و در کتاب طب الائمه مسطور است که انگشتان را صبر
کاغذی بنویسند و صاحب دمل بلع نماید لا آلاء الا آلاؤک
یا الله محیط به علمک کع من لدع ون و از مجربات اطبای
حاذق است که در ابتدای برآمدن دمل تار عنکبوت را چون لیمو که
ترکنند و بر آن ضماد نمایند رفع آن میکند و هم چنین تکرار ضماد
جلبک که آن را خزنة الضفادع خوانند سریع الاثر است و در کتاب
المنافع آورده اند که نمو بر سنگ [illegible] و پارهای چوبی که از آن
بجهة [illegible] دامن [illegible] بر صاحب دمل بندد به شود و همچنین
دواغنا [illegible] کرم کرده دو آماس دمل بندد فرو نشیند
اما بجهة انفجار و کشوده شدن دمامیل داروی مطلا [illegible]
که بول بز کوهی است که در سنگلاخها منجمد میشود بغایت مجرب
است و هم چنین ضماد انگشت پوست درخت لسان العصافیر و
مشهور است که بجهة انفجار و کشوده شدن خراج حضرت امام علی
النقی علیه السلام بجهة متوکل ملعون که باین بلا مبتلا شده بود مداوا
فرموده که سرگین گوسفند را که در زیر دست و پای گوسفندان [illegible]

شده باشد گرفته با گلاب مخلوط کرده بر آن خراج که ناشکفته
منفجر گردد ایضاً بجهت دمامیل و اکثار بول و صداع دست بر
آن نهند و بگویند اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی
اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و در بحر المنافع آورده
که بجهت نفع شود دمامیل و آماس آنها را اگر با کرد آنها بنویسند با
سنوت فی جسد الذی یموت مت مت تحی الحی الذی لا یموت
ایضاً بنویسند و بر آن بچسبانند محـ ✳ ـو الوح ایضاً
بجهت نفع خیارک و دمل و جراحات و خنازیر و عین و خراج کم
اند بر انسان بیرون می آید که با کرباس از احط بکشند و این شکل
را بقلم حنک بنویسند یا بر کاغذ بنویسند این شکل را و بر آن بچسبانند

یا ملیقا یا عملیقا یا سلیقا
بحق بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله محمد
رسول الله ۳
۴

ایضاً این ابیات را بر آب خوانند و بخورانند نافع باشد
در دمل و خراج و اورام و نشیند و چون آبله بود اد شده باشد چنین
کند زیادت بیرون نیاید، انت العروس تحتفل، تعال ان
تکتحل، کل شیء تشتغل، عنیان لا یرضی تر تحل، و هم چنین
از آیه دابه خالی خوانند بجراحت افشانند یا بجراحت خوانند و بدمند

و بدمد محمد یا بدمنها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم
تارة اخری ایضاً آورده اند که این افسون را بر انگشت
سر و صحوق خواند و بر زخم تیغ و تیر و غیر آن بندد نیکو شود
طا شوم تا تما سر مود ایضاً اگر این افسون را بر
خاکستر خوانند و بر زخم افکنند نیکو شود و درد و بخت نکند
مجربست ادام تا پسند تو ای جوان آورده اند که اگر زخم و
جراحتی چون ورم بسیار آید و نا پسند چون کاو را و بمالند درد
حال باز ایستد و اگر کسی کودک نابالغ با خاکستر هم کند
در جراحت مالد نیکو شود و خاکستر بر داغ نیز همین خاصیت دارد
ایضاً بجهت قروح و جروح این را بر هفت پاره کلوخ هفت
بار بخوانند هر پاره یکبار و بر زخم مالد و در آب روان اندازد شفا
یابد ایود احدکم ان تکون له جنة من نخیل و اعناب
تجری من تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات و اصابه
الکبر و له ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار
فاحترقت کذلک یبین الله لکم الآیات لعلکم تتفکرون
ایضاً در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام منقول است که هر که را و دی یا جراحتی باشد کاردی را

بکشند و سر آن موضع بمالد و بگوید اُنْفُذْ مِنَ
الحَدِّ والحدیدِ ومِنَ الاَثَرِ والعُودِ ومِنَ الحَجَرِ
المَلْبُودِ ومِنَ العِرْقِ العاذِقِ ومِنَ الوَرَمِ الآخِرِ ومِنَ
الطَّعامِ والجرحِ ومِنَ الشَّرابِ وبَرْدِهِ امْضِ اِلَیْکَ بِاِذْنِ
اللهِ اِلی اَجَلٍ مُسَمًّی فی الاِنسِ والجِنِّ والاَنْعامِ بِسْمِ الله
نَمَتْ بِسْمِ اللهِ خَتَمَتْ جهة دفع لکه که در بدن
بهم میرسد مانند خشکی و دیدان و جوشش که زرد آب
از آن تراود خطی بر دور آن بکشد و وسط آن بنویسد
یَوْمًا یَوْمًا ثلاثًا اَدْعُو اَصْواتًا وَهِیَ تَمُرُّ مَرَّ
السَّحابِ صُنْعَ اللهِ الَّذی اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهُ
خَبیرٌ بِما تَفْعَلُونَ ایضاً بهمان دستور در صباح
ناشتا بنویسد و اگر در روز چهارشنبه بوده باشد
بهتر میباشد ایضاً هَرْبَقَهْ مَرْبَقَهْ حَتّی
تَحْتَ الطَّرِیقَةِ ایضاً در صباح بهمان طریق سابق
بعمل آورد که فهرید فهرایید کرمن کر و هن
سالا درخشک باد بحق الملک القدوس ایضاً
تجربه رسیده که برشته نطعه چوب بید تا این اشکال را

اشکال را بنویسد و بجائی بیاویزد و چون چوب خشک شود
اثر آن برطرف شود اول خلقه بلیته خلق
خالق بالغ برجا با لله دوم ثلقه بلیته خلق
خالق بالغ سیم کشته ادیوم باسم فلان بن
فلان ایضاً خواص آیات قرآنی آورده که هرکه آیه و 8
یَسْئَلُونَکَ عَنِ الجِبالِ فَقُلْ یَنْسِفُها رَبّی نَسْفاً فَیَذَرُها
قاعاً صَفْصَفاً لا تَرَی فیها عِوَجاً وَلا اَمْتاً بر ظرف سفالی نو بنو
در بهر نبشته محو نماید و در دمل یا آبله و جراحتی که در بدن باشد
بمالد بر شود و در نسخه دیگر بنظر رسیده که جهة دفع دمل بجهه
دور آن خطی بسیاهی بکشد و این دو آیه را بر آن بخواند خشک شود اول
وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الاَرْضِ ما لَها
مِنْ قَرارٍ دوم وَیَسْئَلُونَکَ عَنِ الجِبالِ تا آخر آیه کما مر باشد که در فوق
ذکر شد ایضاً معالجه عرق مدنی که بعربی رشته گویند و
دهنی نیز نامند و اذا هو بکثیفة و اذ صار غلیظه بهم میرسد
خصوصاً در بلاد لار و فارس و اکثر از مفاصل مانند جیاء
بیرون می آید با بد بچوبی نمانند آن هر روز به پیچد برتق
تا تمام آن بیرون آید و پاره نشود که هرگاه قطع شود تا نجای

برنیاید دیگر خواص الآیات مذکور است که بجهة آبله چشم مجرّبست که
رشته‌ای کر کودکی که هنوز دندان نینداخته باشد رشته باشد هفت
لاو کند والم نشرح بخواند و بر هر کاف یک کره بر آن زند تا هفت کره شود
و بعد از آن هفت بار دیگر سوره نرجه را بر آن خواند و از پیش چشم کسی
که آبله داشته باشد بیاویزد آبله زایل شود و گفته اند که اگر با هفت عدد دانه
حنا بسته بند آبله در چشم او بر نیاید ابن تمیمی گوید خاصیت جزو آورده
که اگر آب گر چون وزانیانه زهر بشکاوی منع آبله و حصبه میکند اما اگر
در چشم افتد این آیه را بر کند مایه نمک خواند و در آب اندازد و یحیی
و یمیته و واره‌ی ارهیله بر رق بچید تا تمام شود و پاره شود
که هر گاه پاره شود انجای دیگر بر وزنی کند و در کتاب مکارم مذکور
است که بجهة عرق مدنی پشم شتر را ببستن کن و بتاب و هفت کره	نه بکار ده عقد [illegible]
بر آن بزن و هر کره سه مرتبه سوره حمد را بخوان پس سه مرتبه دیگر آیه مخصوص
استعاره بخوان بسم الله الابدی المحصی العدید القریب لما	الابدیه
بعد الظاهر عن الولد العالی عن یولد المحرز لما وعد العزیز
بلا عدد القوی بلا امد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا	مدبره
احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والخفیة یا من السموات	والحقیقه
بعد رتبه مرجاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال باراده

مرهاة يا من تحيى به صاحب العرق من كل آفة وبلية صل
على محمد وآل محمد خير خلقك واشف اللهم فلان ابن
فلان بشفائك وداوه بدوائك وعافه من بلائك
انك قادر على ما تشاء وانت ارحم الراحمين وصلى الله
على النبي محمد وآله **ايضا** هفت نيزه چون بنام باشد چون شروع
بجاريدن كند بر آن اين آيه را بنويسند ويسئلونك عن
الجبال فقل ينسفها ربي نسفا فيذرها قاعا صفصفا لا
ترى فيها عوجا ولا امتا وصبر آن بما الدنا نافع باشد و
اين معجون نيز العجب عرق مدني نافع يافته اند و[illegible] مثقال
پوست بليله پوست هليله پوست آمله مقشر تربد سفيد زنجبيل
قنبيل بالسويه با عسل بوزن ادويه سرشته درهم كرده [illegible]
كردانيد هركاه عرق پاره شده باشد موضع را بطول [illegible]
مرهم را استعمال نمايد موم مرداسنگ خاكستر [illegible] آهك
معه را باريك كرده كل [illegible] ادويه را مخلوط كند و حجر الشهاب
زرد نطول را با روغن بنفشه مخلوط كرده استعمال نمايد ودي
قد النافع آورده كه [illegible] كه دختر نابالغ رشته باشد تا بنده
هفت گره زند و بر هر گرهي هفت مرتبه ابن الحاني [illegible] ببندد

تعويذ ر — النظامي ر — الطباء ر — باديه — ملخص

نبايد نافع كرده ولكر بر عونيه كه فرزند ان نسيده انا و ساقط كرده
نبود سالم ماند ان كل نفس لما عليها حافظ فلينظر الانسان
مم خلق خلق الانسان من ماء دافق فالله خير حافظا
وهو ارحم الراحمين **ايضا** مكر اين رباعي را بر آن خوانند دميد
رفع شود **رباعي** الهي درد ها را از تو دارو شفا بخشي [illegible]
درد نا رو شفا [illegible] ازين درد الهي بحق [illegible] تيسيد نار
**ايضا** بر آن موضع بقلم خشك بنويسند يا عليقا يا طليقا
طوبايا سليقا در حوالي اين شكل بنويسد طلقمه
**ايضا** اين شكل را بر حوالي آن بنويسد نار
**امتا**
طلقمه
الله — علقمه
ملقمه
معالجه [illegible] شود بعد كه آن نار
نار [illegible] كويند ولي شوري
باشد كه از حرارت و خون حادث شود ودر دواب [illegible]
ورم خشك شود و [illegible] كردد و [illegible] باشد و [illegible]
آن آب [illegible] باشد و [illegible] آن خطها سرخ [illegible] باشد
نا [illegible] آتش باشد **معالجه** آن حضض [illegible] با لعاب [illegible]
ضماد سازند [illegible] [illegible] معتد بود و از [illegible]

آلم — نا [illegible] — الجبه در — [illegible]

کند و هم چنین مرداسنگ را با سرکه بسایند و بروغن گل تقطیر نموده
بسپید آب قلعی برشند و ضماد نمایند نافع است اما معالجه بنات
اللیل یعنی بثور غیر متقرح با حرقت و خارش قطعه قطعه که
آنرا هاربری گویند صبر زرد مرضا فه عدس با سرکه و عسل با
و بد بستو سرکه بعوره و حنا و زعفران بغایت مفید است و اما سرب
بکلیه ثم قاقلة با آب کرده از مجربات است و بر سر طلاء نمودن هلیله زرد
با صبر زرد و افیون با طراوت باشد مالیدن او و هم با آب کاسنی و آب
کشنیز و هم چنین آب برگ درخت بید با صندل و مجموع بر سینه از 8
مجربات است و در ساعت دفع نماید اما معالجه زخم بی علاج نا
که آن نا عادی است بقدر یک نخود بزرگتر و کوچکتر که حوالی مقعد و گوشه
چشم و بینی و سایر محلها بر می آید با خارش بسیار و چون شکافته
شود زرد آب با کف بیرون آید استخوان آدمی را سوخته خاکستر را
با لعاب صبر سایند طلاء نماید اگر چه کهنه باشد دفع شود و هم
چنین خراطین را با خون زرد کوش بسایند و بر ناسور طلاء کنند دفع شود
و در تحفة المؤمنین از مرهم زنجفر ناسور ناسور و غیره ذکر کرده
روده چوبه را سنگ هر یک ده درم زرد سایند به بلجهار رقیه مثقال
روغن گل و دو درم موم و آب خالص بقدری که آرد و تر را بپوشد با آتش نرم

زهر بجوشانند تا زهر سم شود و ضماد نماید بعضی از طبیبان استماع نموده
و تجربه کرده تریاق زعفران هوچوبه گویند با تخم مرغ
مسحق الیبض سرشته با روغن گل با روغن کنجد مخلوط نموده طلا نماید که
نافع است فصل پنجم در دفع ثالول و سلعه و خراز از
علی ابن النعمان منقول است که بخدمت امام رضا علیه السلم عرض
کردم که ثالول بسیار کرد که بفارسی گوینده بدن من بهم رسیده
با این سبب غمگینم فرمودند که برای هر ثالول هفت دانه جو بگیر و دو بر هر جو
هفت بار این آیات را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة
لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت الارض رجا و
بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا و یسئلونک عن الجبال فقل
ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا
و لا امتا پس هر جوی را یکبار بر هر ثالولی بمال و هر را در پارچه
نوی بند و سنگی بر آن ببند و در چاه کنیف بینداز و بعضی گفته است
که از عمل بعضت الشعائر کوی راوی گفت که چنین کردم و بعد از یک
هفته تمام برطرف شد و از امام جعفر صادق علیه السلم منقول
است که دست بر ثالول مال الصبر سبه از دعا بخوان بسم الله و
بالله محمد رسول الله صلی الله علی محمد و آله و لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم اللهم انج عنی ما اجد و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلم رویتست که در کبود ماه هفت روز متوالی
بر ثالول این آیه را بخوان زائل شود مثل کلمة خبیثة کشجرة
خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار و تبیت الجبال
نبا تکاثف هباة منبثا وایضا بر کند ومیخوانند استر یاری
الله و آن کندرا بر دو ر آن بالدو در زمین نمناک دفن کند زودی
دفع شود وایضا سوره توحید را بعدد آن بر کند وخوانند بر آن
بالدو در زمین نمناک دفن کند زودی زائل شود وایضا پارچه
نمک بر ثالول بمالد و سه مرتبه این آیات را بر آن بخوان لو
انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره و آن نمک را در تنور بسوزان
اندازد و باز کرده دفع شود وایضا این شکل را بر کاغذی نویسند
و بر ثالول بمالد و در زمین نمناک دفن کند چون کاغذ مضمحل شود
ثالول بتحلیل رفته باشد [illegible] وله کسوا سحدوم وایضا
در بعضی از کتب خود گفته اند که چون در اول هلال ماه بعدد ثالول به
هر یک از آن یک نخود را مالید مجموع را در پارچه بسته انبان
هر دو پای از بالای شانه آن پارچه را بجانب عقب بیندازد در آخر
ماه جمیع ثالول بر طرف شده باشد و بعضی آورده که بعدد

کاشی ؛ ل

بیزم

بعدد ثالول در شب یکشنبه دانه ماش شماره نماید و در پارچه بندد
و پنهان کند که هر ماشی را همت باد بر ثالول مالیده با هیچکس سخن
نکند و سلام نگوید جواب ندهد و برود و در متوضا یا چاه اندازد
چون ماش کنده و مضمحل شود ثالول ضایع گردد وایضا انگشت وسطی
را از دست راست بر کف دست چپ بمالد و سه مرتبه این افسون را
بخوانند و ثالول همه دفع شود عن زخ زخا من زخ زخا تتبدل
زخا فما له من قوة ولا ناصر ایضا بعد از نماز صبح سه بار بر آن
بخوانند بر طرف شود بسم الله الرحمن الرحیم ازخ زخ مزخ
زخ تتبدل زخه فما له من قوة ولا ناصر و در بعضی نسخ اطبا آمده
بنظر رسیده که اگر وزغ را در وقتی که از آب بیرون می آید بگیرد و بر
ثالول بمالد و بعد از آن او را بخرقه ببندد و در زیر سنگ گذارد ثالول
زائل گردد و هم چنین گفته اند که بجهت دفع ثالول و قوبا حجل را بآب
سائیده بمالند و در روز بر طرف شود واما معالجه سلعه که
آن گوشت زائدیست که در زیر پوست بدن آدمی حادث میشود مانند
غدد و حرکت میکند در گوشت بدن و انواع غلافی میباشد که از عضو
خارج بود و مقدار فوفلی تا بطیخی باشد و در حدیث منقولست که
شخصی از حضرت صادق علیه السلم عرض کرد که ماده و کنده [illegible]

زخ یعنی م
وشان م
مرز ؛ ل
زائل م
اثر م
سلعه درد زائل ؛ ز
اواز م

من بید اشده است فرمود که سه روز روزه بدارد و روز چهارم
در وقت زوال غسل کن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بکن
به هر سوره که خواهی و تا توانی سعی کن در گریه و تضرع و خضوع و خشوع
قلب و چون از نماز فارغ شدی دستهای خود را بگشا از دو جا که بهم
پاکن بطریق لیک بر خود بکن و دستها خاک بسجده رو و پهلوی راست روی
خود را بر خاک بگذار و بعد از تضرع این دعا بخوان و بسیار تضرع و الحاح
تا یبوسکند که خاطر مطمئن باشد و صاحب یقین باشی که تاثیر می بخشد
انشاء الله چنین کرد بزودی عافیت یافت یا واحد یا احد یا صمد یا
کریم یا جبار یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد
و آل محمد و اکشف ما بی من ضر و البسنی العافیة الشافیة الکاملة
فی الدنیا و الآخرة و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی
فقد آذانی و غمنی ایضا سوره انفطار بر صرع بخوانند ساکن
گردد ایضا معالجه بخار که بفارسی کچلی نامند نجاست آدمی که
مدتی از آن اشد بر روغن کنجد ترکیب کنند و کشک سوخته و جو سوخته هم
سوخته را ساییده باشند بجهت خارش مجربست زرد چوبه و حنا
و هلیله زرد مازو عفص مردار سنگ آمله مقشر هر کدام جزوی
برابر کلا نرم جدا جدا بعد نمایند فصل چهارم در دفع خنازیر و سرطان

کرم

کچلی

اعضا از هم پاشیده

سختی تان ...

و سرطان بجوشد و اسپند و اسفناج و لقوم و کلف مجدد و دوا الثعلب و
غیر آن و رد دیگر حدیث معتبر از امام رضا علیه السلام منقول است
که فرمود دختری را در خانه مادر کردنش خنازیر اخراجیم رسیده
بود در خواب بزرگی گفت که بگو این دعا را تکرار کند یا رئوف یا
رحیم یا رب یا رب یا سیدی چنان کرد عافیت یافت
و دیگر در کتاب مکارم آورده که سه روز هر روز سه بار بر خنازیر هر
خوانند بسم الله و بالله و الله اکبر الله اکبر و هو یامرک ان لا تتکبر
له تکبیر پس سه بار بگو مبدا یبتدا باللیل قبل ان یبتدا بک و
در هر بار آب دهن بر آن بیندازد افسون هندی که بجهت خارش بادها
و دردها و زهرها و زخم و مجروح کردن همه اندام تیم رسد مانند
خنازیر و سرطان و نقرس و هر علتی که بهیچ دوا علاج پذیر نباشد
بنویسد و بر هر جا که آن علت بود ببندد و در پارچه کاغذی بنویسد و به شوید
بجوید سه روز متوالی صحت یابد یا بر روغن بادام تلخ سوده یکبار بخوانند
و بر عضو متالم مالد نفع نماید و بجهت دفع دیو و پری و سحر بجا دو بد
بر آن روغن بخوانند و بر اعضا بمالد یا جل و نخ یاد بخوانند بر آب و از آن
غسل کنند و بخورند و بجهت درد شکم یا نزده بار بخوانند صحت یابد بسم
الله الرحمن الرحیم اوام ازها ام کهکلا کحیما ارحا تر حاوا ...

لیس

پابه

شوید

ستور ساقه

دفع شود

کچیرا ...

مجرب

مُتَ مُحبِّ سواها بحق سوالها ایضا بجهت خنازیر بعد از آنکه نماز
عصر گذارده باشد دوازده یا سیزده مرتبه بخوانند و بر آن
دست فرود آورد سری بیمها سیری سدع وقصری جرجبانی
مسند بیرلاه خنجر بحق ابراهیم خلیل الله ایضا بجهت دفع
خنازیر و دمل و آماس کلو و غیره حواج بر آن موضع بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم یا ممیت فی حیاته یموت اخرج بحق
الحی الذی لا یموت ایضا این شکل را بنویسد و بر موضع خنازیر
ببندد دفع شود مجربست لحـ✳و اا و ع و اطما بحریبد
بادمها اندکه چون سرب را با آب کاسنی بسایند تا غلیظ شود
و روغن گل با روغن بادام با تسویه مرهم طلا منفرج و جرب حار
و حکه را و ورم حار را ضماد نمایند نافع باشد و اگر با آب کشنیز
یا آب بارتنگ بسایند هم نافع آید افسون هندی بجهت دفع
سرخ باد و آتشک سه روز بعد از طلوع و غروب آفتاب بر آن خواند
و کارد آهنی که دسته آن نیز آهن باشد بدست بگیرد و بر آن جلد
اورد و اشاره نماید بر طرف شود یا چند خاشاک بستاند و بجای جب
باد سرخ و آتشک بعوض کارد فرود آورد سه روز چنین کند دفع کرد
و افسون این است که ابر سرخ بر آید باران سرخ بیارد و کیا سرخ بر آید

الوجع در

بدمسوره رساتی

زانیکه سرخ ببرد هل هو هو هل هو هو نه بار بگوید و بعد از آن
بگوید و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و
بالحق انزلناه و بالحق نزل هل هو هو هل هو هو نه بار بگو
بعد از آن بگوید ایها الریح الحمراء تعالی الی من یزعم ان
مع الله الها آخر فانه یشهد ان لا اله الا الله هو الحی
القیوم برحمتک یا ارحم الراحمین و اما معالجه باد سرخ زود دا
و غیره اولا مطارت هر بامداد بخوانند بر لعاب دهن و آن را طلا کند دفع
شود بسم الله الرحمن الرحیم الحارقوا والمارقوا قم باتیا بحرمت
لعاب دهن مصطفی صلی الله علیه و آله ایضا بجهت دفع درد باد سرخ و آتشک
آن بخوانند و آب دهن انکند بر آن دفع شود بسم الله الرحمن
الرحیم ننزل نو تل هو الله احد و فتنی بر کوه ... آب باد خوش
شدی بر وای درد خوش شو بحق لا اله الا الله محمد رسول الله
صلی الله علیه و آله ایضا بجهت دفع آن بر کوزه سفال ننقش
بنویسد و محو نموده بخورانند بجهت باد ها خصوص جرب تا نافع است بسم
الله الرحمن الرحیم علیقا ملیقا انت تعلم ما فی قلوبهم ملیقا
ایضا بنویسد و بخورانند و افسون کند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی محمد و آل محمد بحق لا اله الا الله محمد رسول الله

مجرب در

باد سرخ آتشک

بحق اسم الله الاکبر بحق کهیعص و بحق حمعسق ای درخت بزرک
مشو خدای بزرک گشت رسول خدا در دنیا بود او را جان بشد
تو نیز از جان بشو تو نیز از جان بشو تو نیز از جان بشو همچون
کوه آمدی همچون نمک بگداز بسم الله الرحمن الرحیم کأنهم حمر
مستنفرة فرت من قسورة ان یشأ یسکن الریح فیظللن
رواکد علی ظهره ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور یا
ایها الریح ذوبی کما یذوب الملح فی الماء والنحاس فی النار
مات محمد صلی الله علیه وآله واذ خرج من الدنیا فاخرجی
من هذه النفس بحق محمد وآله اجمعین واطباء مجرب باشند اند
بجهت دفع حرارت که از باد سرخ کویند که اگر موضع را تیغ زنند تا
خون برآید بعد از آن عصاره حی العالم را که آن را همیشه بهار کویند
بر آن موضع طلا نمایند نحوی که خون با آب مخلوط کردد ایضا بجهت باد سرخ
وکل او دام جانه مجرب است که کچ را درهم بخته با آب کشنیز بسیار تر
تر شوند و آن مقدار بر هم زنند که کچ اینکی نایل شود و مکرر طلا
نمایند ایضا در کتاب خزانة الاسرار از حضرت صادق علیه السلم
روایت کرده که سوره غاشیه را بیست و یک بار بجهت باد هائی که در اندام
باشد خاصه باد سرخ بخوانند زایل شود اما معالجه فالج و آن علتی است

فالج

است که دست و پا و اعضا را سست و بحس میکند بجهتی که صاحب آن
تصور میکند که آن عضو افتاده است این آیات را بنویسند و باخود دارد
و بر آن نیز بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء
و یثبت وعنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض
جاعل الملئکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع
باسم فلان ابن فلان ایضا از امام محمد باقر علیه السلم مرویست
که بجهت فالج و لقوه و باد ها از هر علتی که باشد این دعا مفید است
و معوذتین را بر جامی مشک و زعفران بنویسند و این دعا را نیز درد
نخالجها بنویسند اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التی لا ترام
و بقدرته التی لا یمتنع منه شیء من شر هذا الوجع ومن
شر ما فیه ومن شر ما احذر منه واگر بوی باشانه که سعدی
بنویسند بیرون نیست و به آب باران بشویند و اول صباح ناشتا وقت خواب
بیاشامد نافع و مبارک است ودر [illegible] الحجر المنافع بجهت مفلوج شدن اندام این
آیات را بزعفران بنویسند و سه روز بخورد صحت یابد بسم الله الرحمن
الرحیم من یطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولی فما ارسلناک
علیهم حفیظا ویقولون طاعة فاذا برزوا من عندک بیت طائفة
منهم غیر الذی تقول والله یکتب ما یبیتون فاعرض عنهم وتوکل

از او به
جعفر صادق ع
ولقوه
ووجع
خواهد
ذکر کرده که

علی الله وکفی بالله وکیلا ایضا بر سه دانه انار و بر سه برگ کنار بر
هر دانه و برگی یکبار بخوانند لا تاخذه سنة ولا نوم له و در دهان
اندازد و بیرون نیاورد تا تمام شا ببیند معالجه لقوه شخصی بخدمت
حضرت صادق علیه السلم عرض کرد که بادی بسر تا پای مرا فرو گرفته
فرمود عنبر بوید غرنیق او را صباح ناشتا بدماغ بچکان و در روایت دیگر
وارد شده که شخصی را لقوه عارض شد بخدمت حضرت صادق علیه السلم
عرض کرد فرمود بر روضه رسول الله برو و دو رکعت نماز بگذار و دست
بر آن گذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله بهذا
اخرج اقسمت علیک بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم موسی
تکلیما وخلق عیسی روح القدس لما هدات وطفات کما
طفئت نار ابراهیم خلیلا اطفئی باذن الله دو مرتبه چنین
کرد عافیت یافت و در روایت دیگر سوره اذا زلزلت بخوانند بنویسند
تا در آن نظر کند شفا یابد انشاء الله تعالی و در نسخه نظر دیده
که این سوره را در آیینه فولاد بنویسند و در خانه تاریک در آن نظر
کند و مروی است که اگر سه نوبت بنویسند این سوره را و بشویند و بصاحب
لقوه دهند تا بیاشامد شفا یابد انشاء الله تعالی و منقولست که
ابن محمد بن جعفر حضرت امام موسی کاظم علیه السلم عرض کرد که شخصی را باد لقوه

لقوه بهم رسیده و قهر و چشمش را برگردانیده فرمود که یک مثقال از
قرنفل بگیرد و در شیشه کند و سرش را محکم کند و گل بمالد و در آب
بگذارد و بقدر یک روز در تابستان و دو روز در زمستان پس از
شیشه بیرون آورد و بکوبد و با آب باران مخلوط سازد و بر پشت
بخوابد و بر اعضای بیمار که کشیده است بمالد و بر آن حال بخوابد تا
انکه قرنفل خشک شود چون چنین کند آن مرض از او برطرف شود و
در نسخه نظر رسیده که اگر کسی را روی بگردد و دهانش کج شود این آیات را
بنویسد و بیاشامد و روی را بدان بشوید شفا یابد فسخرنا له
الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب والشیاطین کل بناء
وغواص وآخرین مقرنین فی الاصفاد هذا عطاؤنا
فامنن او امسک بغیر حساب الم نجعل له عینین و
لسانا وشفتین وهدیناه النجدین و در خواص القرآن مذکور
است که هر که آیه قد نری تقلب تا آخر بر جام روئین که جوهر او جلا
داده باشد بنویسد و گلاب و آب بنویسد و بشوید و صاحب لقوه بعد از
انکه سه ساعت در آن جام نظر کرده باشد روی خود را از آن آب
بشوید تا سه روز چنین کند لقوه او زایل شود و اگر از آن آب بر صاحب
فالج و تشنج ریزند آن مرض از ایشان نیز زایل شود انشا معالجه [illegible]

روا نشده که

وروی است بابادی که در تربه ضلع و عضو پیدا میشود بیجیب آن را با دغوان
برعوالی آن طلا نمایند عافیت یابند و اگر بیجیب آن را با سداب با آب
زرب پخته بخورند صاحب اسهال منتفع گردد واز امام رضا علیه السلام
منقول است که
بجهت اسهال بیجیب آن را با مورد پخته بخورند واز برای درد پهلوی
راست بیجیش را با آب تیره که پخته باشند بخورد واز برای درد
منتقل م
پهلوی چپ با آب ریشه کرفس که پخته باشند بخورد دعوات
دعا چون در احادیث متفرقه بود بنابراین اقتصار شد **بفال**
**بپیچ و غیره**
**بیچ** درد دمع برص و بهق و جذام و آکله و جرب بقوبا و حکر و
نقرس **ود** حدیث معتبر یونس از عمار شکایت کرد بحضرت صادق
علیه السلام از بیهی که در روی او بهم رسیده بود حضرت فرمود که
اول از
ثلث آخر شب شود بما زشب برخیز و وضو بساز و در سجده آخر
دو رکعت نماز شب این دعا بخوان یا علی یا عظیم یا رحمن و یا
رحیم یا سامع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و
آل محمد واعطنی من خیر الدنیا والآخرة ما انت اهله واصرف
عنی من شر الدنیا والآخرة ما انت اهله واذهب عنی الوجع
وناما آن آزار را بسم و بگو فانه قد غاظنی واحزنتی پس مبالغه کن
در دعا و تضرع راوی گفت هنوز بکوفه نرسیده بودم که بیهی از من

من زائل شد **ود** روایت دیگر منقول است که اسحق بن عمار و غیر او
از همین علت بیان حضرت شکایت کردند فرمود که وضو بساز دو
رکعت نماز بکنید و حمد و ثنای الهی بجای آورید و صلوات بر محمد
وآل او بفرستید و بگوئید یا الله سه مرتبه یا رحمن سه مرتبه
یا رحیم سه مرتبه یا واحد سه مرتبه یا احد سه مرتبه یا صمد
سه مرتبه یا ارحم الراحمین سه مرتبه یا اقدر القادرین سه مرتبه
یا رب العالمین سه مرتبه یا سامع الدعوات سه مرتبه یا منزل
البرکات سه مرتبه یا معطی الخیرات سه مرتبه صل علی محمد و
آل محمد واعطنی خیر الدنیا والآخرة واصرف عنی ما اجد فقد
غاظنی الامر واحزننی راویان گفتند والله که از مدینه بیرون
نیامدیم که مانند بیس بر طرف شد **واز** امام موسی کاظم علیه السلام
منقول است که خوردن تنور بلعیکوشت گاو برص و جذام را زائل میکند و
حضرت صادق علیه السلام فرمود که سوره انعام را با عسل بر ظرفی
بنویسند و با آب بشویند و بخورند تا بر طرف شود **ود** حدیث دیگر سوره
یس مذکور شده **ود** روایت دیگر فرمود که هیچ چیز نافعتر نیست از برای
برص از تربت مقدسه قبر امام حسین علیه السلام با آب باران بخورند
در آن موضع مالیدن **ودر** روایت دیگر بعمار یاسر فرمود که موی زاید

واصرف عنی شر الدنیا والآخرة واذهب
عنی ما لعبد در

بجنسانه و آن آب را بخورد چنان که منتفع شود ودد دیگر روایتست که شخصی
از برص و عقوق بد و شکایت نمود فرمود که بحمام رو و حنا را با نوره مخلوط
کن و بر آن موضع بمال که دیگر آن را نخواهی دید واز امام رضا علیه
السلم منقولست بجهت دفع لکهائی که در بدن بهم رسد با او است که
که در شب چون آید به نظر کن و قبضه خاک برداری و بر آن بکن
بمال و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و آیتنی و لدار
سیعود نضرک والله یحیی اترک ادفع یا لیلی بعدک ایضا بجهت دفع بهق

الله

اندکه موضع پیسی را سوزنی بزنند که خون برآید علاج پذیر باشد و اگر
خون نیاید علاج اثر نکند ودد بحر المنافع آورده که خاکستر چوب
سپندان را با آب ترکند و از دعا ابیات مکرر به را بخواند و بر آن
طلا کند تا هفت روز دفع شود بسم الله الرحمن الرحیم و
توکل علی الحی الذی لا یموت ایضا بجهت دفع بهق مجرب دانسته
اندکه چهل روز متوالی بعد از نماز سنت بامداد چهل و یک بار سوره

هو الله

فاتحه متصل بسمله بخواند یعنی که میم رحیم را بلام الحمد وصل کند
و اگر یکروز ناغه شود باز از سر گیرد نفع کلف بهق که تجربه کرده اند
بر محل بهق این آیه را نافع شود و ان من شیء الا عندنا خزائنه
وما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم

او ینفعونکم او یضرون ودد بحر المنافع آورده بجهت بهق و برص این آیه را
بخواند و تعویذ کند وسخر لکم ما فی السماوات وما فی الارض
جمیعا ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون ودم چنین سوره
احقاف تعویذ بودن همین خاصیت دارد و بجهت دفع بهق تعویذ نماید
ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف علیهم ولا هم
یحزنون اولئک اصحاب الجنة خالدین فیها جزاء بما کانوا
یعملون ووصینا الانسان بوالدیه احسانا حملته امه کرها
ووضعته کرها وصلی الله علی محمد و آله اجمعین ودد بحر المنافع

ودر بحر منافع مجرب بعضی از مداوای دفع
بهق مذکور خواهد شد

است که آب تخم ترب بهق را علاج دفع شود اطبا گفته اند که چون کرده بود
سیاه را شرحه کرده و گوگرد بر او پاشیده کباب نماید و از آب آن تریاق

ودد بد

آن بر بهق طلا نماید دفعه زایل گردد واز مجربات شمرده اند رفع
جذام و اکله این آیات را بخوانند و بنویسند و با خود دارد بسم الله الرحمن
الرحیم یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب الحمد لله
فاطر السماوات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة
مثنی وثلاث ورباع باسم فلان ابن فلان ابن فلان از امام محمد باقر و صادق
علیهما السلم روایتست که هر که را علم دل خود را شکایت دارد خواه
خاک بخورد بحبه و از امیر المومنین علیه السلم روایتست که شان

کرفتن درد هر عضو اما انسان نخورد در بحر المنافع است که برای خوره
از آیات التعویذ نماید انه من آیات الله مجریها فادت لی نار جهنم الی
قوله لهم الدرجات العلی کل نفس ذائقة الموت ونبلوکم بالشر
والخیر فتنة والینا ترجعون ۵ والجبا ازبرای دفع آکله
وجذام مجرب دانسته‌اند صمغ سوخته و مغز و پوست بادام خشک
بکیرند و تخم ریحان بوی داده بجزء کافی و قصوری ربع جزو زرد
ایضا از زرد چوب جهت آکله مفید است و جهت قروح صعبه و بواسیر
الانف و بواسیر مجرب است استخوان ریم باسوخته صبر و زرد بالسویه زرد
نماید و هم چنین برگ عناب خشک را نرم نماید جهت آکله مفید است
و ضماد برگ زردک نیز همین خاصیت دارد و آشامیدن یکدرم بول
بزکوهی با سرکنجبین تا چهل روز باعث شفای جذام مستحکم دانسته‌اند
اگرچه بتجربه نرسیده باشد از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم روایت کرده‌اند این تعویذ بنویسد جهت کسی که مبتلا شده
باشد به بلائی از بلاهای تازه مانند آکله و غیره گفت دست بر
سر بیمار بگذارد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و
بالله والی الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله ابراهیم
خلیل الله موسی کلیم الله نوح نجی الله عیسی روح الله محمد رسول

رسول الله صلوات الله علیهم اجمعین من کل بلاء نازل و وجع
وکل ریح و ارواح و اوجاع قسم من الله و عزائم من الله لفلان
ابن فلان لا یقربه الاکل واعیذه بکلمات الله التامات التی
سئل بها آدم علیه السلم ربه فتاب علیه انه هو التواب
الرحیم الا ایها الجوذ ایتها الاوجاع والارواح لصاحبه باذن
الله تعوذ بالله بقدرة الله الا له الخلق والامر تبارک الله
رب العالمین بعد از آن سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و یک
عشر از اول سوره یس بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم یس والقرآن
الحکیم تا آنجا لا یؤمنون و بگوید اللهم انی اسئلک
بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفیه
من علته هذه بحرمة محمد و آل محمد اما معالجه جرب و حکه
و قوبا و نقرس اول در فصل دعای آن گذشت و در ذکر معالجه
سرطان نیز بعضی از ادویه مذکور شد و اطبا ضماد شیر انجیر را
با آرد جو برای جرب متقرح و قوبا و کلف و بهق مجرب دانسته‌اند و هم
چنین گفته‌اند که جعل را با آب بسایند در سائل و قوبا مالند در روغن
مائل شود و طلا کنند کثیرا را بوره و کوکرد جهت جرب و حکه با سرکه جهت
بهق و برص و با لعاب جهت شق شکم مجرب دانسته‌اند و طلا نمودن

مغز تخم کدو و تخم هندوانه با شیر مقشر آن جهت هر سرفه که با حرارت باشد
از مجربات است دیگر سرکه شیره با آب کاسنی با آب گشنیز با آب ... ساید
تا غلیظ شود و با روغن گل و بادام بالسویه بر پیشانی مفرح و جرب
حار و حکه و اورام حاره ضماد نمودن نافع است و هم چنین خشخاش سوخته
ببرگ و هم چنین صبر ندو و نشاسته و لعاب کاسنی جهت دفع حکه که حرارت
باشد مؤثر است و هم چنین ضماد آب برگ حی العالم با خاصیه خارش بدن
آزموده است و طلای سفال تنور با سرکه جهت حکه و جوششها و خراز و سعفه
و جرب بقرص نافع است و هم چنین ضماد آب حی العالم را با آرد جو جهت
قروح خبیثه و درد مفاصل حاره و زخمهای کهنه و سوختگی آتش و غیره
و اورام حاره چشم و نقرس مجرب یافته اند و جهت فالج و خدر نیز مجرب است
و ضماد برگ چنبه با روغن گل جهت نقرس بعد یافته اند و هم چنین بول
بول شتر جوشیده با دهن جهت نقرس و فالج و خدر دارو مجرب است و از اعمال
از اشکال است که هر گاه کسی را کرمی و خارش در بدن باشد در سلخ هر ماه
که بنام هر که باشد بنام او نوشته در زیر خاک نمناک دفن کنند تا هفته
دیگر خلاص شود باذن الله ا ه ع ه سعلعل حد حما طه ادح
ما قلی بمسوده مجمل الحاجات در دفع المنافع آورده که این آیه را بنویسند صدور
قوم مؤمنین و این آیه قد جاءتکم موعظة من ربکم و شفاء لما فی الصد

قبل از ابتدا م

کرم بوده باشد

جاده هفانه

مجادم

الصدور و این آیه وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
بنویسند و از آن آب بیاشامد و وضو بسازد و نماز کند و کرر این آب
بنوشد و در آن روز هیچ مسکری نیاشامد صحت یابد ایضا سه روز
متوالی بنویسد باعتقاد درست و بنوشد بخورد و ما توفیقی الا
بالله اذهب یا جرب باذن الله الملک العزیز الاحد الصمد بسم
الله و بالله مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق
الارض ما لها من قرار الشافی هو الله لا اله الا الله لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم بسم الله الرحمن الرحیم لقد کان لکم فی
رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر و ذکروا
الله کثیرا فصل ششم در دفع گند دهان و زیر بغل و سایر
اعضا و عرق و دفع ... بدانکه شخصی بامام موسی کاظم علیه السلام
شکوه کرد از گند دهان حضرت فرمودند بسجود برو بگوی یا الله یا الله
یا الله یا رحمن یا رب الارباب یا اله الالهة یا مالک الملک
یا ملک الملکوت اشفنی بشفائک من هذه الداء و اصرفه عنی فانی
عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک راوی گفت که بعد از این
دعا را در سجود خواندم شفا یافتم و از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است
که موی زیر بغل را کندن کند بغل را بر طرف میکند و پاک کننده است و سنت

وهدی و رحمة للمؤمنین

ولا یزید

بوی دهان و زیر بغل

رسول خداست صلی الله علیه وآله و از امام علی النقی علیه السلام
منقولست که خوردن خرمای برنی کند دهان را زایل میکند و از
امام رضا علیه السلام منقولست که بخور دیا بخورد که برای دفع قولنج
نافع است و کند دهان را بر طرف میکند و استخوان را محکم می نماید
و سوده آن بلثه میرویاند و درد دندان را می برد ایضا سنونی که مضمضه کنند
خلنا ناسوکه بجهت بوی دهن و استحکام لثه و دندانها و قلع [illegible]
داشته اند و بجهت بوی زیر بغل اطبا گفته اند که اول با [illegible] موضع
را با تیغ [illegible] نموده و این دوا را عمل کند تا قدری خون دفع شود
و بعد از یکشبانه روز موضع را بشویند و تصریح نموده که دیگر عود
نمیکند و مجربست داروی خشک [illegible] طویل مجرب [illegible]
زعفرانی محرق زعفران هر یک جزوی با آب مورد تا نرم شده [illegible]
قرص سازند و بجهت بوی عرق بغایت خوشبو است که [illegible]
با توتیای مغسول [illegible] سوسن [illegible] صبر زرد و گل سرخ با
با گلاب و امثال آن طلا کنند و بجهت بوی انگشتان پای [illegible]
برگ تازه سوسن مجربست و بجهت بدبوئی زیر بغل و کنج ران صندل
سلیخه سنبل [illegible] مشک گل سرخ [illegible] کافور
نیم جزو با گلاب حل سازند و استعمال نمایند اما معالجه بوی [illegible]

او را از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر ورمی که در
بدن بهم رسد و ترسد که بجای بد منتهی شود در آن وقت که وضو بسازی
از برای نماز واجب پیش از نماز بر آن ورم این آیات را بخوان لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره و بر آن موضع بدم چون چنین
کنی آن ورم بزودی دفع شود و در خواص القرآن آورده که سه روز
متوالی هر روز هفت بار این آیات را بخوانند و بعد از آن [illegible]
زعفران بنویسند و به آب باران محو نماید و صاحب ورم بیاشامد زایل
شود و از [illegible] گفته که بنویسند بر ورم [illegible] یا بر ورم بنویسند
و ببندند [illegible] در حدیث دیگر از امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که بر هر ورمی که آیات آخر سوره حشر را سه نوبت بخوانند
هر شب آب دهان بر آن موضع بمالند ساکن گردد و در فصل دفع
دمل [illegible] بجهت ورم مذکور شد منقول از حضرت صادق
علیه السلام در فصل هشتم نیز بعضی از معالجات بادهای فاسد مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی فصل هفتم در دفع زکام و ضیق النفس
سرفه [illegible] از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست در معالجه زکام
که بینی را بروغن بنفشه آلوده کنند در وقت خواب بر مقعد گذارند
زکام دفع شود و اما در چند روایت وارد شده که علاج زکام را [illegible]

زکام و ضیق النفس

مکیند و دو بکر فرموده که مکیدن نک سیاه دانه و نیم دانک کندش از هر یک بند درد
دماغ و مند زکام برطرف میشود و اطباء جهة زکام شیاف دانه دار بروغن
تا انند و بخیه دود آن را استنشاق نمودن مجرب یافته اند ایضا سیاه دانه
دانیم کوب کرده چند قطره نمک هندی بر آن باشیده نیم کره در پس بستن و بدن
کویش بدستور استعمال نمودن بغایت مجربست چه زکام بسته شده
باشد بخواهد که کشاده شود قدری زعفران و قند بر آتش ریزد و پس
بخار آن دارد کشوده شود بغایت مجربست اما معالجه ضیق النفس در
روایت آمده که مفضل بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض نمود که تنگی
نفس دارم که اگر اندک راهی میروم نفسم تنگ میشود و میفتنم فرمود که
بول شتر بخور تا ساکن گردد ایضا بجرم رسیده که جهت ضیق النفس هلیله یعنی
برگها را در سفال نو بسوزانند و با عسل مخلوط کرده روزی یکوقیه بادام
و دیه بنوشند و نفقیه هفت مثقال و نیم است و هم چنین عرعر و نفوخ
و ضماد سرکین خشک سک باحجه خنان مجرب یافته اند خصوصا جهت
تعلیف با ستخوان نفط کند ایضا عرعر با آبی که عدس در آن خیسانیده
باشند یا جوشانیده باشند و در بحر النافع جهت ضیق النفس و ربو
و فهفهه ما از آیه را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الذی
ان شاء جعل لک خیرا من ذلک جنات تجری من تحتها الانهار و یجعل

و یجعل لک قصورا ایضا بخوانند و بعد بخوانند و ان فاتکم شیء من
ازواجکم الی الکفار فعاقبتم فاتوا الذین ذهبت ازواجهم مثل
ما انفقوا واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون متکئین علی الارائک
ولکل وجهة هو مولیها فاستبقوا الخیرات اما معالجه سرفه
در حدیث حسن مرویست که شخصی بخدمت آنحضرت شکایت کرد از سرفه
فرمود که قدری الخبزان روی آن قند بنبات سفوف کن یکروز یا دو
روز بخور آن شخص گفت بکار بستم خورده بر طرف شد مرویست که شخصی
بخدمت امام رضا علیه السلام از سرفه کهنه و سرفه جدید هر دو شکوه
نمود حضرت فرمود که بگیر از فلفل سفید و سنبل یکقالد از هر یک جزوی
و از زیتون بفنجر و بکوب و از حریر بیرون کن و با عسل کف گرفته
سرشته از برای سرفه کهنه و تازه یکجانه آن را با آب نیم گرم در وقت
خواب بخورد و در بحر النافع جهت دفع سرفه این آیات آورده که
تعویذ کنند و بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم ملعونین اینما ثقفوا
اخذوا وقتلوا تقتیلا و یوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائکة
تنزیلا لقد انزلنا الیک آیات مبینات والله یهدی من
یشاء الی صراط مستقیم بهجت درد گلو و شش و غیره در طب الائمه
از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که از ید الشی نقل فرمود که حضرت امیر

المؤمنين عليه السلام نموده كه هر كه دزد كلو داشته باشد و لب با سرفه كند
و خشكى او سخت باشد پس بايد كه تعويذ كند باين كلمات و اين تعويذ
را جامع از براى همچنين نام كرده بود و آن اينست اللهم أنت
ثقتي وعمادي وغياثي ورفيقي وجمالي وأنت مفزع
الفزعين ليس للهاربين مهرب إلا إليك ولا للعالمين
معول إلا عليك ولا للراغبين رغبة إلا لديك ولا
للمظلومين ناصر إلا أنت ولا لذوي الحوائج مقصد إلا
لديك ولا للتائبين متاب إلا إليك وليس الرزق والفرج
والخير إلا بيدك حزنتني الأمور الفادحة وأعيتني
المسالك الضيقة وأحرستني الأوجاع الموجعة ولم أجد
فتح باب الفرج إلا بيدك فأقبلت إليك بوجهي واستفتحت
عليك بالدعاء إغلاقه فافتح يا رب المستفتح واستجب
للداعين وفرج الكرب واكشف الضر وسد الفقر واجل
الحزن وانف الهم واستنقذني من الهلكة فإني قد
أشفيت عليها ولا أجد لخلاصي منها غيرك يا الله يا من
يجيب المضطر إذا دعاه ويكشف السوء ارحمني واكشف ما بي من
هم وغم وكرب ووجع وداء وتبيان لم تفعل لم أرج فرجي من

اللهم

رجائي و

ولا للطالبين عطاء إلا من لديك

بيدك

واكف

اشتفيت

لما فاتح لبس فرج من غيرك

من عند غيرك فارحمني يا أرحم الراحمين هذا مكان البائس
الفقير هذا مكان المستغيث هذا مكان الخائف المستجير
هذا مكان المكروب الضرير هذا مكان الملهوف المستغيث
هذا مكان العبد المشفق الهالك الغريق الخائف الوجل
هذا مكان من انتبه من رقدته واستيقظ من غفلته و
أفرق من علته وشدة وجعه وخاف من خطيئته و
اعترف بذنبه وأخبت إلى ربه وبكى من حذره واستغفر
واستعبر واستقال واستعفى وأصلح إلى ربه ورهب من
سطوته وأرسل من عبرته ورجا وبكى ودعا ونادى رب
إني مسني الضر فتلافني قد ترى مكاني وتسمع كلامي و
تعلم سرائري وعلانيتي وتعلم حاجتي وتحيط بما
عندي ولا يخفى عليك شيء من أمري وتعلم من علانيتي
وسرائري وما أبدي وما يكنه صدري فأسألك بأنك
أعلم على التدبير وتقبل المعاذير وتمضي المقادير سؤال
من أساء واعترف وظلم واقترف وندم على ما سلف و
أناب إلى ربه وأسف ولاذ بفنائه وعكف وأناخ رجاءه
وعطف وتبتل إلى مقيل عثرته وقابل توبته وغافر حوبته

واشد من وجعه

أناب

وراحِم غُربَتِه وكاشِفِ كُربَتِه ومُنافي عِلّتِه فاغفِر لي جميعَ
ما اخطأتُه واحصاه كتابُك وما اعفي من عِلمِك من ذنوبي
وخطاياي وجرائري في خلواتي تجرّئي وسيّئاتي
هفواتي وجميع ما تعهّد به حفظتك وكتبه ملائكتك
في الصِّغر وبعد البلوغ والشيب والشباب بالليل والنهار
والغدوّ والآصال وبالعشيّ والابكار والضحى والاسحار
في الحضر والسفر في الخلاء والملاء وتجاوز عن سيّئاتي
في اصحاب الجنّة وعد الصدق الذي كانوا يوعدون
اللهمّ اني اسئلك بحق محمد وآله ان تكشف عني
العلل الغاشية في جسمي وشعري وبشري وعروقي و
عصبي وجوارحي فان ذلك لا يكشفها غيرك يا الله يا
ارحم الراحمين ويجيب دعوة المضطرين واطفال
را باعسل جهة سرفه نافع دانسته اند و در کتاب خزانة
الاسرار مذکور است که از امام جعفر صادق علیه السلام روایت
که هر که سورهٔ زخرف را بنویسد و بآب باران بشوید و کسی که
سرفه کند از آن بیاشامد شفا یابد وایضا از خواص این آیه
است که چون بر آب خوانند و سرفه کننده بیاشامد شفا یابد

دفع آروغ

یا بدا افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون
فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم
اما معالجهٔ [illegible] و آروغ در کتاب خواص القرآن مذکور است که
اگر کسی را قولنج باشد این آیه را بنویسد و بشوید و
بخورد شفا یابد ولو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا
مضیا ولا یرجعون ومن نعمّره ننکّسه في الخلق افلا یعقلون
در بحر المنافع آورده که هر که سورة الطارق را بر هر چه بخواند از
آن ایمن گردد وایضا جهت دفع [illegible] مجرب آزموده است که بر آب خوانند
و بخورند وله ما سکن في الليل والنهار وهو السميع العليم
قل اغير الله اتخذ وليّا فاطر السموات والارض وهو
يطعم ولا يطعم ایضا جهت دفع آروغ بخوانند و بخورند دفع
آن [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم والق عصاك
فلما رآها تهتزّ كانّها جانّ ولّى مدبرا ولم يعقّب يا موسى
اقبل ولا تخف انّي لا يخاف لدي المرسلون فصل هشتم

شقاق

در دفع شقاق و ترکیدن دست و پای و دفع زلات [illegible] و دفع
[illegible] پا [illegible] ترکیدن دست و پای [illegible]
[illegible] جهت شقاق مجرب [illegible] شفا و آزموده

کرفانج یا صبر بالسویه با نفط سیاه بمالند و دست را زیر نعل آتش
بدارند و از برای شقاق پاشنه پای و کف پا مجتمعا [illegible] مرداد
سنگ را در بیست مثقال روغن زیتون بجوشانند تا بقوام
برسد و بعد از انکه پا را در آب گرم کرده گذاشته باشند و بسیار نرم
شده باشد ضماد نمایند و قدری عسل را بسیار نرم کرده در شکاف
آن بچکانند و بد سود [illegible] بپیه [illegible] بزرگ لاخته پنج مثقال [illegible]
مثل غبار مخلوط ساخته در شقاق [illegible] بچکانند دفع شود تاما
معالجه زلات و بادها در سر و روی بعض جمع کثیری تجربه کرده
اند که هرگاه سوره قلم را بر رشته که دختر نابالغ رشته باشد
هفت گره کرده هفت نوبت بر آن بخوانند و هر نوبت بر آن گره دمد
و گره زند و بگوید عقدت نزلة فلان ابن فلانة قوله و
ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و صاحب
زله با خود دارد دفع شود ایضا در نسخه دیگر بنظر رسیده که بگرید
مذکور بر آن رشته هفت نوبت آیات را بخوانند و هر نوبت گرهی
زنند و بر آن دمند و صاحب زله آن را بیمار را بر انگشت وسطی و
خنصر ببسته بعد از شفا یافتن آن را در آب اندازد که بتجربه رسیده
است بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص ذکر رحمة ربک عبده

سیاه م
کرم ه
نمایند [illegible] ه
زالوت
و یقول [illegible]
آن رشته دام
انوام

عبده زکریا اذ نادی ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم
منی واشتعل الرأس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا فمن کان
منکم مریضا او به اذی من رأسه ففدیة من صیام او صدقة
او نسک و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
ایضا جهة دفع زله این شکل را بنویسد و روی [illegible] نیز آهنی
بچشم [illegible] زند اگر زایل شود فبها و الا در چشم [illegible] و الا چشم [illegible] البته
زایل شود مقطع دیگر عن المنافع جهت زلات و سائر بادهای
کرده اعضا آنهم می رسد آورده که سنگی که در سنگدان خروس می باشد
بگیرند هر کس که با خود دارد هر باد فاسدی که در بدن او باشد زایل
میشود ایضا بجهت دفع زلات و سائر بادها که در اعضا آنهم رسد
این تعویذ را با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و
بالله و من یتوکل علی الله فهو حسبه و امانا من الله بسم الله
و بالله ایها الملکان الاکبران اعوذ بالله مما قضی الله ربی
و ربکما و خالقی و خالقکما من شر ما خلق و ذرء و برء و من
شر الریح الاحمر و الاصفر و الاسود و الازرق و الابیض
و الدم و البلغم و اللحم و العروق و ارواحهم [illegible]
اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فکشفنا عنک غطاءک

الکرمان [illegible]
نحسبه م

تبصرك اليوم حديد سلام قولا من رب رحيم وننزل من
القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين
الا خسارا ايضا تعويذ كنند جهت بادهائى كه در بدن بهم رسد
وبر آن بخوانند بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اسألك
باسمك الطاهر المطهر القدوس المبارك الذى من
سألك به اعطيته ومن دعاك به اجبته ان تصلى
على محمد وآله وان تعافينى مما اجد فى رأسى وفى سمعى و
فى بصرى وفى بطنى وفى ظهرى وفى يدى وفى رجلى وفى
جسدى وفى جميع اعضائى وجوارحى انك لطيف لما تشاء
وانت على كل شىء قدير اما معالجه رك افكندن در مكارم
الاخلاق آورده كه هر گاه رك عضوى از جاى كنده شود اين
آيه را بخوانند ويك انكشت از انكشتان خود را بشكند تا باز
بجاى آيد باسم صاحب درد نافع باشد اولم ير الذين كفروا
ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا
من الماء كل شىء حى افلا يؤمنون ايضا جهت جستن
رك مى بايد كه در شب شمع روشن كند و در دستان نظر كند
وسه بار اين دعا بخوانند و هر مرتبه صاحب مرض بكويد كه حركت

كن چون حركت كند از درد خلاص شود واكر در وقت طلوع وغروب
آفتاب كارد بردارد واز كلمات ها سه بار بخواند وبموضع درد
اشاره كند بعد از آن سر كارد را بر زمين فرو برد وصاحب درد بكويد
تا حركت كند خلاص شود اعوذ بالله من الشيطان الرجيم وما
رميت اذ رميت ولكن الله رمى وليبلى المؤمنين منه بلاء
حسنا ربنا اكشف عنا العذاب انا مؤمنون باهيا شراهيا
ادونى اصباؤت آل شداى تذنيب دار معالجه ضربه و
كوفته شدن اعضا بتجربه رسيده كه سوسن را با شاخ وبرك كوفته
وبجوشانند وبر موضع درد ببندد ساكن كردد در جامع المنافع آورده كه
اكر كسى را زخم ضربه سنك يا چوب رسيده باشد وافكار شود سپند را
ورد ديوه را با آب حلبه بكوبانند و در روغن كنجد اندازند و در آتش
كرم طلا نمايد بكو كردد و اكر كسى را آسيب كشيده باشد حجامت
در آسيب كند وبر موضع درد ببندد واز آفتاب پرهيز كند آب برابر
آن ببندد درد ساكن شود فصل ششم در دفع وبا وطاعون
بخوانند بسم الله الرحمن الرحيم اللهم سكن صدمة
هيبة قهرمان الجبروت باللطيفة الواردة النازلة من
فيضان الملكوت حتى نتشبث باذيال لطفك ونعتصم بك عن انزال

بقهرك يا ذا القوة الكاملة والقدرة الشاملة يا حي يا محيي
الموتى لا اله الا انت يا ولي الاولياء يا سميع الدعاء يا كاشف 8
الفقر والبلاء اصرف عنا وعن اولادنا واقربائنا القحط والطاعون
والوباء بحق محمد المصطفى وعلي المرتضى وبحرمة الشهداء
وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى وليبلي المؤمنين منه
بلاء حسنا يا غوثاه يا غوثاه يا غوثاه يا حي يا قيوم يا
دائم يا قديم يا الصمد يا احد يا صمد يا فرد يا وتر يا ذا
الجلال والاكرام اللهم اني اعوذ بك من الطعن و
الطاعون ومن موت الفجاة وسوء القضاء ومن
درك الشقاء ومن شماتة الاعداء ومن مضرة الحمى
اللهم اني اعوذ بك من جميع ذلك كله بحق محمد المصطفى
وعلي المرتضى والحسن الزكي والحسين الشهيد وعلي
ابن الحسين ومحمد الباقر وجعفر الصادق وموسى الكاظم
وعلي الرضا ومحمد التقي وعلي النقي والحسن العسكري
والحجة القائم المهدي صاحب الزمان صلوات الله
عليهم اجمعين وبحق آدم ونوح وابرهيم واسمعيل واسحق
ويعقوب ويوسف وموسى وعيسى وادريس وايوب ويونس

ويونس وهود واليسع وجميع النبيين والمرسلين واسئلك يا
رب بحقهم وبفضلهم وبشانهم عندك وبحق شيث ويوشع
وشمعون وامير المؤمنين وقائم اهل بيت محمد ومن
بينهم من الوصيين ان تكفينا شر جميع الامراض والطعن والطاعون
ومن شر كل سوء بالف الف الف الف لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم انا نستجير بك يا لا اله الا انت يا لا
اله الا انت يا لا اله الا انت يا لا اله الا انت يا رحيم يا
ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد واله اجمعين
ايضا دردنج وبا وطاعون كوسفند بشا قربان كند ودر حين
ذبح بكويد الهي بحق حرمت محمد صلى الله عليه واله الهي
بحرمت جبرئيل الهي بحرمت ميكائيل الهي بحرمت اسرافيل
الهي بحرمت عزرائيل الهي بحرمت محمد وعلي وفاطمة الزهراء
والحسن والحسين احفظنا واحفظ جميع اولادنا واحبابنا
واتباعنا وجميع المؤمنات والمؤمنين من الوباء والطاعون
يا حفيظ يا حفيظ يا حفيظ ادركني يا رسول الله ايضا اين
اشكال را نوشته با خود دارد وديكري را نوشته در خانه بياويزد
اهيا ادوها ملبوها صالح هوحم ساهوها اسراها بارد

بارو با نوبه بیتا له ها الی الوهی امد وهم اسها منها دا امرادگا
صعبراب هوهوهو برا بوره ه اهـه اوروی سمو ممد صالح
همه وحم بدا هسه اسعر اهسه لووو سو الوساه سوال ۵
ایضا این شکل را با خود دارد ۱۱۱۹ط۹ ۲۱۹ ایضا این شکل در آب
شسته وبیا شامند ۱۱۱۱۱طع ۳۷ع ۱۱۱۱ط ۱ ۷۱ ۱۱۱۱
ه ص ایضا این شکل را بنویسید و در خانه یا و بر در با حجه
کردولی بنویسید و مرد بر بازوی راست و زن بر بازوی چپ بندد
بسم الله الرحمن الرحیم بحمایة اللهم صل علی محمد و آل محمد
بعدد کل داء و دواء ۴۴۴۴ الحمد یا حافظ یا حفیظ
احفظ فلان ابن فلان یا لطیف ایضا نسخه وبا و طاعون بعد
از هر فریضه هفت بار بخوانند و در هر مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بفرستند یا من لطفه لم یزل الطف بنا فیما نزل انت
القوی نجنا عن قهرک یوم الخلل در نسخه دیگر با این
رباعی نیز تکرار نمایند لی خمسة اطفی بهم حر الوباء
الحاطمة المصطفی والمرتضی و ابناهما والفاطمة و در
فضل این دعا که برای طاعون و وبا موثر است چنین بنظر رسیده که
روزی حضرت رسول صلی الله علیه وآله در مسجد نشسته بود

در آن مجلس مذکور شد که در زمان عیسی علی نبینا و علیه السلام
طاعون واقع شد و آن طاعون در دفع آن اهتمام بلیغ نمود و
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله پرسید که آیا طاعون در آن
عصر بچه مرتبه بود گفت که ابتدای طاعون تا آخر نصف مردم
برطرف شدند حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله دلگیر شدند
مناجات فرمودند که الهی در میان امت من آیا وبا خواهد بود
یا نه جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد هرگاه در میان امت طاعون
بهم رسد این دعا را هفت بار بر گوسفندی بخوانند و آن را ذبح کرده
هر که از گوشت آن بخورد از طاعون ایمن گردد و اگر این دعا را بخوانند
و بر اهل و اولاد خود بدمند ایمن شوند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انا نسئلک باسمائک یا مؤمن یا مهیمن یا من
خلصنا من الوباء یا الله یا الله یا الله الامان الامان
الامان یا خالق یا رازق یا ذا النعم السابقة یا ذا
الکرامة الظاهرة یا ذا الحجة البالغة خلصنا من الوباء
یا الله یا الله یا الله الامان الامان الامان یا ملیکا
لا یرام یا عزیز الانتقام یا قیوما لا ینام خلصنا من الوباء
یا الله یا الله یا الله الامان الامان الامان یا دائما لا یزول

يا عالياً لا يخفى يا باقياً لا يفنى خلّصنا من الوباء يا الله يا
الله يا الله الامان الامان الامان يا حيّاً لا يموت يا
صمداً لا يطعم يا غنيّاً لا يفتقر خلّصنا من الوباء يا الله
يا الله يا الله الامان الامان الامان يا ارحم من كلّ رحيم
يا اعظم من كلّ عظيم يا احكم من كلّ حكيم يا اقدم من
كلّ قديم يا اكرم من كلّ كريم خلّصنا من الوباء يا الله
يا الله يا الله الامان الامان الامان يا من هو
في سلطانه قديم يا من هو في ذاته قويّ يا من هو
في علمه محيط يا من هو في عزّه لطيف يا من هو في
لطفه شريف يا من هو في ملكه غنيّ خلّصنا من الوباء
يا الله يا الله يا الله الامان الامان الامان يا من عليه
يتوكّل المتوكّلون يا من عليه يلجأ الملتجئون يا من
عليه يفزع المذنبون خلّصنا من الوباء يا الله يا
الله يا الله الامان الامان الامان ونسئلك باسمائك
يا عالم يا قائم يا حاكم يا غفور يا شكور يا صبور يا ودود
يا رؤف يا معبود يا قدّوس يا قيّوم يا سميع يا منيع
يا مرتفع يا رفيع يا شفيع يا بديع يا واسع يا مغيث يا مميت

يا مميت يا خالق النور يا نوراً قبل كلّ نور يا نوراً بعد كلّ
نور يا نوراً مع كلّ نور خلّصنا من الوباء يا الله يا الله
يا الله الامان الامان الامان يا من قوله فصل يا
من ذكره حلو يا من انسه لذيذ يا من ملكه قديم
يا من فضله لطيف يا من عطاؤه شريف يا من امره حكيم
يا من عذابه عدل خلّصنا من الوباء يا الله يا الله يا الله
الامان الامان الامان يا من هو في الاموات قدرته
يا من هو في القبور قضائه يا من هو في القيمة حكمه يا من
هو في الموقف هيبته يا من هو في العقوبة عدله يا
من هو في النار عذابه يا من هو في الجنّة رحمته ۞
خلّصنا من الوباء يا الله يا الله يا الله الامان الامان
الامان اللهمّ انّا نسئلك يا اوّل الاوّلين و يا آخر الآخرين
يا من هو ارحم الراحمين نسئلك بحق هذه الاسماء ان
تصلّي على محمّد وآل محمّد يا من انت الذي نجيت ابراهيم
من النار فجعلتها برداً وسلاماً يا من انت الذي كشفت
الضرّ عن ايّوب ووهبت له اهله ومثلهم معهم رحمة من
عندك وذكرى للعالمين يا من انت الذي مننت على موسى و

هرون ونجيتهما من الكرب العظيم يا من انت الذي
سمعت نداء زكريا ووهبت له من الكبر غلاما زكيا
يا من الذي اخرجت يوسف من الجب والسجن يا من
انت الذي رددت على يعقوب يعقوب بعد ان ابيضت
عيناه من الحزن يا من انت الذي تنجينا من شر
الوباء وآفة الدنيا وتجيرنا من عذاب القبر و
تنقذنا من اهوال القيمة وتسلمنا من عذاب النار
وتدخلنا الجنة اللهم انت القادر ونحن المقدورون
وانت القوي ونحن الضعفون وانت الغني ونحن
المفتقرون وانت العفو ونحن الخاطئون وانت
الباقي ونحن الفاني وانت المعطي ونحن السائلون وانت
الباعث ونحن المبعوثون وانت حي لا يموت ونحن
عباد سوف نموت اجرنا من النار بعفوك وادخلنا الجنة
برحمتك وارزقنا النظر الى وجهك الكريم في الآخرة بكرمك
واصرف عنا الوباء والطعن والطاعون بفضلك واغفر لنا
ولآبائنا وامهاتنا ولاولادنا واخواننا وذرياتنا ولجميع
المؤمنين والمؤمنات عامة انك على كل شيء قدير وبالاجا

وبالاجابة جدير برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد وآله اجمعين يا حي يا قيوم بحق بسم الله الرحمن الرحيم
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين بين
فاتحة الكتاب را بخوانند ايضا بجهة دفع وبا وطاعون اين دعا را
بخوانند دفع شود بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا ولي العافية
ويا كاشف الضر والبلاء يا الله يا الله يا الله الامان الامان
الامان من الطاعون والبلاء بحق محمد المصطفى وبحق علي
المرتضى وبحق فاطمة الزهراء وبحق الحسن المجتبى وبحق
الحسين الشهيد بكربلاء الامان الامان الامان من
الطاعون والبلاء يا الله يا الله يا الله احفظنا من كل شدة
ومحنة ومن فتنة الطاعون والوباء بفضلك وجودك و
كرمك يا ارحم الراحمين ويا اكرم الاكرمين بحق محمد و
آله الطاهرين فصل دهم در دفع بول بسيار كردن ودوام
برواش بول كردن وسلس البول وسيلان مني و وذي ومذي از عبد الله
ابن عباس منقولست كه هر كه را بيماري بول آيد اول صباح ناشتا
هفت نوبت اين آيت را بخواند لو انزلنا هذا القرآن على جبل تا
آخر سوره در روايت منقولست كه شخصي با امام محمد باقر عليه السلام شكايت كرد

ازانکه بولش قطع نشود وهمیشه قطرات بول از او می آید خون
زهود کز اسفندنا بگیرد و شش نوبت با آب سرد و یک نوبت با آب
گرم بشوید و در سایه خشک کند پس با روغن گل چرب کند و
سفوف کند و بخورد و در کتاب مکارم الاخلاق جهت منع
بول کردن اطفال شب در فراش این اشکال را بر ورق آهو بنویسد
و بر آن طفل آویزد هف هف هد هد هف هف هات هات با الله
کف کف هف هفف صهم مسعر لم قل هو الله احد الغالب من
حیث لیخر العدو ابلیس شیخ لبنی آدم کالذی لا دم الملکة باذن
الله انه کریمة بنت کریمة وولد غلام از فلان ۷۷۷۷۷۷
سررت سکد لسوره لسوره صفه صفه ختمت بخاتم سلیمان
بن داود لله رب العالمین ایضا در دفع بول کردن در خواب
و از برای حبس اطفال در خواب بنویسند و بر سر ایشان بندند
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
النبی الامی العربی الهاشمی المکی المدنی الابطحی التهامی صلی
الله علیه و آله الی من حضر الدار من العمار والزوار اما بعد فان
لنا ولکم فی الحق سعة فان تک فاجرا مقتحما او داعی حق مبطلا
ومن یؤذی الولدان ویفزع الصبیان ویبکیهم ویبولهم علی الفراش فلیتوصلوا

فلیتوصلوا الی اصحاب الاصنام والی عبدة الاوثان ولیخلو عن
القرآن فی جوار ربها الرحمن ومحاذی الشیطان وعزایمهم القرآن و
صلی الله علی محمد و آله ایضا جهت منع بول اطفال در فراش
در صحیفه مس یا ورق آهو این شکل را نقش کند و در آویزد و باید
که در روز جمعه یا روز یکشنبه و سه شنبه بوده باشد بسم
الله الرحمن الرحیم هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو
هو هو هو اوا و الله انه کفف هو هو سف قل هو الله احد الله الصمد
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد در کتاب جمال الصالحین آورده
که این آیات را بخوانند بحق بسم الله الرحمن الرحیم وننزل من
القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین بر فاتحة الکتاب ابجد
ایضا آورده که بر جام زجاجی یا جام نوی با زعفران این آیه را مکرر
بنویسد آنقدر که جام پر شود بسم الله الرحمن الرحیم ان الله
یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا پس با آب سرد بشوید
و نگاه دارد و بعد از آن بر بالا جبه پوستی با مداد هفت بار ابجد
و سه مرتبه توحید و معوذتین و آیة الکرسی و لو انزلنا هذا
القرآن تا آخر سوره حشر و این آیات را قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن

أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ
بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ
كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا بنویسد و بعد از آن بسم الله بنویسد و با این آیه إِنَّ اللَّهَ
يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ تا آخر بنویسد و بعد از آن بنویسد یا من هو
هكذا ولا هكذا غيره امسك عن فلان بن فلان ما يجيء من غلبة
البول پس اگر مرد باشد تعویذ را بر پشت نهاده ببرد و اگر زن باشد
بر زانویش ببندد پس قدری زعفران و دو برابر آن سعد هر یک را
جدا بکوبد و سعد را از حریر بیرون کند و هر دو را با عسل بموم
معجون ساخته کلولها سازند و در وقت خواب بیچه را از آن
معجون با قدری از آب که مذکور شد بنوشد و بعد از آن آب
کمتر بخورد و چون علت زایل شود تعویذ را بگشاید لحبس البول
نشود و اطبا شربت شم سوخته زیره را با عسل جهت دفع بول
در فراش مجرب دانسته اند و قدر شربتش را تا دو درم گفته اند
و هم چنین بقدر نیم درم تا یک درم سرگین خرگوش را خوردن جهت
سلس البول در فراش نافع یافته اند و هم چنین حجر مجوف را سحق
از دانگی تا دو دانگ با آب فاتر یعنی نیم گرم خوردن مفید یافته اند

و در جامع النافع آورده که اگر بول کردن در فراش و از هوای سرد باشد
از سردی خواهد بود نیم سیر سپندان را با هم وزن آن قند
و روغن گاو حلوا کردن و خوردن تا سه روز نفع دهد و هم چنین
نیم سیر کنجد سیاه را با شکر سرخ یکهفته در وقت خواب خوردن
مفید باشد و اگر از هوای گرم باشد از گرمی باشد هر روز دو درم و نیم
کشنیز خشک را سحق نموده با دو چندان شکر سرخ یکهفته بخورد نفع
یابد و اگر بسبب بسیاری بول باشد همان کشنیز را یک درم یا دو درم
هر روز با شکر سرخ بخورد و هم چنین نیم درم تخم شاهسفرم را با یک
مثقال شکر در شب خوردن نافع باشد و اگر دل خرگوش را بریان کنند
بیک هفته بکودک دهد در فراش بول نکند و خصیه بز رام بریان
کرده بخورند همین خاصیت دارد و اگر بگیرا اگر شب در آن طعام پخته
باشد بامداد بشویند و سه روز بوی خورانند دفع شود بامر الله
ایضا جهت قطع سیلان منی و مذی که از بعضی اطبا مجرب
دانسته اند تخم کاهو و تخم سداب تخم پنج انگشت هر یک سه مثقال
سعد شهد انج هر یک دو مثقال کلنار یک درم شربتی دو درم
با آب سرد و هم چنین خوردن مسحوق پوست ثانی گردکان را هر روز دو
مثقال جهت تقطیر البول نافع دانسته اند و نیز چند ابلخا کستر

کر با عسل آمیخته بنوشند جهت سلس البول و بول الفراش آزموده
است و خوردن گوشت خارپشت جهت بول الفراش و سلس البول و
رعشه و فالج و امراض بارده نافع است و هم چنین خوردن شیر آهو را
جهت نزله و زکام و درد سینه و تقطیر البول و سیلان منی نافع دانسته
معجون ماسك البول جهت سلس البول و تقطیر آن نافع است بلوط
مقشر و حرف و تخم سداب هر یک یک درم کندر حب الآس جوز بوا بسباسه
زنجبیل هلیله از هر یک ده درم سعد شونیز هیل از هر یک سه درم
الخیر خشك بیخ درم با عسل سرشته شربتی سه مثقال نافع است در
بحر المنافع آورده پوست بیضه مرغ را بریان کرده و خوردن تقطیر
بول را نافع است در خواص القرآن آورده این آیه را بنویسند و بشوید
و بخورد و دیگری بنویسند و در ذکر بندد تقطیر البول و مذی و ودی را
زائل کند وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ
وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

فصل یازدهم در دفع خیالات فاسده و وساوس و آرزوها

دفع خیالات

در خواص آیات چون کسی را خیالات فاسده استیلا دهد
و وهم را ابقا نباشد این آیات را بخواند زائل شود و اگر بر
پارچه صوف کبود یا ورق آهو بنویسد و در گردن بندد که ازین یا پری

یا پری یا از جنون رسیده باشد خلاص شود وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ
جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا
وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا
وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ
نُفُورًا فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و شخصی بخدمت صادق علیه السلام شکایت
کرد از بسیاری خیالات فاسده و وساوس شیطانی و نحوه که بر دل
بگذرد و سه مرتبه بگو بسم الله و بالله اللهم مننت علي بالإيمان

انتم

وأودعتني بالقرآن ورزقتني صيام شهر رمضان فامنن
علي بالرحمة والرضوان والرأفة والامتنان وتمام ما
أوليتني من النعمة والإحسان يا حنان يا منان يا دائم
يا رحمن سبحانك ليس لي كمثلك سبحانك أعوذ بك بعد
هذه الكرامات من الهوان وأسألك أن تجلي عن قلبي
الأحزان وصلى الله على محمد وآله الطاهرين و شخصی با آن
حضرت شکایت کرد که از آرزوهای بسیار کردن و وسوسهای
سینه آزار میکشم فرمود دست بر سینه بکش و بگو بسم الله و بالله
محمد رسول الله صلى الله عليه وآله ولا حول ولا قوة إلا بالله

الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ انْجِ عَنِّي مَا اَجِدُ پس دست بر شکم بمالد و سه مرتبه
همین دعا را بخواند آن شخص چنین کرد آنحالت از او زایل
شد ایضاً جهت وسوسه و حدیث نفس در حدیث وارد شده
که بگوید تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ
لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا و در درع
الامان مذکور است که هر که آیهٔ وَاِمَّا یَنْزَغَنَّکَ مِنَ
الشَّیْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ اِنَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ اِنَّ الَّذِینَ
اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّیْطَانِ تَذَکَّرُوا فَاِذَا هُمْ
مُبْصِرُونَ را بجا اندر روز جمعه وقت طلوع آفتاب بر
زعفران و گلاب بر هفت ورق کتابت کند و هر روز یک ورق را
در دم بخورد و بلع نماید و بر بالای آن یک جرعه آب بیاشامد حق
سبحانه و تعالی وسوسه و نزغ و حدیث نفس را از دماغ او بیرون
کند و هرخوف و رعبی که از غیری داشته باشد بالتمام از دل او
زائل گرداند و در خزانة الاسرار آورده که هرگاه کسی وسواس
افکار و خیالات فاسده تشویش دهد آیهٔ وَاِنْ یَکَادُ را تا آخر سوره
بنویسد و در گلوی آهنین بندد و تعلیق نماید آنها از او زائل شود

وشیخ ابوالعباس بونی آورده که هر که سورهٔ قل اعوذ برب الناس را
در چهاردهم ماه بر ظرفی بنویسد که از آن آب بخورده باشند و بشوید
و از آن آب بخورد و وضو سازد از وسواس ایمن گردد فصل دوازدهم
در دفع بیخوابی و دفع غلبهٔ خواب و دفع احتلام و در دیدن مطالب
در خواب در خواص القرآن که هر که آیهٔ وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً
لِلنَّاسِ وَاَمْنًا تا آخر وقت خواب بخواند و از خدا درخواهد که
در وقت معین بجهت نماز شب بیدار شود مطلوب حاصل گردد ایضاً
آورده اند که هر که آیهٔ سجده را از سورهٔ اعراف قوله تعالی اِنَّ رَبَّکُمُ اللّٰهُ
الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ را تا قوله اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِیبٌ
مِنَ الْمُحْسِنِینَ در وقت خواب بخواند و بیخوابی را مشتکی نماید بخواب
اکثر شود ایضاً آورده اند که هر که آیهٔ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا
فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ بر پوست آهو بنویسد و در
میان سر بندد بخواب رود بیدار نشود تا این دعا را از او جدا نکنند و
این دعا از جهت بیماران و کسی را که خواب نمیبرد بسیار مناسب است و در مجربات
النافع آورده که اگر کسی را بیماری از خواب ببرد پنج کاکنج کم اوراق وسک
پس پرده نامند با روغن بادام یا روغن گل بر گوش او بند خواب کند ایضاً آورده که

اگر خواهی که خواب کسی گران شود بجنبی که چون بخواب رود بیدار نشود
این آیات را بنویسد و در زیر بالین افکند خدا از خواب بیدار نشود و
جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا
وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا و در
مکارم الاخلاق بجهت غلبه خواب آورده که این آیات را بر آب خوانند
و روی خود را بآن آب بشویند وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ
رَبُّهُ الی قوله أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ایضا بجهت غلبه خواب بخوانند یا
حَيًّا لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ و در حدیث منقول است که حضرت
فاطمه صلوات الله علیها بحضرت رسول صلی الله علیه و آله شکوه
نمود از بیخوابی حضرت فرمودند که این دعا را بخوان یا مُشْبِعَ
الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ يَا كَاسِيَ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ
الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ
الضَّارِبَةَ وَأْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا و از امام جعفر صادق علیه
السلام منقول است که هر که را بیخوابی عارض شود و خوابش نبرد این دعا
را بخواند سُبْحَانَ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ
ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب
آیه آخر سوره کهف را بخواند قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ

الْوَاحِدٌ تا آخر سوره در هر وقت از شب که خواهد بیدار شود مجرب است
و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که هر که خواهد که در آخر شب
بیدار شود در وقتی که خواهد که بخواب رود بگوید اللَّهُمَّ لَا
تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقُومُ
سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند
حق تعالی ملکی را موکل کند که او را در آن ساعت بیدار کند و از
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که خواهد در شب بیدار
شود در وقت خواب بگوید اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ
وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ
فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ چون این دعا بخواند
حق تعالی دو ملک را بفرستد که او را بیدار کنند و اگر بیدار نشود
بآن دو ملک امر شود که از برای او استغفار نمایند و اگر در آن شب بمیرد
شهید مرده باشد و هر حاجتی که طلب کند روا باشد و خدا باو عطا
نماید و در خلاصة الاذکار مذکور است که اگر خواهی معنی یاد د
خواب بینی در وقت خواب این دعا بخوان اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ لَا تُوصَفُ
وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَتِ الْأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُودُ فَمَا

اَنْبَلْ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَاهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا اَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ
لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ فَاَسْئَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ وَاَسْئَلُكَ بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ سَيِّدِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ
وَبِحَقِّ عَلِيٍّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيْ
شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَجْمَعِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُرِيَنِي مَيِّتِي فُلَانَ ابْنَ فُلَانٍ فِي حَالٍ الَّتِي
هُوَ فِيهَا مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد
که یکی از انبیاء یا ائمه هدی علیهم السلم را در خواب ببیند همین
دعا را بخواند تا آنجا که اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ پس
بگوید اَنْ تُرِيَنِي فلان و بعد از آن سوره والشمس و اللیل
و قدر و جحد و اخلاص و معوذتین بخواند و بعد از آن سوره
توحید صد مرتبه و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل بفرستد و
با وضو بجانب راست بخوابد هر کرا که خواهد در خواب ببیند و
سؤال و جواب که خواهد در میان شود دیگر روایت دیگر آمده که
از طریق ما هفت شب عمل آورد دیگر کتاب بلد الامین کفعمی و مشایخ ره

ره در کتب خود ذکر نموده که اگر کسی را حاجتی باشد یا مهمی مشکل پیش
آید و بیرون شدن از آن و رفع آن را نتواند و درمانده شده باشد
با طهارت در فراش و لحاف پاک بخوابد و نزدیک باو هم خواب نباشد در
وقت خواب سوره والشمس و اللیل را هر یک هفت بار بخواند و بگوید
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا در شب اول یا سیم
یا پنجم یا هفتم شخصی بخواب او در آید و بعد شد آن مهم را یاد نماید
ایضا بتجربه رسیده که هر که را مهمی پیش آید و در آن سراسیمه باشد
یا حاجتی بدو دهد و خواهد که بر آن مطلع شود که بر آورده میشود یا
نه سوره اذا زلزلت در وقت خواب هفت نوبت بخواند و بعد از
آن بگوید يَا مَلٰئِكَةَ رَبِّي بِحَقِّ هٰذِهِ السُّوْرَةِ وَبِحَقِّ مَنْ اَنْزَلَهَا
وَبِحَقِّ مَنْ اُنْزِلَتْ عَلَيْهِ وَبِحَقِّ اِسْمِ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَاٰيَاتِهِ التَّامَّاتِ
كُلِّهَا اِلَّا اَخْبَرْتُمُونِي بِخَيْرِ كَذَا وَكَذَا و ذکر حاجت و مهم نماید
بدرستیکه آنچه طلب نموده در خواب بد و نموده میشود و الله اعلم
ایضا گفته اند که اگر کسی نداند که مهم و حاجتی که قصد نموده روا
میشود یا نه این کلمات را بانخنهای انگشت دست چپ نویسد و به
خوابد اگر شیرینی در خواب ببیند آن مهم کفایت میشود و اگر ترشی در
خواب ببیند آن کار بر نیاید و انگشت نرک هو سبابه هو به وسطی

بلکه هر چند خصوصاً فواید بی‌شمار دارد و کفعمی روایت کرده است

که در نقطة الفوائد مذکور است که هرکه آیهٔ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا

را تا آخر کهف بخواند پس بگوید اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ أَرِنی بَیاضاً إِنْ کانَ لی فی کَذا وَ کَذا خَیْرٌ وَ إِنْ

کانَ لی فی کَذا وَ کَذا شَرٌّ فَأَرِنی سَواداً و هم چنین بخواب

رود اگر در خواب سفیدی بیند آن کار خوب باشد عمل آورد و اگر

سیاهی یا سرخی بیند ترک نماید البته یکی از این دو را در خواب

می‌بیند والله اعلم ایضاً گفته‌اند که اگر کسی خواهد که بهم رساند حاجتی که

قصد نموده روا می‌شود یا مانع آن کار خود بنماید این حروف را برابر بیند

بنویسد و در زیر سر گذارد و بخواب رود در خواب صلاح کار خود را به

بیند ابطا او وه ما ه هو الکافی و در حدیث صحیح از امام جعفر

صادق علیه السّلام روایت است که هر که ترسد که محتلم شود چون بر تخت

خواب رود این دعا بخواند تا ایمن شود اللّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ

الاِحْتِلامِ وَ مِنْ سُوءِ الأَحْلامِ وَ مِنْ أَنْ یَتَلاعَبَ بِیَ الشَّیْطانُ

فِی الیَقْظَةِ وَ المَنامِ و در خواص سورهٔ والطّارق مذکور است که

چون بوقت خواب بخواند از احتلام ایمن باشد و این حروف از

اشکال است که با خود دارد محتلم نشود ححح للس ححح م ۲ ه

و اطباء تخم کاهو خوردن را مانع احتلام دانسته‌اند و از امیر المؤمنین

علیه السّلام روایت است که چون کسی در خواب ترسد یا از بیم دزد یا

خوابی بر او مستولی باشد این آیه را بخواند فَضَرَبْنا عَلی آذانِهِمْ

فِی الکَهْفِ سِنینَ عَدَداً ثُمَّ بَعَثْناهُمْ لِنَعْلَمَ أَیُّ الحِزْبَیْنِ أَحْصی

لِما لَبِثُوا أَمَداً و اگر طفل بسیار گریه کند و بخواب نرود بر او خوانند

اگر به بار ایستد و آرام گیرد و امّا دفع خواب شوریده چون کسی

خواب شوریده ببیند از آن پهلو که خوابیده و خواب پریشان دیده

بر پهلوی دیگر بگردد این آیه را بخواند تا کسی نقل کند که حق تعالی

بفضل خود بدی آن را بنیکی بدل کرداند إِنَّمَا النَّجْوی مِنَ الشَّیْطانِ

لِیَحْزُنَ الَّذینَ آمَنُوا وَ لَیْسَ بِضارِّهِمْ شَیْئاً إِلّا بِإِذْنِ اللهِ وَ عَلَی

اللهِ فَلْیَتَوَکَّلِ المُؤْمِنُونَ و بعد از آن این دعا را بخواند عُذْتُ بِما

عاذَتْ بِهِ مَلائِکَةُ اللهِ المُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِیاؤُهُ المُرْسَلُونَ وَ

عِبادُهُ الصّالِحُونَ مِنْ شَرِّ ما رَأَیْتُ رُؤْیایَ وَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطانِ

الرَّجیمِ وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ باب

دوم در دفع شرور و بلیات و در این باب چند فصل است فصل اوّل

در دفع هر شر و بلیتی بنویسند این تعویذ را با خود دارد و بعد از بسم الله الرحمن الرحیم

إِنّی أَسْأَلُکَ أَنْ تَحْفَظَنی مِنَ الجِنِّ وَ الإِنْسِ أَعُوذُ بِصِبْغَةِ اللهِ الکَریمِ

فبکلماته التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر
ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر ما ینزل من الارض
و من شر ما یخرج منها و من شر اللیل و النهار و الا طارقا یطرق
بخیر منک یا رحمن یا رحیم بفضلک و جودک و کرمک یا
ارحم الراحمین باسم فلان ابن فلان بحق هذه الاسماء
مح ۴۳ ۸ ۳ ۱ هو ه اا م ااا ع ق الساعة الساعة
العجل الوحا ایضا بنویسد و با خود دارد دعا از لسمله یا هو یا من
هو یا من لیس هو الا هو صل علی محمد و آله و خلص حامل کتابی هذا
من کل همّ و غم فرجا و مخرجا برحمتک یا ارحم الراحمین
محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی
و علی و محمد و علی و الحسن و المهدی صلوات الله علیهم اجمعین
و از اعمال مجربه منع هر شر و رد هر بلیتی که در شب و روز نازل میشود این
مربع کر وفق آن موافق عدد بسمله است بترتیب
عدد طریقی که ارباب علوم این فن گفته اند
بالشکلی که در حوالی آن نوشته شده مضراد

| ۴ | ۹ | ۲ |
|---|---|---|
| ۳ | ۵ | ۷ |
| ۸ | ۱ | ۶ |

مظهر اسماء الله سبحانه و برهانی که در این باب گفته اند آنست که
بسمله نوزده حرف است بعدد زبانیه دوزخ هر که ملازم آن شود از آنها

از آنها ایمن ماند و از شرورهی که از نتایج قوای نوزده گانه شمرده میشود
نجات یابد و مراد از آن قوی حواس خمسه ظاهری که آن باصره و سامعه
و شامه و ذائقه و لامسه است و حواس خمسه باطنی که آن حس
مشترک و متخیله و متوهمه و حافظه و خیال است و قوه شهویه و
غضبیه و هفت قوای دیگر که طبیعیات است که آن غاذیه و نامیه و
مولده و مدرکه و محرکه و عاقله و علمیه است و گفته اند از حکمت الله
تعالی زبانیه جهنم را نوزده مقرر داشته چه زیاده و کم دراند
هر قوه خزانه بنا بر اینکه این قواها منبع شرور و وسیله صدور ذنوب
میباشند کما فی قوله تعالی و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت
ایدیکم اشاره بنتایج این قواها است و هم چنین هر شبانه روزی
بیست و چهار ساعت است پنج ساعت از آن بازای پنج وقت نماز است
و نوزده ساعت از آن باقی میماند بلا تفت و گفته اند بسمله از شرور و بلیات
که در این ساعات نازل میشود امان و نجات حاصل میکند زیرا که
حروف آن بعدد آن ساعات متساویست فالعاقل یکفیه الاشارة و خواص
بسمله را مذکور نموده اند بهمین قدر اکتفا نموده و طریق نوشتن بر
نحویست که در صفحه ضمن قلمی شده تا دانند والله اعلم بحقایق الامور
چون صفحه گنجایش نداشت در ظهر قلمی شده است اینست

از برای این بوم

بسم الله الرحمن الرحیم

مثل

| ١٩٦ | ١٩٩ | ٢٠٢ | ١٨٩ |
|---|---|---|---|
| ٢٠١ | ١٩٠ | ١٩٨ | ٢٠٠ |
| ١٩١ | ٢٠٤ | ١٩٧ | ١٩٣ |
| ١٩٩ | ١٩٣ | ١٩٢ | ٢٠٣ |

در دفع شر جن و شیاطین و اختلال

دماغ مروی است که شخصی را اختلال دماغ بهم رسید
بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد حضرت فرمودند که
هر شب در هنگام خواب این دعا را بخوان بِسْمِ اللهِ رَبِّيَ اللهُ
آمَنْتُ بِاللهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي
فِي مَنَامِي وَيَقْظَتِي أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَجَلَالِهِ مِمَّا أَجِدُ وَ
أُحَاذِرُ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که

هرکه از شیاطین و جادوگران ترسد آیهٔ سخره که قبل از این مذکور
شد تا قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ بخواند از شر ایشان ایمن ماند ایضا
بجهت جن و شیاطین بنویسد و با خود دارد اَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِ
اللهِ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ
شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَطْرُقُ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ
بِخَيْرٍ مِنْكَ يَا رَحْمٰنُ چنانچه در فصل سابق گذشت ایضا دعای اوقاش
و اکثر از سید علی همدانی نقل شده بجهت دیو و پری زده و کسی و اگر
جن و شیاطین بر او مسلط باشد تاثیر عظیم دارد و چون بر او بخوانند
نزدیک خلاص شود و طریقه خواندن آنست که بر گوش راست یا چپ
مصروع بخوانند ثانی و انس توجه و تحکم و هیبت و اگر بر کف دست
چپ مجنون با راستاد بنویسند خوبست و اگر بر کف نوشتن متعذر
نباشد بر پاره‌ای بستور تعویذ بنویسد و در وقت نوشتن بزبان بخواند
و بدست بنویسد و جهد نماید که در وقت نوشتن نیز از سر توجه خاطر و
حضور قلب باشد و اگر در مکانی که جن در آنجا جای کرده باشد و
مردم را ایذا نماید بنابر حضور قلب و توجه بخوانند جن آنجا فرار نماید
و دیگر کسی آزار نماید و دعا اینست آذقاش ثاعیش مرقاش
خطوف وطاف شعداش زبایرا الله رب العزة یا طهلوا سبوح

آستطاش اسطش فاسطش
یا طهوا طهوا اسلموا اسبوح

حَیْشًا اَحْیُونًا نسخه

اُدْیخ فَسَنجُ ادمُوا حَیْشًا القدیم الازلی الابدی ان الذین
فتنوا المؤمنین والمؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم
عذاب الحریق اشددکم یا معشر الجن بالله العزیز القهار الرحیم
وبالعهد الذی اخذ علیکم لسلیمن ابن داود ان لا تضروا
بحامل هذا الهیکل فلان ابن فلان وان تترکوه حرز الله رحمة
بحق محمد وآله اجمعین ایضا بتجربه رسیده بجهت دفع تسلط
جن عنبر و زعفران بر قدح نو یا جام آبگینه یا چینی بنویسد
با آب باران یا آب کلاب و نبات حل کرده هفت روز بنا شتا بیاشامد
خلاص یابد بسم الله و بقدرة الله احرقتک یا تابع فلان ابن فلان
هه هه هه هه هه هه هه هه هه اه اه اه
سه سه سه سه لهو لهو لهو اوه اوه اوه
اااا ۱۷ ۴ ۵ اااااا ۱ ۸ بسم الله العظام
ک ااا۹ ۲ ۹ ۲ ۵ ۶ اط اط الطع حسر المربعة
احرقتک اخرامن و بین العناصر الصواعق بحرقتک بشهاب ثاقب
الطفاک من نار و نحاس فلا تنتصران احرقتک بقابع من القوابع الله
احرقتک فهما حریق فذوقوا عذاب الحریق الفرار دریا الذین کفروا و بئس
المصیر احرقتک بسلطان وتلبس اقبل المشعل و تعذیب مالک و هو مالک

اُدْیخ نسخه
والا تسروا السیاطین نسخه
ولا تحفظوا نسخه
سه هار
احوص وهی الثامن نسخه
تلبس اقبل الشعر نسخه

مالک جهنم و معه تسعة عشر احرقتک بغضب الله ان تقوموا عن غضبی
الله و الذائق بئس الورود من السبیل و عذابا سلطک الله فاحرقتک ثم
احرقتک بعذاب الیم اللهم انت القادر القاهر القادم ولا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین دفع
ستم بد بنوع صرع و تخیا بند بجن روایت کرد امام رضا علیه السلم
تشخیصی را دید که صرع گرفته است قدح آبی را طلبید و سوره
حمد و معوذتین بر آن خواند و بر سر و روی او پاشید بهوش باز آمد
ودفع روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلم منقول است که کسی را که
جن گرفته باشد سوره حمد و معوذتین هر یکرا ده بار بخوانند و همین
را بجای مشک و زعفران بنویسند و با آب بشویند و با وخورانند و
در آب وضو غسل او را حل کنند خلاص شود ودفع روایت دیگر با عنود
داود دفع خواص سوره الرحمن است که تا آخر بنویسند و آیة الکرسی و جهار
آن بنویسند و بر کسی بندند که جن با او اذیت رساند ترک اذیت او نمایند
ولد حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که در خانه که جنیان سکنی
اندازند آن سنگ را بردارند و بگویند حسبی الله و کفی سمع الله
لمن دعا لیس وراء الله منتهی دفع مکارم الاخلاق آورده که آیه
وما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا ولنصبرن علی ما

اذیتمونا وعلى الله فلیتوکل المؤمنون بنویسند و بروی
آویزند جن ابدا رهانند ایضا بنویسند و باخود دارد بعد
از بسمله بسم الله وبالله واعلم ان الله على کل شیء
قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما حسبی الله و
نعم الوکیل علیه توکلت وهو رب العرش العظیم اعیذ
صاحب کتابی هذا فلان بن فلان من جمیع الاوجاع و
الاسقام من الجن والانس ومن العائد والوارد و
الصادر ومن الداخل والخارج ومن العامل والامر و
من العامر والغامر والغابر والمواطن والقاطن و
البادی ومن الغائب والطارق وصاحب اللیل وما
عسعس والنهار وما ضحی ومن جمیع الطوارق الا طارقا
یطرق بخیر فانی اعیذه بالله واحرزه وامنعه بالله
الذی لا اله الا هو الذی امنت به بنو اسرائیل وبالذی
انزل على عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما وبالصافات
صفا فالزاجرات زجرا فالتالیات ذکرا وبص والقرآن
ذی الذکر والذاریات ذروا فالحاملات وقرا فالجاریات
یسرا وبق والقرآن المجید واعیذه بالطور وکتاب مسطور

مسطور وبالنجم اذا هوى وباللیل اذا یغشى والنهار اذا
تجلى وبالطاهر الطهر وبالعظیم الحنان المنان وبسبع
المثانی والقرآن العظیم اعیذه بالله من کل سوء وسقم
وکل جنی وجنیة وشیطان وشیطانة وساحر وساحرة
وغول وغولة وقریب وبعید من ذکر وانثى من اعجمی و
فصیح وسقیم وصحیح داخل وخارج اعیذه بالله الذی
لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو
الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى وهو

یسبح له ما فی السموات والارض

العزیز الحکیم دیگر شرح حرز ابو دجانه روایت میکند محمد
ابن احمد ابن مسلمه که از فرزندان ابو دجانه سماک ابن خرشه
الانصاری بود از پدر خود واو از پدر خود تا ابو دجانه انصاری
رضی الله عنه که او گفت شکایت کردم بحضرت رسالت صلى الله
علیه وآله در بستر خود بودم که در سرای خود آوازی شنیدم چون
آواز آسیا و روشنائی دیدم چون برق آمدم تا ببینم سایه دیدم
سیاه که میرفت و دراز میشد در صحن سرای من دست بر او دراز کردم
چنبری بود چون پشت خارپشت چیزی بر روی من انداخت چون شراره

آتش کمان کردم که مگر بسوختم و سرای عزم بسوخت رسول فرمود
که او مثلک تؤذی یا ابا دجانة پس فرمود که دوات و قلم
و کاغذ بیاوردند آوردند بحضرت علی ابن ابی طالب داد و گفت
بنویس یا ابا الحسن گفت چه بنویسم یا رسول الله فرمود بنویس این
حرز را جهت ابو دجانه و جهت هر کس از امت من عیب شده از عوارض
و توابع یعنی از دیو و پری و از جمیع شیاطین به هم دردها و بیماریها
و صرع و جنون و سحر [illegible] و پری گرفته و زهر داده و مار و کژدم
گزیده و هوام و وحوش و سباع و همه آفات و بلاها ابو دجانه را
که چون حرز تمام شد در پیچید بخانه برد و در زیر سر خود نه
نهادم و آن شب خفتم آواز ناله شنیدم که یا ابا دجانه مار السبتنی
بحق صاحب این کلمات ما را از ما کیری که ما [illegible] برای تو نیستیم
چون ناله و زاری و گریه بسیار از حد گذشت بامداد برخاستم و نماز
صبح با رسول بگذاشتم و قصه باز گفتم رسول صلی الله علیه و آله
فرمود ارفع عن القوم فو الذی بعثنی بالحق انهم لیجدون ألم
العذاب الی یوم القیمة ای ابو دجانه این مکتوب را نشان سر باز
و نگاه دارد اگر دیگر باز آیند بر سر ببند بخدای که مرا براستی بخلق
فرستاده است که اگر بکیری تا روز قیامت در عذاب باشند بر کرم

کرفتم دیگر بیا مکند و اهل و فرزندان را نترسانند بعد هذا الحرز
الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات
والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هذا كتاب من
محمد بن عبد الله العربي الهاشمي المكي المدني الابطحي
القرشي الامي التهامي صاحب التاج واللواء والهداية
والقضيب والناقة والكوثر والشفاعة صاحب قول لا
اله الا الله وحده لا شريك له الى من طرق من العمار و
الزوار الا طارقا يطرق بخير سلام عليكم اما بعد
فان لنا ولكم في الحق سعة فان تكن طارقا مولعا او
داعيا مبطلا او مؤذيا مقتحما فاتركوا حملة القرآن و
انطلقوا الى عبدة الاوثان والى من اتخذ مع الله الها
آخر هذا كتابنا ينطق عليكم بالحق انا كنا نستنسخ ما كنتم
تعملون ان رسلنا يكتبون ما تمكرون يرسل عليكما شواظ
من نار ونحاس فلا تنتصران فيومئذ لا يسئل عن ذنبه
انس ولا جان لا اله الا هو رب العرش العظيم بسم الله و
بالله ومن الله والى الله ولا غالب الا الله ولا احد سوى الله
فلان ابن فلان ولا احد مثل الله واستفتح بالله واتوكل على الله

وحفظ الله صاحب كتابي هذا في حرز الله وكنف الله وأمان
الله حيث ما كان وحيث ما توجه ولا تضره ولا تفزعه
ولا تضاره نائما ولا قاعدا ولا في أكل ولا في شرب ولا
في اغتسال ولا في جنابة ولا في خيال ولا في الليل والنهار
وكلما سمعتم ذكر كتابي هذا فادبروا عنه بلا إله إلا الله
غالب كل شيء وهو أعلى من كل شيء وهو أعز من كل شيء
قدير اللهم احفظ يا رب من علق عليه كتابي هذا بالاسم الذي
هو مكتوب على سرادق العرش انه لا إله إلا الله الغالب
الذي لا يغلبه شيء ولا يعجزه منه هارب وأعيذه بالحي
الذي لا يموت وبالعين التي لا تنام وبالكرسي الذي لا يزول
وبالعرش الذي لا يضام وبالباقي الذي لا يزول وبالعزيز
الذي لا يضام وبالاسم الذي المكتوب في اللوح المحفوظ وبالاسم
الذي هو مكتوب في التورية والانجيل وبالاسم الذي مكتوب
في الزبور وبالاسم الذي هو مكتوب في الفرقان وأعيذه بالاسم
الذي حمل به عرش بلقيس إلى سليمان بن داود عليه السلم قبل
ان يرتد اليه طرفه وبالاسم الذي نزل به جبريل عليه
السلم إلى محمد يوم الاثنين وبالأسماء الثمانية المكتوبات

المكتوبات في قلب الشمس والقمر وبالاسم الذي تسير به السحاب
الثقال وبالاسم الذي يسبح الرعد بحمده والملائكة من
خيفته وبالاسم الذي تجلى به الرب لموسى بن عمران عليه
السلم فتقطع الجبل وتدكدك من أصله وخر موسى صعقا وأعيذه
بالاسم الذي كتب على ورق الزيتون وألقي في النار فلم يحترق
وبالاسم الذي مشى به الخضر على الماء فلم تبتل قدماه وبالاسم
الذي نطق به عيسى بن مريم في المهد صبيا وأبرء الأكمه و
الأبرص وأحيى الموتى باذن الله تعالى وأعيذه بالاسم الذي
نجى به يعقوب عليه السلم من الحزن وبالاسم الذي نجى
به يوسف عليه السلم من الجب وبالاسم الذي نجى به
يونس عليه السلم من الظلم وبالاسم الذي فلق البحر به
لموسى بن عمران عليه السلم وبني اسرائيل فكان كل
فرق كالطود العظيم وأعيذه بالاسم الأعظم والتسع
الآيات التي نزلت على موسى بن عمران عليه السلم
بطور سيناء وأعيذ صاحب كتابي هذا بالله العظيم
وحوله وقوته من شر كل عين ناظرة واذن سامعة و
ألسن ناطقة وأيد باطشة وأقدام ماشية وقلوب

واعيذه وصدقه وخادمه وأنفس واجيته كافة وعين
لازمته ظاهره وباطنه واعيذه ممن يعمل السوء أو
يعمل الخطايا ويهم بها من ذكر وانثى واعيذه من
شر كل عفاريتهم ومكرهم وكيدهم وبغيهم وسلاحهم ورقى
أعينهم وحجابهم ومن شر الجن والانس والشياطين
والتابع والسحرة ومن شر من يكون في الجبال والغياض
والمغاور والسواقي والبنيان والخراب والعمران و
من شر ساكن النواويس ومن شر ساكن العيون وساكن
القبور وساكن البحار وساكن الطرق واعيذه من
شر الشيطان ومن شر كل غول وغولة ومن شر ابليس
ورأس الشياطين والعفاريت ومن شر من يعمل العقد
ومن شر من يسكن الهواء والجبال والبحار ومن في
الظلمات ومن في النور ومن شر من يسكن العيون ومن
شر من يمشي في الاسواق ومن شر من يكون مع الدابة
والمواشي والوحوش ومن شر من يكون في الارحام و
الاجسام والاكام ومن شر من يوسوس في صدور الناس
ومن شر من يسترق السمع والبصر واعيذ صاحب كتابي

كتابي هذا من النظرة والحمة واللحظة والخطوة والكثرة
والكثرة والنقمة واللمعة والخطوة ومن شر كل غول وغولة
وساحر وساحرة وساكن وساكنة وتابع وتابعة ومن
شرهم وشر آبائهم وامهاتهم وامهات ابنائهم ومن شر
الطيارات واعيذه باهيا شراهيا واعيذ صاحب كتابي
هذا من شر الدياهش والابالس ومن شر القائم والقاعد
ومن شر القابل والفاعل ومن شر كل عين ناظرة او ساحرة
او خاطفة ومن شر الداخل والخارج ومن شر كل طالع و
من شر كل دان ونازل ومن شر كل طارق ومن شر كل عاد و
باغ ومن شر كل عفاريت الجن والانس ومن شر كل
الرياح ومن شر كل اعجمي وفصيح ونائم ويقظان و
اعيذ صاحب كتابي هذا من شر ساكن الارض ومن شر
ساكن البيوت والزوايا والمزابل ومن شر من يصنع الخطيئة
او يولع بها واعيذه من شر ما تنظر اليه الابصار واضمرت
عليه القلوب وانعقدت عليه العقود واعيذه من شر
من يولع بالعروس والمولود ومن يقبل العزيمة ومن شر
من اذا ذكر الله ذاب كما يذوب الرصاص والحديد واعيذ

صاحب كتابي هذا من شر ابليس وابن الشياطين والعفاريت
والكثرة والخطوة والنجدة وعين الجن والانس والمتمردين
ومن شر الطائف والطارق والغاسق والواثب والواقف
واعيذه من شر كل عقد وسحر او فزع او انتحاب او وهم او
حزن او مكر او وسواس ومن كل داء يعتري ابن آدم
بتاثير حوامل من قبل البلغم والدم والمرة السوداء والمرة الحمراء
والمرة الصفراء والمرة الخضراء ومن النقصان والزيادة
ومن شر كل داء بالجملة في جلد او لحم او دم او عرق او عصب او
في نطفة او في روح او في بطن او في سمع او في بصر او في شعر
او في بشر او في ظفر او في ظاهر او في باطن واعيذه بما استعاذ
به آدم عليه السلم ابو البشر وشيث وهابيل وادريس ونوح
ولوط وابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وعيسى
وايوب ويوسف وموسى وهرون وداود وسليمان وزكريا
ويحيى وهود وشعيب ويونس والياس وصالح واليسع ولقمان
وذو الكفل وذو القرنين وطالوت وعزير ودانيال والخضر
عليهم السلم ومحمد صلى الله عليه وآله اجمعين وكل
ملك مقرب او نبي مرسل واقسمت عليكم الا ما عدتم تفرقتم

وتفرقتم وتحيتم عمن علق عليه كتابي هذا بسم الله الجليل
المفضل المنعم المحسن الفعال لما يريد واعيذه بالله وبما
استنارت به الشمس واضاء به القمر وهو مكتوب تحت
العرش لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه و
آله اجمعين فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم نفذت
حجة الله وظهر سلطان الله وتفرقت اعداء الله وظفر
حزب الله وبقي وجه الله جل جلاله وعز كبرياؤه و
انت يا صاحب كتابي هذا في حرز الله عز وجل وكنف الله و
جوار الله وامان الله اللهم جارك ووليك حارسك و
حافظك وحارزك ومؤيدك وعاضدك ان شاء الله
ما شاء الله كان وما لم يشا لم يكن اشهد ان الله على
كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما واحصى كل
شيء عددا واحاط بما لديه خبرا ان الله وملئكته
يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا
تسليما ختمت هذا الكتاب بخاتم سليمان ابن داود عليه السلم
وخاتم محمد صلى الله عليه وآله اجمعين وكل ملك مقرب
او نبي مرسل الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون

تتمه

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل و اعیذک بالله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین

حرز ابی دجانه که کمال الدین در کتاب حیوة الحیوان آورده ملخص قصه چنانست که ابی دجانه شکایت کرد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که شبها چیزی بنظر می آید نهایت هولناک و آواز اصوات بیت مانند صدای آسیا و زنبور عسل و گاهی مثل ظلمت شب و گاهی مانند برق میدرخشید و گاهی بزرگ میشود و گاهی در صلحت خانه من انتشار و گاهی دراز میشود و گاهی کوتاه شبی مضطرب برخاستم دستم باو رسید پوست او را مثل خار پشت درشت یافتم و دیدم آتشها که بر روی آن بارید حضرت فرمود ای ابو دجانه او عامر خانه است و حضرت امیر علیه السلام را طلبیده این حرز را باو املا کرد و آن حضرت نوشت این نوشته را ابو دجانه گرفت و گفت چون خوابیدم نوشته را در زیر سر خود گذاشتم ناگاه از خواب بصدای ناله و زاری بیدار شدم شنیدم که شخصی میگوید ای ابو دجانه امان امان این نوشته را دور کن که هلاک شدیم و عهد کردیم که دیگر بخانه تو نیائیم و در مکانی که این دعا باشد در آن خانه نرویم ابو دجانه گفت دیگر آنجا نشستن نخواهیم

ندیدم و حرز اینست که بعد از بسمله هذا کتاب محمد رسول الله صلی الله علیه و آله رسول رب العالمین الی من طرق الدار من العمار و الزوار الا طارقا یطرق بخیر اما بعد فان لنا و لکم فی الحق سعة فان یکن عاشقا مولعا او فاجرا مقتحما هذا کتاب الله ینطق علیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون و رسلنا یکتبون ما تمکرون اترکوا صاحب کتابی هذا و انطلقوا الی عبدة الاوثان و الی من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون حم لا ینصرون حمعسق تفرقت اعداء الله و بلغت حجة الله و لا حول و لا قوة الا بالله فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم          در کوش راست مصروع سه مرتبه بخوانند بعد از بسمله علی امیر المؤمنین ابن ابی طالب یقول لک هشاشا مخاحبا اخرج          و در کوش چپ این هم بخوانند بشرط تقدیم مخاحبا بر لفظ هشاشا در حال صرع او را مثل شود          حیوة الحیوان آورده که اگر کسی را باد صرع گرفته باشد سوره و اللیل را بر مصروع بیهوش گشته بخوانند صرع از او زائل شود اگر دیو یا صرع باشد بکلی برود          بنویسند و بر او ببندد و بروی بخوانند صرع از او زائل شود بعد از بسم الله مخلف من

علینادم

بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ
يَلْقَوْنَ غَيًّا وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

این حرز که از امیر المؤمنین و امام المتقین علی علیه السلام
در کتاب مهج الدعوات مسطور است بجهت مصروع و مسحور
و مسموم تأثیر عظیم دارد و هم چنین هر چیزی که آدمی را در رسد
و هراسان باشد از شر شیطان و سلطان و دزدان و ددان
و جانوران و هر چه ایذا رساند باشد نافع و مفید است بنویسد
و بر بازوی راست بندد بعد از بسمله ای کنوش ای کنوش اده شبش
عطسطسطح یا میطرون قریالیون و یا ساماسو ملطسطا
لوثخطوش مسقص میاصعوس اقرطیعوش لطمکر هذا
وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ
مِنَ الشَّاهِدِينَ أُخْرُجْ مِنْهَا بِقُدْرَةِ اللّٰهِ أَيُّهَا اللَّعِينُ بِعِزَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ أُخْرُجْ مِنْهَا وَإِلَّا كُنْتَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ أُخْرُجْ مِنْهَا فَمَا
يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا أُخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ أُخْرُجْ مِنْهَا
مَذْؤُومًا مَدْحُورًا مَلْعُونًا كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ
أَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُولًا أُخْرُجْ يَا ذَا الْخَرُونِ أُخْرُجْ يَا سُورَا سُورْ
بِالْاِسْمِ الْمَخْزُونِ يَا مِيطَرُونَ طَرْعُونَ رَاعُونَ تَبَارَكَ اللّٰهُ

اللّٰهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ يَا أَهِيًّا شَرَاهِيًّا حَيًّا قَيُّومًا بِالْاِسْمِ الْمَكْتُوبِ
عَلَى جَبْهَةِ إِسْرَافِيلَ اطْرُدْ عَنْ صَاحِبِ هٰذَا الْكِتَابِ كُلَّ جِنِّيٍّ وَ
جِنِّيَّةٍ وَشَيْطَانٍ وَشَيْطَانَةٍ وَتَابِعٍ وَتَابِعَةٍ وَسَاحِرٍ وَ
سَاحِرَةٍ وَغُولٍ وَغُولَةٍ وَكُلِّ مُتَعَبِّثٍ وَعَابِثٍ يَعْبَثُ بِابْنِ
آدَمَ وَبِنَاتِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

یا اهیا یا اهیا نسخه

المعصومین نسخه

حرحرحرحرحر ثم سرحرحسللا سل وحلدا سل

و در نسخه دیگر این اشکال را چنین کشیده اند

در نسخه صحیحه علویه اشکال
و اما طریقی که ثبت شده در ذیل دیده ام و در نسخه دیگر از این کتاب
تسهیل الدعوات اقسام دیگر داشت که ثبت آن بی ثمر است لکن جهت تمام
نسخه بعضی از آنها رقم میشود الیست طریقی که در صحیفه سطور

هر حر حر حر حر حر بمر بمر سرحه حلداسل وسر

حلداسل بمرو کمل و در نسخه امیر العابدین بدین نحو

است

و اشکال دیگر نسخه ثبت نیفتاد

و در نسخه منهاج العارفین باین طریق نوشته شده است

حر حبر حبر حبر حبر بمر بمر

سرحه حلداسل وسرحلداسل تا اینجا تمام شد کلام کاتب

حروف محمد جعفر برکشتیم باصل نسخه و اگر کسی را جن گرفته باشد

این دعا بنویسد جن را در میان مربع نگاه کند و آنکس را که جن

گرفته بصورتی که در میان مربع می بیند خواه مرد و خواه زن و

خواه حیوانات و اگر بصورت حیوانات بیند آیة یا معشر الجن را

بخواند تا بصورت انسان شود آنگاه جن را بگوید که جنیان را

بگوید که همه رفقای خود را حاضر کنید چون حاضر شوند آنچه مرد باشد

باشد با ایشان مصالحه کند و آنچه زن باشد صورت ایشان را

بنویسد و گوید که من دل از شما کندم شما نیز دل بر کنید و بروید

و اگر نروند یکبار دیگر با ایشان مصالحه کند و زنان را بنویسد

و گوید که بروید که من دل از شما کندم شما نیز بر کنید و بروید

و اگر نروند یکبار دیگر با ایشان مصالحه کند و زنان را بنویسد

و گوید که بروید چون بروند باید دعا را بجن بانو بدهد که در میان مربع

نگاه کند اگر کسی را میان مربع ببیند رفته باشد و دروغ گفته

باشند باید آنچه باشد تمام دل از ایشان بر دارد و رجوع نماید و

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم طیوما الرحمن بطلسما الرحیم

حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولى ونعم النصیر وصلى الله

على محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین و مربعه بدست

جن دار میدهند اینست عزائم بجهه دفع جن مقول الاناعته

تبلغی اشکینا مثلیثا
مرنوش و برنوش و سارنوش
و کشلیطوش و قطمیره

معصومین علیهم السلم بسم الله الرحمن
الرحیم بسم الله وبالله ومن الله
والى الله والله على کل شیء قدیر

عزمت علیکم یا معشر الجن والشیاطین الخبیثة المجوسین والمجوسیة

والنصرانی والنصرانیة والمسلمین والمسلمات بعزیمة سلیمان

ابن داود علیه السلم والذی سخر به الجن والجنیة و
الطیور والوحوش باسماء الله تعالی عزمت علیکم
بالتوریة وبکل سورة فی التوریة وبکل ایة فی التوریة
وبکل عهد ومیثاق فی التوریة لخرج لخرج باذن الله
تعالی عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم عزمت
علیکم بالانجیل وبکل سورة فی الانجیل وبکل ایة فی
الانجیل وبکل عهد ومیثاق فی الانجیل اخرج لخرج باذن
الله تعالی کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه
ترجعون عزمت علیکم بالزبور وبکل کلمة فی الزبور
وبکل ایة فی الزبور وبکل امر ونهی فی الزبور وبکل
عهد ومیثاق فی الزبور لخرج لخرج باذن الله تعالی
لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف
الخبیر عزمت علیکم بالفرقان وبکل کلمة فی الفرقان
وبکل ایة فی الفرقان وبکل امر ونهی فی الفرقان وبکل
عهد ومیثاق فی الفرقان اخرج لخرج باذن الله
تعالی توکلت علیه وهو رب العرش العظیم فان کنتم
یهودیا بحق موسی کلیم الله وذریته واله واتباعه واشیاعه



اشیاعه وذریاته وان کنتم عیسائیا بحق عیسی روح الله و
بحق ذریته واله واتباعه واشیاعه وذریاته اخرج اخرج
باذن الله تعالی وان کنتم داودیا بحق داود خلیفة الله و
ذریته واتباعه واشیاعه وذریاته اخرج لخرج باذن
الله تعالی وان کنتم مسلما بحق محمد رسول الله وذریته
واله واتباعه واشیاعه علیهم السلم اخرج اخرج باذن الله
تعالی توکلت علیه وهو رب العرش العظیم وان کنتم مجوسیا
او نصرانیا او حبشیا او هندیا او داودیا اخرج لخرج باذن
الله تعالی قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان
زهوقا وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا و ابن زهر در کتاب خود که موسوم
بجامع است ذکر کرده که فاوانیا که آن عود صلیب شهرت دارد چون
بر مصروع بندند صرعش زائل میشود اطباء گفته اند که سالی خطا نکرده بار
بچه ای که هرگاه در حین زیادتی ماه ... نور ماه شکم بچه اول ...
... ظاهر میشود یکی سفید و یکی ملون چون عنبر
ملون را در پوست گوساله کرده در وقت ... کرده باشند
گوساله زمین نرسد و ذبح کرده باشند بسته بر بازوی صاحب صرع بیکدن

اویزند در دفع صرع مجرب یافته اند    انفع ما قیل ان اشکال
است که چون بنویسند و بشویند و آب آنرا بر روی جن زده و مصروع
پاشند جن سوخته شود الواحین اوین اقهین وان اواه انه
چون صرع در مصروع ظاهر شود انگشتان دستها و پاهای
او را برشته از موی سیاه بربندند و در بستن هر یک این آیه را
بخوانند فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب حتی اذا
اثخنتموهم فشدوا الوثاق    بتجربه رسیده که اگر کسی
را جنون باشد و یا مصروع باشد این دعا را در پنج سطر بطریقی
که نوشته شده و حروفات آنرا مفتوح قلمی نمایند و بر بازوی راست
او بندند بزودی شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم ونفخ فی
الصور فصعق من فی السموات ومن فی الارض الا ما شاء الله
ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون واشرقت
الارض بنور ربها ووضع الکتاب وجیء بالنبیین والشهداء
وقضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون وصلی الله علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین    در ابطال سحر در حدیث معتبر
منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام فرموده که برای ابطال
سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسید و با خود دارد بسم الله و بالله

و بالله ما شاء الله بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله
وقال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله
لا یصلح عمل المفسدین فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون
فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین    و در حدیث دیگر فرموده
که اگر از ظالمی یا ساحری ترسی بعد از نماز شب پیش از شروع
نماز صبح رو بجانب خانه او کن و هفت بار بگو بسم الله و بالله
سنشد عضدک باخیک ونجعل لکما سلطانا فلا یصلون
الیکما بایاتنا انتما ومن اتبعکما الغالبون    ایضا جهة ابطال
سحر بنویسد و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم وقدمنا
الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا وجعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
فالقی السحرة ساجدین قالوا آمنا برب العالمین رب
موسی وهرون قال آمنتم له قبل ان آذن لکم انه
لکبیرکم الذی علمکم السحر قالوا ان هذان لساحران یریدان
ان یخرجاکم من ارضکم بسحرهما بحق کهیعص و بحق حمعسق
و بحق صم بکم عمی فهم لا یرجعون ولا یتکلمون    و در
خزائن الاسرار آورده که هر که آیه واتبعوا ما تتلو الشیاطین

عَلٰى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلٰكِنَّ الشَّيَاطِيْنَ كَفَرُوْا
يُعَلِّمُوْنَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا اُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوْتَ
وَمَارُوْتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ اَحَدٍ حَتّٰى يَقُوْلَا اِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ
فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُوْنَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُوْنَ بِهٖ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهٖ
وَمَا هُمْ بِضَارِّيْنَ بِهٖ مِنْ اَحَدٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَتَعَلَّمُوْنَ
مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوْا لَمَنِ اشْتَرٰىهُ مَا لَهٗ
فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهٖ اَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوْا
يَعْلَمُوْنَ از سورهٔ بقره بر طشتی بنویسد و پاک کند و بخور کند و بآب
بشوید و از آن بخورد سحر در او تاثیر نکند و اگر مسحور باشد بر طرف
گردد و اگر مسحور یا مجنون یا چشم بد رسیده از آن آب غسل نماید صحت
یابد و باز در آن کتاب آورده است که اگر آیهٔ وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ
قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ اَفَاِنْ مَاتَ اَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ
وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهَ شَيْـًٔا وَسَيَجْزِي اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ
از سورهٔ آل عمران بنویسد بر بازوی کسی که او را سحر کرده باشند آن
سحر باطل شود و اگر این آیه را بر جمعی که بسحر کردن اشتغال دارند بخوانند
سحر ایشان کارگر نگردد ایضا آورده است که هر که آیهٔ وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِيْ
سَبِيْلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِي الْاَرْضِ مُرٰغَمًا كَثِيْرًا وَّسَعَةً وَمَنْ يَّخْرُجْ مِنْ بَيْتِهٖ

مِنْ بَيْتِهٖ مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُهٗ
عَلَى اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا را بر دست راست بنویسد و از آن بلیسد
و تا هفت روز متوالی بدین دستور عمل نماید در مدت عمر سحر بر او
کار نکند شیخ ابو العباس بونی گفته که بر دست راست نوشتن و
هفت نوبت این عمل کردن مزید در کار نیست بلکه بر هر دستی که باشد
و یکنوبت نیز همین فایده می بخشد اما [illegible] باید نوشت و بعضی
گفته اند تعلیق این آیه نیز ابطال سحر میکند ایضا این کلمات را بعد از
کربلا و آب نیسان بر کف دست مسحور بنویسند و مسحور بناشتا پاک
آن را بلیسد و سه روز متوالی این عمل بجا آورد سحر باطل گردد بسم الله
الرحمن الرحیم یا من اذل السحرة باعجاز موسی لما القی عصاه
فاذا هی ثعبان مبین اذل عنی کید السحرة و کید الفجرة انک
علی کل شیء قدیر در بحر المنافع آورده که این آیات و تعویذ را بر آب
خوانند و مسحور بخورد بناشتا صحت یابد و سحر باطل گردد فالقی
السحرة ساجدین قالوا امنا برب العالمین رب موسی و هرون
اعوذ بعزة الله و کبریائه من شر السحرة و من شر الشیاطین
انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم رویدا
ایضا هفت بار بر آب بخوانند و بمسحور دهند بخورد سحر باطل گردد [illegible]

جاسوسا ماسوسا ایضا سه روز بامداد بر کاغذی بنویسد و
بآب جاری اندازد سحر باطل گردد بعد از بسمله ذکر نا من حیث
لسبنا وعاصینا من حیث بلینا ووصلنا من حیث قطعنا وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین و از خواص خلد است یعنی موش کور که چون
او را در آستانه خانه دفن کنند مانع از سحر گردد بر اهل آن خانه
و در خواص خطاف گفته اند که اگر کسی آشیان او را در وقت نماز
جمعه خراب کند و در آب حل نماید و بدان آب بدن را بشوید باعث
بطلان سحر و دفع شر آن شود و از خواص اسم قائم و لحد است
که اگر این دو اسم را بطریق امتزاج بر کف دست مسحور بنویسند باطل
گردد و امتزاج آن باین طریق است ق و ا ا ئ ح م د م اگر این حروف
را نوشته و شسته بکژدم گزیده دهند درد ساکن شود و در
خواص تراب الربعا است یعنی خاک چهارراه که چون قبل از طلوع
آفتاب روز شنبه بدست چپ بردارند و در خرقه کبود بسته
تعلیق نمایند سحر را باطل کند و چون در ساعت پنجم روز پنجشنبه
بردارند جهت دفع عداوت طریق موثر است فصل چهارم در دفع
چشم بد در احادیث وارد شده که چشم بد را تاثیر می باشد و در روایت
که بسیار باشد که چشم بد آدمی را بقبر و شتر را در دیگ داخل کند

داخل کند پس کسی که او را خوش آید از کسی الله اکبر بگوید و در روایت
دیگر وارد شده که نام خدا ببرد و از حضرت صادق علیه السلم منقول است
که چشم کسی در او یا چشم او در کسی تاثیر نماید سه مرتبه بگوید ما
شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و وارد شده که
هرگاه کسی با هیات نیکو خواهد که از خانه بیرون رود سوره معوذتین
را بخواند و بیرون رود چشم بد بد او تاثیر نکند و در روایت دیگر وارد شده
که هر که را اثر چشم بد باو برسد دستها را برابر روی بلند کند و سوره
حمد و توحید و معوذتین را بخواند و در پیش سر بکشد و منقول است
از زراره که گفت از برای دفع چشم زخم بدمند بر سوراخ بینی راست
چهار بار و در سوراخ بینی چپ سه بار و در هر مرتبه بگوید بسم
الله لا باس اذهب الباس رب الناس واشف انت الشافی لا
یکشف الباس الا انت ایضا تعویذ جهت چشم زخم رسیده اللهم
رب مطر حابس و حجر یابس و لیل دامس و رطب یابس رد العین
و عین العاین فی کبده و نحره و ماله فارجع البصر هل تری
من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا و
هو حسیر ایضا بخواند ما شاء الله کان و ما لم یشا لم یکن
اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء

عِلْمًا وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ ایضا بخوانند یا باخود دارد وَإِنْ يَكَادُ را تا آخر سوره ایضا
این افسون را باید خواند و بعضی گفته اند که بر بیضه باید نوشت
و در میان چشمهای حیوان و میان پایهای انسان میباید زد تا
شکسته شود نجات یابد بِسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ الشَّأْنِ الْقَوِيِّ
السُّلْطَانِ الشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ عَبَسَ عَابِسٌ بِحَجَرٍ حَابِسٍ وَ
حَجَرٍ يَابِسٍ وَشِهَابٍ قَابِسٍ وَكَلْبٍ رَابِضٍ وَمَاءٍ فَارِسٍ رَدَدْتُ
الْعَائِنِ فِي أَحَبِّ خَلْقِ اللهِ إِلَيْهِ وَفِي كَبِدِهِ وَكُلْيَتَيْهِ فَارْجِعِ
الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ إِلَى قَوْلِهِ وَهُوَ حَسِيرٌ ایضا در زبدة
البیان آورده که جبرئیل علیه السلم این افسون را حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و آله تعلیم نمود که بخوانند بِسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ
عَيْنِ حَاسِدٍ اللهُ يَشْفِيكَ ایضا جهت دفع چشم زخم این کلمات را
بنویسند بر بیضه مرغ پس اگر بچه آدمی باشد در میان پایهای او
بر زمین زنند تا شکسته شود و اگر حیوان باشد در میان چشمهای
او زنند تا بشکند حاعت ححعت مححعت اححعتا نعلفت ورد
وقت شکستن بیضه بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى اسْمِ اللهِ وَاسْمِ
الْعَيْنِ و اطبا گفته اند که از خواص اسفنداست که هرکه آنرا با پارچه

با پارچه کبود تعلیق نماید دفع چشم بد و سحر از او کرده میشود ایضا از
خواص شب است یعنی زاج سفید که چون کسی را چشم بد رسد آنرا
بخور نماید در آن قطعه زاج سفید بصورت و شکل چشم ظاهر گردد
هرگاه آنرا در طرف قبله آن شخص گذارند هرگز چشم بد باهل آن
خانه نرسد فصل پنجم در دفع الرجال و حل ربوط و مداوای قوة
باه و دفع سرعت انزال و غیره در بعضی آورده که اگر کسی را ببسته
باشند چهار عدد بیضه مرغ را بپخته و پوست باز کرده بر هر یک زعفران
بنویسند و ناشتا بخورد در ساعت گشوده شود اول فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ
بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ دویم قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ
اللهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ سیم إِنَّمَا صَنَعُوا
كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى چهارم بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ
عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ایضا این دعا را که
بِسْمِ اللهِ الْمُبَارَكِ الْعَظِيمِ تا آخر دعا که در فصل دویم از باب اول
مذکور شد بمشک و زعفران بنویسد و با آب بشوید و بخورد ایضا
بر سه عدد بیضه مرغ آنکه بپخته و پوست کنده باشد این دو سوره
بنویسد که بسم اول حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا دویم أَلَمْ تَرَى

الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون مجرب فاستغلظ
فاستوى على سوقه بر اول را بخورد و قصد کند کما کرکشا
شود بنها والا د دوم و سیم را بخورد البته کشاده کرد ایضا
از خواص این حروف که چون عشبك و زعفران بنويسد و در
موم گرفته بر زن بندد کشاده شود باذن الله اللها الله
الله انواح انواح الواح الواح الواح الواح اقرب
باه باه باه باه نواه نواه نواه نواه ایضا یکی از صلحا نقل
نموده که جمیع را باین دعا کشودم و مجرب و ازموده است بنویسد
و برد با خود دارد یا طهعها یا لعمجا یا لعجمها یا لعمعها
یا معکیها یا لهطاطا طمعجا بسم الله الرحمن الرحیم نصر
من الله و فتح قریب و بشر المؤمنين يا محمد يا علي کشودم
مردی و شهوت فلان ابن فلان را بر فرج فلانه بنت فلان ببرکت
فاذا استويت انت ومن معك على الفلك فقل الحمد لله الذي
نجانا من القوم الظالمين وقل رب انزلني منزلا مباركا وانت
خير المنزلين کشودم شهوت فلان ابن فلان را بر فرج فلانه بنت
فلان بحق بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله تا آخر سوره 8

سوره کسکسا یملیخا و دبن الش وطونس نفوس لعطوس
قطمیر الم المص الر المر کهیعص طه طس طسم یس ص حم عسق
ق ن والقلم وما یسطرون ورد عدة الداعی مذکور است که
جهت حل ربوط از اول سوره فتح تا صراطا مستقیما و سوره اذا
جاء نصر الله تا آخر با این آیات نوشته با خود دارد آیات اینست
ومن آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها
وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك لآيات لقوم يتفكرون
ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون ففتحنا
ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى
الماء على امر قد قدر رب اشرح لي صدري ويسر لي امري
واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي وتركنا بعضهم يومئذ
يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا كذلك حللت فلان
ابن فلان عن فلانه بنت فلان ولقد جاءكم رسول من انفسكم
عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم
فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم ایضا این شکل را در قدح بنویسد و بشوید
مرد از آن بخورد کشاده شود باذن الله [illegible]

لاوع سلو مهـه ی مطعهم مرو سلهری طریقه دیگر در کتاب
درمکنونه آورده که این آیات و این اشکال را بر چهار تخم مرغ پوست
کنده بنویسند اول و دویم را مرد بخورد و سیم و چهارم را زن بخورد
اول مطعنا عال یا مطعن کعسا حل عقد فلان ابن فلان قال
مُوسیٰ مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ
المُفْسِدِينَ دویم مطعل کمال یا معک کعسا احل عقد
فلان ابن فلان وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا
سیم وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ
وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ یا صعک کمال احل عقد فلانه بنت فلان
چهارم وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ
فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا یا مطسعلسل کمال احل عقد فلانه بنت
فلان طریقه دیگر این شکل را بر صفحه خام بنویسند و بتری در آتش
گذارد تا سرخ شود و صفحه را در سوراخ بتر نهد تا بترکد و مرد بر
بالای آن بایستد تا بخار آن به وی رسد گشاده شود باذن الله
ااااع حح ه وا ۸ع حح اع ا۴۸ اع ا ح ۸ طریقه
دیگر بر تخم مرغ سیاه بنویسند و در خالی نهاد و در زیر دیگ آتش
بر افروزند و مرد بر بالای دیگ بایستد تا آنکه تخم بترکد گشاده شود اینست

| | ع ع ا ا م ا ا ۲ ا م ا ا ا | |
|---|---|---|
| اینست | | طریقه دیگر بر هفت پارچه |
| نان | ولا نوق لعلهم الا | بنویسند با اسم مرد به حروف |

مقطعه و باو بخوراند و بر هفت پارچه دیگر نان بنویسند و بزن
دهد و باید که این عمل در ساعت سیم روز چهارشنبه باشد در حین
نوشتن بر اعدا اهل بیت لعنت کند خصوصا بر عمر علیه اللعنة
عیدوک صوکل کسو د رک ولو ماموسا د طریقه دیگر بتجربه
رسیده که چهل و یک شبه بسم عشک و زعفران بر کوزه نو بنویسند
وحل کرده بیاشامد گشاده گردد طریقه دیگر چهار قل را نوشته با این
زنبیه خود بندد توحید بر بازوی راست محمد بر بازوی چپ فلق
بر ران راست و ناس بر ران چپ طریقه دیگر بنویسد بر کاسه آب
نرسیده و یا بر طشتی آب نرسیده اذا جاء و توحید و معوذتین و یا نجمه
و ایعبا با آن شش یا هفت مرتبه آیه هٰذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا
جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ تا آخر وَكَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰ
را بخوان و بدم محو نموده معقود بیاشامد در حال گشاده گردد
طریقه دیگر بیست عدد تخم مرغ نوشته بخورد شفا بخشد
طریقه دیگر مازوی چند بکوبد نرم و با روغن خر رحمی کند و بر کود کو
بمالد و بر بالای آتش بایستد و تدهعه با سنگ در زیر خود بخور کند این

طلسم برکشودن بند کشاده شود [illegible]

[illegible]

وله بحر المنافع آورده که هر که نقل این افسون را بخواند و بخود دمد شهوت
کشاده شود ازان هنسا هنسا سو ستی ایضا آورده که بنویسد
بر بازوی راست بندد کشاده کردد دعا بسم الله الحمد لله رب العالمین
اشهد ان کل معبود مما دون عرشک باطل مضمحل دون وجهک
الکریم الحاضر مکان واعنی اسئلک یا عظیم رب العرش کبیر تعالی
عما تعملون [illegible] ایضا جهت دفع
سحر که عقد الرجال باعیان آن نموده باشند این اشکال را بنویسد
در کردن بندد عقد فتح و سحر باطل و هلاکت بسلامت بدل کردد
اشراهیا اجیبونی ناطیعونی یا کریم بحق الود و هکیون شاشین
باذن الله کرمنو هید حوکی جوکی عوادی سمادی نبادی یا سریوه
سلیمان کشیموی اهما وهم بحق توریة و انجیل و زبور و فرقان
بحق محمد رسول الله صلی الله علیه و آله یا الله یا حافظ
یا حفیظ یا رقیب یا وکیل فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم
اما معالجه سرعت انزال بر کاغذ بنویسد و در دهن کیرد تا بیرون
نیاورد انزال نشود [illegible] ایضا حب بنوجه

جهت دفع سرعت انزال مجرب پنج مثقال زیبق با سرکه تند در هاون
بسایند تا منحل شود و مخلوط نماید با ملح هندی سه مثقال و
ظرف آهنی را سرکه پر کرده زیبق را در آن بجوشانند و از دارچینی مسحوق
سه مثقال اندک اندک بدو ریخته به دسته هاون بسایند تا
ملتصق شود پس دیگر باره سطبری کرده بیفشرند و آنچه در کرباس مانده
باشد با آب صندل بشویند تا چرک او زایل شود و مجموع را حب ساخته
در وسطش سوراخی نموده و ریسمان بدو را از سوراخ او کذرانیده
یکشبانه روز با آب لیمو بیندازند تا متحجر شود پس بروغن بابونه انداخته
بآتش نرم طبخ دهند و در وقت احتیاج در دهن نگاه دارند بنوعی که
ریسمان او بیرون باشد تا بلع نشود و وقتی که اراده انزال داشته باشد
از دهن بیرون آورند ابن زهره در خواصش آورده که اگر کسی پیاز
سفید را با عسل طبخ و استعمال نماید منی بیفزاید و اگر قطم یعنی
تخم کامنشه را با اشباه حار کسی تناول نماید قوت باه بیفزاید
و منی را بیفزاید و خوردن قسط بحری باه آورد و اکر احلیل را
بروغن قسط تدهین نماید او را قوت عظیمی در جماع حاصل آید
ایضا مجرب لعوب که اطبا آن ترکیب نموده اند جهت کشادی و قوت باه
و تقویت کلیه و مثانه و دماغ دهند و زن را نیکو کردانند و [illegible]

کفایه منصوری مذکور است واجزای آن اینست مغز بادام مغز چلغوزه
ومغز جوز وحب الزلم وفندق وفستق ونارکیل وخشخاش وتودری
سرخ وسفید وسنبل وکنجد وتخم جزر وتخم پیاز وتخم شلغم وتخم
شبت وبهمنین وزنجبیل ودار فلفل وترونه ودارچینی وشقاقل
وقلنجان وتخم هلیون هر یک مساوی باشد چندان بادو برابر
عسل بیامیزد وشربتی یک مثقال تا دو مثقال میل نماید وگفته اند
که اگر دو غرا بوی که ادم خود کرد روی که برهاده خسته باشد جدا
کرده باشند بر بازو خود ببندند یا با خود دارند نعوظ آورد ایضا
از زهره دخو اصش آورده که اگر عسل را با بوره مصلیت مخلوط
نموده بر احلیل و ما فوق شکم عالند نعوظ سخت آورد در بحر المنافع
آورده که این عزیمت ثابت با برکاست عزیمت یا مرقوف نهند و در
زن زبان کیرند از مجامعت کردن مانده نکردند فاذا جاء وعد
ربی جعله دکاء وکان وعد ربی حقا وعزیمت اینست
[illegible] نوع دیگر این شکل را بر
[illegible] حریر نویسند وبر ادیم کیرد
ودر میان بندد اگر با زن نزدیکی کند هم بلحظه شود کند در [illegible]
صفحه رقم شکل نوع دیگر اگر خواهد بسیار مجامعت نماید و انزال

[illegible] و انزال نشود بر پوست
آهو نویسند و بر پشت
بندد [illegible] املح ملح ومح هیح هیح ملسملس طوی
ماه ماسحا سحا محسا محسا طریقه دیگر این اشکال را بر شیشه
برکر بندد اگر با صد زن مقاربت کند بر قرار ماند ان شاء الله تعالی
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الله باسم فلان بن فلان — ایضا آورده که هفت بند کر
آب بخواند و بخورد ومریم ابنت عمران التی احصنت حاصل شود و چون
خواهد که بکشاید بر آب بخواند که احصنت فرجها و بخورد کشاده
کردد ایضا سنبل برنافه مالد انزال نشود ایضا بنظر رسیده
اگر کسی را شهوت کشته باشد این شکل را با آب بشوید و با نبات
بخورد [illegible] فسیکفیکهم الله و
هو السمیع العلیم بحق اهیا شراهیا بحق کهیعص بحق حمعسق
بحق لا اله الا الله محمد رسول الله باب ستم در دفع اقسام

در تبیع اسما متبا

بها ودوا آن چند فصل است فصل اول در دفع تب از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه
واله را تب کرفت جبرئیل علیه السلم بعیادت آنحضرت آمد
واین افسون را برایشان خواند در ساعت تب زایل شد بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله ارقیك وبسم الله اشفیك
بسم الله اداویك من كل داء یعنیك بسم الله والله شافیك
بسم الله خذها فلتهنیك بسم الله الرحمن الرحیم فلا
اقسم بمواقع النجوم لتبرئن باذن الله تعالی واز
امام رضا علیه السلم منقول است که این تعویذ ببستر برای
شیعیان سه مرتبه این دعا را بخوانی تا خدای تعالی
شفا بخشد بحول الله وقوته بخواند ارسل یا الله یا رب الارباب
یا سید السادات یا اله الالهة یا مالك الملكوت یا جبار
السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی
عبدك وابن عبدك اتقلب فی قبضتك وناصیتی بیدك و
در حدیث آمده که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلم شکوه
کرد وعرض نمود که بلیها هست که تب میکنیم واتّجه اطبا کنند بعمل
آورده و بر طرف نشد حضرت فرمود که تندها ی پیراهن را بکشا و

وسر در کریبان پیراهن کن واذان واقامت بکو و هفت مرتبه سوره
حمد وتوحید ومعوذتین را بخوان وبکوی اعیذ نفسی بعزة الله
وقدرة الله وعظمة الله وسلطان الله وبحول الله وبجمع الله
وبرسول الله وبعترته صلی الله علیه واله وبولاة امر الله
من شر ما اخاف واحذر واشهد ان الله علی كل شیء
قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی
محمد واله اللهم اشفنی بشفائك وداونی بدوائك و
عافنی من بلائك ودر حدیث دیکر فرمود که سوره حمد ومعوذتین
وتوحید وقدر وآیة الکرسی را بخوان وبانکشت شهادت بر
پهلوی بیمار بنویس اللهم ارحم جلدی الرقیق وعظمی
الدقیق من سورة الحریق یا ام ملدم ان کنت امنت
بالله والیوم الاخر فلا تاکلی اللحم ولا تشربی الدم ولا
تنهکی البدن ولا تهیجی الصداع ولا تشککی العظم ولا تصدعی الراس و
انطلقی من فلان ابن فلان نام مریض ومادرش را بنویسد
الی من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا الله تعالی
الله عما یشرکون علوا کبیرا ایضا حضرت فاطمه صلوات الله علیها
تب بسیار میکرد حضرت رسول صلی الله علیه واله تعلیم نمود

و فرمود که اگر خواهی که تا در دنیا باشی آزار دست تنگی نبینی باید دعا خوانی
نمازی و سلمان گفت که این دعا را زیاده از ده هزار نفر از
اهل مکه و مدینه تعلیم کردم و به برکت این دعا همه از شدائد
نجات یافتند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم

دعای نور

الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو
مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد
لله الذی خلق النور من النور و انزل النور علی الطور
فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی
نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر
مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین ایضاً بخط امام رضا علیه السلام که در پشت
بود بجهت تب بر سه پارچه کاغذ بنویسند یا بر سه بادام
سفید کرده و بند هر روز یکقطعه بلع نماید بعد از آنکه سه
نوبت بر هر قطعه سوره توحید خوانده باشد بسم الله الرحمن
الرحیم لا تخف انک انت الاعلی روز دویم بسم الله الرحمن
الرحیم لا تخف نجوت من القوم الظالمین روز سیم بسم الله الرحمن
الرحیم الا له الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین نوع دیگر

تعویذ تب

دیگر بعض کتب معتبره برای تب این تعویذ را بر بازوی راست بندد سوره
الحمد و بعد از آن بسم الله و بالله و اعوذ بکلمات الله التامات کلها
التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرء و من شر العامة
و الهامة و السامة و اللامة و من شر طوارق اللیل و النهار و من شر
فساق العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشیطان
و شرکه و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما
علی ابراهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین کونی بردا و سلاما
علی فلان ابن فلان ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا
تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا
ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا
علی القوم الکافرین حسبی الله لا اله الا هو فاتخذه وکیلا
و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب
عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق
وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده ما شاء الله
لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی
عزیز ان حزب الله هم الغالبون و من یعتصم بالله فقد هدی

الی صراط مستقیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین و در
مکارم آورده که بر سر قطعه کاغذ بقلم خفی چنانکه نتوان خواند بنویسد
و بر مجنون دود وهر روز ناشتا یکی از آنها را بلع نماید بسم الله
ذی العزة والکبریاء والنور نوع دیگر بر سه پاره جیر قند بنویسد وهر
روز یکی را بخورد اعقدت باذن الله دوم سددت باذن الله سیم
سکنت باذن الله نوع دیگر از معصومین علیهم السلم وارد شده که بر
ورقها هو بنویسد و بصاحب تب بدهد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اسئلک بعزتک وقدرتک وسلطانک وما احاط به علمک
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان لا تسلط علی فلان بن فلان شیئا مما
خلقت بسوء وادم جلده الرقیق وعظمه الدقیق من فورة الحریق یا
ام ملدم یا آکلة اللحم وشاربة الدم حرها وبردها ان
کنت آمنت بالله الاعظم ان لا تأکلی لفلان بن فلان لحما ولا تمصی
له دما ولا تنهکی له عظما ولا تثوری علیه غما ولا تهیجی علیه صداعا
وان تنتقلی عن شعره وبشره ولحمه ودمه الی من یزعم ان مع الله
الها آخر لا اله الا هو سبحانه وتعالی عما یشرکون و در جامع
اطبای هند بیان نموده که گفته اند که هر تبی که آغاز او با مداد باشد
از بلغم بود وهر چه در میان روز باشد از سودا بود وهر تبی که وقت فا

تا نصف شب آید از خون بود وهر تبی که شب آید از باد بود و صفرا
و در کتاب خلاصة التجارب بمجربه تبهای کهنه آورده که دختر نا
رسیده را بگویید تا سه بار ماء به نیت محموم بشکند بنحوی که مغز
آن درست باشد و هوای آن بیرون نرود و در زیر سر محموم گذارند
و علی الصباح پیش از طلوع آفتاب با کسی تکلم نکرده بر آن بنویسد
اول بسم الله دوم بسم الله الله سیم بسم الله الله الله وهر روز مریض
ناشتا یکی را بخورد شفا یابد نوع دیگر بر تخم مرغ در صباح جمعه
شنبه قبل از سخن کردن با کسی بنویسد بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی
لغفور رحیم بردا بسم بت فلان ابن فلان را براو سیا بحق محمد
رسول الله صلی الله علیه وآله علی ولی الله و بعد از آن دیگر
که دختر نابالغ بکر رشته باشد که هفت مو تو بر میان نخ بر
بپیچد و در زیر خاکستر گرم پخته کند و روز دوم آن را محموم ناشتا
بخورد و سفیده آن را بسگ سیاه چشم بدهد به نیت دفع تب
او و پوستهای آن را در آب روان تو یا نادزد پنهان نهد و ریسمان را
بریا زوی راست محموم بندد شفا یابد نوع دیگر محمد ابن الحسین الصفف
روایت کرده است که بخدمت مولای خود امام جعفر صادق علیه السلم
رفتم و در حالتی که تب داشتم آن حضرت پرسید که سبب چیست که ترا

ملول و حزین می‌بینم گفتم ای مولای من تب دارم فرمود که هر که را یکی
از شما را تب عارض شود تنها بخانهٔ رود و دو رکعت نماز گذارد
و جانب راست رخسار خود را بر زمین گذارد و ده بار بگوید
یَا فَاطِمَةُ بِنْتَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ اِشْتَفِعْ بِكِ اِلَى اللّٰهِ فِيمَا نَزَلَ بِي
که شفا می‌یابد باذن الله **نوع** دیگر از مودهٔ سلوه و مشهور
است که این مربع بنویسد و قدری صاحب تب بخورد این است مربع

و در نسخهٔ دیگر این مربع با این نحو مسطور است

**اما معالجه** حمی الیبس بنویسد آیهٔ اَمْ حَسِبْتَ اَنَّ اَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ
الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا اِذْ اَوَى الْفِتْيَةُ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا
رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا الی آخر
سورهٔ کهف بنویسد و در زیر سر کسی که تب کند نهد تب او زائل
شود باذن الله تعالی **فصل دوم** در معالجه تب ربع و سه یک
و تشعریره و تب سرد که آن را لرز گویند **اما معالجه** تب ربع منقول
است که این آیه را بنویسد بر او بندد و در نسخهٔ دیگر بزبان نویسد

تب ربع و [illegible]

نویسد و بوی دهد تا بخورد یَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى
اِبْرَاهِيمَ وَاَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْاَخْسَرِينَ **نوع**
دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم مروی است که بر دست
راست او بنویسد بِسْمِ اللّٰهِ جَبْرَئِيلُ و در دست چپ او بِسْمِ اللّٰهِ
مِيكَائِيلُ و در پای راست او بِسْمِ اللّٰهِ اِسْرَافِيلُ و در پای چپ او
لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا و در میان دو کتف او بِسْمِ اللّٰهِ
الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ حضرت فرمود که اگر کسی شک آورد نفع نیابد اگر چه
بخاطر فاتر این حقیر میرسد اولی آنست که مریض در اثنای نوشتن
با طهارت باشد زودتر تاثیر نماید **نوع** دیگر اند و سائر روایت
کرده‌اند که گفت مردی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلم آمد
حضرت از او پرسید که ترا چه میشود که رنگ تو را زرد می‌بینم و
متغیر می‌یابم عرض کرد که تب ربع با من بحاجت می‌نماید حضرت دوات
و قلم طلبید و بر کاغذی نوشت بسم الله الرحمن الرحیم الحمد هو ق
حبلی عن فلان بن فلان و در زیر آن نوشت خاتم سلیمان هفت بار پس
بخادم خود معیشت نام فرمود که رشته بیاورد که آب چون باران تر شده
باشد پس خادم رشته آورد پس آن نقش بست و بند و چون خود
آورد و بند بر جانب راست حضار کرد و بر جانب چپ سه گره و بر هر گرهی

فاتحة الکتاب و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی بخواند
بدان مرد فرمود که بپا نفی را سه خود بر سینه و در انشای
نشستن آیة الکرسی را بخواند و تا این ذکر باقی باشد مجامعت
مکن و اطبا بتجربه رسانیده اند که هدهد را از کام رو پاکوبید
و خشک ابریشم نامند با پاره کتان یا مانند آن بر صاحب تب ربع
تعلیق نمودن دفع آن مینماید و هم چنین بتجربه رسانیده اند
که باقلا را سوراخ کرده دو عدد شپش در آن جای داده مناسب
تب ربع آن را بلع نماید دفع شود اما معالجه تب غب

برگ انار هر چند که خشک بوده باشد و برواتی از درخت توت بگیرد
بنام مریض و بر یکی بنویسد طیسوما و بر دیگری ابوحا و بر
سیم ابرسوما و در آب دهان انداز دفع شود نوع دیگر انکه
بر کف دست راست مریض این اشکال را بنویسد ساك هلج فلج
موت مات و بر کف چپ او نویسد فلج هلج مات موت و در مجرب
المنافع آورده که در کف دست و پای مریض بنویسد قوس قوس
شاماخ شاماخ عجل عجل صحت صحت نوع دیگر در کف دست
راست بنویسد قوص منقوط معرب و در کف چپ قوص منقوط
و در وده ناخن دستها این حروف بنویسد و آغاز از دست راست کند

کند اول از ناخن ابهام اد یا کر یا بعدا تا آن دست چپ بهمان
دستور با عتقاد پاك و با وضو باشد حق تعالی صحت بخشد نوع
دیگر بر بیضه خام نویسد و رشته تا بالغ بر آن بپیچد و بیضه را در
آتش انداز د بیضه پخته شود و ریسمان نسوزد بقدرة الله تعالی
و بیضه را پوست کند و بدهد تا بخورد و پوست آن را در آب روان
انداز د و رشته را بر بند دست چپ ببندد مدورة با توته اتوته
باخ سطر ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فتحت السماء فكانت
ابوابا اما معالجه قشعریره بتجربه رسیده است که بر سه قطعه

قشعریره

اول اسم نمرود و بر دوم شداد و بر سیم فرعون و هر روز یکی را
کهنه نا شمشد ادر زیر مریض بخود کند و مریض خود نا بان
تنخیر نماید دفع شود طریقه دیگر بر سه برك الخبس بایسد
بنویسد و در زیر دهن مریض هر روز یکی را شویها ند اول فرعون
نمرود شداد و هامان دوم نمرود شداد فرعون قارون سیم شداد
فرعون نمرود شیطان نوع دیگر بر سه مغز بادام بنویسد و هر
روز یکی را بخورد در وقت آمدن تب اول بسم الله و ما رمیت دوم
الرحمن اذ رمیت سیم الرحیم و لکن الله رمی نوع دیگر بر سه پاره کاغذ
نوشته هر روز یکی را شسته بخورند اول بسم الله تعالی دوم بسم الله

ارنبطط سیم بسم الله ارنبطنا نوع دیگر بر سه برگ انار بنویسد
و هر روز یکی را در زیر دامن دود کند اول جمهود دویم جمهود سیوم
بهاروت نوع دیگر بر سه لقمه نان یا سه عدد سیب بنویسد
هر روز یکی را بخورد اول الان خفف الله عنکم و علم ان
فیکم ضعفا دویم یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان
ضعیفا سیم ذلک تخفیف من ربکم طریقه دیگر که باید بهین
دستور عمل آورد اول قدقرت دویم قدقلت سیم قدعزت
نوع دیگر بر نه بادام بنویسد و هر روز سه عدد را بخورد بر سه
بادام روز اول بسم الله قارت و استشارت بر سه بادام روز
دویم بسم الله تحول العرش نارت بر سه بادام روز سیم بسم الله
فی علم الغیب عازت نوع دیگر بجهت تب لرز سه روز ناشتا بخورد
اول یا عیوث دویم یا وبوث سیم یا ملوث نوع دیگر بر سه
بادام بنویسد اول طاطون دویم لاطون سیم بروبنه ناشتا
بخورد مجرب است نوع دیگر بر سه عدد سیب نوشته هر روز
یکی را در وقت لرز بخورد اول بسم الله الرحمن الرحیم انا
اعطیناک الکوثر الان خفف الله عنکم و علم ان فیکم
ضعفا دویم فصل لربک و انحر ذلک تخفیف من ربکم و رحمه

و رحمة سیم ان شانئک هو الابتر و کان الانسان
ضعیفا طریقه دیگر بجهت تب لرز بر سه برگ گردکان بنویسد
در برگ اول شداد فرعون نمرود قارون دویم ابابکر عمر عثمان
بر سیم معاویه یزید شمر و بترتیب هر روز یکی را در وقت شروع
لرز در زیر دامن دود کند نوع دیگر بجهت دفع تب لرز که باشد
بر دست راست بنویسد و اگر زن باشد بر دست چپ ع۱۱۱۱ع و
امساک معالجه بتجربه رسیده که اگر الوذ کوبند بنویسد و بر بازوی بیمار
ببندد بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان
و بینهما سترا و حجرا محجورا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم
الا ان حزب الله هم الغالبون و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا
المرسلین انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون
نوع دیگر اقهبه در فصل سابق مذکور شد که بجهت حضرت امام
رضا علیه السلام مانده اند که فرموده که بر سه قطعه کاغذ بنویسد
و سه نوبت بخور بدان خانه بلع نماید بعضی بجهت تب ربع تیز
تجربه نموده اند نوع دیگر از تعویذ بر بازوی راست بیمار ببندد دفع
شود بسم الله الرحمن الرحیم و لو ان قرآنا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی

یا کافی یا معافی و بالحق انزلناه و بالحق نزل با اسم فلان
ابن فلان بسم الله و بالله و من الله و الی الله و لا
غالب الا الله نوع دیگر بر سه قطعه کاغذ نوشته با کلاب
باب بشوید و هر روز بناشتا بیاشامد شفا یابد انشاء الله
اول بسم الله الرحمن الرحیم هطك هطك هطك هطك شفا
من الله العزیز الحکیم بحق اطط اطیط هل ترجی اطط اطیط هل
ترجی اطط اطیط هل ترجی نوع دیگر بر نه مغز بادام بنویسد
و هر روز سه عدد را مریض بناشتا بخورد روز اول بر سه مغز بادام
بر یک طرف بسم الله و بر طرف دیگر سوها روز دویم بر سه مغز بادام
الرحمن و بر طرف دیگر واسوها روز سیم بر سه مغز بادام الرحیم و
بر طرف دیگر وابرسوها کفعمی آورده که این ابیات از حضرات
ائمه معصومین علیهم السلم منقول است که بر صاحب تب سه ورد 8
خوانده شود زائل شود ابیات * زارت مخصصة الذنوب بغدت
تبا لها من زائر و مودع * باتت ما تبغی و بت ضجیعها
و زفیرها و لهیبها فی اضلعی * قالت و قد عزمت علی ترحالها
ما ذا ترید فقلت الا ترجعی * بالمصطفی و شفیقه و بولده
لا ترجعی لا ترجعی لا ترجعی * و در کتاب امان الاسفار آورده که

که این طلسمات را بر سه قطعه کاغذ در روز یکشنبه بنویسد
یکی را در یکشنبه و دیگری را در دوشنبه و دیگری را در سه
شنبه بشوید بخورد که از آن نوشته نماند با آب باشد بناشتا
بخورد و اگر زائل نشد در روز چهارشنبه مرتبه دیگر بر سه کاغذ
بنویسد یکی را چهارشنبه و دیگری را در پنجشنبه و دیگری را در
روز جمعه بهمان طریق محو نموده بیاشامد البته زائل شود انشاء
الله تعالی اینست طلسمات سه کانه و ااا ع ط ر ا اااا و ا د
ه ا ۱۱ ۱ ۱۹ ۱۱ ۱ سا و سااااا ۱۹ ۱ ۱۹ ۱ سر
نوع دیگر منتر از روز یکشنبه یا چهارشنبه که غره ماه بوده
باشد این منتر را بر پارچه کاغذی به نه سطر بنویسد و به
دلیمالی که بحتر با بالغ رشته باشد بر سر مریض بوضعی ببندد
که از طرف راست شقیقه مریض آویخته باشد قبل از بهم رسیدن
تب به بیست دقیقه اگر بنا مد بها را آن رشته را بحال خود بگذارد
و الا بر گردن آویزد بنوعی که بر طرف راست گردن آویخته باشد
البته باذن الله تعالی برطرف شود سطر اول انثی هفت جا ماه
سطر دویم تا به کهتالی بحیر منتر در بحر المنافع آورده که این منتر را
بنویسد و بشوید و بخورد تب لرز برطرف شود سبح الله عیسی عوسی سبح الله

انثی بد

در عیسی الله بسو

یا ربز بان داند اثر بخشد بعد از بسمله فاتحة الکتاب و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم اللهم سالت بک یا حامل هذا
الکتاب بحق اسم المبارک تس حمعسق حم حم حم کهیعص
و ح ۳۱۴۳ ۴ ع ۶ ه ۱۱ م ۲ اما معالجه

سل و دق

سل و دق بدانکه سل قرحه باشد که در ریه حادث شود بسبب
نزله که از دماغ فرود آید یا در عقب ذات الجنب و ذات الریه و سعال
مزمن واقع شود و علامات آن حمی دق باشد و با آن سعال و نفث
و حرقت و جبر و نفث مده باشد و فرق میان مده و خلط آنست که مده
در آب فرو نشیند و چون در آتش نهند نتن محسوس شود بخلاف خلط
که چون بر آتش نهند او را نتنی نباشد از امام جعفر صادق علیه السلم
مرویست که بر صاحب سل سه مرتبه این دعا را بخوانند تا شفا یابد
یا رب الارباب یا سید السادات یا اله الالهة و یا ملک
الملوک یا جبار السموات و الارض اشفنی بشفائک و عافنی
من دائی هذا فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک
و ناصیتی بیدک و در حدیث منقولست که شخصی بخدمت امام موسی
علیه السلم از مرض سل شکایت کرد حضرت فرمود که سنبل و قاقله و
زعفران و عاقرقرحا و بزرالبنج و خربق و بلفل سفید همه اجزا را مساوی

مساوی بگیرد و فرفیون دو برابر هر یک از اجزا همه را نرم بسایند و از
حریر بیرون کنند و با عسل کف گرفته معجون ساخته بقدر یک
نخود با آب گرم وقت خواب شب بخورد چنان کرد شفا یافت ایضاً
شیرهٔ تخم اسفناج بجهت تب دق و سل مجرب دانسته اند و هم چنین
خوردن شیر زنان و شیر بز را نیز عظیم دانسته اند خصوصاً که از
پستان بمکند و هم چنین ماء الشعر یعنی جو مقشر مطبوخ مجربی که مرا شده
باشد جهت تبهای محرقه تند و جگر حار و سل و دق و قرحه ریه و امعا
و سعال حار یا بس نافع و مفید است باب چهارم در دفع درد اعضا

در دفع صداع و درد سر

و در این باب چند فصل است فصل اول در دفع درد سر و صداع در
خواص الآیات مذکور است که بجهة درد سر اول سورهٔ مریم تا رب
شقیا و آخر سورهٔ فتح محمد رسول الله الی آخر سوره بنویسد و بر سر
بندد درد زایل شود و از امام محمد باقر علیه السلم منقولست که
برای تمام صداع و درد سر این دعا را بنویسد و بر آنجا بندد که درد میکند
بیاورد ساکن گردد اللهم انت لست باله استحدثناه و لا
برب یبید ذکره و لا شرکاء یقضون معک و لا کان قبلک
اله ندعوه و نتعوذ به و نتضرع الیه و ندعک و لا اعانک
علی خلقنا من احد فنشک فیک لا اله الا انت وحدک لا شریک

لك عاف فلان ابن فلانة وصل علی محمد واهل بیته و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که درد
سر داشته باشد یا بواسیر بند شده است دست بر موضع درد
بگذارد و بگوید اسکن سکنتك بالذی سکن له ما فی
اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و از امام علی النقی علیه السلام
منقول است که از برای درد سر این آیه را بر قدح آب بخوانند اولم یر
الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در روایت
دیگر آمده که برای دفع درد سر دست بر موضع درد بمالد و بگوید
هفت نوبت اعوذ بالذی سکن له ما فی البر والبحر وما فی
السموات والارض وهو السمیع العلیم و در روایت دیگر منقول
که برای درد سر دست را بر بالای سر بگذارد و بگوید لو کان
معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا
واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول رأیت
الذین یصدون عنك صدودا و از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله مرویست که هر که بجهت درد سر گشنیز را در بینی بچکاند
نافع بود مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد برای

برای درد سر فرمود که بحمام برو و پیش از آنکه داخل آب شوی هفت جام
آب بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو نقل است که شخصی از اهل مرو بر
خدمت آنحضرت از درد سر شکایت کرد حضرت فرمود که نزدیک شو
پس دست بر او مالید و آیه ان الله یمسك السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا انه کان حلیما غفورا را خواند در حال صحت یافت
ایضا منقول است که شخصی نزد همان حضرت از درد سر شکایت کرد
حضرت فرمود که دست بر موضع درد بگذار و آیة الکرسی و فاتحة الکتاب
را بخوان و بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا انت والله اکبر و
اجل واکبر مما اخاف واحذر اعوذ بالله من عرق نعار
واعوذ بالله من حر النار و اگر برای دیگری بخواند بما تخاف
وتحذر و اعیذك بگوید ایضا در ساعت آخر روز جمعه
ماه مبارك رمضان در یك سطر طولانی بنویسد با خود نگاه دارد
بعد از بسمله لا آلاء الا آلاؤك یا الله محیط به علمك لا
ع س ل ه و ف وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك
الا رحمة للعالمین بوجهه حیث شئت فانك منصور
ابا تراب یا تراب ایضا دست بر سر بگذارد و بگوید مکرر این
ابیات را شعر یا رب بنبی حزین ز الم ربنه سکن ۞ و

عافیه وشانه یا حاجا علی اللیل سکن ✿ اجب دعائی سیدی
یا ان لو شئت سکن ✿ بالمصطفی والمرتضی والفاطمة و
الحسنین والحسین روایتست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلم
از درد سری که داشت شکوه کرد فرمود که دست بر آن بگذارد و هفت
مرتبه این دعا را بخواند بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی
الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اللهم انی
استجیر بک مما استجار به محمد صلی الله علیه و آله
لنفسه ودر حدیث دیگر وارد در جی با امام موسی کاظم علیه السلم
از درد سر شکایت کرد و گفت بسیار است که مرا از خواب می اندازد
واز عبادت شب باز میدارد فرمود که سر را مسح کن و بگو اعوذ بالله
واعیذ نفسی من جمیع ما اعترینی بالله العظیم وبکلمات الله التامات
التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر اعیذ نفسی بالله عز وجل
وبرسول الله صلی الله علیه وآله الطاهرین الاخیار
اللهم بحقهم علیک الا اجرتنی من شکایتی واز امام رضا
علیه السلم منقولست که امام محمد باقر علیه السلم فرمود
شیعیان ما را تعلیم بدهید که برای درد سر این کلمات را بخوانند
که اسم اعظم الهی اند وببرکت آن شفا می یابد یا طاهر یا ذر

یا ذر یا طینه یا طنات ودر روضة الدعوات وکتب ادعیه معتبره
است که بجهت درد سر مجرب است که در تست بدین روش که این شکل ۹
کشیده ودر تحت این شکل ده سطر که هر سطری نه حرف بنویسید
وبعد از سطر دهم بنویسید که ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا
فی عزة وشقاق ودر میان دائره ده سطر آیه وکشفنا ما به
من ضر را باید نوشت بشرط آنکه کاف های وکشفنا مسطح نوشته
شود ودر حوالی واطراف دایره آیه ولا تحلقوا رؤسکم تا شدید
العقاب باید نوشت ودر پشت مربع نام مریض ومادر او بنویسید
ودر بعضی بند شفا یابد ومربع وشکل بدستور نیست که نقلی شده
در ظهر صحیفه چونکه کیفیت آنرا نداشت والله العالم ودر
خزانة الامان از کتاب شفاء الصدور ودعا الاحزان فی شرح منافع
القرآن در علاج صداع وتسکین مرتبان آورده که از سوره فرقان
الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا
ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا واز سوره انعام وله ما سکن
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم وکلمه حول لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم بر رقعه کتابت کنند ودر ذیل
آن بنویسید یا ایها الملک الاحمر صرفنا ئیل یا صرفنا ئیل بمنه

بزنند که بیشتر درد سر بالکل برطرف شود ایضا آورده این اشکال
را مالولا لولا مالولا مالولا مالولا بالولا بر پیشانی بنویسید درد
برطرف شود در زبدة الدعوات بسم الله و فاتحة الکتاب با حروف
مقطعه نوشته با خود دارد درد زائل گردد اما معالجه درد از مجمع
المنافع آورده این آیات را صاحب درد بر سر بندد دفع شود بسم الله
الرحمن الرحیم ذلک بانهم کانت تاتیهم رسلهم بالبینات
فکفروا فاخذهم الله بذنوبهم انه قوی شدید العقاب
ولقد ارسلنا موسی بایاتنا وسلطان مبین الی فرعون
وهامان وقارون فقالوا ساحر کذاب فصل دوم
در دفع درد شقیقه و نیم سر از امام محمد باقر علیه السلم در
فصل سابق بجهة درد نیم سر حدیثی مذکور شد و در خواص آیات
قرآنی مذکور است که بجهة درد نیم سر این آیه را بر کاغذی بنویسند و
بر اطرافی که درد میکند ببندد شفا یابد وکلبهم باسط ذراعیه
بالوصید لو اطلعت علیهم لولیت منهم فرارا ولملئت منهم رعبا
و روایت که حبیب سجستانی شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر
علیه السلم که هفته دو مرتبه مرا درد شقیقه میگیرد فرمود که کف
دست را بر آنجانب که درد میکند و سه مرتبه بگوی یا ظاهرا موجودا

در شقیقه و نیم سر

موجودا یا باطنا غیر مفقود رد علی عبدک الضعیف ایادیک
الجمیلة عنده واذهب عنه ما به من اذی انک رحیم ودود
و در مکارم آورده که حضرت امام محمد باقر و جعفر صادق فرموده که
بجهة درد شقیقه این آیات قرآن بخوانند ولو ان قرآنا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر
جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه وتنشق الارض وتخر
الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ویا ارض ابلعی ماءک
ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی
الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین ایضا بدستور سابق
رایات بخوانند بشرط آنکه شقیقه را با انگشتان ابهام و سبابه
محکم گرفته باشند فمن کان منکم مریضا او به اذی
من راسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک ید
الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه
ومن اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما
اسکن سکنتک یا ریح الشقیقة بالذی سکن له ما فی
اللیل والنهار وهو السمیع العلیم ایضا بعد از بکم ربنا

لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب بر آن بخوانند واگر تاثیر نبخشد وبه نشود بگیرد
یک نخود ونیم انخود سعید نه بگوید وسه مرتبه سوره توحید
را بر آن بخوانند وبخورد البته شفا یابد ودر روایت دیگر آنکه
کر عمار بخدمت حضرت امام جعفر صادق از درد شقیقه شکایت
کرد حضرت فرمود که چون از نماز فریضه فارغ شوی انگشت
سبابه را در میان هر دو چشم خود بگذار وهفت مرتبه بگوی یا حنان
اشفنی وانگشت را برابروی راست بمال وبعد از آن انگشت را بمیان
جا بگذار وهفت بار بگوی یا منان اشفنی وانگشت را برابروی چپ
بمال وبعد از آن کف دست را بر میان سر بگذار وبگو یا من
سکن له ما فی اللیل والنهار وما فی السموات والارض صل
علی محمد وآل محمد واسکن ما بی ودر خواص الآیات آورده که بعد
از بسمله بگوید بنویسد الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو
شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا ثم قبضناه
الینا قبضا یسیرا وبر شقیقه آویزد فائده مجربه بجمیع اوجاع
جهة درد هر یک از اعضاء نوشته بر بالای عضوی که درد میکند
بر بندد خلاصی یابد انشاء الله تعالی جهة درد سر ادبو...

ببندد نزد

ظو فو کو لو لا دیر وم چنین سایر اعضاء وحروف اینست ا ب ت
ث ط ظ ف ک ل لا ی وحروف اول آن موضع درد را از اسم
عربی آنجا ممزوج کند ودر مکارم آورده که بجهة درد شقیقه بنویسد
اگر مرد باشد بر سر ببندد واگر زن باشد بر پا کره گیسویش بگذارد بسم
الله الرحمن الرحیم بسم الله من الارض الی السماء کان هبط جبرئیل
فاستقبل الاوجاع فقال این ترید قال اذهب الی الانسان آکل
لحم عینیه واشرب من دمه فقال بالله الذی لا اله الا هو لا تذهب
الی الانسان ولا تاکل لحم عینیه ولا تشرب من دمه انا اتوب الی الله السلام
ایضا جهة درد سر وشقیقه دست بر آن بگذارد وبگوید یا مصغر
الکبراء ویا مکبر الصغراء ویا مذهب الرجس عن محمد وآل محمد
ومطهرهم تطهیرا صل علی محمد وآل محمد وامسح ما بی من صداع
ووجع شقیقه برحمتک یا ارحم الراحمین طریقه دیگر در کتاب
در مکنون آورده که این شکل جهة درد شقیقه نوشته بر آن ببندد
درد ساکن گردد س س س س ع ع ع ع ع هو هو هو هو
ودو الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا
الشمس علیه دلیلا اسکن ایها الضارب والصداع کما سکن عرش
الرحمن تذنیب در ذکر بخار از اطبا قطور مغز جغد با روغن

جغند ا

بنفشه دو سوده بر پیشانی از طرف موافق جهت صاحب درد شقیقه
اطبا مجرب شمرده اند لغ الصدغین جهت درد سر پارچه کرباس
کرنفیده رهم باشد کذاشته بر شریان صدغین ببندند تخم کاهو
تخم کاهو یک مثقال مرصاف و مثقال حضض سه مثقال افیون یک
مثقال نیم با لعاب بزرقطونا بسرشند مجرب است عصا محی العالم
را با روغن گل سرخ جهت درد سر طلا نمودن بغایت نافع است و کذلک
زهره در اختیار الثر در خواص نوع یعنی روناس نافع دانسته که
هر که صداع داشته باشد آنرا تعلیق نماید در ساعت ساکن
شود و همچنین برگ انگور را بجوشانیده با گلاب و پارچه بدان
ترکرده بر سر گذارند جهت درد سری که از صفرا بود یا حدت
بخارات حمام حادث شود نافع و مجرب دانسته اند و همچنین
پاشیدن سرکه بر سنگ گرم تفسیده کرده و سر و بینی را بر بخار آن
داشتن نافع است و بدبستن سنگ گرم کرده را در سرکه انداختن
بخار آن جهت درد سر صحت و نزلات و سرفه مزمن نافع است
و همچنین جهت صداع مزمن و درد شقیقه و دوار بارها تجربه
نمودیم هست که آجر آب ندیده را چند عدد در آتش سرخ کرده
در شراب انداخته سر را به بخار آن بدارند اگر ماده بسیار

بسیار غلیظ باشد بجای شراب آب انگور کنند و بدستور آب مرزنجوش
نیز کردن نافع است فصل ششم در دفع درد گوش و گرانی و
رنج آن از ابن عباس منقول است که هر که را گوش گرانی کند بر
خواندن آیه فمن یستمع الآن یجد له شهابا رصدا
مداومت نماید و گفته که بعد از آن بخواند کأن لم یسمعها کأن
فی اذنیه وقرا شفا یابد و از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام مرویست که برای دفع درد گوش دست بر گوش مالد و هفت
مرتبه این دعا بخواند شفا یابد اعوذ بالله الذی سکن له ما فی
البر والبحر وما فی السموات وما فی الارض وهو السمیع العلیم
مرویست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام از
سنگینی گوش شکایت کرد فرمود که دست بر گوش بکش و این آیات را
بخوان که لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و دیگر وارد
شده که جهت درد گوش بر روغن یاسمن یا روغن بنفشه هفت مرتبه
بخوان و آن روغن را در گوش بچکان نافع است کأن لم یسمعها
کأن فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک
کان عنه مسئولا معالجه [illegible] مرویست که شخصی بخدمت
حضرت صادق علیه السلام شکوه کرد از درد گوش و گفت که چرک [illegible]

چون بسیار از گوشت خورده آید فرمود که پیه و بسیار کهنه را بگیر قدری
ورد بکوب و با شیر زن ممزوج کن و با برده با آتش بنه گرم کن
و چند قطره در گوشی که درد میکند بچکان و از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله مرویست که سداب از برای درد گوش نافع است
ایضا جهة درد گوش بر گوش بنویسید و سه نوبت بر آن خوانند آیت
بَرْقًا بَرْقًا بَرْزُوا مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ
تَارَةً أُخْرَىٰ ودر بحر المنافع آورده که جهة درد گوش بنویسید و تعلیق
نماید و بخوانند و بدمند وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ
أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ
وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ایضا بدستور مذکور بعمل آورد
وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ
عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ و جهة خارش درون
گوش ایضا در بحر المنافع آورده که بر آن خوانند و بدمند یس و
القرآن الحکیم كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا
فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ودر بحر المنافع جهة کری گوش آورده که
این آیات را سه روز هر روز هفت مرتبه بر آب خوانند و بخورد و
بنویسید و با خود دارد دفع شود ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ

عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ
فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ
لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ معالجه رفتن چیزی در
گوش مرویست که شخصی سنگی برداشت که گوش خود را بآن بخارد
در گوش او شکست و محکم گردید هر چند جهد کرد که بیرون آورد
نتوانست و معالجان نیز علاج آن نتوانستند کرد بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام رسید و از درد شکایت کرد آنحضرت
با امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که ای فرزند او را بیرون بر و بر
روشنی نظر کن چنان کرد و فرمود که چیزی در دیده نمیشود آنحضرت
با آن شخص فرمود که سه نوبت بگوی اللهم أخرجها كما أدخلتها
بلا مؤنة ولا مشقة و بهمان انگشتی که داخل کرده بیرون آورد آن
شخص چنان کرد بیرون آورد باذن الله تعالی [illegible] دیگر اگر کسی
را چیزی در گوش رفته باشد این چهار اسم را بر گوش بخوانند
بیرون آید باذن الله تعالی یا علی یا عظیم یا حلیم یا علیم و
جهة کشتن حیوانی که در گوش رفته باشد اطبا گفته اند که قطرات
با آب پوده نر یا آب برگ شفتالو حل نموده که بچکانند آن حیوان کشته

شود وبتجربه رسیده که اکر هزار پای در کوش شخصی رفته باشد
روغن کنجد در آن بچکانند بمیرد یا بیرون آید ودر جهت دفع طنین
ودودی وسده وکرانی کوش در بحر المنافع آورده که سوده اعلی
را بر کوش کسی که طنین بسیار داشته باشد بچکانند نیکو شود واطبا آن
بجهت دوی وسده که از اجتماع چرك بوده باشد وطنین بسیار بجربت
دانسته که صرصر بسیار که آن حیوانیست کوچك وشبیه بملخ در
کوزه سفالین سوده سحق کنند اورا با بول کاو ویا بول خوك در
کوش بچکانند در ساعت دفع نماید وکفته اند که مطبوخ هدهد
که خوخدا کویند در پوستانار که با روغن کل سرخ بجوشانند دفع
کرده دفع درد کوش وکری قدیم است وبجهة آماس بنا کوش بنوشند
وهرجا که آماس داشته باشد ببندد نیکو شود بعد از بسمله لدم
کرکرسوات بلاد مخالطات دوس سامان [illegible]
استعصی هیطا ایضا سه روز بر آنجا نویسد [illegible]
انت لعلم علی کل شیء ملقیا برحمتك یا ارحم الراحمین [illegible]
دفع درد چشم وعلاج آن در خواص الآیات آورده که [illegible]
سه نوبت بر چشم بخواند درد زائل شود بعد از بسمله یدخل الرمد
بسلامة ویخرج بسلامة وانکشف الدمعة وانفلت الحمرة

دفع درد چشم

المحمرة بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم الله نور
السموات والارض نور علی نور ودر امیر المومنین علیه
السلم منقولست که هرکاه کسی را چشم آزرده باشد باید که باعتقاد
درست آیة الکرسی بخواند شفا یابد ودر روایت دیکر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله برای درد چشم امیر المومنین
که اللهم متعنی بسمعی وبصری واجعلهما الوارثین منی
وانصرنی علی من ظلمنی وارنی فیه ثاری ودر روایت آمده
که شخصی بخدمت امام جعفر صادق علیه السلم آمد دید که چشم
آنحضرت آزار دارد روز دیکر بخدمت آنحضرت آمد اثری از آن
آزار نیافت از سبب آن پرسید حضرت فرمود که باین تعویذ کردم
اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ
بجلال الله اعوذ بجمال الله اعوذ بکرم الله اعوذ بما
الله اعوذ بغفران الله اعوذ بحلم الله اعوذ بذکر الله
اعوذ برسول الله علی ما اخاف واحذر علی عینی واجد
[illegible] عینی اللهم رب الطیبین اذهب عنی بحولك و
قوتك فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید فنظر
نظرة فی النجوم فقال انی سقیم وصورکم فاحسن صورکم

وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا عَلِيُّ
يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ لَا تَدَعَنِي فِي قَبْرِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ
الْوَارِثِينَ واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت که
دنبلان از کیاه بهشت است و آبش از برای درد چشم نافع است
ازبهر دیگر جهت درد چشم بگوید أُعِيذُ نُورَ بَصَرِي بِنُورِ اللهِ الَّذِي
لَا يُطْفَأُ و چشم را بدست مسح کند و آیة الکرسی بخواند و در خاطر
بگذراند که انشاء الله شفا میابد ایضا جهت درد چشم بر پارۀ پنبه
وتر کند و بر چشم کذارد و بگوید عین الشمس فی لجة البحر یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابراهیم ایضا در وقت نماز شام بلبدین صانع
لعاب دهن خود را بانکشت بکیرد و این آیة را بخواند و بر بالای
چشم زند آورد چند مرتبه چنین کند صحت یابد قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ
أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ نوع دیگر باب
باران نیسانی که ذکر آن شد و آیات قرآنی که ترجیح کذشت بر آن
خوانده باشد قدری بپاشد و قطره در چشم چکاند و چشم را با آن
آب بشوید درد ساکن کردد در خواص مقطعات اوائل سور قرآنی
یافته اند که هرکه در روز شنبه اول که بعد از نوروز مباشد بنویسد

و بشوید و بخورد درد آن سال از درد چشم ایمن باشد الم المص
الر المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق ق ن
از خواص وضع این حروف باین ترتیب چنانکه کذشت آنست که
هرکه درد چشم داشته باشد با خود دارد درد زائل شود ع اه
ع اه ن اه و بطریقهای دیگر نوشته اند و مذکور شد نوع
دیگر این آیات را بر کلاب بخواند و چشمها را بدان بشوید شفا
یابد أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا
وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَا
سْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ
فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ط مرتبه دیگر این آیات را هفت بار
بخواند و بر چشم دمد درد زائل شود متی یا مقلتی بصدت نکحل
تراب من نعال الجراب هو البکاء فی المحراب لیلا هو الضحاک فی
یوم العتاب ایضا بنویسد با خود دارد و صبح و شام در چشم
بخواند و بدمد بعد از بسمله قل هو الله احد ان فی عینی رمدا
احرانی یا حی حسبی الله الصمد یا مبلغ السماء یا عزال
عزوله لبر الله شریک لا له کفوا احد و در رقعه کرده با خود میدارد
این اشکال را و آیات را نیز بنویسد لحملح دمح ع ع ه ع ه ی

حرحر ... بسم الله نور السموات والارض الی نور علی
نور یسکن الضارب ویهدأ الهد ویزول الوجع الا امر بعون
الله وحمده انه علی کل شیئ قدیر ودر تعلیقات در مکنون
آورده بجهت درد چشم که بر چشم خوانند وبدمند وبنویسد و
باخود دارد شفا یابد یا ناظرین یعقوب اعیذها کما
استعاذ به اذ مسه الرمد شفاء الله اذ جاءه البشیر
به بحق یعقوب اذهب ایها الرمد بقدرة العزیز هذه
الزاجرة ودر ربیع الدعوات آورده که آیه نور وآیه وان
یکاد را بتربت امام حسین علیه السلم بنویسند در آب
بمیل بکشند درد چشم شفا یابد وهر وقت کسی را چشم درد کند
از آن آب در چشم کشند شفا یابد وبعد از آن این کلمات را
با این حروف بنویسد وباخود دارد که مجربست اسکن
ایها العرق الضارب حتی تنام العین الساهرة فی
الدنیا والآخرة بحق هذه الاسماء العظام ۲۱۱۲
ال م ن ج ع ل ل د ع ی ن ی ن ی و ل س ا ن او ش ف ت ی
ن وخواندن سوره هود بر درد چشم بتجربه رسانیده اند که
گوشتی را که خالی از دست باشد قطعه رقیق مانند ورق

ورق بگیرند ودر کف دست نگاه دارند تا گرم شود وبر
پیشانی وچشم ببندند درد فی الفور ساکن شود وهمچنین
کشیدن خون تازه وگرم کبوتر بچه بعمل کرده در چشمی که از درد
سطافت باشد بسیار نافع است وجالینوس گفته است که تعلیق
مگس زنده بر کسی که چشم او درد کند باعث تسکین درد میشود
واز خواص طلسمات است که چون روز چهار شنبه وقت طلوع آفتاب
بکشند غنچه نشکفته او را صاحب رمد ومقادیر آن بدهن از
درخت جدا کرده فرو برد تا یکسال رمد نکشد ودر معالجه ضعف باصره
وشبکوری ودمعه وبیاض وجرب وسبل وظفره وبجهت قرحه عین و
علل چشم روایتست که شخصی بخدمت امام موسی کاظم علیه السلم
از ضعف باصره شکایت کرد وگفت بمرتبه رسیده که شب کور
شده ام حضرت فرمود که آیه نور را در جامی بنویس وبآب محو
کن وآن را در شیشه کن واز میل در چشم بکش واو گفت که کمتر از
چهار میل کشیده که بینائی من باز گشت واز حضرت صادق علیه السلم
منقولست که فرمود مسواک کردن آب بجهت چشم را زایل میکرد و
چشم را جلا میدهد شخصی بآن حضرت از درد چشم شکوه کرد
فرمود که از حب الدود کافور بقدر عدس را از هم اورا بگیرد وداروی بسیار

آزادم بد

و در حدیث دیگر فرمود که این دارو بجهت ضعف چشم و حیا[؟] نافع است ودر حدیث دیگر فرمود که بجهة سفیدی که بسوی باصره بهم رسد کشیدن دهنهٔ فرنك نافع است واگر کسی را سفیدی در باصره بهم رسد سوسن صینه را بسوید و باخود دارد سفیدی چشمش زایل شود و بتجربه رسیده که چون او کسی که بیاض باصره دارد دنبه و جنین باده انگشت کوچك دست راست او را ببستاند از یك میبرند وازخون انگشت او قطره در آن چشم بچکانند بیاض زایل گردد و در حدیث دیگر آمده که هر که هر روز آیة فجعلناه سمیعا بصیرا را بخواند چشم او از آفت سالم ماند و همچنین اگر هر روز سه مرتبه آیة فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید را با آیة ولو نشاء لطمسنا على اعینهم فاستبقوا الصراط فانى یبصرون را بخوانند از آفت چشم محفوظ مانند طریقه دیگر اگر آیة نور را با آیة وان یكاد بتربت امام حسین علیه السلم آب زمزم برجامی بنویسد و بشوید و در شیشه کند و بمیل در چشم کشد از شکوری و ضعف باصره ایمن گردد ودر بحر المنافع آورده که اگر کسی را چشم درد کند یا علتی داشته باشد این افسون را خاکستر بخواند و بر پشت چشم بکرداند دفع شود برفع خیر قابر تا دفع بلقا

بلقا بنین عقلا و اطبا بتجربه یافته اند که جگر بزبیا هرا چون لا نرجهٔ کرده زهره او با آن مخلوط نموده دار فلفل و زنجبیل بر آن پاشیده کباب نمایند و عضا به شی کباب آنرا در چشم کشند شکوری را نافع بیانند اینا اکحال الحونا بر ورطوبتی که در حین کباب کردن دل از آن چکد جهت شکوری مجرب است و اکحال رطوبتی که در برك جی جمع میشود جهت بیاض عین نافع دانسته و همچنین اکحال آب حی العالم بجهت رمد مفید یافته واکحال محرقه بستون مقوی باصره و دماغ او را باسرکین او و باخاکستر او با عسل جهت ابتداء نزول آب و بیاض و جرب و سبل و ظفر نافع است و طلا کردن آنچه بیخ خطمی را کوبیده و در لته بسته و در آب گذاشته در زیر آسمان چندان بگذارد که آب منجمد گردد جهت دفع تهیج پلك چشم موثر دانسته اند و اکحال بعر بش خفاش با آب بیا زجهت دفع نزول آب یا با عسل جهت بیاض و همچنین سرکین او را نافع بیاض است ایضا بجهت ماهانی که در چشم بهم رسد او با سه جوش و ناخنه و غیره سه بامداد ناشتا هر روز هفت بار در آن خوانند شفای یابد مجرب است بعد از بسم الله و عینه و از هجی وبار هنیه فانما هی زجرة واحدة فکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم حدید وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمه

للمؤمنین دیگر جهت المنافع جهت بختن موی سر چشم آورده که
بخوانند و تعلیق نمایند بعد از بسمله ثم افیضوا من حیث افاض
الناس واستغفروا الله والیوم الآخر وجاهدوا فی سبیل
الله لا یستوون عند الله والله لا یهدی القوم الظالمین
ایضا جهت منع بختن موی ابرو بدستور بعمل آورند ما کان
حدیثا یفتری ولکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل
الکتاب لا ریب فیه هدی ورحمة لقوم یؤمنون
فصل پنجم در منع درد دندانها و علاج آن از قلاع و جوشش
و درد کام و کلو و کردن و غیره مرویست که شخصی بخدمت حضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دندانها فرمود که دست
بر دهان بگذار و بگوی بعد از بسمله بسم الله الذی لا یضر
مع اسمه سم ولا داء واعوذ بکلمات الله التی لا یضر
معها شیء قدوس قدوس قدوس باسمک یا رب
الطاهر المبارک المقدس الذی من سألک به اعطیته
ومن دعاک به اجبته اسئلک یا الله یا الله یا الله
ان تصلی علی محمد وآل محمد النبی واهل بیته وان تعافینی
مما اجده فی فمی وفی رأسی وفی سمعی وفی بصری وفی بطنی وفی

وفی ظهری وفی یدی وفی رجلی وفی جمیع جوارحی
کلها نوع دیگر در دفع المنافع آورده که بجهت درد دهن از
اول سوره طه تا علی العرش استوی را تعویذ و تعلیق نمایند
و بجهت درد روی این آیه را بر آن بخوانند و بنویسند و با آب
محو نموده روی را بآن بشویند صحت یابد یا ایتها النفس
المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی
فی عبادی وادخلی جنتی یوم تبیض وجوه وتسود
وجوه فاما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله
هم فیها خالدون معالجه آماس لب آماسی که از
طرف دندان بهم رسد بروغن خانه در بهمد و با موضع
مالیده شود بعد از بسمله قل الله شهید بینی وبینکم انه کان
بعباده خبیرا بصیرا فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
وحسبی الله ونعم الوکیل ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم واطبا گفته اند لب ترکیب را بلعاب بهدانه
و کتیرا و بنکو طلا کنند و کهی که از جیار بهم رسد در حین
بریدن دندان مرهم صندل است و روغن بنفشه و پیه بط گرم کنند
و شاخ گاو کوهی سوخته بآن بیامیزند و طلا کنند و بعوست

شکی که بر بیضه مرغ کشیده است بر آن نهند نافع بود و همچنین
چیزی که در میان زرد تک انبوبه میباشد بدان چسبانید
مجربست علاج درد کام در بحر المنافع آورده که این آیات را
بنویسد و بشوید و بآن آب مضمضه نماید قال من یحیی العظام
وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل
خلق علیم الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا
انتم منه توقدون اولیس الذی خلق السموات
والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم بلی وهو الخلاق
العلیم وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع ۸
العلیم لکل نبا مستقر وسوف تعلمون رب انی
نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت
السمیع العلیم ایضا غرغره کردن بطبیخ برگ الو و پیخ او جهة
ورم لثات و منع نزولات دماغی و درد گوش تین و تقویت بن
دندان مجربست نافع یافته اند و درد و درد توت سیاه خشک جهة
جوشش دهن و سنون نیلج ازرق شفا و که ظاهر او تیایی ۸
هندی عبارتست از آنست با فوفل جهة درد دندان و حرکت آن و
تقویت لثه و باضا کستری که بجهة قلاع و غرغره و درد دوا جهة

جهت ورم لثه و لهات نافع است و هم چنین در اوایل ظهور قلاع
مضمضه بآب برگ علیق که بدیلمی تورش و بترکی بیکوردیکان
گویند کردن و بآب بارهنگ و آب به و سرکه که در او عدس و حنازی
و شاخهای نازک تاک و آرد جو جوشانیده باشند مضمضه کردن
و بدستور کزمازج و گلنار و کشنیز خشک و پوست انار و عفص
جوشانیده مضمضه نماید و بجهة قلاع بلغمی بوی مادران و برگ
زیتون و مامیران و پوست انار و عفص را با السویق جوشانیده
مضمضه نماید نافع است ایضا معالجه درد کردن و گلو دمانی
مذکور شد در بحر المنافع بجهت درد کردن اول سوره بنی اسرائیل
والرحمن علم القران یک آیة نوشته با خود دارد ایضا برای درد
گلو و ناک کردن کاغذ نوشته با خود دارد فلولا اذا بلغت الحلقوم
وانتم حینئذ تنظرون هو الله الشافی ایضا بجهت آماس و
درد گلو را آن خواند هفت مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم الم
تر انا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین تؤزهم ازا
دیگر این اشکال را بنویسد و در سر بگیرد و بر شته که دختر نابالغ
تابیده باشد در گردن بندد

| ۸ سعس سعس ار ا و ا ی | ۶۸۸ | ☒ |
|---|---|---|

ایضا برای آماس گلو و ملاوذه بوقت غروب آفتاب کاسه پر آب کند و در

بیش خود کذارد وهفت مرتبه این دعا بخواند وکاردهم مرتبه
بآن آب تر کند وبرآن موضع مالد دفع کردد بسم الله الرحمن
الرحیم اذهب بابجح من العزیز بعزة الله تعالی فانی
اعوذ بالله من کل داء دالجیل انخابج فی اللحم ربحق
سلیمان ابن داود علیهما السلام و دیکر بر کردن سیده صحتر
یا بدجا عبس جس بلس کلس الحصوهما وصلی الله علی محمد
واله ایضا بخواند وبراو دمد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
اسکن وبعزة الله اسکن وبجلال الله اسکن و
ننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
این شکلها براو بندد مجرب و دیکر برای بدد کردن ایات را
با خود دارد افعیینا بالخلق الاول بل هم فی لبس من
خلق جدید ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس
به نفسه ونحن اقرب الیه من حبل الورید ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم و بجربه رسیده برای اورام
کلو طلای ازعنب الثعلب با کل سرخ وطلای کل ارمنی وضماد
چیزهای بارده مانند برک حی العالم و مانند عزعرو باب
عنب الثعلب برای ورم حلق ودرد آن بغایت نافع است اکر

اکر کسی را ذلو بکلو چسبیده باشد این کلمات را بر آب بانان خوانند
وبخورند بیرون آید فتحا فتحا انصرو انصروا یا ذا الجلال و
الاکرام برای ذلو از کلوی فلان ابن فلان بیا بافروشو بحق
النبی علیه السلم اطبا مجرب دانسته اند برای اخراج زلو کرد
حلق چسبیده باشد بلع طحلب یعنی جامه وزغ واز عقب آن آب
کرم نوشیدن او را بیرون می آورد فصل ششم از امیر المؤمنین
علیه السلم برای درد دندان دست بر موضع سجود وموضعی که
درد میکند میدارد ومیمالد ومیکوید بسم الله والشافی الله ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم شخصی بحضرت صادق
علیه السلم شکایت کرد از درد دندان که از بسیاری درد شبها
نمیخوابیم فرمود هر کاه اثر ش ظاهر شد دست بر موضع درد بکذار
سوره حمد وتوحید بخواند بعد این آیه را بخواند وتری الجبال
تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی
اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون ومنقول است
برای درد دندان سوره حمد وتوحید ومعوذتین واین دعا بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو
السمیع العلیم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم

وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین نودی ان بورک
من فی النار ومن حولها وسبحان الله رب العالمین اللهم
یا کافی من کل شیء ولا یکفی منک شیء اکف عبدک
وابن امتک من شر ما یخاف ویحذر ومن شر وجع الذی
یشکو الیک دیگر از امیرالمؤمنین برای درد دندان بنویسد
و صاحب درد بر خود آویزد اولم یر الانسان انا خلقناه
من نطفة تا آخر سوره کبر وله ما سکن فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم دیگر از امام موسی کاظم علیه السلم برای درد دندان
سعد بران کذارده و فرمود سرکه انکوری بر دندان دار که محکم میکرداند
دیگر بر برگ سبزی بنویسد الذی جعل لکم من الشجر الاخضر
نارا فاذا انتم منه توقدون و بر دندان کذارد چند قطره
رود دانه بکر اگر هند در عقب پس اندازد و باز پس نکرد ساکن
شود دیگر بلخود دارد و بر دندان درد میخواند بسم الله وبالله
وصلی الله علی محمد وآله الطیبین وصنع الله الذی اتقن
کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الوجع بالله
الذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وایّد عیسی
بروح القدس وبعث محمدا بالحق نبیا الا اذهبت عن فلان

فلان ابن فلان مدة حیاته ولا تعود الیه مفضل ابن عمر گفت
با امام جعفر صادق علیه السلم از درد دندان شکایت کردم فرمود که
نزدیک شو چون نزدیک رفتم حضرت انگشت مبارک بر دندان درد کناده
و اندک چیزی خواندند الفور ساکن شد و فرمود درد ساکن شد
ای مفضل گفتم بلی حضرت تبسم فرمودند گفتم دوست دارم که این را بمن
بیاموزی فرمود که حضرت فاطمه نزد رسول صلی الله علیه وآله از درد دندان
شکایت کرد حضرت انگشت مبارک بر دندان او نهاد و گفت بعد از بسمله
اسئلک بعزتک وجلالک وقدرتک علی کل شیء ان
مریم لم تلد غیر عیسی روحک وکلمتک ان تکشف ما تلقی
فاطمة بنت خدیجة من الضرس نوع دیگر از آنحضرت روایت که
هفت بار بر آن بخوانند بسم الله اسکن بقدرة الله الذی خلقک
یا انه نادی مقتدر علیک وعلی الجبال اثبتها وانبتک فقر
حتی یاتی منک امره وصلی الله علی محمد وآله نوع دیگر از
ابن عباس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر کرا
دندان درد کند انگشت خود را بر آن نهاده هفت نوبت بگوید هو الذی
جعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون
دستور افسونیست که از حضرت صادق علیه السلم روایت و لخلف

بنکند بر سه برگ از برگهای زیتون بر یکی برگ بنویسد بسم الله لا
ملک اعظم من الله وانت له الخلیفة یا هیا شراهیا الخوج ایها
الداء وانزل الشفاء وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما
و بر سیم برگ نیز بنویسد و بخرقه پاکیزه و بریشته که دختر نابالغ
که حیض ندیده باشد ببندد و بر آن رشته هفت گره بزند و بر هر
گرهی نام یک پیغمبر برد و اسامی انبیاء آدم و نوح و ابراهیم و موسی و
عیسی و شعیب و محمد صلی الله علیه وآله و صلوات بر محمد
و آل او بفرستد و صاحب درد با خود دارد درد ساکن گردد باذن
الله و صاحب درّ النظیم آورده که در بصره مردی بود که دعای درد
دندان میدانست و بآن مردم را معالجه میکرد و شفا میخلق
می بود و در تعلیم آن بغایت خست داشت چون وفات او نزدیک
شد یکی از انصار مجلس گفت دوات و قلم بیاور تا برای تو دعای
درد دندان که در این مدت بخل میداشتم بنویسم چون میدانم که در
این دفعه میروم روا نمیدارم که این دعا پنهان بماند و مردم از
آن منتفع نشوند پس بنوشت که هر کرا درد دندان بهم رسد باید
که بر دندان این حروف را بخواند الم المص طسم کهیعص ذکر
رحمة ربک عبده زکریا حم عسق الله لا اله الا هو رب

العرش اسکن بکهیعص اسکن بالذی سکن له ما فی
السموات والارض وهو السمیع العلیم ذ بحر المنافع آورده که این
افسون را بخوانند و بدهن انکس بدمد درد ساکن شود ایتها الضرس
المضروس انت فی الهم والغم محبوس اسکن بحق الملک
القدوس لکل نبأ مستقر وسوف تعلمون ایضا آورده که
این اشکال را نوشته بر دندان گیرد درد ساکن گردد تله
حله سله ایضا آورده که در وقت عطسه کردن سوره حمد بخوانند و
زبان را بر دندانها از طرف بیرون بالا بگرداند در همه عمر درد دندان نبیند
ایضا آورده که بر ستون بنویسد و یا نقش کند هوا تعوها و بعد از آن
بر میخ آهنین هفت مرتبه آیه وان یکاد را تا آخر هفت مرتبه بخوانند
و آن میخ را بر هر حرفی از حروفات مذکور استوار میکند و از صاحب درد
میپرسد که درد ساکن شد یا نه هر حرفی که ساکن شود میخ را بکوبد
طریقه دیگر روز یکشنبه بر کاغذی یا چوبی یا دیوار این شکل را نقش کند
باسم علوفی در وقت نقش کردن صاحب درد بپهلوی خود بدارد لیکن
میخ آهنی بردارد و در چشم میم زند و در اثنای زدن میخ آیه ونزل
من القرآن را تا خسارا بخواند در حال درد ساکن شود و اگر درد
دفع نشود همین دستور در چشم عین بکوبد و اگر دفع نشود بهمین دستور

ما فیه

در چشم او زنند و آیه را بخواند باذن الله زایل شود و از
مجربات است طریقه دیگر این اشکال را بر خشتی یا دیواری بنویسد
و مسماری بر حرف حرف آن بزند و از صاحب درد بپرسد که
درد ساکن شد یا نه پس بر هر حرفی که درد ساکن شود مسمار را
بکوبد تا بر طرف شود الوثا بالوثا وارس طریقه دیگر بر کاغذی
بنویسد که ... و بر بالای چوبی کنانند و مسماری در چشم عین بکوبد
درد ساکن شود باذن الله نوع دیگر گفته اند که چوبی یا آجری
بیاورد و این شکل را بر آن نقش کند لثم علقفی و در اثنای نقش
کردن بخواند ربنا آتنا من لدنک رحمة وهیئ لنا من امرنا
رشدا رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین و
کارد را بر هر حرفی از حروفات آن شکل بگذارد و از صاحب درد بپرسد
که آیا درد ساکن شد یا نه تا وقتی که گوید ساکن شد نوع دیگر
در منبع الدعوات آورده که شکل ح را بدین طریق بکشد و عین در
میان دایره جیم بکشد و میخ نعل اسب بر چشم عین بکوبد و در اثنای
کوبیدن سوره والتین را هفت مرتبه بخواند و بدندانی که درد میکند بعد
و باید انگشت بر آن دندان که درد میکند نهاده باشد تا درد ساکن شود
اما معالجه درد دندان بدوا از مواد نزله و غیر آن پوست خشخاش

و حب الغلب و گل بابونه را با سویه جوشانیده و سر را بر بخار آن
داشته تا عرق بر جبین ظاهر گردد نافع و مجرب دانسته اند و بجهة
در تسکین درد دندان مکرر بتجربه رسانیده اند ما الیدین فلفل با
عسل است هرگاه از رطوبات و نزلات دماغی باشد و بهتر آنکه هرگاه
فلفل را با گلاب بجوشانند و از بیرون طلا نمایند در حال ساکن
شود و مضمضه به سرکه و گلاب نیز مفید است و سنون و مضمضه کردن
بجلنار یا آس که گذشت که بجهت بدبوی دهان و استحکام لثه و اسنان
و قلاع مؤثر است و همچنین سنون نی سوخته بجهت جلای دندان و سیلان
خون لثه مفید است و در مجرب النافع آورده که بجهة درد دندان هیچ
چیز بهتر از کهربا نیست که آن را بسایند و در پنبه محلوج کنند و بر دندان
گذارد ساکن شود واما علاج جنبیدن دندان برای اثلوق را
در دهن گیرند و از چوب او مسواک کنند دندان استوار گردد و اثلوق
اسم ترکی گیاه پنج انگشت است که آن را بهندی سنبهالو گویند معالجه
بجهة آسان بر آمدن دندان طفل مغز گوسفند بر دهن و بن دندان
طفل طلا کنند با سانی بر آورد و درد نه بیند و از جمله مجربات است و در
کتاب کفایة الطلاب مؤلفش از شیخ بهاء الدین محمد رحمه الله نقل نموده
که چون ماه نو بینند بگوید عاهدت الله ان لا اکل الهندباة و لا

ولا الحمة الفریضة از بعد دندان درآن ماه سالم ماند معالجه بر
آمدن دندان اطبا گفته اند که هر که خواهد دندانی با سانی
قلع شود بدون تعب کلبتین و کندن ناخن ضفدع را در بیخ گذارد و
بر دندان که خواهد قلع شود بگذارد در ساعت قلع شود و از اسرار
است و هم چنین بیخ خرنوب که آن را آل بودیغی گویند بر آن گذاشتن
باعث آسانی قلع میشود علاج سریر الاسنان یعنی دندان برهم سائیدن
اطفال در خواب این اشکال را بر او بندد بسم الله ممن کسح همج ۱۱
دم دم ن واما اطبا متعرض معالجه سریر الاسنان اطفال شده تجویز
نکرده اند اما مشایخ و منسوابرا گفته اند اگر عارض شود علاجش ابن حجر
کردن است و بعض نیز بعنبری و خوردن گلقند و دانه یا نز و شراب
بالنگو و تنقیه بحب ایارج و تنوقا بین نافع بود و از علاج شمرده اند و از
جمله اسرار است که بجهت سریر اسنان اطفال تعلیق سنگی که در جنبره
خروس و آسمان گوسفند مفید بود فصل هفتم در معالجه دفع کرم
دندان و بن دندان مرویست که جبرئیل علیه السلم این تعویذ را برای
حضرت امام حسین علیه السلم آورد بجهت درد دندانی که کرم خورده است
چوب یا آهن یا انگشت بر آن دندان گذارد و هفت بار بخواند العجب کل العجب
لِدَابَّةٍ فِي الفَمِ تَأْكُلُ العَظْمَ وَتَتْرُكُ اللَّحْمَ أَنَا الرَّاقِي وَاللهُ الشَّافِي الكَافِي لا

تکون



لا اله الا الله والحمد لله رب العالمين وإذ قتلتم نفسا فادارأتم
فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون فقلنا اضربوه ببعضها كذلك
يحيي الله الموتى ويريكم آياته لعلكم تعقلون ایضا دستور
دیگر بگیرد یحیی و سورهٔ حمد و معوذتین را هر یک سه مرتبه بخواند و
بگوید من يحيي العظام وهي رميم يا ضرس فلان ابن فلان
أكلت الحار والبارد أما الحار تسكنين أم البارد تسكنين
وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم عقدت داء
ضرس فلان ابن فلان باسم الله العظيم بعد آن هفت مرتبه درود
بگوید و بگوید ان شاء الله طریقه دیگر در حدیث معتبر از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلم منقول است که فرمود برای درد دندان حنظل
بگیرد و پوستش را بکند پس روغنش را بگیرد و اگر کرم دندان سوراخ
کرده باشد در میان دندان چند قطره از آن روغن بریزد و پنبه را که از آن
روغن آلوده کرده باشد در میان دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب
چنین کند و اگر بن دندان درد کند و آن گوشتی که در جانب آن دندان
واقع است هر چند شب چند قطره بچکاند باز فرمود که اگر درد دندان
داشته باشد یا چون از بن دندان آید یا درد کند یا دهان [illegible]
باشد در نکش سرخی کشته باشد یک حنظل که تازه رسیده و زرد شده باشد

بگیرد تا مثل آن بگل بگیرد و سر آن سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ
داخل کرده مغز آن را بتراشند بهمواری که سوراخ نشود پس سرکه
بسیار تندی که از شراب بعمل آمده باشد در آن سوراخ
بریزد و بر بعضی آتش بگذارند تا بسیار بجوشد پس بردارد و هر
وقت که احتیاج شود بقدر ناخنی بگیرد و بر دندانها و بر دهان
بمالد بعد از آن سرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان
حنظل است در شیشه یا ظرفی دیگر خالی کند هر چند آب خالی
شود و بر طرف شود سرکه بر روی آن بریزند و هر چند کهنه تر شود
نفعش بیشتر شود **نوع** دیگر در مکارم آورده که سوره حمد و توحید
را هر یک سه مرتبه بخواند و بگوید این دعا را یا ضرس ایتها الحار
تسکنین ام بالبارد تسکنین ام بسم الله تسکنین اسکن
سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار و السموات
والارض وهو السمیع العلیم قال من یحیی العظام وهی
رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق
علیم اخرج منها یا [illegible] لنخرجنهم منها اذلة وهم
صاغرون نخرج منها [illegible] **طریقه** دیگر در بحر
النافع آورده که بجهت دفع کرم دندان بنویسد و در زیر دندان بگذارد

یا [illegible]

---

تا سه روز دم

گیرد ساکن شود وما من دابة الا هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم و بجهت فرو ریختن دندان و
ریختن دندان شیر همین آیه معمول است و اطبا گفته اند که
دندان را بجا رسیده و کند تا تخم ترب و پیه بز [illegible]
بیرون آید و مضمضه و سنون خوب منطوی که آن را آل بوزنی
گویند بجهت نفع درد دندان و استحکام دندان و بوسیج بنات
او قالع دندان کرم خورده است بحیثی که محتاج بآلت کندن
نیست چنانچه گذشت **فصل هشتم** در دفع لکنت زبان و حصول
فصاحت و دفع سلاطت این آیات را بجهت کودکی که سخن نکند و یا دیر
سخن آید بنویسد و با و بیاویزد سخن آید انشاء الله ما لکم لا
تنطقون اقرا باسم ربک الذی خلق الی قوله علم الانسان
ما لم یعلم لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن وقالوا
انطقنا الله الذی انطق کل شیء ففهمناها سلیمان
و از خواص این آیات است که چون بر بادیه مس بنویسد و باب
باران محو نموده بر کودکی بریزند که حرف نزند زبانش گشاده شود
باذن الله تعالی اذ قال ابراهیم لابیه آزر اتتخذ اصناما
آلهة انی اراک و قومک فی ضلال مبین وکذلک نری ابراهیم

نوع دیگر بجهت زبان

ملکوت السموات والارض ولیکون من الموقنین فلما جن
علیه اللیل رای کوکبا قال هذا ربی فلما افل قال لا
احب الآفلین فلما رای القمر بازغا قال هذا ربی
فلما افل قال لئن لم یهدنی ربی لاکونن من القوم
الضالین فلما رای الشمس بازغة قال هذا ربی هذا اکبر
فلما افلت قال یا قوم انی بریء مما تشرکون
و دیگر کتاب مجرب المنافع آورده که جهت درد و آماس زبان این آیة
را بنویسند و بگذارند بعد از بسمله قل لن یصیبنا الا ما کتب الله
لنا هو مولینا وعلیه فلیتوکل الیه توکلنا والیه انیب
و از خواص و اسرار سین مهمله است که اگر کسی هفتاد بار بر
بدن طفل بنویسد پیش از تکلم بسخن در آید و در خزائن الامثال از
سکاکی نقل نموده که این حرف را ششصد بار بنویسند و بر طفل
بندند زود بسخن آید و لکنت از زبان او برخیزد نوع دیگر در
کتاب خزائن الاسرار آورده که اگر کودکی دیر بسخن آید یا در سخن گفتن
زبان او بگیرد سوره بنی اسرائیل را بمشک و زعفران بنویسد و بشوید
و بدو آشامانند زبانش گشاده گردد باذن الله تعالی و اطبا گفته اند
جهت ثقل زبان و سستی آن و تشویش کلام این عزائم بغایت مفید است

[حاشیه: صعتر]
[حاشیه: عنصل]
جوزبل زنجبیل فلفل عاقرقرحا نشادر بوره شونیز سعتر
نمک والشونیز زهر کوبیده با سکنجبین عسلی یا با آبی که در آن مویز بجوش
جوشانیده باشند غرغره نمایند و همچنین تجربه یافته اند که
تلخ ماهی را کوبیده سعوط نمایند ثقل زبان گشاده شود و
نمک و عسل بهاشتا مکرر شستن زبان را نیز نافع دانسته اند و تخم
ترپرا با طفال خورانیدن معین نطق ایشان شمرده اند معالجه
حدت زبان و سلامتی آن در خزائن الاسرار آورده که هر که آیه لا
یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعا
علیما را بنویسد و بر کسی بندد که زبانی گویی معیب باشد خاموش گردد
سخن کردن و اگر زنی سلیطه و بدزبان باشد این آیه را بر قطعه جامه
بنویسد که از گریبان پیراهن کرده باشند و آن پیراهن را در روز
[حاشیه: پنجشنبه]
جمعه بریده باشند و آن زن را در آستانه سرای او دفن کنند زبان او کوتاه
گردد و همچنین از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند
که هر که سوره نحل را بنویسد و با آب باران حل کرده بزنی که سلیطه باشد
بخورانند خوش زبان گردد و دیگر در لطائف وارد شده جهت حدت
زبان و بیهوده گوئی با ستغفار مداومت نمودن بر طرف میگردد فصل
نهم در دفع رعاف و نزف الدم از اعضا و جهت قطع رعاف این آیات را

براو خوانند منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة
اخری یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا ویا ارض ابلعی ماءک ویا سماء
اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی و
قیل بعدا للقوم الظالمین ومن یتق الله یجعل له مخرجا و
یرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا وجعلنا
من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
لقطع الرعاف ان الذی فرض علیک القرآن لرادک
الی معاد وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم
وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء
وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
لکل نبإ مستقر وسوف تعلمون بنویسد و با خود دارد طریقه
دیگر بجهة رعاف منقول است که بر پیشانی بنویسد یا ارض ابلعی
ماءک تا آخر آیه و در مکارم الاخلاق وارد شده که از ظهار حون یا از غیر آن
آیه مذکوره بر پیشانی بنویسد اما نوشتن بخون آیه کریمه را بخون
و پلیدی نا مشروع است تا واضح باشد و هم چنین آورده که بنویسد
و بر پیشانی انکس کیرد که خون از آن می آید یا من حبس الفیل من بیتک
الحرام اسکن دم فلان ابن فلان اما معالجه حبس خون از هر
جائی که بوده باشد جهة رعاف و جهة غیر آن بخوانند و بر آن موضع دم
بعد از نسبه ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی
اصولها فباذن الله ولیخزی الفاسقین نوع دیگر از کتاب
تین لجات جهة دفع رعاف و احتباس خون آن ذکر کرده اند که از
آن خون اینشکل را بر پیشانی صاحب رعاف بنویسد بسته گردد اینست
شکل [diagram: ف ف ف] نوع دیگر اینشکل را بر پیشانی صاحب رعاف
بنویسد بسته گردد طب طب مطب مطب طب طب مطب نوع
دیگر بر جبین او بنویسد شحطش طریقه دیگر اینشکل را نوشته بر
پیشانی صاحب رعاف بچسبانند

| ح | ' | ک | ا |
|---|---|---|---|
|  | ط | ه |  |
| ه | د |  | و |

طریقه دیگر در تذکره مکنونه مذکور
است که سه نوبت این کلمات را بر هر
موضعی که خون از آن آید بخوانند بدید منقطع شود انقطع ایها الدم
بحق الله وحقا طریقه دیگر بنویسد بجهة رعاف بر پیشانی چسبانند هو طا
بو طا او طا انقطع الدم بلا انطا ومن بکر ذلک لخطا طریقه دیگر از
همان خون این اشکال نوشته بر پیشانی او بندد منقطع شود بنا ملیسا

هوطا او

منقطع شود دم را

ملساركبر اسكن بعزة الله وقدرته نوع دیگر جهة قطع
رعاف بر ورق آهو نویسد و در میان دو ابروی صاحب رعاف
بیاویزد وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان
مات او قتل انقلبتم على اعقابكم انقلب یا دم بالف لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم ههج ههج ههج ههج لج ههج
لحطاس هج حطاس هج و اگر زنی باشد که استحاضه او بسیار
آید همین را بر سر قطعه کاغذ بنویسد یکی را از جانب پیش بر
دامن او بیاویزد و یکی را از جانب عقب و دیگر بر لچیان بیاویزد که
محاذی زیر ناف باشد خون باز ایستد ایضا جهة قطع رعاف
این شکل را نوشته بر پیشانی و جبین ندهن باز ایستد هلع
هلوع هالع ایضا جهة رعاف بنویسد و بر آن نگاه کند یا بر
پیشانی بنویسد [illegible] جفجبش رعاف ذرق
الدم بنویسد و بر او ببندد تا باز ایستد و بر ذخون قطع شود منقول
از دو مکتوبه استعمال نماید ولو ان قرآنا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر
جميعا بسم الله انقطع ایها الدم الذي تسیل من خشية الله
وبعزة الله الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ايها

ايها الدم الذي تسيل اذ تقع بقدرة الجليل وقد امرت بالتعليل
اسكن ايها الدم وانقطع كما سكن دم ادم اذا اراد ذلك
معاذ وقيل يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض
الماء حاد موسى ابن عمران الى سبع ينبوع مد عصاه الى الماء
فقال له اسكن بحق رب السموات والاسماء الحسنى فسكن كذلك
يسكن دم فلان ابن فلان ورفعناه مكانا عليا واتلها على ذهابه
به لقادرون اولم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها وزيناها
وما لها من فروج لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم كف ايها
الدم الجاري وحقن بقوة اسماء الله عز وجل وقدرته وعزته
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اسكن ايها الدم وامسك عن جريانك وسيلانك بالذي يمسك
السماء ان تقع على الارض الا باذنه سرقوط حرقوط حرقوط
لكل نبا مستقر وسوف تعلمون انقطع ايها الدم بالف لا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم واطبا سوخته مصفه تقدیری که سیاه شود و
خاکستر گردد جهت قطع رعاف مهلک مجرب دانسته اند ایضا فتیله را که بسعوط

تخم مرغ آورده و با آهک معمول آغشته در بینی گذاشتن در قطع رعاف
مجرب یافته اند و هم چنین سعوط کردن برنج کرده چین سفید
کردن نیم رسد جهت قطع آن مجرب یافته اند در بحر المنافع
آورده که اگر رعاف بهیچ چیز نایستد گلوی حنالی در قفای او آویزند
خون باز ایستد ایضاً سرگین کاو گرم کرده بر پیشانی بندند خون
باز ایستد ایضاً آرد ماش با آب خمیر کرده بر تارک سر مالد چون خشک
شود باز ایستد ایضاً سرگین کاو را بسوزانند که خاکستر شود و در
بینی دمند رعاف باز ایستد و اگر تار عنکبوت را بر جراحت تازه که بر
ظاهر بدن باشد بگذارند بدون ورم خونش منقطع شود ضماد
زاج سفید و عسل بر زخم تازه همین خاصیت دارد در بحر
المنافع بجهت درد میان بینی این آیه را ذکر کرده اند بسم الله
الرحمن الرحیم قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا
عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
بِالْعِبَادِ فصل نهم در دفع درد دستها در بحر المنافع
آورده که بجهت درد بازو بنویسد و بر آن بندد وَقِيلَ يَا أَرْضُ
ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي تا آخر آیه که گذشت سَنَشُدُّ

سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا بجهت درد
بازوی راست إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ
اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ
نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ
أَجْرًا عَظِيمًا و از برای درد بازوی چپ بعد از بسمله وَأَصْحَابُ
الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ تا آنجا که عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ
از سوره واقعه و از جهت درد مرفق راست عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا
رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ
و بجهت درد مرفق چپ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ
هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ طریقه دیگر بجهت درد دستها بنویسد و بر آن
بندد وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا
بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ
لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا
وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فصل یازدهم
در دفع درد سینه و پستان و زیاد شدن شیر در خواص آیات
قرآنی آورده که بجهت درد سینه این آیات را سه بار بر ... آنجا

ومریض بهذه تابیا شامل وتلد هی بر سینه او مالد شفا یابد
رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من
لسانی یفقهوا قولی مروی است که شخصی از درد سینه بعدت
یکی از ائمه علیهم السلام شکایت نمود آنحضرت فرمود که از قرآن
شفا بطلب زیرا که حق تعالی میفرماید فیه شفاء لما فی
الصدور یعنی در قرآنست شفای آنچه در سینها است ودر
مکارم الاخلاق آورده که بجهة درد سینه آیه واذ قتلتم نفسا
فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه
ببعضها کذلک یحیی الله الموتی ویریکم آیاته لعلکم
تعقلون از سوره بقره را بخوانند و بر آن دم نفع یابد طریقه
دیگر در بحر المنافع آورده که بجهة درد سینه و پستان و دل سوره
الم نشرح را بخوانند و بر آن دم نا... کرده نوع دیگر این آیات را
بنویسد و بخورد و بدهد بار سینه آویزد شفا یابد وننزل من
القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید
الظالمین الا خسارا وفیه شفاء لما فی الصدور نوع
دیگر بدستور بنویسد معمول دارد ونزعنا ما فی صدورهم من
غل اخوانا علی سرر متقابلین افمن شرح الله صدره للاسلام

للاسلام فهو علی نور من ربه ربنا لا تزغ قلوبنا
بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت
الوهاب الا بذکر الله تطمئن القلوب ایضا همین نحو
معمول دارد ویذهب عنکم رجز الشیطان ولیربط علی
قلوبکم ویثبت به الاقدام اذ یوحی ربک الی الملائکة
انی معکم الی والله علی کل شیء قدیر جهة درد پستان
این اشکال را نوشته دور پستان کیرد
ده مـ ـه مـ ع نوع دیگر بجهة درد پستان زنان آ
ععععععععع ١٢٣٨٧١٣٩ كا ١ا
٢١٧٠٦٠١١٢١٧٨١ ودر در مکتوبه آورده بجهة بند
پستان بنویسد و زن در گردن آویزد چنانکه در میان پستانهایش
اینست ع ما ٧ لا له مح وع مله سه سه
ووح مم ع عمه عصه لا عل مح هم صله
مهواعم ا= ٧٧ هل مال ومک وع لمه محاله
و لا مم کادم ما ٧ مما د مه معها ااا احاه
٨٨ ٠ ه ٧ حراح سهلسد ٧ العطیم سهسح
لوما مسا او دما سلسا مام واسع س اسغا ر منیکفیکهم الله

در پستان

وهو السميع العليم كفا كفا حومد يخرج من بين
الصلب والترائب وبالله وباسمائه استشفي اشفايت الشافي
ونتزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين وشفاء لما
في الصدور ودر ولنحه دیکر از این کتاب تسهیل الدواء این
اشکال با بن فتم بود والله اعلم ✶ ✶ ✶ ✶ ✶ مع مرع
نعه وع مرصه مصرع صعرع ✶ ✶ ✶ ✶
مرع مع حوا ✶ ✶ ✶ هه ✶ حاله ودے
مے مه هاله ع ✶ لمع ✶ كاد ✶ ها ✶
مخاورنه معوما مرااا اهاه ✶ ✶ ✶ حوع
سلا ✶ العطه سما لمحو لوروايت ما ورنا
سسا ما حو ولعرس اسعاد فسيكفيكهم الله وهو السميع
العليم كفا كفا حومد يخرج من بين الصلب و
الترائب والله وباسمائه استشفي اشفايت الشافي ونتزل
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين وشفاء لما في
الصدور نوع دیگر بنویسد و بر پستان بندد و یا در گردن
آویزد بنحوی که محاذی پستان باشد قوقش طعش ددو رط
صه صه صه وكان وذللناها لهم فمنها ركوبهم ومنها

مجرب کوبرکو

فوفس طقشس

مه مه

ومنها ياكلون فلانة بنت فلانة وجع اللبان ولسفيكم مما
في بطونها من بين فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربين
سهو مهمو ✶ امنا مجرب ورم پستان و درد آن
و زیاد شدن شیر زنان آرد باقلا ده مثقال تخم بادروج پنج
مثقال با آب بادروج و آب بادنجان سرشته ضماد کردن نافع
دانسته اند ایضا ضماد آرد باقلا با سکنجبین بر پستان جهت
ورم و درد آن مجرب است و اگر وجع آن بجهت بسته شدن شیر در
پستان باشد علامات آن حمرة و انتفاخ و صلابت و وجع آن
باشد خرقه را با گلاب یا سرکه ترکنند و بر آن نهند و اگر حرارت
آن عظیم باشد آرد باقلا و جو و ماش با آب کشنیز و آب حی عالم
وسفیده تخم مرغ طلا کنند و ضماد آرد عدس با برگ کرنب جهت
ورم پستان و انجماد شیر در این باب مفید است و بجهت زیاد
شدن شیر صاحب دستور المنافع آورده که بجهت زیادتی شیر
عورات بنویسد و بر بالای پستان بندد بسم الله وبالله وبكلمات
الله التامات واسمائه العظام فهل ترى لهم من باقية يا مالك
یا سید السادات و یا عالم السر والخفيات یا مجیب الدعوات یا منزل
البركات يا قاضي الحاجات يا سامع الدعوات لا اله الا انت يا حي

سهو مهمو و ✶ ✶ ✶ در

ورم پستان و درد آن

ومعاش در

زیاد شدن شیر زنان

یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
نوع دیگر آیه ثم قست قلوبکم من بعد ذلک فهی کالحجارة
او اشد قسوة الی فیخرج منه الماء را بنویسد و بشوید و بخورد
زن دهد شیرش زیاد شود در دفع درد دل و طپیدن
دل و فزع و دلتنگی در کتاب مکارم بخط در درد دل آورده که آیه واذا
قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم را با معوذتین
بخواند و بنویسد و بخورد نافع باشد نوع دیگر این آیات را بر آب
بخواند و بیاشد بر دل و بیاشامد ولئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون الدبر الی
قوله تعالی ولم ان الله یمسک السموات تا غفورا نوع دیگر
بهشتی مذکور برآب خواند و بیاشامد و بنویسد و بر کردن آویزد
بعد از بسمله ربنا لا تزغ قلوبنا تا لا تخلف المیعاد والذین
آمنوا وتطمئن القلوب هم بذکر الله تا احسن ما یعلمون انجیتنا
من هذه لنکونن من الشاکرین طریقه دیگر در کتاب در
مکنونه آورده که بجهة درد دل این اشکال را بنویسد اگر خواهد بشوید
بیاشامد و اگر خواهد با خود دارد ەەەەە ۵

ع ع ع ح ح ح ح ح امل امل امل ایضا بر ظرف کاشی دار بنویسد

بنویسد و بیاشامد بعد از بسمله سبح اسم ربک الاعلی تا فهدی
هذا اهل ایها الوجع بعزة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم ابتث ججح ددذش ش ص ض ط ظ ع غ فق کل من لا هو هی
نوع دیگر در بحر المنافع آورده که این آیات را نوشته تعویذ نماید
در بغل نوشته و بآب محو نموده بخورد درد دل ساکن شود فوقیهم
الله شر ذلک الیوم ولقیهم نضرة وسرورا وجزاهم بما صبروا
جنة وحریرا اسقیه ادنا یا شافی نوع دیگر بنویسد بر
سر دل نهد درد ساکن شود ولئن انجیتنا من هذه لنکونن
من الشاکرین وان یشا یسکن الریح فیظللن رواکد علی ظهره
ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور الذین آمنوا وتطمئن
قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب در کفعمی مذکور
است که این آیه را بنویسد و بشوید و کسی که درد دل داشته باشد
بیاشامد ساکن گردد ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب
او القی السمع وهو شهید واما معالجه طپیدن دل بنویسد و بشوید
و کسی که صعود دل داشته باشد او طیران نماید و بیاشامد ساکن گردد
بعد از بسمله رب علیم عالم بس نفس و ناس و مجرم بس و شهاب قابس
و ما آن قابس بحق اسمک العظیم وبحق اسمائک الحسنی وبحق یا حنان یا منان

یا دیّانُ یا برهانُ یا سبحانُ یا سلطانُ سلامٌ قولاً
مِن ربٍّ رحیم [illegible] ه اا م [illegible] اااا ه ق نوع دیگر
بر آب سه بار بخواند و بامداد و شبانگاه بخورد الذین آمنوا و تطمئن
قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب لئن انجیتنا
من هذه لنکونن من الشاکرین ق از خواص سورهٔ الم نشرح
تجربه رسیده که بجهت دفع دلتنگی هفده روز صبح و شام یکی به
بخوانند دفع شود ابن عیسی در خواص خود آورده است که هر که آیهٔ
افغیر دین الله یبغون تا و هو فی الآخرة من الخاسرین را
از سورهٔ آل عمران بر سفال نو آب نرسیده بنویسد و به آب باران
یا با آب چاهی که شیرین باشد و آفتاب بر آن نتابد محو نموده بیاشامد
خفقان و ترس و فزع از دل او بیرون رود **فصل سیزدهم** در دفع
درد معده و ضعف آن و دفع بلغم و سودا و صفرا و رطوبت و یبس
مزاج در خزانة الاسرار مذکور است که آیه ربنا لا تزغ قلوبنا
تا انت الوهاب را بر جو یا بر ماست آن سه نوبت بخواند و کسی که درد
معده داشته باشد بخورد صحت یابد انشاءالله بجهت ثقل معده و درد
بر شکم مالد و این اسم را سه مرتبه بخواند مجرب است اجو جری ترحو
فجری حتر کور بعج بایزد صاحب درة النظیم آورده که هر که اسم نور را

در نسخه صحیح مذکور و مشهور است مجرب نفع سنگ [illegible]
اجو جری تجو جری ترجار
جو بیذری [illegible]

نور را مقطعه با این صورت ن و ر بجز به کتابت کند و بکسی که معده او
با خفقان مبتلا شده باشد بخورد حق تعالی آن مرض را از او
زائل گرداند و اگر آن نوشته را بر عضوی که متألم باشد بگذارد درد
زود نشیند و الم تسکین یابد **مطلبه** ضعف معده در کتاب در مکنون
آورده که اگر تا را هفت مرتبه مقلوب بر صحیفه که قرد دهند [illegible] باشد
بر روی [illegible] بنویسد و صاحب ضعف معده بر آن نظر کند از ضعف
معده صحت یابد [illegible] ق
از حضرت صادق علیه السلم روایتست که بجهت معده و ضعف آن
همراه با آب سرد بخورد و آن کباب هست شبنه بکریش که آنرا بر زاکوی
**مطلبه** کرم معده از حضرت رسول منقول است که خرما را ناشتا خوردن
کرمهای معده را میکشد و از حضرت صادق نقلست که هر که هفت
دانه خرمای عجوه را در وقت خواب بخورد کرمهای معده او کشته
میشود و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که بخور بدیر که را
که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را میکشد و اطبا خوردن
دو مثقال تخم امرود را کشنده کرم معده مجرب دانسته اند و هم چنین
خوردن قیسب یعنی شهد ایج و کناشتن ضماد آن بر شکم اخراج
کننده کرم معده است که آنرا حب القرع گویند و همچنین ضماد برگ

پشت معده
بیونانند

آورده است که چون کسی را کرم معده و امعاء بجوشد یا فاتحه الکتاب بخواند و
شکم آیة الکرسی را بنویسد بمشک و زعفران بر طبقی و بشوید و بدهد
تا بخورد در ساعت شفا یابد و اگر این دو آیه را هفتاد بار بخواند
و دست بر شکم مالد شفا یابد وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا
وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ در بحر المنافع آورده که جهت قراقر شکم و
درد ناف و کرم و نفخ که صاحب القرع این آیه را بر سه پاره چینی بنویسد
و هر روز صبح یکپاره چینی را بخورد و هر دفعه چنین کند تا شش روز بگذرد
و در روز هفتم قدری چیز تلخ بخورد صحت یابد يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ
وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ علاج بلغم و صفرا
و سودا و رطوبت در کتاب خزانة الاسرار آورده که کسی را که در بدن
بلغم بسیار باشد و خواهد که دفع شود سوره قدر را بر روغن گل بخواند
و قدری عنبر بر آن اضافه کند و بدن را با آن چرب کند نافع باشد
در کتاب جنة الامان برای زائل شدن بلغم و دفع رطوبت از معده آورده
که از حروف هجا کاف را بر لوحی نقش کند و در پیش سینه بیاویزد و بر آن بخورد
مادام که در معده بود عاجل النفع است ب ذ م ق واز حضرت
صادق علیه السلم منقول است که برای دفع زیادتی بلغم بگیرند قدر

قدر دانه ریحی و کندر و انیسون و زنجبیل و شونیز اجزا مساوی — سیاه دانه بود
بگیرد یکی را هم از هر یکی بکوبد و ببیزد و با عسل خمیر کند و هر شب
وقت خواب یک مثقال بخورد و در حدیث دیگر فرموده که ناشتا
بحمام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن صفرا و
سودا را دفع میکند و از امام محمد باقر علیه السلم منقول است
که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند و از حضرت امام رضا علیه
السلم روایت است که یکی را از هلیله زرد یکمثقال و از خردل دو مثقال — پنج مثقال در
و عاقرقرحا یکمثقال و بسیار نرم بکوبد و ناشتا بخورد و برد دندانها
بمالد که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها محکم
میشود مرویست که مردی بخدمت امام علی النقی شکایت کرد از
سستی مزاج فرمود که ناشتا خرمای برنی بخور و بر بالای آن آب مخور
آن مرد چنان کرد فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب گردید باز
از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخور و آب
بالای آن مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد نوع دیگر در کتاب
مکنونة آورده که هرکه بسیار این کلمه را بر زبان راند حق بخشد
حب رطوبت باقی از او کرده شود که در وقت خواب از دهانش بسیار
میکند و بدنش را قوت دهد و هم قوای ظاهری و باطنی را تقویت کند

اطباحوا بیدن سفر با جنب حب بلغم دماغی و تحلیل رطوبت معده
و تنقیه حلق از فضلات لزجه مفید است انشاء الله اعلم فصل
چهارم در دفع درد پشت و ذکر خواص آیات قرآنی مذکور است
که هر که از سوره انبیاء آیه ان الذین سبقت لهم منا الحسنی
اولئک عنها مبعدون تا یومکم الذی کنتم توعدون
را بر قرطاس پاک بنویسد و بر جایی که آفتاب ندیده
باشد بشوید و قدری شکر بعد از آن بیاشامد و قدری از آن
بر پشت او بپاشند در وقتی که درد او بشدت رسیده باشد
سه روز بر این دستور عمل کند شفا یابد و اگر آن را بر روغن بادام
از آن طرف محو نموده و آن را بر پشت مالد درد پشت را زائل
کند و در حدیث آمده که اسمعیل پسر امام جعفر صادق
علیه السلم شکایت کرد بخدمت پدر خود از درد پشت و شکم
حضرت او را طلبید و فرمود که بر پشت خوابید و اینها را بر او
خواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و صنع الله
الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها
الریح بالله الذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع
العلیم و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام

المؤمنین شکایت کرد از درد پشت فرمود که دست بر آن موضع بگذار
که درد میکند و سه مرتبه این دعا را بخوان و ما کان لنفس
ان تموت الا باذن الله کتابا مؤجلا و من یرد ثواب
الدنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخرة نؤته منها
و سنجزی الشاکرین و بعد از آن هفت مرتبه سوره قدر را بخوان
ایضا در مکارم آورده که جهت درد پشت آیه شهد الله را تا
الحکیم بر آن بخواند نافع باشد نوع دیگر آیه لقد کنت فی
غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید
را با آیه والذین معه اشداء علی الکفار تا آخر سوره فتح بر آن
بخواند و بنویسد و با خود دارد نفع یابد و در بحر المنافع جهت درد
پشت این آیات را نوشته با خود دارد بعد از بسمله یخرج من بین
الصلب و الترائب انه علی رجعه لقادر یوم تبلی السرائر
فما له من قوة و لا ناصر یا حی یا قیوم برحمتک یا ارحم
الراحمین ایضا جهت فتق بنویسد و با خود دارد و لا تخاف
درکا و لا تخشی فاتبعهم فرعون بجنوده فغشیهم من الیم
ما غشیهم و اضل فرعون قومه و ما هدی و صلی الله علی
محمد و آله ایضا جهت درد میان کمر بنویسد و با خود دارد یا حیی

خذ الکتاب بقوة وآتیناه الحکم صبیا وحنانا من لدنا و
زکوة وکان تقیا سفوف مجرب درد پشت و درد عرقوب
ومنی وتقویت ارجال انعاظ و سستی آلات تناسل مجربست
واز حکمای هندوستان واز ترجمه باهو نقل شده فوفل هفت
مثقال و نیم صلایه کرده در سفال پاك اندك بو داده و دارچینی
هفت مثقال و نیم بدستور کوفته و بیخته اضافه نماید و با چهار پنج
عدد زرده تخم مرغ بر روی آتش نرم گذاشته بقدری که معجون شود
ممزوج و بعد از آن مغز پسته دو مثقال و نیم و نبات نیز بدستور دو
مثقال و نیم کوبیده بر آن نثار کنند و مجموع آنرا در دیگر روز تناول
کنند مجربست **فصل یازدهم** در دفع درد شکم و ناف و بیرون
مرویست که مردی بحضرت امیر المؤمنین علیه السلم از درد شکم شکایت
کرد فرمود که آب گرم بخورد و این دعا را بخوان یا الله یا الله یا الله
یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب ویا اله الآلهة یا ملك الملوك
یا سید السادات اشفنی بشفائك من کل داء وسقم فانی عبدك
وابن عبدك انقلب فی قبضتك **نوع** دیگر از حضرت صادق علیه السلم
مرویست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض کرد که
برادرم از درد شکم آزار دارد فرمود که اورا بگو که عسل با آب گرم

بخورد روز دیگر آمد گفت که عسل خورد و نفع نکرد فرمود
برو و باز عسل بده تا بخورد و هفت مرتبه سوره حمد نزد او بخوان
چون آن شخص رفت و فرمود برادر شفا یافت و باین سبب خوردن
عسل اورا نفع بخشید **نوع** دیگر در چند روایت دیگر آمده
که از برای درد شکم و قولنج بجای مشك و زعفران سوره حمد
و معوذتین و توحید را با این دعا بنویسید و با آب باران بشوید
و بیاشامد یا در وقت خواب بخورید اعوذ بوجه الله العظیم
وبعزته التی لا ترام وبقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا
الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر منه دستور دیگر دست بر موضع
درد بنهد و هفت مرتبه بگوید بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته
وجلاله من شر ما اجد و باز دست بر موضع درد بنهد و بگوید
سه مرتبه بسم الله ایضا بنویسید و بر شکم آویزد بعد از تسمیه
قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم ولو ان
قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل
لله الامر جمیعا **ایضا** بر وی بخوانند این آیات نافع است بعد از
بسمله ما اصابکم من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب
من قبل ان نبرأها ان ذلك علی الله یسیر هذان خصمان اختصموا

في ربهم فالذين كفروا قطعت لهم ثياب من نار يصب من فوق
رؤسهم الحميم يصهر به ما في بطونهم والجلود فتعالى الله الملك
الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم لا اله الا هو وحده لا
شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت
بيده الخير وهو على كل شيء قدير ايضا بعد از بسمله
وذا النون اذ ذهب مغاضبا تا ننجي المؤمنين وسوره فاتحة الكتا
را هفت مرتبه بر آن خوانند شفا يابد ايضا بخوانند وبراو
دمند ولئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين ان
الله بالناس لرءوف رحيم وننزل من القرآن ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا
ايضا سه نوبت بر آن بخوانند والله خلق كل دابة من ماء فمنهم
من يمشي على بطنه ومنهم من يمشي على رجلين ومنهم من يمشي على اربع
يخلق الله ما يشاء بجهت درد دل وصاحب دست بر موضع درد
گذاشته مکرر بگوید دمیرجی اوغلی هو شنل تیشی یا عزیز
تلیذی واورد شده که سوره الرحمن را نوشتن وشستن وخوردن
آن باعث شفا است وسوره الم نشرح را بر درد دل بخوانند زایل
شود وبا زوال باست از برای درد دل نوشته بر آب مالند وآنرا

دا بیاشامند بعد از بسمله ولئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین
سیهزم الجمع ویولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهى وامر ان
الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
این شکل را بر ناخن ابهام دست چپ بنویسد وبلیسد بجهت درد
شکم وقولنج مجرب است لمنع نخل معلومی درد ناف مرد بسبب
که شخصی بحضرت صادق علیه السلم شکایت کرد با از درد ناف فرمود
که دست بر آن موضع نگذارد وسه مرتبه بگوید انه لکتاب عزیز لا
یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید و
وند لجر المنافع جهت درد ناف این آیات را ذکر نموده که تعویذ نماید
وبر آن بخوانند بعد از بسمله الذی خلقنی فهو یهدین تا من
اتی الله بقلب سلیم در فصل درد معده گذشت که بر سر باجه شکر بخواند
بجهت درد ناف دو آب زیرا شکم ولقاح آن وحب القرع دو مغز ناشتی روز هر روز یکبار صبح
ناشتا بخورد و در روز هفتم چیزی اندک تلخ بخورد صحت یابد یوم لا ینفع
مال ولا بنون الا من جهت درد شکم بر پشت خوابیده پای راست را
بالای پای چپ انداخته سه مرتبه سوره لایلاف بخوانند بعد
از آن این سوره را بخوانند و دست بر شکم مالد درد ساکن شود و
مجرب است ابوالبرکات (؟) بجهت ترک کبوتک با اندرونی ایضا معالجه

انه کان حلیما غفورا ایضا

الی الله بقلب سلیم ایضا

از آخر سوره بنی اسرائیل

این آیات را بزعفران بنویسند بفرموده حضرت امام زین العابدین
علیه السلم و بآب زمزم بشویند و بخورند شفا یابد قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن تا و کبره تکبیرا و مرویست که یکی از دوستان
امام محمد باقر علیه السلم با آنحضرت از شدت درد سپرز شکایت
کرد که هر چند معالجه نمودم نفع نداد و مشرف بهلاکت شده
ام فرمود که پاره نقره بده و کند تا بخرد و آنرا بروغن عربی
بپخته کن سه روز که اگر خدا خواهد شفا می بخشد و از امام موسی
کاظم علیه السلم روایتست که یکی از غلامان خود که آزار سپرز
داشت فرمود که تا سه روز با و کند تا بخورد چنان کردند شفا
یافت در طب الائمه آورده که این اشکال را بر ورق آهو بنویسند

بکسی که آزار سپرز داشته باشد بخوانند مع

و بر بازوی چپ صاحب سپرز بندند تا هفت روز از آن درد خلاص
شود لا س س س ح ح دم کاله محی حم الله فرم و حجت شئ
محجب عشرة به علة ان عنها لحتاج حل نفر س یقولوا اسوا
اسوا اسعون و در کتاب مکارم آورده که بر کفهای دست خود

سبعون نال

بنویسد

از سوره حم سجده

سپرز سوره فاتحه را سه مرتبه بنویسد و بعد از آن این آیه را هفت
مرتبه ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تا کنتم توعدون
و بعد از آن هر دو دست را بموضع سپرز بمالد و هفت بار چنین کند

کند نافع بود ایضا آیه ان الله یمسک السموات والارض تا آخر
آیه و در و بزدل گذشت و این آیه انه من سلیمان و انه بسم الله
الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین را بنویسد و بر محل سپرز
عقد ال کرده ایضا این شکل را بنویسد بر کاغذی و در قاشقی بهنده
لبنت قاشق را بر موضع سپرز بهند بلکه بر روی کاغذ بعد تمام نیز
رفع کرده باذن الله ایضا در کتاب تجربه طبیه
مسطور است که بجهت دفع سپرز بر ره پاره کاغذی این شکل را بنویسد
و در میان قاشقی که خاکستر داشته باشد بایدنهاد و آتش انگشت
بر آن باید گذاشت تا کاغذ بسوزد و قاشق را در الحال بر روی جا
که در سپرز بگذارد سپرز که داخل میشود

ط ر ب ... د د ر

طریقه دیگر روز چهارشنبه آخر ماه شش را سپرز کوسفندی را بر ریگ
سپرز خود بگذارد و فاتحه و اخلاص را هر یک دوازده بار بخواند پس
آنرا بدیوار سمت قبله بمیخی بکوبد بنام خود و ما در پس بعد از آنکه سوره
اخلاص را خوانده باشد چون سپرز خشک شود او نیز که داخل میشود
نوع دیگر روز چهارشنبه آخر ماه پیش از طلوع آفتاب بنویسد
و بر بازوی چپ مریض ببندد و بعد از نه روز در آب روان اندازد اگر به
نشود در چهارشنبه ماه دوم عمل آورد و الا در چهارشنبه آخر ماه سیم البته به شود

دارد نافع شود الم المص الر الر الر المر المر الر حم حم حم حمعسق
حم حم حم کهیعص طه طسم طس طسم الم الم الم الم یس و
القرآن الحکیم ص ق ن ان الله یمسك السموات والارض تا
حلیما غفورا ووضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه ادرج
ایها الطحال الی موضعك بحرمة محمد صلی الله علیه وآله اجمعین

وآل محمد

| ح ماح ح | لا دمدد دد | ح م د |
|---|---|---|
| ح ماح ح | ما دمده دد | دم ح |
| ساما وطال | م م رد | لح ددد |
| ساما وطال | م م رد | طا لح |

للنفع الطحال باید روز سه شنبه بر دست چپ ببندد و هر گاه فائده دهد یکروز گشوده و
روز دیگر بهمان دست چپ ببندد و چنانچه باز هم فائده نبخشید باز
یکروز گشوده روز دیگر بهمان دست چپ ببندد که البته فائده می
دهد ح اح لح فا وطا و اطا ح مح و والدام نوع دیگر این
اشکال را صاحب سپرز با خود دارد نفع دهد و اگر خواهد تجربه
نماید سه روز بر گوسفندی بندد و بعد از آن ذبح نماید ببیند که
سپرز ندارد اینست ح ... علط لا مهدما مع
عدان همم و لح لح لك لكسرح اوع ع ع مه صرح

صرح الاسا طریق دیگر این اشکال را بر رقعه نوشته در کیسه
بیاویزد چون نم خشك شود بر طرف شود عادع ولح ۹۹۹
... ودو بحر المنافع آورده که این شکل را بر
پوست آهو نویسد و در پوست میش گیرد و شش روز بر بازوی
چپ بندد و روز هفتم بگشاید سپرز نفع شود و اگر امتحان خواهد
بر پوست آهو نویسد و در پوست میش گیرد و بر گوسفند شش روز ببندد
روز هفتم او را ذبح کند سپرز نداشته باشد اینست شکل مذکور
... واطبا تجربه ورم سپرز
که از حرارت باشد تجربه نموده اند که برگ درخت گز را کوبیده با آرد
جو و سرکه ضماد نمایند و بدستور پوست کندر را در سرکه پخته تمام
با آن آغشته ضماد نمایند نافع بود ایضا پوسته را با سرکه بجوشانند
و بر پهلوی چپ بندد سپرز را ببرد فصل شانزدهم در دفع قولنج و نفخ
و قراقر شکم و استسقا در فصل دفع شکم مذکور شد که حمد و معوذتین و
توحید را با این دعا که اعوذ بوجه الله تا آخر بر جای مشك و زعفران
بنویسد و با آب باران حل نموده بناشتا یا بوقت خواب بخورد بجهت
قولنج نافع است و در نسخه دیگر آورده اند که حمد و معوذتین را بر قولنج و
نافع بر بادهای مفاصل بخوانند و بعد از آن این دعا را بر استخوان شانه

دفع قولنج و نفخ و قراقر شکم

یا بر او محو نویسند و به آب باران بشویند و ناشتا بخورد و در وقت خواب
نیز بخورد شفا یابد ایضا از امام موسی کاظم علیه السلام روایتست که برای
دفع قولنج و بادها و درد مفاصل و سستی بدن و جز و درد انها یک
یک کف سنبل را با یک کف انجیر خشک بگیرد و با نقدر آب بر آن
بریزد که پوشیده شود و در دیک پاکیزه بپزد و صاف نموده یک
روز در میان بخورد تا انکه مجموع روزها نقد یکقدح بزرگ خورده
شود ایضا جهت قولنج بتجربه رسیده که بمشک و زعفران نوشته
و بشویند و بخورد بعد از بسمله بسم الله المبارک العظیم تا آخر دعا
کرد در فصل دویم مقدمه کتاب مذکور شد صاحب مکنون گوید که
این اشکال را بر کف دست چپ بنویسد و بر آن نظر کند قولنج زائل
شود ه ه ه ه ه [illegible] ی ی ی ی ی ی ی ه ه
سطح سلب در کتاب حرز الامان آورده که اگر ده حرف ع بدان
روش چون کبوتر بر برک ترنج بنویسد و بگلاب بشوید صاحب
قولنج آنرا بیاشامد کشایش یابد اینست ع ع ع ع ع ع
ع ع ع ع ع ع ایضا آخر سوره قدر انا انزلناه تنزل الملائکة والروح
تا آخر سوره با این اشکال بنویسد و در آب انداخته بخورد م ا لا
م ... و دیگر بنا نوشته با خود دارد قولنج دفع شود ایضا این

این اشکال را همین خاصیت گفته اند ااا ع ااا د و ا د ااا ااا د
د و ا ع ه ا د م د لا د م و ه و ا لا ه د د و ا ع ا د م بو و صول ر د ه
سلح ااام اااا ٦ ع ع م ایضا جهة قولنج نفخی این منتز
مجربست که دست بر آن موضع مالد و بخواند سوزج نکلبی در رکن
افتاد در کتاب انیس الصالحین نقل شده که در بعضی اجزا رواد
شده که پنج هاوده خط ممتد بر بالای یکدیگر بهیات نون مفتوح
و یک صلیب که دو خط متقاطعند و چهار زاویه قائمه که در هر زاویه
نقطه بوده باشد یا بر بالای زاویه اعلی هفت نقطه بگذارد و بعد
از آن هفت حرف یک واو و یک ها و یکصاد و یک میم لامی در میان
تقویس آن بنویسید که دنبال میم تقاطع قوس کرده باشد بر شکلی
مشابه بمتراس مقوم ما زند متضمن اسم اعظم گفته اند اگر کسی اینشکل را
بر کف دست چپ کسی بنویسد که قولنج و درد شکم داشته باشد
و صاحب علت آنرا بلیسد صحت می یابد شکل اینست ه ه ه ه ه
[illegible] ع ع ع ع ع ع ر ه ص م لا مؤلف گوید که این
اشکال مقاربند با پنج سابقا از در مکنون استخراج و مذکور شد
که در کف دست چپ صاحب قولنج نوشته تا بدان نظر کند و در دیوان
حضرت امیر علیه السلام این اشکال را بخواص انها در ضمن ابیات چند مذکور است

بپندم ره

و در فصول سابقه در خاصیت آیهٔ یوم لا ینفع مال و لا بنون الی
قوله سلیم مذکور شد که بر شکم خوانند شش روز تا دلکمه و درد
رود هفتم اندک چیزی تلخ بخورد ۲ ایضا معالجهٔ قراقر شکم منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلم از قراقر و صدای
شکم شکایت کرد و گفت مرتبها آزردگی میکشم که چون با شخصی سخن میگویم
خجلت میکشم حضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا را
بخوان اللهم ما عملت فیه من خیر فهو منک لا حمد لی فیه و
ما عملت من سوء فقد حذرتنیه فلا عذر لی فیه اللهم انی
اعوذ بک ان اتکل علی ما لا حمد لی فیه او آمن فیما لا عذر لی
فیه و در روایت دیگر آمده که در یح محارلی بخدمت امام جعفر صادق
علیه السلم شکایت کرد از قراقر شکم فرمود که چه مانع است ترا از
خوردن سیاه دانه با عسل ۲ معالجهٔ نفخ شکم اینکه دعا را بخوانند
و دست بر شکم مالد بسم الله اتخذ الله ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما
و بعث محمدا بالحق نبیا [illegible] یا ریح اخرجی باذن الله تعالی
ایضا بتجربه رسیده که بعد از خوردن طعام دست راست بر مجاری معده
و شکم هفت مرتبه بمالد و در هر بار بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد
از نفخ کردن ایمن ماند و اطبا گفته اند [illegible] شکم [illegible]

د و سه دانه از بادیان مسحوق و جرعهٔ گلاب از عقب آن بیاشامد [illegible]
باد از بادیان را در این باب نافع دانسته اند ۲ معالجهٔ استسقا که
باصطلاح اهل خراسان آن را تو خوانند قطعه کاغذی را بدست
[illegible] و در بالای آن [illegible] که در حوالی ناف مبتلا شده [illegible] سوره
[illegible] ببین که در آن سوره است چون برسد به
[illegible] کاغذ با قلم تراش خطی بر آن کاغذ بکشد مشروط بر آنکه چهار خط
در طول بکشد و سه خط در عرض بنوعی که خطوط عرض خطوط
طولانی را تقاطع نماید و بعد از آن کاغذ را برداشته در سایه
که آفتاب بر آن نتابد تا خشک شود چون کاغذ خشک شود آن
نیز بر طرف شود بحول و قوهٔ الهی و برکت سورهٔ طیبه و بتجربه شده
صورت خطوط اینست [grid] فصل هفدهم در دفع زحیر
و پیچش شکم و درد روده و اسهال روایتست که شخصی بخدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم از پیچش شکم شکایت کرد فرمود که آیهٔ
یکبار [illegible] بخوان پس [illegible] بخورد و دست بر شکم بمال یرید
الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و لتکملوا العدة سه مرتبه و بعد از آن
بخوان او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا
ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در روایت

دیگر وارد شده که همان دعائی که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
نقل شد در نوع قرار شکم مذکور شد بجهت بچه نیز بعد از نماز شب باید
خواند و در حدیث دیگر مذکور است که این آیات را بر روغن بخوانند
و بر شکم مالد و بعد از بسمله ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر
وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه
علی ذات الواح ودسر وفتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان
ابن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
طریقه دیگر از ائمه معصومین علیهم السلم منقول است که این
افسون را بر آب یا روغن بخوانند و صاحب پیچش بخورد و دست
بر شکم مالد و بگوید یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر
... اینست ثم السبیل یسره ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع النخلة والله
اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک اخرج ایها
اللوی باذن الله عز وجل طریقه دیگر از امام محمد باقر علیه السلم
جهت زحیر شکم مرویست که فرمود گل ارغوان بگیرید و بر روی آتش ملایم
بو داده سفوف کنید و بخورید و از امام رضا علیه السلم مرویست که فرمود
گردکان را بر روی آتش بگذار تا بریان شود بگیر پوستش را بکن و بخور تا پیچش

فراغ ازنه

پیچش شکم برطرف شود و در مصباح کفعمی آورده که هر که سوره والشمس
را بنویسد و بشوید و صاحب پیچش دهد تا بیاشامد صحت یابد و
از برای پیچش شکم تخم ملح بریان را با روغن گاو بریان کنند ناشتا
بخورد نافع است نوع دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
مرویست که فرمود بجهت پیچش شکم هفت مرتبه بر روغن بخوان و بر شکم
مال و در نسخه دیگر آورده که بر آب بخوانند و بعد از آن روغن در آن
آب بریزد چون ممزوج شود بر شکم مالد و قدری بیاشامد بسم الله
المتعلمون الذین لا یعلمون والذین یعلمون قاعدون فوق علیق
یاکلون نورا المرثیا یسئلون صاحبهم من النور العلوی کذلک یشفی
فلان ابن فلان اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا فلا
یؤمنون و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم بجهت لوی یعنی پیچش
ناف و بعضی گفته اند که درد دیست در معده که بسبب ریح هضم چیزی
ثقیل خوردن بهم میرسد این آیات را بر آب بخوانند و بیاشامد و دست
بر شکم مالد نافع است یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا افلا یؤمنون
ایضا از همان جناب مرویست که فرمود سوره اذا السماء انشقت را تا
وتخلت و آیه اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا

نتقبل منی انک انت السمیع العلیم وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین را بکبار از برای عجز ابدا الساعة نفع یابد ان شاء
الله تعالی ایضاً معالجه مغص و درد روده در کتاب مذکور آورده
که این شکل بجهة درد روده و پیچش ناف که آن را مغص گویند نوشتن
و تعلیق نمودن نافع است عـ ل عـ ل عـ ل
ایضاً این اشکال بر شکم ...
خاصیت دارد بجهة مغص و دوا ماندگی در راه رفتن نوشته با خود
دارد اع ک ط ك لا ایضاً بنویسند و بر موضع درد مغص
بیاویزد اخ اخ سح اك ن م دع یمسك هو قل اعوذ برب
الفلق تا آخر سوره طلقوا اطلقوا معالجه اسهال از حضرت صادق
علیه السلم منقول است که بجهة دفع اسهال قدری برنج را بگیرد و
بشوید و در سایه خشک کند و بر روی آتش بو دهد و نرم بکوبد و هر
بامداد یک کف از آن بخورد و در روایت دیگر آمده که بجهة اسهال برنج را
در دیگ کن و آب بجوشان و چهار پنج پاره سنگ را در زیر آتش نه
تا سرخ شود و بیضه قلوی یعنی بیضه کرده تازه را بگیر و با آن سنگها در
میان کاسه بگذار و سر آن کاسه را بپوشان تا بخارش بیرون نرود و
حرکت ده تا بیضه آن آب شود چون برنج پخته شود این روغن را بر او ریز

مغص ز ا

ز ا

القوا ز ا

برنج بریزد و بخورد نافع باشد ودر کتاب کفعمی مذکور است که حضرت امام
رضا علیه السلم بصاحب اسهال این دعا را تعلیم نمود که بگوید اللهم
انی اسئلک بوجهک الکریم واسمک العظیم وعزتک التی لا ترام
وقدرتک التی لا یمتنع منها شیء ان تفعل بی کذا وکذا ایضاً اگر سوره
عم را بنویسند و بشویند و صاحب اسهال بیاشامد که بغیر زایل شود ودر
بحار المنافع آورده که اگر کسی را شکم روان باشد سه روز بر سه پاره کاغذ
بنویسند و هر روز یکی را با آب پاک بشوید و بخورد باز ایستد اول
بعد از بسمله الله لا اله الا هو الحی القیوم دوم بعد از بسمله الم
الله لا اله الا هو الحی القیوم سیم بعد از بسمله وعنت الوجوه
للحی القیوم بجهة دفع خون شکم هر روز بر نان بنویسند و تا یک هفته بنهار
بخورد و ابتدا از روز یکشنبه نماید صحت یابد بعد از بسمله لکیلا یعلم
من بعد علم شیئا ان الله علیم قدیر فسیکفیکهم الله وهو السمیع
العلیم ایاک نعبد و ایاک نستعین بسم الله هذا انا ارقیک والله
یشفیک من کل داء یؤذیک ایضاً بنویسند و سه روز بخورد خون شکم
بایستد و صحت یابد در قوس هفت بار سلام قولا من رب رحیم برحمتک
یا ارحم الراحمین ایضاً بجهة خون شکم ... اسفول را بریان ...
دیگر خام کوبیده و با عسل سرشته هر روز نهار سه لقمه بخورد نافع است

ایضا حلبه دا نیم برشته نموده وهمان قدر خام در یکجا کند و بخورد دفع
شود واطبا بتجربه آزموده اند که برنج خشک سائیده چو آرد آلو را
سفوف نمودن جهت دفع اسهال مزمن وهم چنین کشنیز ونشاسته
وصمغ عربی را مساوی بوداده اند از زعفران ونبات داخل نمودن
وشیره کرده بخورند نافع آید وهم چنین اگر قهوه را بطرح بخورند یا
دنبلیکر برشته کنند که سیاه شود بجهت قطع اسهال بغایت موثر
است وهم چنین دو گندم زرد که در میان گل کلاوی شبشه تخم و زرد آب است
بالقی خورند صاحب اسهال عسر العلاج را نافع دانسته اند خصوصا
هرگاه با اقلیع گل بسایند فصل هفتم هشتم در دفع درد پهلو وتهیگاه
ودیگر کرده منقولست که شخصی بخدمت امام محمد باقر علیه السلم شکایت
کرد از درد تهیگاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی دست بر موضع درد
بمال و بر موضع درد مسح کن واین آیات را بخوان بعد از بسم الله افحسبتم
انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک
الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم ومن یدع مع الله الها
آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون
وقل رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین راوی گفت چنین کردم
برطرف شد نوع دیگر از حضرت صادق علیه السلم روایت که دست بر

تهیگاه مالد و سه مرتبه این دعا را بخواند بسم الله وبالله محمد
رسول الله صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی خاصرتی و در هر مرتبه دست
بر آن بکشد ودر بحر المنافع آورده که بجهت درد پهلو این آیت
الذین یذکرون الله قیاما وقعودا تا فقنا عذاب النار
بخوانند وتعویذ نماید وبعضی جانب چپ آیه وما محمد الا رسول قد
خلت من قبله الرسل تا الشاکرین بخوانند یا نوشته تعویذ نماید
وهم چنین این اشکال را نوشتن و بر موضع درد بستن نافع
دانسته اند ک ص ه م و م ح ودر حدیث وارد شده که
خوردن ریزه که از سفره میریزد درد تهیگاه را برطرف میسازد ودر
روایت آمده که خوردن الفندان بجهت درد تهیگاه نافع است
ومنقولست که خوردن امرود دل را جلا میدهد ودرد اندرون را
ساکن میگرداند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که
هر که را درد پهلو باشد سه مرتبه دست را بر محل درد بمالد و هر
مرتبه بگوید اعوذ بقدرة الله وعزته علی ما یشاء من شر ما
اجد ایضا بجهت درد پهلو بنویسد وبا خود دارد الذین یذکرون
الله قیاما وقعودا تا عذاب النار تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون

بعزة الله وقدرته

ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم ینفقون ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم ودر کتاب جنة الامان مسطور است که
اگر کسی آیه واذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه تا یعملون
از سوره یونس در ظرف سفالی بنویسد بآب باهی واز آب روغن
زیت یا کنجد محو سازد و بر آتش نرم جوش دهد و بپاهای درد
ناک چرب کند شفا یابد و هر عضو متألمی که مالد الم آن عضو زائل
شود واگر کسی را درد پهلو عارض شده باشد بمالیدن این روغن
فائده تمام حاصل شود واگر آیه وان یمسسک الله بضر را تا آخر
از سوره انعام را بر کاغذی بنویسد در وقت سحر و بر [illegible] کردن
پهلو را درد دست داشته باشد بیاویزد نفع یابد واگر چشم
یا عنق درد داشته باشد زائل شود اما معالجه درد گرده در بحر
المنافع آورده که جهت درد گرده این آیات را بنویسد و بشوید و
بخورد و دیگری را با خود دارد الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم
القیمة لا ریب فیه ومن اصدق من الله حدیثا ذلکم الله ربکم لا اله الا
هو خالق کل شیء فاعبدوه وهو علی کل شیء قدیر ایضا بدستور
سابق جهت درد گرده نفع آورد وما قدروا الله حق قدره و
الارض جمیعا قبضته والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی

وتعالی عما یشرکون اما معالجه درد جگر وارد شده که آیه
وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم تا للشاربین را بنویسد وبشوید
وبخورد وهم چنین وارد شده که آب غوره را با آب انار و ترنج و مغز
جوز و بادام و عدس را یکجا بکوبند و بر آن ضماد نمایند نافع است واز
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت حزقیل نبی علی نبینا
وعلیه السلام را درد جگر بهم رسید دعا کرد حق تعالی باو وحی کرد
که شیره انجیر را بگیر و بر سینه خود از بیرون بمال چنین کرد بر طرف
شد فصل نوزدهم در دفع استسقاء و یرقان و ذات الصدر
وذات الجنب وغیره در کتاب بحر المنافع آورده که جهت استسقا
که چون انگشت بر آماس نهد اثر آن پیدا شود و فرو نشیند آنرا این آیه
دعا را بنویسد و بر صاحب مرض بندد و دیگری بنویسد و باو بخوراند
تنزیل رب العالمین ولو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم
لقطعنا منه الوتین فما منکم من احد عنه حاجزین از سوره الحاقه
ولا یتمنونه ابدا بما قدمت ایدیهم والله علیم بالظالمین تا بما کنتم تعملون
از سوره جمعه و هر که سوره قصص را بنویسد و با آب باران بشوید و
بخورد مستسقی بود شفا یابد واطبا خوردن دوازده عدد ملخ
را که اطراف و سر آن انداخته باشند و بیکدفعه خورد نافع باشد

قرحه در جگر زد
نفع استسقا و یرقان و ذات الجنب و ذات الصدر

مجرب دانسته‌اند و هم چنین شیر شتر جهت استسقا آزموده است
خصوصا اگر با بول او آمیخته باشد و هم چنین آشامیدن دو مثقال
تا سه مثقال و نیم از سوخته سرگین گاو جهت استسقا و دفع
سموم آزموده شده و هم چنین ضماد تازه آن با بوره و گوگرد و
امثال آن در این غرض مفید است معالجه یرقان در بحر المنافع
جهت دفع یرقان و زردی بشره نقل کرده که سوره سبا بنویسند
و بشویند و بخورند و در روایتی آنکه آب بشویند نافع آید و هم چنین
آورده که جهت یرقانی که چشم را زرد کند این آیات را بنویسند و تعلیق
نمایند نافع است قالوا سبحانک انت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون
الجن اکثرهم بهم مؤمنون قالوا ربنا یعلم انا الیکم لمرسلون تا
الیم از سوره یس ایضا آورده است که این شکل را بنویسند و در نظر
او بدارند و بدان بسیار نظر کند یرقانش زایل شود

| ٨ | ٦ | ٧ |
|---|---|---|
| ٦ | ٧ | ٨ |
| ٧ | ٨ | ٦ |

و در کتاب در مکنون آورده است که هر که این
شکل که ارقام هندوی است و به زبان و خط یونانی است در
طاس نو یا تازه تعلیق مشک و زعفران و گلاب بنویسد پس به آب بشوید
محو سازند صاحب یا سود یا نقرس یا یرقان یا طحال یا کباد یا
ذات الصدر و ذات الجنب از آن آب بیاشامد به فرمان خدای تعالی در ساعت

در ساعت شفا یابد و از امراض مذکوره تندرست و سالم ماند انشاء الله
صلمحه بلع محه بلع لطه سکلهه

فصل بیست و سیم

در دفع سنگ مثانه و در بیان ورم خصیه و آدره و حکه و قرح ذکر
و خصیه و عسر البول از حضرت صادق علیه السلم بجهت درد مثانه
مرویست که این آیات را در وقت خواب سه بار بخوانند و بعد از آن به بلاد
یکبار بخوانند الم تر ان الله علی کل شئ قدیر الم تعلم ان الله له
ملک السموات والارض وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر
و در روایتی دیگر بجهت درد مثانه منقول است که هلیله و بلیله و آمله
فلفل و دار فلفل و دارچینی و شقاقل و زنجبیل و اسپند و خولنجان از هر یک
مساوی کوفته بکوبند و ببیزند و با روغن گاو تازه ممزوج کنند و دو برابر
تمام اجزا عسل صاف کرده یا شکر داخل و معجون سازند و هر روز بقدر
یک فندقی بخورند و بجهت دفع سنگ گرده و مجری بول و فالج بعد
از نماز شب در سجود بخوانند اللهم انی ادعوک دعاء الذلیل الفقیر
العلیل ادعوک دعاء من اشتدت فاقته و قلت حیلته و ضعف
عمله والح علیه البلاء ایضا بجهت دفع سنگ مثانه سوره الم
نشرح بنویسند و به آب بشسته بخورد درد مثانه زایل شود اما معالجه
ادره یعنی خصیه باد داشته باشد طلای زهره ماهی و نعناع تیتنا

ضماد جهت ورم انثیین لحم کشف را با ربع آن دانه یا نه سائیده با
کلاب و سرکه ضماد نمایند و بدستور گل خطمی و آرد جو و آرد باقلا
را بجوشانند مقرر نمایند و قدری صبر زرد با زرده تخم مرغ طلا کنند
و هرگاه ورم متحجر شده باشد زیره کرمانی و مویز منقا را کوبیده
با روغن را نخود و کرسنه آمیخته باشد ضماد نمایند ورم بحر المنافع
آورده که اگر طفل را باد فتق بهم رسد و ورم خصیه عارض گردد
گوش او را برعکس سوراخ کنند چنانچه اگر خصیه راست بزرگ
شود میان گوش چپ او را و اگر در خصیه چپ بهم رسد میان گوش
راست او را سوراخ کنند و اگر هر دو خصیه او را باد بهم رسد هر
دو گوش او را سوراخ کنند بفضل ایزد تعالی نائل شود (۲) معالجه
در خصیه و یا دفتق بر روغن کنجد بخوانند و بر بدو بر آن طلا کنند
ساکن شود و تعداد آن بسم الله تلک آیات الله نتلوها علیکم ثم یصر مستکبرا
کان لم یسمعها کأن فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم وننزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا وصلی الله
علی محمد و آله اجمعین اطباء ذرور اعد یعنی سنگ سرمه بجهت قروح
ذکر و خصیه مجرب دانسته اند و گفته اند آنچه طری باشد بصر و مردارسنج
و توتیا و شاه دانه و کلنار و مس سوخته و اقلیمیای نقره مرهم ضماد کند

و ضماد در زیر ران گاو را دند آنچه کهنه باشد کنند و کاغذ سوخته و
پوست چوب سوخته و در استعمال نمایند و در حکم قضیب
خصیان آن عضو را با آب گرم بشویند و سفیده تخم مرغ طلا کنند
با سرکه و کلاب و لعاب کرم حتی ما مینا طلا کنند و اگر ساکن نشود
ارسال علق یعنی زلو بچسبانند و ادویه حرب استعمال کنند و تنقیه
فصد و مسهل نمایند و اگر کسی را بول بی اختیار از قضیب روان گردد
روی و شکر سرد ناشتا بخورد و بجهت حبس البول این دو کلمه
را بر ناخن بزرگ پا و مریض بنویسند و اگر که حیوان باشد بر سم آن
بنویسند اهکذا محکمة (۱) معالجه حبس البول در خواص الایات
آورده که آیه ثم قست قلوبکم فهی کالحجارة او اشد قسوة از سوره
بقره را تا بغافل عما تعملون بجهت حبس البول و قولنج و غیره بخوانند بر
صاحب علت دمند شفا یابد نوع دیگر در مکارم بجهت دشواری
بول آورده که این دعا را بخوانند ربنا الله الذی فی السماء تقدس
اللهم اسمک فی السماء فاجعل رحمتک فی الارض واغفر لنا ذنوبنا
وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتک وشفاء من
شفائک علی هذا الوجع و هر دو را بشوید و بر شاه آن بنویسد
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر تا جزاء لمن کان کفر نوع دیگر جهان گوید

مجربست

بخدمت حضرت امام علی النقی علیه السلم نوشتم که جانم فدای تو باد فرزند
ما کور اند دوستان شما تعلیم نام خادم حبس البول داده والتماس
دعا از شما دارد که ببرکت آن شفا یابد آنحضرت در جواب نوشت
که خدای تعالی دفع مضرت بکند واز او مکروهات دنیا بر دارد وصاحب
نبشته نمود مرانکس که باید قرآن بخواند که ببرکت آن شفا یابد ایضا
بجهة حبس بول این اشکال را بنویسید وبر زیر ناف بندد نفع شود
بعد از بسمله یا سکملهسا یامکمعا ما دنیا مسا انوارع بلا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ایضا بنویسید وبشویند و
بخورند بول گشاده گردد بعد از بسمله طه ما انزلنا علیک القرآن
لتشقی تا تحت الثری ایضا بجهة احتباس بول کل کافشه که عصفر
باشد در شیر بخته وبنیم وزن آن شوره اضافه نموده ضماد نمایند
ایضا بجهة احتباس بول بتجربه رسیده که شپش زنده را در سوراخ
احلیل بدوانند بزودی متخلص میشود وبجوز کردن ملح را نیز بجهت
عسر البول وبواسیر نافع دانسته اند ودر مجمع المنافع آورده که سرگین
موش را بر زهار مالند بول گشاده گردد وصاحب کتاب تحفة المؤمنین
میر محمد مؤمن طبیب [illegible] نوشته که این ترکیب را نزد اعظم نام نهاده اند و
حلیه اسرار است بجهة آکله وقروح ساعیه دهان وگلو وقضیب وسائر اعضا

اعضا آ وقطع خون از زخمها وروییانیدن گوشت ومنع ورم وترتیب وا
مواد آن موده است مومیایی سوخته وگلنار وشاخ گاو کوهی سوخته واگر
نباشد استخوان سوخته وبرگ عناب که کل دهنی از هر یک سه جزو
وکندر وسفیداب قلعی وتوتیای شستهٔ کرمانی از هر یک یک جزو کوفته
وارخو بیکند اینک استعمال نمایند واگر بقدر دو دانگ افیون مخلوط
کرده باسفیدهٔ تخم مرغ سرشته مثل سلائی ودر مجرای بول گذارند
مسکن درد بود در دفع سوزنک نظیر ندارد معالجه دفع غلبه بول در کتاب
مکارم الاخلاق از ائمه هدی روایت کرده که از برای دفع این علت
بجام نوزد بنویسید بسم الله ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا پس با آب
سرد بشویند وضبط نمایند وبعد از آن بر پارچه بنویسی طرف صبح همین
آیه را وسورهٔ الحمد وعشر با سورهٔ الاخلاص ومعوذتین وآیة الکرسی وانا
انزلنا تا آخر سوره وآیه قل ادعوا الله تا آخر آیه وبعد از آن بسمله وآیه
ان الله یمسک السموات والارض تا آخر آیه وبعد از من هو هکذا او لا هکذا
عنی واسک عن فلان ابن فلانه ما یجد من غلبة البول وبعد از نوشتن به
تفصیلی که در فصل دهم از باب اول کتاب ذکر شد تا آخر معمول دارند
والله العالم فصل بیست وپنجم در دفع درد زحیر ودرد شقاق مقعد

ونواسیر وبلیت که معلی ابن خنیس بحضرت صادق علیه السلم از درد

رنج شکایت کرد حضرت فرمود که عورت خود را در موضعی که مناسب

بود برهنه کرده بایستد این دعا بهم دمیده است دست چپ

خود را بر رنج خود بنهد و این دعا را بخواند بسم الله وبالله بلی من اسلم

وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا

هم یحزنون اللهم الیک اسلمت وجهی وفوضت الیک امری لا

ملجا ولا منجی منک الا الیک **ایضا** در مکارم الاخلاق از ابن اسحق

رانجیه مرد دهم مذکور کرده که با بیوست و صاحب درد با خود دارد

وبار گفته چنان بخواند کر خود لشنوی بعد از بسمله بسم الله وبالله الذی

تا امسک السموات والارض باسمه فان مریم ابنة عمران لم یبغرها (؟)

الارحام وکذلک لشفی الله ثلاثة بیت فلانة من جمیع الانعام ومن

جمیع عرق الارحام اسلم اسلم بسم الله الحی القیوم بسم الله المستعان

بالله علی ما هو کائن وعلی ما لم یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و

ان الله قد احاط بکل شیء علما ... [illegible]

... [illegible] بخورند بعض

النسخ بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین معه اشداء

علی الکفار رحماء بینهم تا آخر سوره انا فتحنا الجبوا عزمت علیکم ...

ساعت به هذا الکتاب بعزائم الله الشداد التی تزهق الارواح و

الاحباب ولا یبقی روح ولا فؤاد لحب بسم الله الذی قال للسماوات

والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین وصلی الله علی

محمد وآله اجمعین الطاهرین **اما** معالجه بواسیر از حضرت امیر

المؤمنین علیه السلم منقول است که خواندن این دعا برای بواسیر نافع

است یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا باری یا راحم صل

علی محمد وآله واردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی **طریقه** دیگر از حضرت

صادق علیه السلم روایت که فرمود سوره کوثر را با عسل بنویسند

با آب بشویند وبخورد بواسیر را نافع بود **ودر** بحر المنافع مذکور است

که بجهت بواسیر این افسون را بر دست راست خوانند وبعد از قضای

حاجت بر آن محل بمالد بعد از بسمله یا فارغی یا مارغی اذهب یا ...

الله **ایضا** در وقت استنجا آب بکف دست چپ بدارد و این

بخواند واستنجا کند چند روز بدین دستور عمل کند قطع شود

انشاء الله ابلا ابیلا ابلا ابیلا جر بهتی لر جم بهوی **ایضا**

بر آب با کلوخ استنجا بخوانند دفع شود اتحن بر حن کن کو کن

کو یا کر جاستی الکر بهنی جوکو هی لشکی کل سو که بهوی **ایضا**

سه مرتبه بر آب خوانند وبآن استنجا کند دفع شود مجرب کاکو دکود

شونر (؟)

ابلا ابیلا نزد (؟)
جر بهتی (؟)

نا کو جا شی (؟)

کرنا اگر تک رہت ازرع مینرنی لھری رنگتا جو یو منظر جانی
لستیز لھتی و دوا لبزا اغما رما کرو کی بکت یزی سکت صد
کرو کی کالی کاک پرچو کاس کرہت دکیا کر **ایضا** بیساموا بت
نمایدنغ شود کپلو کرکن کپرتا کپر سرتا بکونا جو جانی کھر
کپر کوت سو ھجو جو سا ایہ دیخری جیری ھون منت لیں کو
کپر جیو جیوہ میکہ جن دینا سمتہ تا کلا جو سنا نہ ہوتہ تد
بھوتہ جتن برا ھیں کار کا دمہ کار ایرجیہ میں جبہ کن سو اھا
**ایضا** این منتر را مکر بخوانند تا ضعیف شدن رمز ادیلہ ریک ابکا
ککن بجون ایجوا اجھیر جانی کوی لجا بر جنم رنیا ھوی نی
گفته اند این طلسم را بر هفت پارچه کاغذ بنویسند و هر پارچه را
موم کافوری گرفته هر روز ناشتا یکی را بلع نماید که مجرب است
۱۱ امد ططلاع ۱۱ ظظ **وله** حضرت امام رضا علیه السلام بجهت دفع بواسیر
این دوا مذکور است هلیله سیاه و بلیله و آمله از هر کدام مساوی بکوبند و از
حریر بیرون کنند و تکه ی مثل ازرق در آب کنند تا بجوشانند پس این دوا را
در میان آن ریخته خمیر کنند و دست را بروغن چرب کرده و آنرا بقدر عدس حب
نمایند و در سایه خشک نمایند اگر در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورند
و در ایام زمستان دو ... بخورند از خوردن ماهی و سرکه اجتناب نمایند والله اعلم

این ضماد را بجهت بواسیر و شقاق مقعد و قرحه آن و اسهال بواسیری
و نزف حیض نافع شمرده اند سفیداب موم سفید حضض هر یک یک جزو
و گل خطمی مثل هر یک مجموع و پیه بز سه جزو و روغن گل چهار جزو
با زرده تخم مرغ استعمال نمایند و هم چنین بخور مسلخ بجهت بواسیر
و عسر البول نافع دانسته اند و ضماد جراحت النسان جهت
شقاق مقعد انجرباست و هم چنین خراطین و جعل را با نبات طبخ
کردن و طلا نمودن جهت بواسیر و نزف الدم و شقاق مقعد بغایت
دانسته اند **نوع** دیگر بجهت درد و سوزش مقعد گچ را کوبیده
با روغن گل سرخ و سفیده تخم مرغ طلا نمایند و بدستور زرده تخم مرغ
با آرد جو و روغن گل همین اثر دارد و بدستور سفیداب با روغن سرخ
و بذر البنج با زرده تخم مرغ و روغن بنفشه استعمال کنند و بدستور
پیاز را در خاکستر گرم پخته با هم ورن آن روغن تازه کادی ضماد
کنند و بدستور برگ خطمی گل بابونه اکلیل الملک تخم کتان عدس
مقشر مجموع را پخته با زرده تخم مرغ و روغن بنفشه استعمال نمایند و
هم چنین روغن و نوع بجهت ورم مقعد و درد بواسیر بغایت آزموده اند
هرگاه از حرارت باشد و نوع را با پیه بز کوبیده در آب بجوشانند
تا مهرا شود و روغنی که بر آب بعد از سرد شدن نشسته شود بر دارند اگر

دو جزو

ضماد م

بادی بزار

دنبالهٔ بادنجان را سائیده اضافه نمایند جهت بواسیر بادی از مجربات است
وداغ کردن ما بین انگشتان خنصر و بنصر دست چپ جهت قطع خون
بواسیر وداغ مفصل ترقوه جهت علاج بواسیر از مجربات است و در
قطع بواسیر اکثر اطباء از مجرب دانسته اند اقماع تنه بادنجان
را با مثل آن بادام مقشر نرم کوبیده طلا و حمول نمایند فصل
بست فی در دفع درد دندان و پاها و عرق النساء و درد زانو
و باطن قدم و درد بندها و پاشنه‌ها و نقرس و غیره روایتست که
شخصی با میر المؤمنین علیه السلم از درد دندان شکایت کرد فرمود
که آب گرم در طشت کن و در میان آب بنشین و دست بر موضعی که
درد میکند بگذار و این آیا ت را بخوان اولم یر الذین کفروا ان
السموات والارض کانتا رتقا آخر آیه که افلا یؤمنون است و در
حدیث دیگر روایتست که شخصی بحضرت صادق علیه السلم شکایت کرد
از درد عرق النساء فرمود که هرگاه از بستر ظاهر شد دست بر آن موضع بگذار
و بگو بعد از بسمله بسم الله و بالله اعوذ باسم الله الکبیر و اعوذ
بسم الله العظیم من شر کل عرق نعار و من شر حر النار ایضا جهة
عرق النساء در طب الائمه مذکور است که قلامه ناخن کسی که صاحب
عرق النساء دارد گرفته بر موضع عرق ببندد منتفع گردد ایضا

دفع درد دندان و پاها و عرق النساء و درد زانو و پاشنه و نقرس و غیره

---

مردوندا ... یا جرکولی ...

ایضا امین الدوله محمد ابن احمد نقل نموده اند که مجربست و بصحت
و تجربه رسیده است که چون جوزا کرد ... ماجه کول د
باصفهان مال مالی گویند باسم صاحب عرق النساء صید کرده
و رگ باطن ران او را یافته آن موضع را بشکافند و آن رگ را
باسم صاحب عرق النساء قطع کنند و بعد از آن با دست ...
ریزه ریزه شود ... آنکه بالخاصیه دفع آن علت شود جهت
درد مفاصل و اعضا این عزایم را بنویسند و بر بازو ... ببندند
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم ای ارواح النصرانی و النصرانیة عزمت
علیکم ای ارواح الیهودی و الیهودیة عزمت علیکم ای ارواح المؤمنین و المؤمنات
عزمت علیکم یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان یا شافی
یا کافی یا معافی لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
ههههه ≡ ✗ عععععع وه ص م
باذن الله انشاء الله دفع آن علت خواهد کردید والله العالم ایضا
مداوا جهت کهنگر و درد کمر و زانو لحم جزر و لحم شلغم و زنجبیل و بوست
حب رؤوس بادنجان صاف و ... بکوبند و بپزند در عسل کرده
هر صبح و شام بقدر دو مثقال و نیم بخورند نافع باشد حدیث دیگر

کهنگوید

منقولست که شخصی بحضرت امام حسین علیه السلم عرض نمود از درد پا
زمود که از اول سوره انا فتحنا تا و کان الله عزیزا حکیما بخوان ورد
حدیث دیگر منقولست که سالم ابن محمد بحضرت صادق علیه السلم
از درد ساق شکایت کرد گفت مرا از کار عاجز کرده فرمود هفت
نوبت این آیه را بخوان بر آن اتل ما اوحی الیک من کتاب ربک
لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا بجهه درد پا نوشته
با خود دارد از سوره اتی امر الله تا آنجا که ان ربنا لغفور
شکور ورد بحر المنافع برای درد دان گفته که تعویذ کند و
لیعلمن الله الذین امنوا ولیعلمن المنافقین ومن دونهما جنتان
فبای الاء ربکما تکذبان وجهه درد زانو تعویذ کند واذا
رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض تا الظالمین از سوره
انعام قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط
السوی ومن اهتدی از سوره طه والفجر ولیال عشر و
عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون
قالوا سلاما والذین یبیتون لربهم سجدا وقیاما از سوره فرقان
وجهه درد انگشتان ما کان علی النبی من حرج فیما فرض الله له سنة
الله فی الذین خلوا من قبل وکان امر الله قدرا مقدورا واذا رایت

الظالمین از سوره انعام

الذین یخوضون فی انعام ن بجهه درد ساق وهر جرب
وشقی که در ساق پا بهم رسد بدان بنویسد الحمد لله الذی
اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور الذی احلنا دار المقامة
من فضله ولا یمسنا فیها نصب ولا یمسنا فیها لغوب ایضا بر آن
بخواند والتفت الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق فلا صدق
ولا صلی ولکن کذب وتولی ثم ذهب الی اهله یتمطی اولی لک فاولی
ثم اولی لک فاولی ورد بحر المنافع آورده برای درد پا و ساق
پا و پهلو وهر دردی ورخمی که بوده باشد این آیه را بر صدف بیاض
بنویسد ودر آن روغن خوشبوی کرده محو نماید وبا آتش نرم گرم کرده
بر موضع درد طلا نماید درد ساکن گردد واذا مس الانسان
الضر دعانا الی یعملون از سوره یونس طالعه درد عرق کبیر
ساقست که پیاشنه پا پیوسته ودرد باطن قدم شخصی بحضرت
حضرت امام حسین علیه السلم عرض کرد که از درد پا و باطن قدم
وگفته مرا از برخاستن عاجز کرده است فرمود که چرا آن تعویذ که
تعلیم مای گفته میکنی فرمود که هر گاه احساس الم کنی دست بر آن
بگذار و بگو بسم الله وبالله والسلم علی رسول الله صلی الله علیه وما قدروا الله
حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات

بیمنه سبحانه وتعالی تمام نیکو گشت و اطبا برای تروح ساق
ضماد خاکستر کاه با نمک طعام و السویق با سرکه نافع دانسته اند
و مداوای نقرس که درد بند پاها گویند سابقا گذشت باب
پنجم در دفع مزاحمها و ترسها و در این باب چند فصل است فصل
اول در دفع مزاحمت خصم و مخاصمه دشمنان و خوف از ظلم و موذیان
و دفع ایشان و اطفاء غضب سلطان برای دفع مزاحمان آیات
کفایت را که در فصل اول مقدمه کتاب گذشت چهار نوبت بخواند از جهت
خصمان او را کفایت شود و از خواص حرف سین است که اگر کسی خواهد
که با خصمی در مخاصمه و مجادله و محاوره و محاکمه آید و او را ساکت
گرداند که تا در جواب نتواند حجت با او نتواند نمود اسم خصم را در
مابین دو سین امتزاج دهد و هر چه ممکن است متصل و هر چه ممکن نباشد
منفصل نوشته در دست گرفته با او سخن گوید آن خصم از مقاومت او در محاکمه
عاجز آید باذن الله بابطریق مثلا اسم علی سعسلیس و بجهت مخاصمه
کردن دشمن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای دفع مخاصمه دشمنان
اشیا را بخوانند و بتجربه رسیده است اللهم اشغل ...
الذین ... در حرام ابن تمیمی آورده که چون کسی در وقت مقابله
مقابله دشمن باز ایستد این کلمات را بگوید الله الغالب الله القاهر

سرکین کاو نر

دفع مزاحمان و مخاصمه دشمنان و اطفاء غضب سلطان

غالبه

سعلیس لد

القاهر الله منزل کل جبار عنید ناصر الحق حیث کان به
الحول والقوة ان کانت الا صیحة واحدة فاذا هم خامدون چنان
رعبی و خوفی در دل دشمن غلبه کند که بی اختیار فرار کند و در
کتاب شمس المعارف آورده که اگر خواهی لشکری شکسته شود باید
قبضه خاک از میدان برگیری و این آیه را بر آن بخوانی که سیهزم الجمع
ویولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر و خاک را
بجانب لشکر دشمن بینداز و بگو شاهت الوجوه و اگر در آن محل باد
بطرف دشمن وزد بهتر و مناسب تر خواهد بود آن لشکر بفرمان حق
تعالی فرار نموده منهزم خواهند گشت اما دفع ظلم و اشرار و اعدا
در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول
است که چون از کسی ترسی بهم رسد و خواهی دفع او کنی طلب هلاک کن و چون
داند ... بیای یا بسبب دعاها که اعتماد بر ... خود داشته باشی
و خطاب هلاکت کرده بگو ایود احدکم ان تکون له جنة من نخیل واعناب
تجری من تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات واصابه الکبر وله ذریة ضعفاء
فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت پس در کلمه فاحترقت بجانب آن کس که
از او ترسی داری و ترا ایذا و آزار میکند اشاره کن و سه نوبت بگو اللهم
طمه بالبلاء طما وغمه بالاذی غما وارمه بحجارة من سجیل وطیرا ابابیل

یا علی یا عظیم پس در شب دوم وسیم نیز این عمل بجا آورد و اگر در ماه
اول مراد حاصل نشد در ماه دوم وسیم نیز بعمل آورد البته در
ماه چهارم احتیاج باین عمل نخواهد بود باذن الله تعالی و هر که
هر روز چهل و هفت بار سوره اخلاص را بخواند دشمن او فنا شود و اگر
نام یا حلیما عیسی را بر یک پارچه کاغذ نویسد و آن را باد آویزد به
نام هر کس که خواهد حاضر شود و هر که این اسم را بخواند و بخود دم کند
وقتی که بدست ظالم گرفتار باشد نجات یابد یا قفل و شرقون و
هر که این اسم را بر پوست آهو نویسد و بر خود بندد بار دزد [illegible]
نشود یا رعیوش و این حضرت امیر المؤمنین علیه السلم برای دفع
اعداء و ظلم و سود یافتن این دعا منقول است که بخوانند مجرب است
اللهم اطلبه بالبلاء طلبا وعمه بالبلاء غما وقنه بالاذی
قتا وارمه بیوم لا معاذ له ولبا عنه لا مرتها وامح جرمه
واطرفه ببلية لا اخت لها وصل علی محمد واهل بیته علیه
وعلیهم السلم واکفنی امره وقنی شره واصرف عنی کیده واخرج
قلبه وسلط [illegible] همین یا ربعتر آنست که در عقب آن
این دعا بخوانند که تا [illegible] ظاهر میشود و در مجتبی و ینبغ الدعوات
مذکور است اللهم انک قلت فی محکم کتابک الکریم فی وصف

فی وصف مستحقین العذاب الالیم انما جزاؤ الذین یحاربون الله
ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع
ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض اللهم وان
فلانا قد سعی فی الارض بالفساد وقد منعنا عن اقامة الحد علیه
المانع من ظلم نفسه وظلم العباد ومن ما نظهره قبل یوم المعاد اللهم
وانا احق باقامة الحد علیه فعجل له ما یستحقه بالفساد الذی
قد اصر علیه لا تنفره الله وقلت ولا یحیق المکر السیئ الا باهله وقلت
ومن نکث فانما ینکث علی نفسه اللهم وقد اجتمعت فی فلان مثل
هذه الصفات وقد احاط بحکم هذه الآیات فعجل الاذی فی بغل
حکمها ونقضها وابرامها وامضائها بقوتک القاهرة وقدرتک
الباهرة واجعل عبرة فی الدنیا والآخرة یا الله هفت مرتبه بگوید
و هر که در بند بلائی گرفتار باشد این اسماء را بخواند خلاصی یابد
و نجات مجرب است و عدد قرائت هفتاد است یا محمد یا علی یا فاطمه
یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکونی ایضا هفتاد بار بعقد دفع
اعداء بخوانند دفع شود اللهم شتت شملهم وفرق جمعهم وقلب تدبیرهم
وخرب بنیانهم وبدل احوالهم ورزق انحبا لهم واقطع اعمارهم واشغلهم
بابدانهم وخذهم اخذ عزیز مقتدر یا قهار سه مرتبه یا جبار سه مرتبه

دعا دفع شر ظالم در کتاب مجتنی خلاصه این مضمون را نقل کرده
که شخصی ماهی گیری ماهی چند صید کرده بود یکی از جباران ظالم با او
رسید ماهی را بعنف از وی بستد آن جبار این دعا را بخواند آن جبار را
در دست علت آکله و جذام بهم رسید هر چند مداوا می نمود علاج نمی
پذیرفت تا انکه دست او بیفتاد تا آخر شبی در واقعه دید که یکی با او میگوید
که مادام که شخص صاحب ماهی را راضی نگردانی از این علت خلاصی نخواهی
یافت پس برد آن شخص رفته از وی عفو خواست و استرضای او نمود
تا از آن علت نجات یافت رب هذا عبدک الذی خلقته وخلقتنی
وجعلته قویا وجعلتنی ضعیفا ثم سلطته علی ولا انت منعته من
ظلمی ولا انت جعلتنی قویا فانتقم من ظلمه فاسئلک بحکمتک
الذی خلقته وخلقتنی وجعلته قویا وجعلتنی ضعیفا ان تجعله
عبرة لخلقک [illegible] وایضا بجهة استیصال ظالم [illegible]
فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین نوع دیگر جهة
استیصال ظالم ششصد بار از اجزاء القطن لسبانند و بعد از آن سوره فیل
را بکریبتنا الم بخوانند پس بگوید اللهم کما کفیت شر اصحاب الفیل من
اهل مکة وامنتهم فاکفنی شر فلان وافنه پس آن دانه را در
آتش بسوزانند ایضا سوره مذکوره در شب جمعه ما بین نماز مغرب و عشا

و عشار و شمع چراغ مزبور بکند و در زیر خاک زمین پنهان کنند و این عمل ان شاء الله
کرده مکرر مستحق آن دعا بجهة اطفاء غضب منقولست از حضرت صادق علیه السلام
که هر گاه غضب مستولی شود اگر ایستاده باشد بنشیند و اگر نشسته
باشد برخیزد تا ساکن گردد و اگر چه کسی بر خود غضبناک شده باشد
بدن خود را بیخ او برساند تا ساکن گردد و در حدیث دیگر وارد شده که
وضو بسازد و در حدیث دیگر وارد شده که در هنگام غضب این دعا بخواند تا
ساکن گردد اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من
مضلات الفتن واسئلک رضاک واعوذ بک من نارک واسئلک
الخیر کله واعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی والصواب
واجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال ولا مضل ایضا بجهة اطفاء غضب
سلطان چون نظر او افکند بخواند اطفات غضبک یا فلان
بلا اله الا هو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش
العظیم ایضا گفته اند که از خواص این کلمات آنکه در برابر او بخواند
خشم او فرو نشیند و اگر در برابر خواندن ممکن نشود در اثنای رفتن
بنزد او پنهانی بخواند که چون نظرش بر او افتد تمام کرده باشد و نیز
ایضا از خواص آن اینست که اگر بنویسند و بر بازوی چپ ببندد و اگر در آتش
رود مضرتی با او نرسد و گفته اند که اگر بر تیر جواهی کوه بنویسد و بر تابد

ببند وبدر برابر کرده اورادها کن بدوستی کرکردیه قدرت تسخیر کردن
انگو اهد داشت العهدة علی الراوی اوم ممه یه بره اشنه
کاشه بدیل هیهه هیهه هیهه تذیر اشا بان بی شفا هم
ایضاً اطفاء غضب سلطان ودفع ضرر او آیات کفایات راهفت بار
بخواند ایضاً هفت بار بر دهن ملاقات ومواجهه ودوستی بخواند
حبیرك بین عینیك وشرك بین قدمیك وبالله استعین
علیك اللهم اکفنیه بما شئت فانه لا قوة الا بك ایضاً
محبة شرار وزن وفجار رقعه که بخط حضرت امام رضا علیه السلام
بلحوز داشتن جهت دفع شر اشرار ودفع سلطان وشیطان وموذیان
بغایت مفید ومجرب است ودر مهج الدعوات مسطور است بعد
از بسمله بسم الله اخسئوا فیها ولا تکلمون انی اعوذ بالرحمن
منك ان کنت تقیا او غیر تقی اخذت بسمع الله وبصره علی
اسماعکم وابصارکم وبقوة الله علی قوتکم لا سلطان لکم
علی فلان ابن فلان ولا علی ذریته ولا علی اهل بیته سترت
بینه وبینکم بستر النبوة الذی استتروا به من سطوات الجبابرة
والفراعنة جبرئیل عن ایمانکم ومیکائیل عن یسارکم ومحمد صلی
الله علیه وآله امامکم والله مطلع علیکم یمنعه منکم ویمنع

ویمنع ذریته واهل بیته منکم ومن الشیطان ما شاء الله لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم لا ملجأ من الله الا الیه حسبی الله و
نعم الوکیل واسلم فی بامر الشهباء طالسلسبیلا وصلی الله علی
محمد واهل بیته الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا اللهم انه لا یبلغ
جهدا انا تك ولا نقید ولا یبلغ مجهود نفسه علیك توکلت
انت نعم المولی ونعم النصیر حرستك الله یا فلان ابن فلان وذریتك
ما تخاف علی احد من خلقه وصلی الله علی محمد وآله وبعدا آن آیة
الکرسی برجه تنزیل بنویسد یعنی بنحوی که آن حضرت روایت شده
وآن چنانست که فرموده بعد از بسمله الله لا اله الا هو الحی القیوم
لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما
وما تحت الثری عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم العزیز
الحکیم من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه تا آخر بنویسد و لا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم لا ملجأ من الله الا الیه حسبی
الله ونعم الوکیل واسلم فی باس الشهباء فیها طالسلسبیلا وصلی
الله علی محمد واهل بیته الطاهرین وکذا نسخه دیکر این فقرات نابل
وضع نوشته اند واسلم فی محبس الشهباء ولیا لیها اطلاء اسلسبیلا
وصلی الله علی محمد واهل بیته وسلم تسلیما کثیرا ایضاً حرز عامه ابا

ما شئت از خصائص ایمنی از جمیع مکاره و شر اشرار و حصول محبت در دل
خلق بوانخواهم و بهام از عظیم دارد و مجرب است بسم الله یا من وضع
نیر المذلة علی رقاب الملوک الجبابرة فهم من سطوته خائفون یا
من تعزز بالعزة والعظمة لجمیع خلقه من خیفته وجلون و یا من الحشر
العظام الدارسات فهم یومئذ یبعثون بامر امرائها بطاعته
فهم من الفزع یومئذ آمنون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم
غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین یا رب العالمین طریقه

الارباب

دیگر جهت عمامه بجا خاصیت که کشف اسرار و لا تخف انک من الآمنین
لا تخف نجوت من القوم الظالمین لا تخافا اننی معکما اسمع واری لا
تخاف درکا و لا تخشی الذی اطعمهم من جوع وآمنهم من خوف فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ادخلوا
علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم
مؤمنین ه ااا ح الـ ا و الا اااا ا ب ـ ا ح ا دطح لا لا ی د
لا نوزده در طین فصل دوم در دفع هول و خوف مروی است که
شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم گفت که من بسیار
میکنم و در مواضع هولناک بسر میبرم چیزی تعلیم کن که نترسم
فرمود که هرگاه در چنین جائی واقع شوی دست بر بالای سر بگذار و

بگذار و باواز بلند بگوی افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی
السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون راوی گفت
در بیابانی واقع شده که میگفتند در آنجا جن بسیار است
آنرا خواندم شنیدم که یکی میگفت بگیرید دیگری در جواب
میگفت چگونه بگیریم او را و حال آنکه پناه بآیه طیبه برده و در
حدیث دیگر وارد شده که شخصی بحضرت امام موسی کاظم علیه السلم
عرض کرد که من جانوران در بیابانها شکار میکنم و شب در خرابها و جاهای
هولناک بسر میبرم فرمود که چون داخل جای بشوی پای راست
پیش بگذار و بگوی که بسم الله آسیبی بتو نرسد و تجربه شده
که چون خوف بر کسی غالب شود بگوید کهیعص حمعسق و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم خوف او زائل شود و در کتاب مکارم
آورده که بجهت دفع خوف این دعا را باید خواند حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم امتنع بحول الله
وقوته من حولهم وقوتهم وامتنع برب الفلق من شر ما خلق ما شاء
الله لا قوة الا بالله و در کتاب خزانة الاسرار آورده که هر که آیه
یا معشر الجن والانس ان استطعتم تا فلا تنتصران از سوره رحمن
دار وزرا آهو بنویسد و در بازو ببندد از هولها و خوفها ایمن

ایمن کردد واز جمیع آفات محفوظ ماند فصل بیستم در دفع
افتادن در ورطه هلاک چون کسی در ورطه افتد بگوید ربنا افتح
بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین ایضا آیات
کفایت را هفتاد مرتبه بخواند از آن ورطه خلاصی یابد ودر
حدیث دیگر وارد شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله بامیر
المؤمنین علیه السلم این دعا را تعلیم نمود وفرمود که یا علی چون در
ورطه افتی بگو زیرا که الله تعالی ببرکت این کلمات بلاها را دفع میکند
نعوذ بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک
نعبد وایاک نستعین ودر خواص الاسرار آورده که اگر کسی در
کار خود حیران باشد وسرگردان بود وسررشته کار خود نداند
در میان شب برخیزد ووضو بسازد ودو رکعت نماز بگذارد ودر [هفت]
مرتبه این آیات را بخواند وبعضی گفته اند این آیات را بخواند تا جواب [زود]
در خواب ببیند کسی را که او را ارشاد نماید واز آن حیرت وسرگردانی
خلاص شود از سوره زخرف ولئن سألتهم من خلق السموات والارض
لیقولن خلقهن العزیز العلیم الذی جعل لکم الارض مهدا وجعل
لکم فیها سبلا لعلکم تهتدون والذی نزل من السماء ماء بقدر
فانشرنا به بلدة میتا کذلک تخرجون والذی خلق الازواج کلها

کلها وجعل لکم من الفلک والانعام ما ترکبون لتستووا علی
ظهوره ثم تذکروا نعمة ربکم اذا استویتم علیه وتقولوا سبحان
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
ایضا آورده که اگر یکی متهم باشد بتهمتی یا ببدی شهرت یافته
باشد وخواهد که از آن خلاص شود روز شنبه ناخن هر بیست [انگشتان]
دست وپای خود را بگیرد وبا قدری از موی سر وجامه خود نیز از
آن جا کسترا با قدری خاک که مورچگان از سوراخ خود بیرون
آورده باشند بلعاب اسبغول سرشته وصورتی مثل آن شخص از آن
بسازد ونام او ومادر او بر [قارنه یا روی] اندام آن رسم کند واین آیه را بر پشت آن
صورت نقش کند وآن صورت را در جائی که عبور ومرور مردمان
کمتر باشد دفن کند ودر حین دفن کردن بگوید اقطعت السنة
بنی آدم وبنات حواء عن فلان ابن فلان ببرکت آن شخص از آن تهمت
خلاص شود واین آیه اینست یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من
الظن تا تواب رحیم از سوره حجرات ودر بحر المنافع آورده که
اگر کسی در مهمی درمانده باشد ویا در ورطه افتاده باشد ویا
بدست خود بماند یا در بند وزندان گرفتار باشد این آیه را ورد
خود سازد خلاصی یابد وهم این آیه بعد از بسم الله وافوض امری الی

الله ان الله بصیر بالعباد الهی بحرمت آن مردی که در غار
است و دو پای او در دهان مار است و رزق او در غیب است
و بذکر حنا مشغول است چنانکه نم و دامان مصطفی گیرم تا
حاجت من بر آید و هم چنین آورده که در میان فریضه و سنت
دو بیت بار بخوانند امن یسوق المقالید الی القادر رهم
و حاجت او بر آید و در ورطه که افتاده خلاصی یابد و اگر در
زنجیر و حبس باشد هفت بار بخواند یا هو و آن را بخواند
آن زنجیر بقدرت الله از یکدیگر بجسته شود ایضا آورده اند
که اگر کسی آن دانه بر نجح بالقمه نانی که در وقت چیز خوردن
هر کاه بخورد ناگاه از سوراخ بینی بیرون جهد بگیرد و پاکیزه خود
بنماید و بر یخ بندد و بخیر ما الله در ساعت شکسته شود و این از
مجموعه حکمتست فصل چهارم در دفع زبان بدگویان و عقد
اللسان در دیر مکنون آورده که هر که این دعا با خود دارد زبان
مردمان و بدگویان بر او بسته گردد عقدت لسان کل متکلم من البشر
من الغیر و ذکر من بنی آدم و بنات حوا و خاملهن الاسماء فهم لا یتکلمون
بحق سو سم سو سم حو سم حو سم ده سم ده سم براسم تکهو ب حیث
یتحمل برکات عقدت عنه کل لسان بحق قول الله هذا یوم لا ینطقون و لا

دفع زبان بدگویان و عقد اللسان ایضا

ولا یؤذن لهم فیعتذرون و بحق قوله لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن
وقال صوابا و بحق قوله صم بکم عمی فهم لا ینطقون بسم الله اسکتنا بسم
الله احرسنا بسم الله اعمینا بسم الله عقدنا السنة السوء آلو الحس
طسم فهم لا یتکلمون طس طسم فهم لا ینطقون طس طسم فهم لا
یبصرون طس طسم ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلا شاهت
الوجوه شاهت الوجوه و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من
خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون کهیعص حمعسق بل هو قرآن
مجید فی لوح محفوظ ایضا بجهت عقد اللسان اعداء نوشته با خود
دارد این است بسمله طه طه طه طه حم حم حم حم حمعسق حمعسق
حمعسق طسم طسم طسم طسم ن والقلم وما یسطرون ن والقلم
وما یسطرون ن والقلم وما یسطرون ن والقلم وما یسطرون کهیعص
کهیعص کهیعص کهیعص الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد
ارجلهم بما کانوا یکسبون صم بکم عمی فهم لا یرجعون ورد الله الذین
کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله
قویا عزیزا واگر خواهی کسی را مسخر خود گردانی بروز آدینه بیش از
بر آمدن آفتاب بنویس بر کاغذ یا پوست آهو و بر باد دهی او را و اگر
نشو و برز لعین کن در ساعت زهره دوستی را شاید باسم فلان بن

فلان علی حب فلان ابن فلان عجل عجل الوحا الوحا الوحا
الساعة الساعة الساعة عجل عجل عجل الوحا الوحا الوحا
۸ط۱۱ ح ۱۷۲ ط ۱۱ ط ۱۱۱ ح ۹ ل ح ۴ م ط ۱ ط ۱۱۱ لا ۸۸ ۹ ۲ ه
ح ۱۱ ط ۸۸ ۱۱ ۸ ص ۸۱۱ للــو ایضا این اشکال
را بنویسد و پلیته کند و در چراغ نهد و بسوزاند و روی چراغ
بسوی خانه آنکس نهد ایضا هرکه هر صبح و شام بخواند زبان

| سم ۲۱ | سح و | حج سح |
| --- | --- | --- |
| م ۲۲۳ | ۱۷۱ له | رجح |

اعدا بسته گردد و اثر عجز را در مهج
الدعوات از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام روایت شده تعلیق بسمله بسم الله وبالله سددت
افواه الجن والانس والشیاطین والسلاطین والسحرة والابالسة
من الجن والانس والسلاطین ومن یلوذ بهم بالله العزیز الاعز و
بالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی
اقام به السموات والارض ثم استوی علی العرش بسم الله الرحمن
الرحیم ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون ما لکم لا تنطقون
قال اخسئوا فیها ولا تکلمون وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل
ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا علی
قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن

القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا واذا قرأت القرآن
جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد
فهم لا ینطقون لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین
قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم وصلی الله علی
خیر خلقه محمد وآله الطاهرین وایضا هر که خواهد زبان دشمنرا
بسته گرداند پاره ریسمان بگیرد و سه گره بزند و در هر گرهی سوره
لبس بخواند و در پیش دریا ویز یا در گور کهنه دفن کند زبان او
بسته گردد تعویذ زبان بند اینست بسمله هذا یوم لا ینطقون
ولا یؤذن لهم فیعتذرون صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم عمی
فهم لا یعقلون صم بکم عمی فهم لا یفقهون الا من اذن له الرحمن
وقال صوابا عقدت لسان بنی آدم وبنات حوا عن حامل هذا الکتاب
وعن حامل کتابی هذا بحق کهیعص کفیت وبحق حمعسق حمیت ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین
تمت تعقد المعقود من طریقه دیگر این حرز را نوشته با خود دارد زبان
ملکیان را او بسته گرداند عقدت لسان بنی آدم وبنات حوا شدت

اقوامهم من صغیر وکبیر وذکر وانثی وحر او عبد علی حامل هذا الدعاء
بامر الله الواحد القهار وبالواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم
یولد ولم یکن له کفوا احد حم بکم عمی فهم لا یبصرون عقدت
لسانهم وسددت افواههم بحق کهیعص وحمعسق وجعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ختم الله
علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة وبالله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم الا الی الله تصیر الامور عقدت عقدا
شدیدا لا یفتح الی یوم التناد کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة
الساعة الساعة السریع الوحا الوحا جهت دوستی این اسم
را بنویسد ودر آب بجان اندازد یا حنان یا منان یا دیان
یا برهان یا سلطان یا قاهر یا مغوث یا ارحم الراحمین اگر
دختری را خواهی بعقد درآوری ونخواهند بتو این را ودر آب بجوشان
وآن آب را در خانه دختر بریزد لحال راضی شوند بفرمان خدا یا حنانا
یا تختیثیننا یاسین ما نعسا یا حلما یا سمنا یا اسما اه اه اه
نصر یا کهیج یا کهکهیج یا ارحم الراحمین ورد من المنافع آورده که
هر که انا عرکه وچشم زخم بدان وعثمان یا از زبان حسودان ببدی
اندیشید یا سند ازو بجا اثر نرسد یا از خیل ناشناسان کاری شود خود

خود یا زبردستی از زبردستی بیم ناک بود این را بنوشته با خود دارد
زبان آدمیان بر او بسته کردد وجمله بر او مهربان شده ودر چشم همگی
عزیز عزیز باید این دعا یا ودود یا ودود یا ودود یا فعالا لما یرید
یا ذا العرش المجید اسئلک بنور وجهک الکریم واسمک العظیم
الاعظم ... اللهم ... اهیا شراهیا ادونی
اصباؤت ال شدای بحق نور تیر والجبل والزبور والفرقان وصحف
وانبیا وملائکه کلهم اجمعین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون ایضا در آن کتاب
آورده جهت عقد اللسان وقتی که آدمی از جانب راست در دهنت یا
موم تا بینی هر که خواهد در دهن کیرد وهم را بیکدیکر بخاید تا یکی
کند وبا خود دارد زبانش بسته کردد واکر خواهی کسی را مطیع خود کردانی
سوره لیس را بر توت بنویسان ودر تاریکی پنهان کن ایضا جهت
عقد اللسان این نقش را بنویسد ودر دربسند کر ان بند بر بیت
هر که خواهد زبانش بسته
کردد باذن الله تعالی
مجربست فصل بجهت درد
دنغ عز وتشد ونلاطم وتعب دیرینه

ودفع ضرر آتش و آب با دنبوه و شمشیر ایضاً اعنی از غرق شدن
کشتی و تلاطم در وقت سوار شدن بر کشتی بخواند بسمله و ما قدروا الله
حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمه والسموات مطویات بیمینه
سبحانه و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی
لغفور رحیم وبجهت دفع تلاطم موج بخواند یا حی یا قیوم لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین پس آیة الکرسی بخواند
از امام رضا علیه السلام منقولست که چون بر کشتی سوار شوی
بگوی بسم الله مجریها تا آخر آیه و چون دریا بموج آید بر جانب چپ
تکیه کن و بدست راست بجانب موج اشاره کن و بگوی قری بقرار
الله واسکنی بسکینة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و در بعضی از روایات وارد شده که در وقت اضطراب و تلاطم دریا
باید گفت بسم الله اسکنی بسکینة الله وقری بقرار الله واهدی
باذن الله ولا حول ولا قوة الا بالله راوی گفت که مکرر من بکشتی
سوار شدم و در وقت تلاطم و موج دریا آنچه حضرت فرموده بود
خواندم پس در ساعت ساکن میشد چنانچه گویا هرگز نبوده است
واز امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که از غرق شدن
ترسد بگوید بسم الله مجریها تا آخر آیه بسم الله الملک الحق ما قدروا الله

الله حق قدره تا آخر عما یشرکون وبسند صحیح بکرات مجربست
که چون از غرق شدن و سوختن کسی ترسد آیه ان ولیی الله الذی
نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین را با آیه وما قدروا الله حق
قدره تا آخر بخواند ایمن گردد ایضا دفع ضرر آتش واطفاء آن وذکر
خواص الآیات مذکور است که بجهت دفع سوختگی آتش بر برگ مورد بنویسد
افرایتم النار التی تورون تا للمقوین از سوره واقعه ودر صابر کذا
تا خشک شود پس آنرا با روغن کنجد آمیخته بر سوختگی آتش طلا کند
زود شفا یابد و بجهت دفع حرارت آتش جگر فرو نشاند و بگوید
اذهب الباس رب الناس اشف انت الشافی لا اله الا انت و در مکنونه
آورده که هر که این صورت را در چهاردهم ماه بنویسد و در دیوار
خانه محکم کند آن خانه از بیم سوختن و دزدی و زیان در امان
بماند اندر روز و لا و هم چنین عالمان علم حروف و صاحبان این
فن گفته اند که هر که این شکل را بر چوبی نقش کند یا بنویسد و در
آتش اندازد آتش فرو نشیند و اگر بر صوفی که آتش گرفته
باشد بیندازد آتش فرو نشیند اهطمهش ودر بحر المنافع
آورده که از اصول هندی را بر سوختگی آتش بخواند و بدمد زود
شفا یابد حلی لک الک برحلی الک حلی کنهار بها را کیا لجنه سوی

نسوزیده اند

اما دیوانه جیوانی یا انس و پری بستار ایضاً گفته اند که در جائی که آتش
گرفته باشد بسمله را تا آخر بسفال آب نرسیده بخوانند و در آتش
اندازد آتش فرو نشیند ایضاً آورده که بر سه پاره سفال آب
نارسیده سه کرت بخوانند و در آتش اندازد فرو نشیند و زیادت
نشود بجای دیگر نشود بسم الله طلیسوما الرحمن هیسوما الرحیم
ابرسوما ایضاً سه بار بر آتش بخوانند و بدما فسرده گردد و تعویذ بسمله
که کل خیفته موسی سیدی احمد ابراهیم ادریس ایضاً بر آتش خوانند
و بعد افسرده گردد هو هو و هما و احب سید [illegible] اهمن اولیک
کا بات و ب بات دتین بات کر بسا دین بیند بات همه تحتنهن
دکهتین سوی حون کل ما ند همن کهنا کر نی جاه بیند هتیم نا
خیری نیری نر بان جوی فی تبس کوت دیوتا اکبان اشیر ماد
بتی کها اکبان جاه بیند هتیم نا تنی همنه بنیده کر با سنا ها
ایضاً گفته است که اگر عود کا در یوسر ا بخاید و آهن تفسیده را
بلیسد زبانش نسوزد و اگر بیده غوک و علق یعنی زلو یکجا کنند و
بسایند و دست خود را از آن بیالایند و آهن تفسیده را بدست گیرد
نرنجد بساند و اگر تمام وجود خود را بدان بیالاید و در آتش رود نسوزد
و اگر این سه جزو را بخوانند و آهن تفسیده بدست گیرد نسوزد کودکی

کودکی که مهر جلی که [illegible] تنها کی جلی بر جلی او ها بری لستاد و اگر این
شکل را در موم گیرد و بر بازوی راست بندد و دسته در روغن گرم
ببندازد نسوزد باذن الله تعالی از [illegible] کسلح
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین و اطبا این مرهم را بعد از آنکه از سوختن
چند روز گذشته باشد نافع دانسته اند آهک را هفت بار با آب بشوید
و هر نوبت بگذارند تا ته نشیند پس آن آب را بریزند و بار دیگر تجدید نمایند
تا هفت نوبت پس آن ته نشین را با قدری روغن کنجد مخلوط کرده و
با انگشت ملایم مالیده تا بسیار سفید شود و قدری از آن بر جراحت
طلا نماید صحت نیکو شود و هم چنین ضماد [illegible] آید کودکان
نافع سوختگی آتش است ایضاً جهت دفع ضرر باد در خواص الآیات
آورده است که چون غبار یا دود ظلمت هوا پیدا شود این آیه را مکرر
بخوانند زود بر طرف شود چه در بر و چه در بحر لا تدرکه الابصار
و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر ایضاً بجهت دفع ضرر باد
بخوانند اللهم انی اسئلک خیرها و خیر ما ارسلت به و خیر ما فیها و
اعوذ بک من شرها و شر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة و علی
الکافرین عذابا و صلی الله علی محمد و آله و تکبیر بسیار بگوید و
در وقت وزیدن بادها [illegible] معوذتین را بخوانند و هم چنین سوره فیل را

در وقت هبوب بادهای عاصفه مکرر خوانده‌اند باعث تسکین باد و
هوا دانسته‌اند ۲ ایضاً دفع ضرر باران در وقت آمدن باران بگوید
حتّا هیّنشا به تجربه رسیده که بجهة قطع باریدن برف و باران
چهل و یک قاف بنویسد و در بغل بپا و زد باریدن قطع شود در
زبدة الدعوات از دلائل الرضا علیه السلم از آنحضرت نقل شده که در
سفری باران عظیمی درگرفت و اهل قافله عاجز شدند متوسل بآن
حضرت شدند آنحضرت فرمودند انا ابن رسول الله فاکف عنا
المطر در ساعت ببرکت دعای آن حضرت باران ایستاد مصنف
آن کتاب ابن طاوس گوید که در کشتی بودیم و در رستاقات باران
عظیم درگرفت چنانچه بیم غرق شدن بود این دعا را خواندم بقدرت
الهی باران ایستاد اللهم هذا المطر تنزله لمصلحة العباد وما
یحتاجون الیه من عمارة البلاد فهو کالعبد فی خلقنا و مصلحتنا و نحن
الان سائرنا راکبین بامرک راجین لاحسانک وبرک فلا تسلطه علینا
ما هو کالعبد لنا ان یغرقنا واجرنا علی عوائد العنایات الالهیة
الرعایة الربانیة واحبس المطر علی عوائد العبودیة واصرفه عنا
الی المواضع النافعة لعبادک و عمارة بلادک برحمتک یا ارحم
الراحمین ۲ ایضاً بجهة بازایستادن باران بنویسد و بر درخت آویزد باران

بنا ود

باران بایستد مجرب است جاء الامطار من غمام الرحمن وسحاب الکرام
وانزلنا السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم انهارا
باران بسبب حیات حیوانات بفرست ۵ ورزق کرده سحاب باران بفرست
روزی لب تشنه طفلان نباتات ۵ از دام ابر رحمت باران بفرست ۵
ایضاً گفته‌اند که هفت عدد جعل را در زیر طاس مس سرخ حبس کنند
موجب باریدن باران و ظهور برودت هواست ۲ ایضاً دفع مضرت شمشیر
از آن جمله دعای تیغ بند است که ابن طاوس رضی الله عنه در کتاب سعادات
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم نقل نموده و خواص بسیار نقل کرده مثل آنکه
هرکه این حرز را با خود دارد از خوف سلطان و شیطان و دزدان و از تیغ دشمنان
ایمن باشد و اگر بر پوست آهو نویسد و در زیر ران نیز محکم نماید
هیچ جانوری مغلوب نشود و دشمنان مغلوب گردانند و اگر در خانه
گذارند از دزدان و حوادث روزگار محفوظ ماند اما مشک و زعفران
و گلاب بر پوست آهو بنویسد اهیا ۵ ادومای ۵ سوما نغ ۵
مالح ۵ هلوجیم ساهویرا ۵ اشراهیا ادوانوا ۵ ساهای ۵
ازهی ۵ الشهیا ۵ سرمادام ۵ ادنادف صعرابت ۵ هو هو یوآ
۵ لا ایضاً بتجربه رسیده که اگر در چهارشنبه آخر ماه صفر که آن را
چهارشنبه سوری گویند در وقت غروب آفتاب یک نفس بنویسد و با خود

حروف تمامی کشوده باشد اینست تعوید بسم الله الرحمن الرحیم
وهون ولدان اربعون اربیون مشطط مشبطط ورد
لسخر دیکر واللهون اربعون اربیون مشیطا ایضا روز
چهارشنبه آخر ماه صفر پیش از طلوع آفتاب بنویسد با خود دارد
هر به راه کار کرنشود انشاء الله تعالی

| | |
|---|---|
| ا ه ا د م | |
| اا د ه اا | |
| اا ر اا | |

| | |
|---|---|
| سحل | کل نعوم |

فصل ششم در دفع وحشت منقولاست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی و اندوهی عارض میشود وچون بسیار مردم مجالس آیم برطرف میشود فرمود کر دست بر دل بکذار وبکو بسم الله پس سه بار دست برد ل بمال و بعد از آن این دعا را بخوان اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی ودر مکارم الاخلاق مذکور است که شخصی بخدمت حضرت امام رسول از وحشت شکوه نمود فرمود که مکرر و بسیار این دعا را بخوان تا حق تعالی وحشت تو را زائل کرداند سبحان الله الملک القدوس رب الملائکة والروح خالق السموات والارض ذی العزة والجبروت ایضا دفع وحشت

را بخواند بسم الله وبالله توکلت علی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفک وفی جوارک واجعلنی فی امانک ومنعک سعد ابن ابی العرجا کوید که براه مکه میرفتم شبی راه را کم کردم از عقب سر خود احساس شخصی کردم که قرآن میخواند ترسیدم چون نزد من رسید کفت که میبری که راه کم کرده باشی کفتم بلی کفت آیا تعلیم کنم ترا دعائی که چون بخوانی در حالتی که راه کم کرده باشی راه را بیابی واکر وحشت داشته باشی برطرف شود واکر از خواب افتاده باشی به خواب روی کفتم بلی پس این دعا را تعلیم نمود چون خواندم رفقای خود را نزدیک دیدم و چون دیکر آن مرد را جستم نیافتم اینست بسم الله ذی الشان عظیم البرهان شدید السلطان کل یوم هو فی شان اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ما شاء الله کان لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم واطباء خوردن سکنجبین را با طباشیر جهت دفع توحش و غم و دفع کرب والتهاب جکر مفید دانسته اند فصل هفتم در دفع ترس بیابان و دفع غولان و حجاب از مخوفات اما دفع ترس بیابان در حدیث معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکاه در سفری یا بیابانی باشی و از جنیان و غیر

ایشان ترسی دست داشته خود را بر سر بگذارد و آواز بلند بگوید افغیر
دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه
یرجعون نوع دیگر مرویست که چون پیغمبر صلی الله علیه وآله بسفر
میرفتند و شب میشد این دعا میخواندند بجهت ترس بیابان یا ارض
ربی وربک الله واعوذ بالله من شرک ومن شر ما فیک ومن شر
ما خلق فیک ومن شر ما یدب علیک واعوذ بالله من کل اسد و
اسود ومن شر الحیة والعقرب ومن شر ساکن البلد ومن شر والد
وما ولد افغیر دین الله یبغون تا آخر آیه الحمد لله منعم وحسن
بلائه فانه لاحول ولا قوة الا بالله وبعد از آن سورة الهکم التکاثر
را تا آخر میخواندند وایضا حضرت صادق علیه السلم مرویست که فرمود
که چون غولان شما در راه برخورند اذان نماز بگوئید ۲ ما کیفیت
احتجاب از مخوفات بجهت ترس از بیابان اما الحجاب از نحو غلت و
دزدان که بعضی آورده اند که تجربه رسیده که هرگاه کسی در مکانی ترسید
پنجعدد سنگ ریزه بعدد حروف ها بردارد و در حوالی خود بپاشد و
هفت عدد سنگ ریزه دیگر بعدد حروف نام بردارد و در دست خود دم
کند و بخواند ایمن باشد نوع دیگر اگر کسی در بیابان باشد و از دزدان ترسیده باشد
که پنج عدد سنگ ریزه بردارد اول را بنام الله تعالی دوم را باسم جبرئیل

جبرئیل سیم را باسم موسی چهارم را باسم محمد صلی الله علیه وآله پنجم
را باسم ابراهیم علیه السلم و با خود دارد از شر همه چیز ایمن باشد نوع
دیگر اگر کسی در بیابانی ترسد وقت خواب پنجعدد سنگ ریزه بردارد
بعدد حروفها و نزد سر خود دفن کند پس پنج عدد دیگر باسامی
اولو العزم از انبیاء بردارد و نام ایشان را مذکور سازد اول نوح دوم
ابراهیم سیم موسی چهارم عیسی پنجم محمد صلی الله علیه وآله پس یکی
از آنها را بجانب قبله اندازد و بگوید قوله دوم را بسمت مشرق اندازد
و بگوید الحق سیم را بجانب شمال اندازد و بگوید قوله چهارم را به
جانب مغرب اندازد و بگوید الملک پنجم را با پنج سنگی که در نزد
سر خود دفن کرده بگذارد و بگوید فقفوا ولا تبرحوا فضرب
بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة وظاهره من قبله العذاب
بعد از آن چهل سنگ ریزه دیگر بردارد و در حوالی خود دفن کند
وآیة الکرسی بخواند که حجاب عظیمست ودوم بحر المنافع آورده
که اگر خواهد شب بجائی رود و کسی او را نه بیند و ندانند خصوصا
دزدان و دشمنان که مطلع نشوند بر کف دست خود آیه رب
ارنی انظر الیک قال لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه
فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا وخر موسی صعقا فلما

افاق قال سبحانك تبت اليك وانا اول المومنين وابو سعيد
بزبان نيز بخوانند آنرا كه بديده را نظر او بينند و مخفي عابد ايضا
حبه نظر بند ميخوانند بعد از بسمله عليقا مليقا احليقا خاتما
مخلقا ارتقى مرتقى صلى الله على محمد وآله عصاى موسى در
چشم و مهر سليمان بر دهن برحمتك يا ارحم الراحمين فصل
هشتم در دفع ضرر سباع و كلاب و ذئاب از حضرت امير المومنين
عليه السلم منقولست كه چون كسى از شر حيوانات ترسد بر دور
خود خطى بكشد و بگويد اللهم رب دانيال والجب ورب
كل اسد مستاسد احفظنى واحفظ ما معى ودر حديث ديگر
منقولست كه شخصى حضرت صادق عليه السلم فرمود كه چون شير
را به بينى در روى او آية الكرسى بخوان و بگو عزمت عليك بعزيمة
الله و عزيمة محمد صلى الله عليه وآله و عزيمة سليمان ابن
رسول الله صلعم
داود و عزيمة على ابن ابى طالب امير المومنين والائمة الطاهرين
من بعده الا ان تنحيت عن طريقنا ولا تؤذينا فانا لا نؤذيك
راوى گفت كه بشيرى برخوردم و اين دعا را خواندم شير سر را زير
افكند و دم را در ميان پا جمع كشيده برگشت و برفت واز حضرت
امام رضا عليه السلم منقولست كه چون شير را به بينى سه مرتبه

سه مرتبه الله اكبر بگو و بعد از آن بگو الله اعز واجل من كل شيء
واعوذ بالله مما اخاف واحذر ودر تفسير الثقلين مسطور است كه
راوى گفت شكايت كردم از شر موذيات بخدمت حضرت فرمود كه
چون آنها را به بينى بخوان آية ولقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه
تا آخر سوره توبه و گويند بعد چندى در سفرى از سفرهاى خود
گذار بمكان خوفناكى افتاد كه جانوران درنده در آن مكان بسيار
بودند و بعضى از آنها قصد من كردند چون اين آيه شريفه را خواندم همگى
منحرف شدند از آنجا بسلامت و صحت در گذشتم ايضا چون سگ بر روى تو
زياد كند و حمله آورد اين آيه را بخوان يا معشر الجن والانس ان
استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون
الا بسلطان ودر مكارم الاخلاق مذكور است كه اگر كسى از سگ
ديوانه يا از سبعى ديگر بترسد بگويد قل للذين آمنوا يغفروا للذين
لا يرجون ايام الله ليجزى قوما بما كانوا يكسبون واذا قرأت القرآن
جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا
على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفى آذانهم وقرا وان يروا كل آية لا
يؤمنوا بها حتى اذا جاؤك يجادلونك يقول الذين كفروا ان هذا الا
اساطير الاولين ايضا آيه افغير دين الله تا آخر آيه طالعين بخوانند ايضا آيه

دفع مضرت دزدان و راه زنان

در دفع مضرت دزدان و راه زنان و موذیان از امام موسی کاظم علیه السلام
مرویست که هر که در سفر باشد و از مضرت دزدان ترسد بر بال اسپش
بانگشت بطریق کتابت بنویسد لا تخاف درکا و لا تخشی مضرت آنها
از او دفع شود باذن الله دیگر گفت که من بسفر حج میرفتم در بیابان
جمعی از عربان آمدند و قافله ما را زدند و من در میان ایشان بودم
این آیه را بر بال اسب خود نوشتم بحق آن خداوندی که حضرت رسول
را برسالت فرستاده و امیر المؤمنین را بامامت مشرف کردانیده
که حق تعالی ایشان را از من کور کردانید و آسیبی بمن نرسانیدند
ایضا جهة دفع دزدان در سفر آیة قل ادعوا الله تا آخر سوره بنی
اسرائیل را با این دعا بخوانند یا ودود یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید
یا فعالا لما یرید اسئلک بعزتک التی لا ترام و ملکک الذی
لا یضام و بنور وجهک الذی ملأ ارکان عرشک ان تکفینی
شر اللصوص یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی یا مغیث اغثنی و از جمله
اسرار است که چون کسی خواهد که از نظر دزدان و قطاع الطریق
و موذیان مخفی گردد بگوید فتح مجمعت پس بردارد سنگریزه
بعدد حروف مجزومه این کلمه بدست چپ و آن سه حرف است جیم
و خا و تا و بعدد حروف مفتوحه آن بدست راست و آن چهار حرف است

حروف
فا و قاف و عین و میم پس اولین از مفتوحات که در دست راست دارد
بجانب راست خود بیفکند و در آن حالت بگوید افحسبتم انما
خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون و دومین از مفتوحات دست
راست را بجانب چپ بیندازد و بگوید یا معشر الجن و الانس ان
استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا لا پس
سومین را در عقب سر بیندازد و بگوید صم بکم عمی فهم لا پس چهارمین
را از پیش رو بیندازد و بگوید و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من
خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و آن سه سنگریزه مجزومه که
در دست چپ دارد در عمامه خود نهاده با خود دارد مجرب است نقل
از ثقات نقل کرده که از سفر حلب بحلب آمدیم و قافله با ما بود همه از
مکاریان و تجار بودند و بار بسیاری با ایشان بود و از راه دزدان
اندیشناک بودند پس من این عمل کردم از شر راهزنان اهل قافله
همگی سالم ماندند و نتوانستند که متعرض ما شوند نوع دیگر بنا
مدینه است یعنی حصار و شهر سلحتی از شر شیاطین اشرار و آن چنانست
که با طهارت باشد و روی بقبله بایستد یا بنشیند و این دعا
بخواند اللهم انی احتجب الیک بنور وجهک الکریم الجلیل القدیم
الرفیع العظیم الغنی الرحیم القائم بالقسط لا اله الا انت العزیز الحکیم

ومحمد صلى الله عليه وآله صلواتك عليه وآله وباولى العزم من المرسلين
صلواتك ورحمتك عليهم اجمعين وبملائكتك المقربين صلواتك عليهم
اجمعين وبكتابك المنزل السبع المثاني والقرآن العظيم وبكل من اكرم
عليك من جميع خلقك اجمعين لا سيما اهل بيت نبيك محمد صلواتك
عليه وعليهم ولاديانهم ولجميع ما ملكتهم وتتفضل به عليهم ولانفسنا
ولادياننا ولجميع ما ملكتنا به وتتفضل به علينا من شر جميع ما قضيت
وقدرت وخلقت ومن شر جميع ما تقضي وتقدر وتخلق ما اجتنبنا [illegible]
تعبد نايتنا بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد تا آخر سوره سه مرتبه
وهر مرتبه بعد از اتمام آن بگوید كذلك الله ربنا عن فوقهم ومن فوقنا
بعد از آن بهمین طریق سوره مذکور را با بسمله تا آخر بخوانند وهر مرتبه
بعد از اتمام آن بگوید كذلك الله ربنا عن ايمانهم وعن ايماننا پس مرتبه
دیگر بهمین روش سوره توحید را بخوانند وبعد از اتمام هر مرتبه بگوید كه
كذلك الله ربنا عن خلفهم ومن خلفنا پس سه مرتبه دیگر توحید را بهمین
نحو بخوانند وبعد از اتمام هر مرتبه بگوید كذلك الله ربنا عن يسارهم وعن
يسارنا پس سه مرتبه دیگر بخوانند وبعد از اتمام هر مرتبه بگوید كذلك الله
ربنا عن تحتهم ومن تحتنا عضة وحفظا وحصنا وعوذا لهم ولنا من كل
سوء ومكروه ومخوف ومحذور وشفاء ما غشنا وبعد منا

ما نبانا

ما نبانا بقدرته ربنا انه على كل شيء قدير ولكل شيء حفيظ وصلى الله
على محمد وآله اجمعين **طريقه** دیگر در کتاب مجتبی آورده که هر گاه
خواهی که الله تعالی پوشیده دارد ترا از نظر کسانی که از ایشان
اندیشه می نمائی وبترسی از ضرر ایشان بخوان یا رب العالمین ایاك
نعبد وایاك نستعین اسئلك باسمك العظيم الذي تجليت به
لموسى على الجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا ان تطمس عني بصر
من اخشاه وتمسك لسانه وتختم على قلبه وتحبس يده وتقعد من
يخذله انك على كل شيء قدير **ودیگر** از جمله دعائیست که در صحیح از
امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود تعویذیست جهة شیعه
ما در سلطان جابر وسوختن وغرق شدن ورزود آمدن سقف
وتر [illegible] ما شك ودزدان وقاطعان طریق ویکی از دکانداران
حدیث نقل نموده که گفت هر شب که از دکان بیرون می آمدم ایه را
می خواندم مگر در یکشب فراموش نمودم ایه را بیش از بیرون آمدن از
دکان وبستن در آن نخواندم با سیل زشب بگذشت وانخواب بیدار
شدم بخاطرم آمد که در وقت بیرون آمدن از دکان وبستن در آن
ایه را نخوانده ام پس همچنان در جای بستر خواب خواندم وبعد
بجانب دکان اشاره می نمودم چون روز شد بجانب دکان آمدم دیدم

درهمچنان نبشته که من نبشته او و منقولست که مردی بدر دکان است
بدو گفتم چه کسی و در این جا چه میکنی بعجز در آمد و گفت با من دکان
در آمده که چیزی از آن بدزدم چون داخل شدم و اراده کردم
که بیرون آیم حایلی میان من و در از دیوار آهنی پدید آمد و قطعا
بدین جا گرفتار بودم که من دانستم که این در آن انشا بوده که من پیدا
شده ام و اینجا خانه او و داخل دکان شده بود و از برکت این دعا
نتوانست چیزی ببرد بلکه در وقت بیرون رفتن گرفتار شده است دعا
اینست اللهم احرسنا بعینک التی لا تنام واکنفنا برکنک الذی
لا یرام واحفظنا بسلطانک الذی لا یضام وارحمنا بقدرتک علینا
ولا تهلکنا وانت الرجاء رب کم من نعمة انعمت بها علی قل لک
عندها شکری وکم من بلیة ابتلیتنی بها قل لک عندها صبری فکم
لخذلنی یا ذا المعروف الدائم الذی لا ینقضی ابدا ویا ذا النعماء التی
لا تحصی عددا اسئلک ان تصلی علی محمد و آله الطاهرین وادرا بک
فی نحور الاعداء والجبارین اللهم اعنی علی دینی بدنیای وعلی آخرتی بتقوای
واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من لا تنقصه المغفرة
ولا تضره المعصیة اسئلک فرجا عاجلا وصبرا جمیلا ورزقا واسعا
والعافیة من جمیع البلاء والشکر علی العافیة یا ارحم الراحمین و در کتاب النافع

النافع آورده در ذکر بعضی از اعمال غریبه و اسرار عجیبه که هر که در شب
یکشنبه در وقتی که تیر شهاب بجهد در همان حین تیر شهاب
پیش از آنکه بجایی برسد در رشته جامه یا دستمال گره بزند و آن را
در خانه یا کشت زاری که بر چهار جانب آن چیزی کرده باشند
در یک جانب آن جا گره در چوب یا چیزی ببندد هر که بدزدی در آنجا
آید و چیزی بگیرد دستهای او بسته بماند و بدان حالت باشد تا
آن زمان که صاحبش بیاید و آن گره را وا کند دستهایش گشاده گردد
و اگر چند نفر باشند همین خاصیت دارد **فصل دهم** در جستن
جاریا و برده و مال گریخته و غایب و دزدیده **ازبا** جستن جاریا و
مرویست از حضرت امام رضا علیه السلم که فرمود که هر گاه از تو
چیزی گم شود آیه وعنده مفاتح الغیب تا کتاب مبین از سوره انعام
بخوان و بگوی اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی من الغم وترد
الضالة صل علی محمد و آل محمد واغفر لی ورد ضالتی وصلی الله
علی محمد و آله **ایضا** جهت بر گشتن غایب بسیار بدان و ترغایبها
یا جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد اجمع بینی
وبین کذا **ایضا** جهت بر گشتن دست و پا فرق غایب یا من لا
یخفی علیه مکتوم ولا یشذ عنه معلوم ولا یغالبه منیع ولا یطاوله

وضع اورد تقدرتك على ما فى قبضتك انك اهل الخيرات ایضا
خواندن سوره عبس وسوره والعادیات وخواندن این دو بیت
ناد علیا مظهر العجائب * تجده عونا لك فی النوائب
کل هم وغم سینجلی * بولایتك یا علی یا علی وخواندن
این دعا اللهم یا هادی الضلالة وراد الضالة اسألك
بعزتك وسلطانك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترد علی
ضالتی فانها من عطائك وفضلك ورزقك وخواندن سوره
توحید را سه مرتبه وهر نوبت بدست چپ بر جامه خود را بپیچد که
رفتن تجربه رسیده است که زود تمام میکند ودر خبر الواقیه
مذکور است که از برای گمشده استخاره کردن ابراهیم ادهم ودر بعضی
از کتب اصحاب ما مذکور است که پیدا میشود وانیعنی تجربه رسیده
ایضا از برای گمشده این آیه را بنویسد ودر زیر سنگ محکم کند گم
شده زود پیدا میشود انشاء الله وجعلنا من بین ایدیهم سدا و
من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون واما دزد پیدا کردن
برکاغذ پاره بنویسد این عزیمت را وآب بشسته بهر کس که گمان دارد
بدهد تا بخورد اگر دزد باشد شکمش درد کند تحیتا اهیا شراهیا
اما گرفتن دزد بگیرد یک عدد میخ چهار پهلو ودر اطراف آن بنویسد

بنویسد کهیعص براین ترتیب کهیعص حمعسق کهیعص حمعسق وبعد از آن
نوک میخ را بر زمین گذارد وشروع در خواندن تبارک الذی بیده
الملک نماید تا آخر سوره وبعد هر آیه که میخواند یکمرتبه سنگ بر
میخ زند چنانچه بعد از خواندن این آخر سوره وزدن سنگ بر میخ
همگی میخ بر زمین فرو رود وجماعتی که مظنه باشند همه همگی در درد
آن حاضر شوند وبعد از آن بر ضربه هر کس که مسروقه نزد او است
مشارف است او را حرکت مکن ومعلوم خواهد شد ایضا هر که را
چیزی گم شود این دعا را بنویسد وبنام کسی که گمان میبرد بر آن بنویسد
ودر یک مثقال جینی کبود وآیة الکرسی بخواند وبآب بیندازد اگر بر روی آب
بماند گمشده نزد او است یا فتاح یا فتاح کهیعص حمعسق انا فتحنا لك
فتحا مبینا وما انزلنا علی قومه من بعده من جند من السماء وما کنا منزلین
بحق محمد یا احمد اما بجهت دزد گرفتن از حضرت صادق علیه السلم
نقل است که بر ورقی یا کاغذی بنویسد وبه بچه دو سه سال در جوف
خانه بپیچد خانه تاریک در جایی که ان کر بخیه میبوده بیندازد
زیر دیوار آید لیسم بید فلان بن فلان مغلولة الی عنقه اذا اخرج
یده لم یکد یراها ومن لم یجعل الله له نورا فما له من نور و بجهت حبس حال
مکر بگوید یا عباد الله احبسوا زیرا که جا را وا می ایستد واز حضرت رسول

وایا د
اجلبوا

صلی الله علیه وآله منقولست که حکایت کرده اند که بعضی از مشایخ
وادر سفری استغراق کرفته بسختی که شنیده بود عمل آورد واشتر
محبوس ماند تا رفت واو را کرفت ایضا خواندن دعائی که سعد ابن
ابی العوضا روایت کرده ودر فضل رفع وحشت درهمین باب کردست
وکفعمی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم نقل کرده که بجهت رد غایب
وکریخته بنویسد اللهم ان السماء سماؤك والارض ارضك والبحر
بحرك والبحر بحرك وما بينهما في الدنيا والاخرة لك اللهم ما تجعل
الارض بما رحبت على فلان ابن فلان اضيق من مسك الجمل وخذ
لسمعه وبصره وقلبه او كظلمات في بحر لجي يغشه موج من فوقه
موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج يده لم
يكد يريها ومن لم يجعل الله له نورا فما له من نور ودرهوا آیت
آیة الکرسی بنویسد وسرون درهوا بیاویزد وبعد از آن در
مکانی که ایستاده باشد بکذارد انشاء الله زود بر می آید
نماید ایضا از آنحضرت روایت شده که هر کاه بنده یا حیوانی از
شخصی بکریزد این آیه را بخواند زود باز کردد او كظلمات في
بحر لجي تا آخر آیه که فما له من نور نوع دیکر بجهت باز آمدن غایب و
کریخته ویافتن دزدید این آیه را با این روش نوشته در سمت قبله

قبله بیاویزد زود پیدا شود بسم الله الرحمن الرحیم وجعلنا من بین ایدیهم
ایضا این دایره را بنویسد ودر جای کریخته دفن
کند دایره اینست ایضا
دایره مذکوره را بکشد ودر جای کریخته
دفن کند وسنک کران بر بالای آن کذارد تا
آید وعامل دایره را بر زمین مکشد تا واضح باشد آیه که در میان
دایره است نوع دیکر این شکل را بکشد واسم کریخته را در میان
آن بنویسد وشکل را با سوزن در زمین استوار کند اثر می نماید
وتجربه است که کریخته زود بر میکردد باذن الله تعالی اینست شکل
کهیعص ودر نسخه دیکر باین شکل نظر رسید
ایضا تجربه رسیده که
لعن چهار ضرب بکشید عدد سنک ریزه بر هر یک یکبار بخواند ودر حفره
وکوی بیندازد اثر میکند اللهم العن عمر ثم ابابکر وعمر ثم
عثمان ومعاویه اللهم العن عمر ودر کتاب عمدة الامان بجهت برکشتن آبق

ثم عمر ثم عمر

سارق و دوجع الشان و اختیار از کتاب در النظیم نقل کرده که
هر که آیه قل ادعوا من دون الله تا الرب العالمین را از سوره انعام
بر پارچه پوست مشک آب عنبر و زعفران بنویسد بعد از آنکه دائره بر
پرکار در آن پوست رسم کرده باشد و باید که آیه را در وسط
دائره بنویسد و در بعضی نسخها بر پوست کدو حنظل بنویسد
پس آنرا از خانه دزد برون آورد چنانچه هیچ آدمی را چشم بر آن نیفتد
و در خارج دائره نام گریخته و مادرش را یا کشنده و دزد برده را
بنویسد و در موضعی که قدم مردم بآنجا نرسد دفن کند آن دزد و
گریخته سرگردان و متحیر شده بی اختیار پیش صاحب خود آید
ورنه رسوا گردد وَدَه مجالمنا نقل آورده که هر امر بنه با اسم گریخته
بگوید یا گمشده باز آید و هم چنین آورده که بر [illegible] نام زن
و هامان بنویسد [illegible] و بر نام آن بنویسد [illegible]
[illegible] تا [illegible] گریخته گرفتار آید [illegible]
تقدم این جدول را وضع و تجربه کرده اند جهت گریخته و گمشده
که چون خواهند بدانند که آن باز آید یا نه باید که هفتم شباط
ماه رومی که پیش از نوروز سلطانی بیست و دو روز باشد تقویم
[illegible] درجه خود بگیرد تا روز گریخته و گمشده و جمع کنند

وسی [illegible] طرح نماید و آنچه بماند در این جدول نظر
کند اگر بسرخی نوشته شده گریخته و غایب باز آید و اگر بسیاهی
نوشته شده است نخواهد یافت و جدول میان را در حجر باید
نوشت این است جدول مذکور والله اعلم
اما جهت رد غایب در کتاب دیگر نوشته
آورده است که این شکل را با آب ریحان بر
کاغذی بنویسد و در موضع تاریکی دفن
کند و در وقت نوشتن نام غایب را در دل
بر زبان راند یا در ذیل آن بنویسد آن
غایب بزودی باز آید یا خبرش برسد
نوع دیگر گفته اند
که اگر کسی بجائی رفته باشد و از آن خبر
نیابد یا خود در غیبت صاحب نداشته
باشد این اشکال را بر هفت قطعه کاغذ
بنویسد با اسم او هفت روز هر روز یکی را بسوزانند بزودی صاحب
نماید یا خبرش برسد اگرچه در بند باشد که مجربست [illegible]
[illegible]

| ٣ | ٢ | ١ |
| --- | --- | --- |
| ٦ | ٥ | ٤ |
| ٩ | ٨ | ٧ |
| ١٢ | ١١ | ١٠ |
| ١٥ | ١٤ | ١٣ |
| ١٨ | ١٧ | ١٦ |
| ٢١ | ٢٠ | ١٩ |
| ٢٤ | ٢٣ | ٢٢ |
| ٢٧ | ٢٦ | ٢٥ |
| ٣٠ | ٢٩ | ٢٨ |
| ٣٣ | ٣٢ | ٣١ |
| ٣٦ | ٣٥ | ٣٤ |

ایضا کفته اند که بجهت آمدن غایب بنویسند و در جایی آویزد که باد
بر آن وزد زود مراجعت غایب اینست آنچه باید نوشت والله اعلم
[illegible] ایضا تجربه
[illegible] یافته اند
که سورهٔ فاتحة الکتاب را مقلوب بنویسند و قدری آب در شیشه ریخته
بر آتش کذارد تا بجوش آید اکر صد فرسنگ دور باشد که آتش بر دل او
کرفته بزودی مراجعت نماید و ایضا کفته اند که حمد را وارونه نیم
شب در ماه [illegible] بخواند و بنام غایب [illegible] بر آتش اندازد البته
بزودی مراجعت نماید و از برای کریخته سورهٔ لیل را هفت بار تا و
جعلنی من المکرمین بر قفل آهن بخواند و قفل کند و در میان سبوی آب
اندازد آن کریخته و غایب زود بیاید و در بحر المنافع مذکور است که
این آیه [illegible] را بر کاغذی بنویسد و در چاه آب اندازند و کوش را
دارند اکر آواز خنده آید و بشنود غایب زنده و خوش است و اکر صدای
کریه و نوحه بشنود دلالت بر مردن آن دارد و اکر آواز نالیدن شنود
دلالت بر بیماری و ناخوشی غایب دارد یا قوم ان هذه الحیوة الدنیا
متاع و ان الآخرة هی دار القرار من عمل صالحا فلنفسه من ذکر او انثی
[illegible] ایضا [illegible]

با آب پاک غسل کند و بر کف دست بنویسد و با کسی سخن نکوید و بخواند
در خواب ببیند احوال غایب او را خبر دهد [illegible]
[illegible] لا اله الا الله و در خزائن الاسرار مذکور
است که آیه [illegible] من فضله والله یرزق من یشاء
بغیر حساب از سورهٔ [illegible] بنویسد و اسم
غایب را نیز بنویسد و آنرا در خانهٔ غایب بیاویزد زود مراجعت نماید
ایضا جهت رد غایب نصف شب برخیزد و بایستد در کنجهای خانه و
هفتاد مرتبه بکوید یا معید و در نوبت آخر بکوید یا معید رد
علی فلان ابن فلانه در همان هفته خویش یا خبر وی برسد ایضا
پیدا شدن دزد در الواح الجواهر بجهت رد ضاله و کریخته و دزد
آورده که این مربع را بر بیضه رسم کند و آنرا در کنار آتشدان دفن
کند و اسم ضاله و آبق و مسروق را نیز در آن رسم کند و چنان دفن
کند که نسوزد و حرارت
آتش به وی رسد زود
پیدا شود و ابن جعفر [illegible]
در باب مسروق بعمل آورده
و قبل از آنکه یک هفته بکذرد

من خردل فتکن فی صخرة

اثر بخشید دربع در ظهر قرص شد ایضاً بتجربه رسیده که این اشکال را بنویسید و در موم گیرد و در سر چهار راه در آتش اندازد و بنویساند آن دزد بی اختیار اقرار آورده و رسوا گردد ان شاء الله تعالی الغیب

طه ٨١٢١١٥٢ ط ١ ع ٩ ع و لا حل طلا کـ لعلمه ٥ لا ٤

مهـ ٤ ع ١ لم ٥ ما ١١١ عم ط ٨١١ ع ط د م ١١ ٨ ه ایضاً

بتجربه رسیده جهت یافتن دزد برده بر لقمه نان بنویسید و بجماعة مظنون و متهم خورانند هر که دزد باشد در گلو بیخ بگیرد و فرو نرود قالوا اتعجبین من امر الله رحمة الله و برکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید نوع دیگر از خواص از آیاتست که بجهت دست و دل کجل آورده همان تاثیر می بخشد فلولا اذا بلغت الحلقوم و انتم حینئذ تنظرون وهکذا خواص القرآن آیه مبارکه فکان من المدحضین فالتقمه الحوت وهو ملیم فلولا انه کان من المسبحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون با نیهمن خامید نوشته و در بحر النافع آورده که از آدم چون قصاب کند دست راست بگیرد نام کالا و بر طرف دیگر آیه فلولا اذا بلغت الحلقوم و انتم حینئذ تنظرون با این شکل بنویسد لا ٧ م ٣١٢١ ٣ و ١١١ ع و د و به متهمین خورانند هر که دزد باشد در گلو بیخ بند گیرد ایضاً گفته اند هر شب دو شنبه مرغ را ترکند و بامداد سه بار بر آن خوانند و با جماعت دهد

که هر که دزد باشد در گلو بیخ بگیرد ایضاً آورده که بر نان بی نمک بنویسد و بجماعت متهمین دهد هر که دزد باشد در گلو بیخ بگیرد افتطمعون ان یومنوا لکم وقد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه وهم یعلمون ایضاً آورده که این آیات را سه بار بر کف آردی بخوانند و بجمعی که مظنه دارد بدهد بر یک یک قدمی از آن آرد بدهد تا در کف دست خود ملیدا دهن خمیر نماید و کلوله کند هر که دزد باشد بر کت این آیات آرد بر دهن او چسبد شود که نتواند آرد را خمیر کردن سلام قولا من رب رحیم و امتازوا الیوم ایها المجرمون وهم چنین بدستور مذکور آورده و بتجربه رسیده بالا انگه بر کف دست جماعت متهمین این شکل را رسم نماید طرح دزد رسوا گردد و حکما در احکام دانستن دزد بدیده که پیدا نمیشود با این جدول ... و منع نموده اند و حکم معرفت کم شده دیگر نیز است و چنان است که انچه از دزد حل بگیرد تا روزی که دزد برده بجهت طرح شش شش بشمرد طرح کند تا چه بماند اگر العدد ... نوشته پیدا میشود و اگر ... نوشته پیدا نمیشود

| ٣ | ٢ | ١ |
|---|---|---|
| ٦ | ٥ | ٤ |
| ٩ | ٨ | ٧ |
| ١٢ | ١١ | ١٠ |
| ١٥ | ١٤ | ١٣ |
| ١٨ | ١٧ | ١٦ |
| ٢١ | ٢٠ | ١٩ |
| ٢٤ | ٢٣ | ٢٢ |
| ٢٧ | ٢٦ | ٢٥ |
| ٣٠ | ٢٩ | ٢٨ |
| ٣٣ | ٣٢ | ٣١ |
| ٣٦ | ٣٥ | ٣٤ |

نوع کم کردن راه و دفع ماندگی و حفظ متاع از ضایع شدن

فصل یازدهم در دفع کم کردن راه و دفع ماندگی و حفظ متاع و
ضایع و دزد حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقول
است که چون در راهی شوی و راه را گم کنی فریاد کن و بگو یا صالح یا
ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله در حدیث که چون حضرت
رسول را واماندگی یا درد سری عارض میشد دست را میگشودند و
سوره حمد و معوذتین و توحید را میخواندند و بعد از آن دست را بر
سر و روی مبارک خود میکشیدند هر که این چهار اسم را بر کاغذ
نویسد و بر پای بندد از راه رفتن مانده نشود یا مصطالون
یا مستغلیثا یا مستحادیث یا مصطیالون و اما اگر
کسی چون از راه مقصود خود سبیل بسوی دیگر نموده و راه مقصود را
گم کرده باشد این آیه را مکرر بخواند تا راه مقصود ببرد عسی ربی ان
یهدینی سواء السبیل و در مکونه آورده که جهت درد مفصل و
واماندگی از راه رفتن این شکل را ذکر کرده اند و از پیش گذشت و
مذکور شد اع ـــط لا [illegible] ایضا آورده اند که هر که این
اسما را نوشته بر ران بندد در راه رفتن مانده نشود یا کینکج
یا کینکج یا کینکج ایضا آورده اند که هر که این پنج آیه
را بنویسد در حالتی که با وضو باشد و در وقت نوشتن با کسی سخن

سخن نکند و در ساق پای بندد از راه رفتن مانده نشود یا طعمو
علیم الذی لا یعفو عن المدبری و گفته است که سبب عقاب و پیه بوم
را در کف پای مالند و نعلین از پوست شتر کنند هر چند تعجیل و بسیار
روند مانده نشوند اما تعویذ جهت ضایع شدن متاع و ضایع دزد
نفقة الرضا مذکور است که چون خواهی متاع را ببندی و نگاه داری
آیة الکرسی را بخوان و بنویس و در میان متاع بگذار و این آیات را
نیز با آیة الکرسی بنویس وجعلنا من بین ایدیهم سدا تا لا یبصرون
لا ضیعة علی ما حفظه الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا
هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم چون چنین کنی آن متاع
از همه خطرها و بلاها محفوظ ماند ایضا از جمعی تجربه رسیده
که چون این شکل را بنویسد و در میان متاع بگذارد از تلف شدن
ایمن باشد ودا ا ◫ ۱۱ ۱۱ ەح و ۱۱۱۱ ▭ حرید
و و ۱۱ ۱۱ ▭ الحکم لله ایضا همین خاصیت دارد
یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام صل علی محمد وآل محمد واحفظنی
ومالی بمحمد وآل محمد یا حی یا قیوم و ۱۱۱ محم ۱۱۱۱ ه و
نوع دیگر در جمعه آخر ماه مبارک رمضان این اشکال را بر کتاب بنویسد
از ضایع شدن ایمن ماند و هم چنین اگر این نوشته را در میان متاع بگذارد از ضایع

کردیدن امر ماند و دزدان بر نبرد دیگر آن متاع قادر نشوند لا لا آیه
الا الوک یا الله محیط بعملک ع س ل ه و ن وبالحق انزلناه
وبالحق نزل وما ارسلناک الا رحمة للعالمین اباتراب ابا
تراب اباتراب ایضا انتفاع و ایمنی از دزد این آیه را از سورهٔ ملائکه
ان الذین یتلون کتاب الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما
رزقناهم سرا وعلانیة یرجون تجارة لن تبور لیوفیهم اجورهم
ویزیدهم من فضله انه غفور شکور بر چهار پارهٔ کرباس آیه
بنویسد و در جعبه متاع گذارد سود و عوض کلی بهم رسد و از دزد
ایمن بود و اگر آیه اول را بر کاغذ نوشته در میان کیسه زر نهد از دزد
و حوادث ایمن بود ودر کتاب خلاصة الاسرار آورده که از صحابه منقول است
که ابن عوف تاجر صادق بود انقشه و دیوارهای سرا و باغ و بستان
نوشتن باعث حفظ آنها است از دزد و آفات و دعا این است ال م ص ر ک
هـ ی ع ط س ح ق ن فصل دعا از بهر حفظ در دفع علل و امراض دواب
و حیوانات و تعویذ آنها عوده کر بر چهار پای سوار ببندند تعجبه ایمنی از
دزد و آفات و بجهة تعویذ انسان نیز مجرب است اللهم احفظ علی مالی
حفظه من ان تضیع واستر علی ما اوسعت علیک لکل واجعل له
ظلا ظلیلا اذا توفی به کل من آن سبحانه وتعالی مکرا وهی لی مکرها

[illegible]

مکررها حتی یعود وهو غیر ظافر بی ولا قادر علی اللهم احفظنی بما حفظت
به کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک قلت وقولک الحق
انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون ایضا بجهة چشم زخم حیوانات
در طب الائمه مذکور است بسم الله وبالله خرج عین السوء من بین
لحمه ودمه وجلده وعظمه وعصبه وعروقه فلقیها جبرئیل و
میکائیل علیهما السلام فقالا این تذهبین ایتها اللعینة فقالت اذهب
الی الجمل فاخرجه والدابة عن مولاها فقالا لها اذهبی ایتها اللعینة
الی البریة ثم جبنه لها عینان عین من نار وعین من الثلج کذلک
یطبع الله علی عین السوء وعین حابس وحجر یابس ونفس نافس ونار قابس
یعون الله عن السوء الی اهله فی جنبیه وکشحه و [illegible]
ویعز علیه الله بقوله اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون فارجع
البصر هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا
وهو حسیر وصلی الله علی محمد وآله اجمعین ایضا بجهة اسب نوشته
و در گردن اسب آویزد اللهم احفظ هذا الفرس من شر کل عین ناظرة واذن
نافقة واذن سامعة واید باطشة وارجل ماشیة وقلوب طاغیة
وصدور خاویة فمن لم یجعل الله له نورا فما له من نور اللهم احفظ الفرس من

ثم ناطوف المیدان وعند مقابلة الفرسان وعند اقدام کل فرس عن
یمین وشمال وتحت وفوق وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون اللهم احفظ الفرس المعیوب
والفالج والقولنج والخیام وجمیع العلل العارضة للحیوان بحق
بسم الله بسم الله علیك وعلی راکبك وعند اکل العلف وشرب
الماء فی جوف اللیل واطراف النهار فسیکفیکهم الله وهو السمیع
العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم برحمتك یا ارحم
الراحمین ایضا سابقا مذکور شد کلما فی کر [illegible] زخم باید
نوشت بجهت چشم زخم حیوانات وما بین دو چشم آنها باید شکست
نوع دیگر تعویذ بجهت خطا ناکردن اسپ بر او بندند لیهلك من
هلك عن بینة ویحیی من حی عن بینة فانه لسمیع علیم ذلك بان الله
یحیی الموتی وان الله علی کل شیء قدیر اللهم احفظ هذا الفرس عن جمیع
البلاء والقضاء وآفة السماء وشر الاعداء وشر الجن والانس
بحق محمد وآله نوع دیگر تعویذ بجهت اسب بست یا هو یا هو یا هو
یا من لیس هو الا هو یا حی یا قیوم لا اله الا انت صل علی محمد و
آل محمد وکن لهذا الفرس درعا حصینا وحصنا منیعا بحق
انك ... اعیذك ایها الفرس من المغل والدغل وشق الحافر

الحافر ومن جمیع الاذی والمقادیر والارسان بالله الواحد القهار
الرحمن اعیذك ایها الفرس من العرة فی المیدان بحق هذه
الاسماء ١١١ ى ١١١١ دق فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
ایضا برگردن اسب بندد از آفات وبلیات محفوظ ماند این است
٥ ١١١ ن ١٠١٠٤ م م ١ ١ ط ١١١ ٥ گ عفا ١٥١٠٠ ٤
هیکل اسب جل ربی وقدر ربی وعز ربی دقر والله معین لمن صبر والذکر
الله اعلی واکبر ٤ ١١١ م آ ١١١١ ه و من شر جمیع ما خلق
واحذر ومن شر ما خلق الله فی السموات والارض وما بینهما من الداء و
العیون والسباع بحق ایاك نعبد وایاك نستعین وصلی الله علی
محمد وآله وسلم نوع دیگر مشهور تعویذ دلدل براسب بندد انشاء الله
نفع کلی یابد بسند بو المهج ابو لهج الح ٥٥ الوانا لحج اصلح الحاها افاما
الولح بالح ابوادوا الوادوا الواه الواسطه الحم ولی دوا ولوا ١١١
کم الدوا ده ٥ احدا ملك بسم الب ١١ اماط الوا اه ولوا مدا
بالهداء الهم اماه فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین برحمتك
یا ارحم الراحمین تعویذ بجهت علل دواب درکار برنقل عود دیگر
بجهت رهصه ... یعنی آنکه سم ستوری آید ودر سم آنها علت عارض
شود ... چشم آب ... برباد ... بدو ... برآن بزند نکو شود

آسیب نرسد منع سرکین کبوتر در سینه شراب بعید یاد است و بجهة احباس
بول معالجه شراب یر و غن کل و هر یک بقدر مثقال نیم کرم بدهند و
تجربه نموده اند کرشتر مثلا از ان نیم مثقال تا هشت مثقال درماست
حل کرده بدهند در حال دفع علت کرده د و با یک نعبار دادن روا
انجوبهای کرد مز بجها شد و چون دهنه ٔ رنگ در چشم او بکشد
بالخاصیه در ساعت اندر ارنج میشاید و تجربست ایضا معالجه خلک
اسب بنویسد و بشوید و آب آنرا با وضو ایند تا ملک کرده اه ه ع فرده
کمطر و مجمعا عصحا اه صلحه وره ه ه حمراه عمداه
ایضا دفع علل مواشی اما عللی که در میان مواشی عام بوده باشد مانند
آبله بعربی و بیماری و طاعون کوسفندان و غیره این تعویذ را نوشته
و شستن آب او را بر ایشان بپاشند و دیگری نوشته در کردن یکی از
آنها کر بیشتر آهنکست ببندند دفع شود آزموده و تجربست یا هو یا هو
یا من هو هو یا لا اله الا انت یا تحنیثا یا موشطینا یا اطهلوج
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم
[illegible]
[illegible]
وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا حول و لا قوة الا

بالله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا جهت
کوسفندان فائده و این آیات را از سورة تم الم نجعل الارض مهادا
تا الفافا بنویسند و در کردن یکی از آن کله ببندد ایضا جهت دفع
بلیات جمله حیوانات این اشکال را بنویسند و بر پیشانی حیوان
ببندد و سرهم اا سلیم امهاهم ایضا جهت دفع بیماری
کوسفندان بر ایشان ببندد اه اه اه رماه رماه النحل العجل التا عشر
الساعة اتی امر فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم ایضا جهت
حفظ حیوانات این اشکال اسم اعظم است ٨ ٨ ااا لع ال
اا صاط صاط ٥ ك لا وق رمل ق ودر مجرب المنافع آورده
جهة دفع وبا و بیماری و طاعون کوسفندان کر نفر ماده آهو
و ذهر محکوش و ذهر هذه هذا با کبریت و قدری سم حر دراید
بدودند و بر کردن کوسفند و مواشیان آویزد و دیگر دوش الا ذکا
جهت محفوظ بودن کوسفندان و مواشیها ذکر کرده که این کلمات را
بنویسند و بر او آویزد بسم الله من جمیع الافات و العاهات و البلیات
و النقمات و السطوات اعوذ بالله من شر الجن و الانس و الغنم یا تحنیثا
یا حمثیثا یا مازها بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله
علیه و آله بحق کهیعص و بحق حم عسق لا حول و لا قوة الا بالله

العلی العظیم و هم چنین آورده که اگر در حیوانی علتی بهم رسد ابتدا
رگ موضع علت هفت بار بخواند زائل شود اقسمت علیک ایتها
العلة بعزة الله تا آخر دعا که در فصل اول باب اول مذکور
شده بجهة چشم زخم و درد مواشی سابق ذکر یافت ایضا بجهة
زیاد شدن شیر در انیس الصالحین بجهة زیادتی شیر گاو و امثالها
ذکر نموده که بنویسند و بر او بندند یا سقا اسقنا الله البرکة البقرة
اخرجت الجن من بطن البقرة لیسقیان من کل دابة یکتمونها انه امته
ضحی برحمتک یا ارحم الراحمین و هر گاه گاو کم شیر دهد این دعا را
بنویسند و بر شاخ او بندند تا عجایب بینند بسم الله مجریها و مرسیها
ان ربی لغفور رحیم و در مجرب المنافع بجهة زیاد شدن شیر گاو و دیگر
و مواشیان آورده که آیه ثم قست قلوبکم من بعد ذلک فهی کالحجارة
از سوره بقره تا عما تعملون بر طشت مس مرغ بنویسند و بشویند و
خورد ایشان دهند شیر ایشان زیاد شود و بجهة گاوی که نگذارد او را
بدوشند آیه وذللناها لهم تا افلا یشکرون از تمیم بنویسند
و بر پارچه سرخ صحیح دوخته بر شاخ او بندند رام شود ایضا بجهة
زیاد شدن شیر گاو و چشم زخم آن بنویسند و در پارچه کبودی پیچند
دانه اسفند بسته در پارچه آهنی بر شاخ او آویزند وان لکم فی الانعام

لعبرة نسقیکم مما فی بطونها من بین فرث ودم لبنا خالصا
سائغا للشاربین ولکم فیها منافع و مشارب افلا یشکرون
وایة وان یکاد تا آخر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین باب
ششم در دفع هموم و غموم و در آن چند فصل است فصل
اول در دفع هم و اندوه در حدیث معتبر وارد است که هر روز
صد بار لا حول ولا قوة الا بالله بگوید هفتاد نوع بلاها از او
دور شود که سهلتر آنها غم و اندوه باشد و در احادیث بسیار وارد
شده که حولقه دفع هم و غم و اندوه میکند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقول است که هر که این دعا را بخواند الله تعالی
غم و حزن او را برطرف کند و فرح و شادی بدل آن کرامت فرماید که
اللهم انی عبدک و ابن عبدک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک
عدل فی قضاؤک اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او
انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت به فی
علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری و شفاء
صدری و جلاء حزنی و ذهاب همی و در حدیث دیگر وارد شده
که بجهة دفع هموم و غموم این کلمات را تکرار نماید لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه

شیئ الهمنی ما اهمنی و در کتاب مجتبی آورده که در کتاب دفع هموم
و احزان ذکر کرده که هر گاه حضرت رسول را محنتی یا شدتی پیش آمدی
یا از جماعت مشرکان بدی یا مکروهی میرسیدی دستهای مبارک
را بر هم می‌نهاد و در روایتی دیگر مقبوض و مسموع بود تضایقی تنفرجی
پس متوجه قبله شده و دستها را برداشته و میگفت بعد از بسمله
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد و ایاک
نستعین کف بأس الذین کفروا انک اشد بأسا و اشد تنکیلا
راوی گوید که بخدا قسم که هنوز دستها را نگسترانیده بود که گشایش
روی میداد ابیات را در دفع هموم و غموم تکرار این ابیات
که بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منسوبست و در خلاصة الاذکار
انا قادر کتاب این ابیات نقل نموده که پادشاهی گوهر قیمتی داشت یکی
از وزرا آن خود سپرد آنرا وزیر در خزانه گذاشت کودکی از کودکان
وزیر بعنوان بازی کردن در دست داشت ناگاه افتاد بر روی سنگی
و شکست وزیر بسیار غمگین شده چاره نتوانست کرد تکرار این ابیات
مواظبت نمود ناگاه پادشاه را مرضی عارض شد اطبا را احضار کرد
طلبید اطبا دوای او را منحصر در ترکیبی یافتند که چنین گوهری یکی
از اجزای آن باشد پادشاه بوزیر رجوع نمود که رفته آن گوهر را

گوهر را گرفته نزد من حاضر سازد و ابیات اینست والعلم عند الله

وکم لله من لطف خفی * یدق خفاه عن فهم الذکی

خدا را هست با بنده لطف نهانی — که نبود فهم آن الطاف کار ذهن دانا

وکم یسر اتی من بعد عسر * ففرج کربة القلب الشجی

بسا آسانی که آید پس ز دشواری — دل غمناک را فارغ ز اندوه و پریشانی

وکم امر تساء به صباحا * وتأتیک المسرة بالعشی

بسا رنجی که باشد بامدادان — که در شام از پی شادی ببینی از فضل یزدانی

اذا ضاقت بک الاحوال یوما * فثق بالواحد الفرد العلی

چو تنگ آید ترا از رنج و غم حال جهان — توکل کن بیکتا که همتایش نبود فانی

و در هر کار مهمه دفع دلتنگی کننده روز هر روز صبح و شام یکبار
سورهٔ الم نشرح بخواند نائل شود **فصل دوم** در دفع فقر و درویشی
و ادای دین از امام محمد تقی علیه السلام منقولست که برای دفع پریشانی
هر بعد صد مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و از حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام روایتست که برای دفع فقر و پریشانی هر روز
بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم و بحمده استغفر
الله و اسئله من فضله در کافی روایت کرده که ابو القاسم نام شخصی
بخدمت امام محمد تقی علیه السلام شکایت کرد از حرارت جوع یعنی از

دفع فقر و درویشی

دعاهای ...

بینوائی و پریشانی و محرومی خود بجیتی که گفت بعقب هیچ کاری و
حاجتی نبوده مگر آنکه بر عنا آید و نا امید بر میگردم حضرت فرمود
بعد از نمازهای فریضه صبح ده مرتبه بگو سبحان الله العظیم و
بحمده استغفر الله ربی واتوب الیه واسئله من فضله راوی
گفت باین دعا مواظبت نمودم اندکی نگذشت که از بیابان خبری آمد
که فلان خویش تو فوت شد و اموال بسیار مانده و بغیر از تو وارثی دیگر
ندارد بیا و متصرف شو اگر چه بسبب آن صاحب ثروت و مکنت شدم و
تجربه یافته اند که هر که هفت نوبت آیه فسیکفیکهم الله وهو السمیع
العلیم را بعد از فریضه صبح بخواند در آن روز امور او کفایت شود کرده
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیث معتبر منقولست که هر که
را فقر و پریشانی مستولی و زور آور شود بسیار بگوید لا حول و لا قوة
الا بالله بدرستی که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن شفاء
هفتاد و دو درد است که کمتر آنها اندوه است و در روایت دیگر فرمود
که هر که هر روز صد بار بگوید سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم
استغفر الله ربی واتوب الیه پریشان نشود و هم چنین بتجربه رسیده
خواندن آیات کفایه را در عقب هر نماز و هفتاد نوبت جهت دفع فقر
و پریشانی و هم چنین خواندن لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت

توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا
ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا و از حضرت علی بن الحسین علیه السلم منقولست و در مصباح
متهجد مذکور که هر که در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی
از او دور شود و هیچ کژدم باو ضرر نرساند اللهم انت الاول فلا
شیء قبلک وانت الظاهر فلا شیء فوقک وانت الباطن فلا شیء
دونک وانت الآخر فلا شیء بعدک اللهم رب السموات السبع
ورب الارضین السبع ورب التوریة والانجیل والزبور والفرقان
الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها انک علی صراط
مستقیم و در خواص جمل اسم از اسماء الحسنی آورده است که اگر کسی
قرض بسیار داشته باشد و وجه آن نداشته باشد که ادا کند باین
اسم بسیار مداومت نماید و روزی خود سازد الله تعالی وسیله سازد
که اعتبار یابد و معتمد گردد و از قرض بزودی زود خلاص شود یا منان
ذا الاحسان قد عم کل الخلائق منه و فضله و هم چنین آورده
که اگر کسی بسیار بگوید یا حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه
چندان مال و نعمت یابد و خدا بدو بدهد که جمیع خلایق بدو محتاج
شوند و از او منت پذیرند و ستوده خدا و خلق گردد و در میان خلق عزیز

دمکوم کرده و همیشه مسرور باشد اما باید که در خواندن تقصیر نکند
وملول نشود و ترک نکند و اگر نه بیم درویشی باشد که اهل دعوت این
اسم را رجعت الاسماء نام کرده اند و هم چنین باین دعا مواظبت
و مداومت نمودن جهة ادای دین و رد مظالم مناسبست اللهم
اردد على جميع خلقك مظالمهم التي من قبلي صغيرها وكبيرها في
يسر منك وعافية وما لم تبلغه قوتي ولم تسعه ذات
يدي ولم تقو عليه بدني ويقيني ونفسي فاده عني من جزيل ما
عندك من فضلك ثم لا تخلف علي منه شيئا تقضيه من حسناتي
يا ارحم الراحمين اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله وان الدين كما شرع وان الاسلام كما وصف
وان الكتاب كما انزل وان القول كما حدث وان الله هو الحق المبين
ذكر الله محمدا واهل بيته بخير وحيى محمدا واهل بيته بالسلام وورد
کتاب [illegible] طیبه ذکر شده که بجهة ادای دین در عقب هر فریضه سه بار
بگوید بزودی دین او ادا شود و بعد از نماز یا قاضی الدیون من خزائنک
التي بين الكاف والنون اقض ديني ودين كل مديون ایضا در شرح خواص
آیات قرآن مذکور است که هر که آیه الآن خفف الله عنكم تا والله مع
الصابرین را از سوره انفال بگیرد در عقب هر فریضه یک بار بخواند چنانچه

چنانچه اول آن نماز عصر روز جمعه باشد الله تعالی کارهای او را
آسان گرداند و [illegible] او را از [illegible] برهاند طریقه دیگر مداومت
و مواظبت نمودن باین دعا و ملتجی شدن باین ذریعه بجناب اقدس
الهی باعث رفع فقر و ادای دین او میشود و از مجربات است اللهم یا سبب
من لا سبب له يا سبب كل ذي سبب يا مسبب الاسباب من غير سبب
سبب لي سببا لن استطيع له طلبا صل على محمد وآل محمد واغنني
بحلالك عن حرامك وبطاعتك عن معصيتك وبفضلك عمن سواك
يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام بحرمة وجهك الكريم اجعل لي
من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب
طریقه دیگر بجناب اقدس الهی باین کلمات و استکانات متوسل
شدن موجب سعت روزی و فتح و فیروزی میباشد اللهم ان
ذنوبي لم تبق لي الا رجاء عفوك وقد قدمت آلة الحرمان بين يدي
فانا اسالك ما لا استحقه وادعوك بما لا استوجبه واتضرع
اليك بما لا استاهله ولم يخف عليك حالي وان خفي على الناس
كنه معرفة امري اللهم ان كان رزقي في السماء فانزله وان كان في
الارض فاظهره وان كان بعيدا فقربه وان كان قريبا فيسره وان
كان قليلا فكثره وبارك لي فيه يا ارحم الراحمين ایضا بجهة وسعت روزی

در مجتبی آخر زبعضا و جزو بگوید که انحضرت امام محمد باقر علیه السلم
مروی است یا خیر المسؤلین یا خیر المعطین ارزقنی وارزق عیالی
من فضلک انک ذو الفضل العظیم مخفی نماناد که در این باب ادعیه
اذکار زیاده از حد و شمار است چون مقصود این رساله گنجایش زیاده
بر این نداشت بهمین قدر اختصار شد فصل ششم در دفع نسبه شدن
کارها در خواص القرآن آورده که اگر کسی را کارهای او نسبه شود و بجهت
زنهار نه باشد این آیات را بسیار تلاوت نموده مراقبت نماید و اذا سئلک
عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی
لعلهم یرشدون ایضا بجهت فتح مهمات و گشایش امور در روضة الاذکار
حاجی محمد ابن محمد از شیخ بهاء نقل نموده که این دعا را بنویسد و در موم گرفته
با خود دارد پس شر هفته در بنا باید که خدای تعالی اورا توانگر گرداند
و هیچ نماند که در کشایش کار ما [illegible] است و بجدا [illegible] برکت و جمعیت روی دهد
که عجائب نماید دعا اینست یا الله الرقیب الرؤف الرحمن الرحیم
یا الله الحی القیوم یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح علی صاحب
کتابی هذا العبد ابواب فضلک و ابواب رحمتک و ابواب رزقک
و ابواب خیرک و ابواب کرامتک و ابواب نعمتک و ابواب سعادتک
و ابواب سلامتک و ابواب عظمتک و ابواب رحمتک و ابواب برکاتک

جهت بعضی از [illegible] از حضرت صادق علیه السلم منقول است یا الله یا الله یا الله اسئلک بحق من حقه علیک عظیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان [illegible] ایضا [illegible] رب العرش العظیم [illegible]

برکاتک و ابواب منک و ابواب احسانک و ابواب رضائک
و ابواب عنایتک و ابواب الغنی و ابواب الجنة اللهم تکفلت برزقی
و رزق کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
و انت افضل من اعطی و احسن من ارجی اللهم انی اسئلک بمحمد
و آله ان تتفضل لی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا برای گشایش کارها بسیار بگوید
بیشک اورا از حضرت صاحب الزمان امداد رسد یا فارس الحجاز
ادرکنی یا ابا صالح المهدی ادرکنی یا ابا القاسم ادرکنی نوع
دیگر مهج الدعوات ابن طاوس از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم روایت
کرده که کسی را گره در کار او افتاده باشد و ابواب مطالب و معاش
او بسته شده باشد [illegible] باید [illegible]
با خود دارد [illegible] میشود [illegible]
بکند الله تعالی [illegible] و درهای مطالب معاش
او بگشاید [illegible] اللهم لا طاقة لفلان ابن فلان
بالجهد و لا صبر له علی البلاء و لا قوة له علی الفقر و الفاقة اللهم
صل علی محمد و آل محمد و لا تحظر علی فلان ابن فلان رزقک و لا
تقتر علیه سعة ما عندک و لا تحرمه فضلک و لا تحسمه من جزیل

اورا در [illegible]

فسهل ولا تكله الى خلقك ولا الى نفسه فيعجز عنها ويضعف عن
القيام بما يصلحه ويصلح ما قبله بل تفرد بلم شعثه وتولى
كفايته وانظر اليه في جميع اموره انك ان وكلته الى خلقك
لم ينفعوه وان الجاته الى اقربائه حرموه وان اعطوه اعطوا قليلا
نكدا وان منعوه منعوا كثيرا وان بخلوا فهم للبخل اهل اللهم اغن
فلان ابن فلان من فضلك ولا تخله منه ما في يدك فانه مضطر
واليك فقير وانت عنه غني وانت به خبير عليم ومن يتوكل على
الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا
فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا ومن يتق الله يجعل له مخرجا
ويرزقه من حيث لا يحتسب ايضا براى كشايش كارها بنويسد و
با خود دارد نصر من الله وفتح قريب وبشر المؤمنين
يا محمد يا علي انا فتحنا لك فتحا مبينا اذا جاء نصر الله و
الفتح ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين
وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون
انه لمجنون وما هو الا ذكر للعالمين ه ه ه ه ه
ه ه ه ه ه ه ه م ذاكر خواهد كه بركت وجمعيت در خانه
ودكان پديد آيد اسما را بنويسد وبا خود دارد يا در جا بنهد

اليك نفيس الاماني بيدك محتاج منه بعد

بياورد دولت وجمعيت وروشنائى پديد آيد اللهم انى اسئلك
يا قريب الفتح والفرج يا رب الفتح والفرج عجل الفتح والفرج يا صادق
الفتح والفرج يا صاحب الفتح والفرج يا ارائة الفتح والفرج يا مفتح
الابواب ايضا جهت توانگرى بنويسد بر كاغذ زرد بار كيسه زر
ودر كيسه كنار هركز مفلس نبيند يا وهاب يا رزاق يا ذا الطول
يا غني يا ذا الجلال والاكرام يا معطي يا باسط يا واسع يا جواد يا كافي
يا لطيف يا كريم ايضا بنويسد ودر كيسه نهد هركز آن كيسه تهى نشود
دع ود ~~لله~~ ايضا متوسل شدن بتربت مقدسه حضرت
امام حسين عليه السلم جهت وسعت رزق وقضاى حوائج مجربست
در فصل ... از مقدمه كتاب گذشت ايضا بعد از نماز صبح پيش از
انكه سخن كويد آيه فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم را هفت بار
بخواند صباح گذشت جمله مهمات اعدا در از و خداى تعالى كفايت كند
واكر بعد از هر نماز ورد خود سازد بهيچ چيز محتاج نشود وهم را ادات
ايضا ... كرده ايضا اين شكل را نوشته در كاغذى سفيد ودر عمامه بنهد
از پى هر حاجتى كه رود برآورده ميشود اگر ... رش وكعبو ... ادش
مستضعفترش الرضا الرضا ايضا گفته اند كه اگر كسى را كار بسته شده
باشد وهيچ كار برا دو نشود اين شكل را نوشته وشسته با آب

سروتن را بشوید فتح در کارها بی امید پدید آید اینست شکل مذکور 8

[illegible] نوع دیگر این اشکال

برای فتح مهمات یا خود دارد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نوع دیگر بخوانند و بنویسند و

در آب جاری نهاکند من العبد الذلیل الی الرب الجلیل رب انی

مسنی الضر وانت ارحم الراحمین و در نسخهٔ دیگر بنظر رسیده که در

وقتی که بعمرنا بآب افکند بگوید اللهم بحق محمد و آله الطاهرین

افتح علی ابواب فضلک وجودک یا اکرم الاکرمین نوع دیگر

انحضرت صادق علیه السلام روایت که هرکرا روزی کم شده باشد

و معیشت بر او تنگ گردیده باشد و یا حاجتی او را روی داده باشد

از امور دنیا و آخرت این دعا را در یک سطر طولانی بنویسد و در دور

سطر باین شکل نحو [illegible] خطی بکشد و در نسخهٔ بنحو طینه بدین شکل

نوشته شده طی [illegible] کج و در وقت طلوع آفتاب در آب جاری

اندازد بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق المبین من العبد الذلیل

الی المولی الجلیل سلام علی محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین

والحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و

القائم المهدی مولینا و سیدنا صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

رب انی مسنی الضر والخوف فاکشف ضری و امن خوفی بحق محمد

و آل محمد و اسئلک بحق کل نبی و وصی و صدیق و شهید ان تصلی

علی محمد و آل محمد یا ارحم الراحمین. او شفعوا الی یا سادات بالشان

الذی لکم عنده فان لکم عند الله الشان من الشان فقد مسنی

الضر والخوف یا سادات والله ارحم الراحمین وافعل بی یا رب کذا

و کذا و مطلب خود را مذکور سازد اکابر فرموده اند که برای جلب قلوب

و جلب مال این دو اسم را در شرف زهره در نقره کنده در انگشت کند

و اثر آن را مشاهده نماید اهرون و در بیاضی دیگر چنین اهرون

پس بنا بر احتیاط باید هر دو طریق کنده شود دور و دو نقشه ثبت و

باید چشمهای حروف کور نشود برای جلب مال باید انگشتر را چنان بکند

کند که حروف اهرون رو بروی انگشت باشد و برای محبت حروف بعکس

و مکرر بتجربه رسیده است ح د عجز المنافع آورده که اگر کسی خواهد در

مهمی رود این اسم اعظم که بزبان هندی است هفت بار بگوید اهنوس

آن مهم باسانی در زودی کفایت شود د ز خواص آیات قرآنی مذکور

است که اگر کسی را از دیگری حاجتی بوده باشد و خواهد که بمضا [illegible]

کند قبل از آنکه او را ببیند و باو مطلب اظهار کند این آیات را بخواند

ویل لکل افاک اثیم یسمع آیات الله اذا تتلی علیه ایاتنا ثم یصر

مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب

الیم واذا علم من ایاتنا شیئا اتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین

من ورائهم جهنم ولا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا ولا ما اتخذوا من دون

الله اولیاء ولهم عذاب عظیم از سوره جاثیه و بر کف دست راست

خود دمد و آنرا مقبوض کند چون چشمش بر او افتد دست را مفتوح

نموده مطلب را عرض نموده البته روا شود و دیگر خواص جلیل اسم او درده

که اگر کسی را بخت بسته باشد چنانچه از عمل بد رو ماند و کار او در هم

باشد در کوسفند سیاهی را بکیرد و بسه بار این اسما را بخواند

و بنویسد و در میان دل بخد و در آستانه خانه یا سقف خانه که نماز

خود را در آن بجا میکند دفن نماید و نشانی در کار او هم رسد

و عمل خود نافذ کردد و اسم الفتاح نور کل شیء و هداه انت

الذی فلقت الظلمات بنوره و اکر کسی زن بخواهد و معاندان دامن

شوند و نکذارند این طلسم را بر صفحه برنج سیاه بنویسد و در کردن بیاویزد

انکشتر را تا شکسته شود البته مراد را می شوند هفت مرتبه

و چهار مرتبه ایضا لله باز دهد و العلم عند الله تعالی

[illegible]

عریضه عکس عریضه ایست که بحضرت صاحب الامر علیه السلام نوشته

میشود و در کتب معتبره از ائمه دین علیهم السلام روایت شده که اگر کسی را

بخدای تعالی حاجتی بوده باشد این عریضه را بنویسد و بعضی گفته

اند مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام گذارد و یا آنکه محکم بسته و بخاک

پاکی که گل کرده باشد و بعد از میان آن بنهد و در نهر جاری یا چاه

عمیق یا آب بزرگ ایستاده اندازد بنحوی که مذکور شد زیراکه آن عریضه

بحضرت صاحب الزمان علیه السلام میرسد و آنحضرت متولی قضای حاجت

او میشود بکرم و فضل خدای تعالی و عبارت عریضه کتبت یا مولای صلوات

الله علیک مستغیثا وشکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز و جل

ثم بک من امر قد دهمنی واشغل قلبی واطال فکری وسلبنی بعض

لبی وغیر خطیر نعمة الله عندی واسلمنی عند تخیل وروده الخلیل

وتبرء منی عند ترائی اقباله الی الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی وخاننی

فی تحمله صبری وقوتی فالجات فیه الیک وتوکلت علیک فی المسألة لله

جل ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله

رب العالمین ولی التدبیر ومالک الامور واثقا بک فی المسارعة

فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارک وتعالی

ایاک باعطائی سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی وتصدیق املی

فی امر کذا وکذا ودر اینجا ذکر مطلب خود بکند ثم لا طاقة لی بحمله
ولا صبر لی علیه وان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی
وتفریطی فی الواجبات التی لله عز وجل علی فاغثنی یا مولای صلوات
الله علیک عند اللهف وقدم المسألة لله عز وجل فی امری
قبل حلول التلف وشماتة الاعداء فبک بسطت النعمة علی وبک
بسطت النعمة علی واسأل الله عز وجل لی نصرا عزیزا وفتحا قریبا
فیه بلوغ الامال وخیر المبادی وخواتیم الاعمال والامن من المخاوف
کلها فی کل حال انه جل ثناؤه لما یشاء قدیر فعال لما یرید وهو
حسبی ونعم الوکیل فی المبدء والمآل وچون خواهد که رقعه را در نهر
آب یا چاه عمیق یا ضریح اندازد متوسل باید شد بیکی از دربانان
وحاجبان آن حضرت عثمان بن سعید العمری یا پسر او محمد بن عثمان یا
حسین بن روح یا علی بن محمد السمری که ایشان حاجبان ودربانان
آن حضرت بوده اند پس بگوید اینها ندا باید کرد برای توجه که یا فلان
ابن فلان سلام علیک اشهد ان وفاتک فی سبیل الله وانک حی
عند الله مرزوق وقد خاطبتک فی حیوتک التی لک عند الله عز وجل
وهذه رقعتی وحاجتی الی مولانا علیه السلم فسلمها الیه فانت
الثقة الامین وبعد از آن رقعه را اندازد در چاه ودر نهر

عز وجل لی

جل جلاله

الی ما یرید

چنان میکند که این عریضه را بدو تسلیم میکند تحقیق که او قبول
میکند وحاجت او روا میشود انشاء الله تعالی ودر کتاب انیس
الصالحین بعد از ذکر این عریضه حضرت صاحب الامر آورده که در
بعضی از نسخ مذکور است که عریضه دیگر بنویسد بحق سبحانه وتعالی
وخوشبو کرده اند وبحکم ریسمانی ببندد ودر دریا عریضه حضرت صاحب
الامر که او دو تسبیح عریضه حضرت صاحب را ابر بجد ودر دریا گل گرفته در آب
روان روان افکند وعریضه حق سبحانه وتعالی را باین نحو بنویسد بعد
از بسمله الی الله عز وجل جلاله وتقدست اسمائه وعظمت آلائه من
عبده الضعیف الفقیر الحقیر المذنب الهارب فلان بن فلان الهی و
سیدی وخالقی ومولای والمتکفل برزقی الیک اشکو بثی وحزنی و
بک استعین عن ظالمی ومن بغی علی وتقوی علی ضعفی وتسلط بشره
علی وتعزز عن ظلمی فانک انت ربک الحق ومن بغی علیه لینصرنه
الله وقد علمت یا مولای انه بغی علی وما لی من شره مجیر غیرک و
ما استعین مع ضعفی الا بقوتک ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم یا علی یا عظیم خذ بالثار منه وانصرنی علیه ولا تسلمنی الی شره
فقد شکوته واستنصرت بقوتک علیه یا مولای الغوث الغوث الغوث
النصر النصر النصر یا سیدی ولا اهلک وانت رجائی لا تخل یدک عن

رجائی ولد

ضعفی وارحم فقری وذلی وغربتی اللهم اقهر سلطانه علی سلطان ملك
علیه حتی ان نمنع المتمهین منه بك یا ارحم الراحمین امنت
بالله الذی لا اله الا هو وانتصرت بالله العلی الاعلی ولجأت
الی العزیز الجبار وفزعت الی الباری القهار وتحصنت بمحمد و
آله علیهم السلم وصبر بریدنی ویکیدنی بلا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم مولف گوید که مضمون عریضه حضرت اقدس ع
با رفع بدین عبارت در تظلم و دادخواهی است از ظلمه پس اگر مطلب
غیر از بوده باشد ممکن است بدین روش تغییر عبارات نموده مطلب
را عرض کند تا بمقصود خود فایز گردد عریضه دیگر عرض کردن حاجات
و شرح کردن حالات است بجناب اقدس مهدی صاحب الزمان بدین
دستور که از ظاهر در کتاب کشف الغمه باولاد خود سفارش د
و ستوده نموده خلاصه مضمون آنکه در روزهای دوشنبه یا پنجشنبه
بخضوع و خشوع روی بقبله بایستاد و در خلوت حاجات باید کاغذ را
که در خدمت آن حضرت ایستاده و برا وسلام میکند و اول زیارت غایبانه
بدین طریق سلام الله الکامل علیك یا حجة الله فی ارضه و عین
الله فی خلقه السلام علیك یا صاحب الامر والتدبیر السلم
علیك یا صاحب الرأی المسموع السلم علیك یا سیدنا ومولانا السلم

السلم علیك یا عین الحیوة السلم علیك یا سفینة النجاة السلم
علیك یا بقیة الله فی الارض السلم علیك یا نور الله الذی به
یهتدی المهتدون ویفرج بها المؤمنون السلم علیك ایها الغائب
عن الابصار والشاهد فی الامصار السلم علیك یا صاحب العصر
وولی الامر ادرکنا واغثنا یا ایها العزیز مسنا واهلنا الضر وجئنا
ببضاعة مزجات فاوف لنا الکیل وتصدق علینا ان الله یجزی
المتصدقین تالله لقد آثرك الله علینا وان کنا لخاطئین استغفر
لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین یا مولینا هذا مقالات اخوة یوسف
مع ابیهم وابنهم بعد رجائهم تقبلتهما بعد تلك الجنایات فان
کنا غیر مرضیین عند الله جل جلاله وعند رسوله صلی الله علیه
وآله وعند آبائك وعندك علیکم افضل الصلوات فانت احق
ان تعاملنا برحمتك وحلمك وکرمك وتشملنا بشیمك بما وسع
اخوة یوسف من تعطفه علیهم وترحمه لهم واحسانه الیهم بالاولی
انی وجدت فی القرآن ان جدك محمدا صلی الله علیه وآله کان له
عدو شدید یقال له النضر بن الحارث فقتله فقالت اخته تخاطب
النبی بابیات اعنی بعض خطابها امحمد ولانت نسل نجیبة من قومها
والفحل فحل معرق ما کان ضرك لو مننت وربما من الفتی وهو المغیظ

والعجل فخر معزوف ۂ

المحتق والعبد المترتب من وصلت قرابته والحقهم ان کان عتق بعتق
فقال النبی صلی الله علیه وآله ما منعها لو وصلتنی هذه الابیات
نبل قتله لعفوت عند سوء فعله وانت یا مولای اهل الاقتداء
بجمیع خصاله وصنایعه فعاله وانت کریم من اولاد الکرام فاغثنا
فی جمیع مهماتنا متوجهاتنا وادرکنا فی مضایق الامور وشدائدها
الامان الامان یا صاحب الزمان ادرکنا فی کذا وکذا
بحقک وبحق آبائک الطیبین وصلی الله علی محمد وآله المعصومین
طریقه دیگر در کتاب کفایة الطالب از حضرت امام علی النقی علیه
السلم روایت کرده که در شب جمعه این دعا را بر رقعه نوشته و در
مکان دفن و پنهان کند بجهة آسانی امور و فتح مهمات و توسعه روزی
وحصول مطالب بعد از بسمله الی الله الملک الدیان الرؤف المنان
الاحد الصمد من عبده الذلیل البائس الفقیر المسکین فلان بن
فلان اللهم انت السلام ومنک السلم والیک یعود السلم تبارکت
وتعالیت یا ذا الجلال والاکرام صلوات الله علی محمد وآله وبرکاته
ودائم سلامه اما بعد فانه من تحضرنا من اهل الاموال والجاه قد
استعدوا من اموالهم وتقدموا لبعض حاجاتهم ومصالحهم ولکثیر
شؤنهم وتاخر المستضعفون المقلون عن تحرجوا حجتهم لابواب الملوک

سعتی ه ل

المستضعفون ه ل

الملوک وعطایاهم فیا من بیده نواصی العباد اجمعین وما مغزا کل
المؤمنین ومذل عتاة الجبارین انت ثقتی ورجائی والیک ملجائی
ومهربی وعلیک توکلی وبک اعتصامی وبما ذنبی فالی لی سوا بک
صعبه ویتحیر لی قلبه وتردعنی نائرة واکفنی بآفته فان مقادیر
الامور بیدک وانت الفعال لما تشاء وتثبت وعندک ام الکتاب
وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین والسلم علیهم ورحمة الله وبرکاته

فصل چهارم در دفع شماتت اعدا و رفع حزن و زیان و دفع غم و دفع
سهو و نسیان چون ببیند دشمنی را که شماتت میکند این آیه را بخواند قل
لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولینا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون
و در حدیث دیگر وارد شده که این آیه را بخواند حق تعالی آن چیز را
که دشمن بر آن شماتت میکند دفع نماید و زودی عوض بهتر از آن کرامت
نماید که مراد رسیده رفد انی توکلت علی الله ربی وربکم ما من
دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ایضا چون خسرانی
و زیانی برسد بخواند که الله تعالی زودی عوض آن را بچیزی بهتر از آن
بدل نماید بکوید عسی ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا
راغبون و در فقه الرضا مذکور است که اگر چیزی از مال تلف شود
اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک ناصیتی

وعلاه بغناه ه ل

قبضتك ناصيتي بيدك تحكم ما تشاء وتفعل ما تريد اللهم فلك
الحمد على حسن قضائك وبلائك اللهم انت مالك نفسي
وانا عبدك خولتني حين رزقتني اللهم فالهمني شكرك والصبر على حين
اصبت واخذت اللهم انت اعطيت وانت اصبت اللهم لا تحرمني
ثوابه ولا تنسني خلقه في دنياي وآخرتي انك على ذلك قادر اللهم
انا لك وبك واليك ومنك لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا واز حضرت
صادق عليه السلم منقولست كه فرمود چون چيزرا شيطان از دل تو
محو كرده باشد وخواهي كه بياد آوري دست بر پيشاني بگذار وبگو اللهم
اني اسئلك يا مذكر الخير وفاعله والآمر به ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تذكرني ما انسانيه الشيطان. در حديث ديگر
روايتست كه حضرت رسول بحضرت امير المؤمنين عليه السلم فرمود كه
يا علي اگر خواهي كه هر چه بشنوي يادگيري ودر حافظه تو جاي گيرد
در عقب هر نمازي بگو سبحان من لا يعتدي على اهل مملكته سبحان
من لا يأخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحيم
اللهم اجعل لي في قلبي نورا وبصرا وفهما وعلما انك على كل
شيء قدير. ايضا همين خاصيت دارد خواندن اين اسم در عقب هر
فريضه صبح پيش از آنكه با كسي سخن گويد يا حي يا قيوم فلا يفوت شيئا

شيئا علمه ولا يؤوده. ايضا مواظبت نمودن در قنوت نماز صبح
بخواندن ربنا لا تؤاخذنا تا فانصرنا على القوم الكافرين آخر سورۀ
بقره وبعد از اتمام گفتن اللهم لا تنسني ما اقرء في هذا اليوم فانك
قلت سنقرئك فلا تنسى. واز حضرت صادق عليه السلم روايتست كه
هر كه در زمان بهبود بسيار كند چون داخل بيت الخلا ميشود بگويد بسم
الله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبيث المخبث الشيطان الرجيم
واز خواص اين آيات است كه هر كه با خود دارد نسيان او كم ميشود
ولا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا
لنفتنهم فيه ورزق ربك خير وابقى وأمر اهلك بالصلوة واصطبر
عليها لا نسئلك رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى. ايضا كتابت
كردن اين اشكال را هر كه با خود دارد هر چيزي را فراموش نكند ليلقوا
مل عليه كالذل طلمسلحل سطوا بحال اهال سحلصلسا
طهوهللمرح نو سهوى سطو. ايضا در نقليه شيخ شهيد
قدس سره مذكورست كه هر گاه كسي بسيار سهو كند در نماز چون خواهد
كه شروع در نماز كند انگشت شهادت دست راست خود را بر ران چپ نهد
وبگويد بسم الله وبالله توكلت على الله واعوذ بالله السميع العليم
من الشيطان الرجيم. واز حضرت امير المؤمنين عليه السلم منقولست

که هرکه ازو زعفران خالص جزوی واز سعد جزوی بگیرد وبا عسل ثنا
ومعجون کرده هر روز بقدر دو مثقال بخورد خاطر او بمرتبه زیاد
شود که بیم آن باشد که ساحر شود ودر حدیثی دیگر ابوبصیر گوید
که بحضرت صادق علیه السلم عرض کردم که چگونه توانیم قدرت یافت
بران عملی که تفریع نموده اند برای ما حضرت فرمود درهمی قرنفل وده درم
کندر ذکر ابستان وزیره بکوب وبعد از آن هر روز اندکی ناشتا سفوف
کن که باعث ازدیاد حفظ وخاطر است باب هفتم در دفع ضرر
دواب وهوام وجانوران موذیه وعقرب ودفع سموم آنها ودراین چند
فصل است فصل اول در دفع جانوران موذیه چون مار و
عقرب ودفع سموم آنها واز حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقول
است که برای دفع جانوران موذیه این دعا را بخوانند بعد
از بسمله بسم الله وبالله محمد رسول الله صلی الله علیه وآله اعوذ
بعزة الله واعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شر کل هامة
تدب باللیل والنهار ان ربی علی صراط مستقیم واز حضرت امیر
المؤمنین علیه السلم روایتست که اگر کسی از عقرب ترسد بگوید سلام
علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا
المؤمنین واز حضرت صادق علیه السلم در کتاب آداب الدینیة روایت

روایت کرده اند که فرمود هرگاه از عقرب بترسی در شب نظر کن به آن ستاره
سها که نزدیک ستاره دویم بنات النعش است واز بسیاری کوچکی
محتاج بحدت بصر میباشد که دیده شود پس سه مرتبه بگوید اللهم
یا رب اسلم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم وسلمنا من کل ذی شر
راوی گفت که تا حال یکشب نخوانده ام آنرا ودر آن شب مرا عقرب بگزید دفع
دیگر فرمود که اگر کسی از مار وعقرب بترسد در اول شب این دعا را بخواند
بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله اخذت العقارب والحیات
کلها باذن الله تعالی بافواهها واذنابها واسماعها وابصارها وقوتها
عنی وعن اخی الی صخوة النهار واز حضرت روایت دیگر فرموده این دعا را بخوان
بسم الله وبالله توکلت علی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان
الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفک
وفی جوارک واجعلنی فی حفظک واحفظنی فی امنک صاحب دار النعیم
آورده است که از اول سوره انعام که بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله الذی خلق السموات والارض تا عنها معرضین را بر صحیفه بکنند
بنویسد وبآب باران بشوید ودر چهار رکن خانه بپاشد مار وکژدم
از آن خانه دور شوند افسون عقرب به پنجم اسفندارماه در حالتی
که با وضو باشد وسخن نگوید تا از کتابت فارغ شود این شکل را بنویسد

نکاه دارد عقرب او را نکزد بسم الله سبحه سبحه ربنه ربنه
ملیحه نحو تقنا تقطا تقطه و هم چنین روایت شده که اگر این شکل
را بنویسد و در سوراخ مار نهند بند دستیکه مار بینند درد نیم شود
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم روایتست که فرمود که هر که شب
این دعا را بخواند تا صبح او را هیچ گزنده و عقرب او را نگزد اعوذ بکلمات
الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرء و من
شر ما برء و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم ایضا بخواند که همین خاصیت دارد و ما لنا ان لا نتوکل علی
الله وقد هدینا سبلنا و لنصبرن علی ما آذیتمونا و علی الله فلیتوکل
المؤمنون ایضا آیت زبور را برقدح آبی بخواند و بگوید ان کنتم آمنتم
بالله فکفوا شرکم و انا کم عنا پس آن آب را در حوالی فراش خود بپاشد
از شر جانوران موذیه و گزندگان ایمن ماند نوع دیگر بستاره سها نظر
کند و بگوید اعوذ برب السهی والسهیه من شر کل عقرب و رتیل
وحیه شجح شجح شجح قرنیه قرنیه قرنیه سلام علی نوح فی العالمین
سلام علی ابراهیم سلام علی محمد و آل محمد عقدت حمة کل عقرب
و رتیل و حیه و جرار علی اهل هذه الدار من الذکور و الاناث
نوع دیگر بجهت دفع گزندگان در وقت خواب بخواند اللهم انت الاول

الاول فلا شیئ قبلک تا آخر دعائی که در فصل دفع فقر و فاقه از حضرت
علی ابن الحسین علیه السلم ذکر شد افسون عقرب گزیده است بسم الله
الرحمن الرحیم کتکات کتکوت کتکا و کنکر لاهور سید احمد کبیر ش
کوف کوف کوف آنکه بخواند بگوید از خصیه جد کند به موضع گزیده عقرب
گذارد درد ساکن شود تا بجو بکه سر موئی که از خصیه کند بموضع گزیده
برساند نه سر دیگر آن را نوع دیگر افسون هذا بجهت بستن دم عقرب کالی
لچی پیلی بچی سونه سبه قوری مجات کنه بزنا یا مچی لسر مهادیو هن
من بتیرا نادم چندلک دهانی بالکان کوتای اما معالجه عقرب گزیده
از جمله خواص این حروف است که هر گاه بر کاغذی سفید پنج بار در پنج سطر
بنویسد در حالتی که با وضو باشد و رو به قبله باشد پس بشوید و آب
آن را بر سولی که اول خبر آورده که فلان کس را عقرب گزیده بدهند تا بیاشامد
درد شخص عقرب گزیده زائل بشود و کاتب این نسخه مکرر تجربه در عقرب گزیده و دو
رتبه در مار گزیده که مشرف بموت بود نموده ام و از جمله مجربات و عجایبات است
محمود رهو هوف مطوف هم کلهم و در بعضی نسخ مسطور است که
باید بوغا نیکرده شود که بی نقطه قوم کرده و واوها و میمها مطبق
و هاو طا مفتوح العین نوشته شود نوع دیگر از جمله خواص
با سه قرائی با مقطعات ترجا نجاجی باجنی بنویسد و آب بر نخورده

عقرب گزیده بیاشامد فی الحال درد ساکن شود ام … طاس کس ص
ق ایضا در فصل ابطال سحر گذشت که امتزاج دادن حروف اسم قائم
و لحد بن نشتن و شستن فی مطبوع … دانستن موجب تسکین الم او است نوع
دیگر هفت مرتبه سوره فاتحة الکتاب بخوانند و بدان دمد ساکن گردد
و هم چنین خواندن و دمیدن سوره انشقاق موجب تسکین گزیدن عقرب است
و هم چنین خواندن سوره جحد و معوذتین و غلت و آیه من شر … درد
مالیدن ساکن گردد نوع دیگر این افسون را بر آب خوانند به عقرب
گزیده دهند تا بیاشامد یا دعشنی یا دعوشی یا شمعی یا شمیعی اسکن
باذن الله نوع دیگر بنویسد و بر بالای زخم مار و عقرب بندد شفا
یابد و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا
فی حدیث غیره و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم نوع دیگر این منتر
را بر ملسوع خوانند بشرط آنکه با وضو باشد و وضع لسعه را مسح
کنند و سه مرتبه بخوانند درد ساکن شود و مجرب شده و وو کی وو توا
ناتل و باکنا نارنج جو و ده و … لا تلوا یکی و غدمر یکی تل رکن
و دو دو تل رکن نوع دیگر این منتر را بخوانند زهر بیرون آید و درد ساکن
شود … طوبرها کل منها کارها … شکر بندی اندی
مندیکر … سلیمان ابن داود سلطان سند

ستیل احمد کبیر سنه دعا و مرد کوز … طریقه دیگر در مجرب المنافع
آورده که اگر عقرب جانب راست کسی را گزیده باشد در گوش چپ او و اگر جانب
چپ او را گزیده باشد در گوش راست او بخواند و بدمد نیکو شود او قوم جبلی
سواها ایضا هر گزیده که بدین سه بار بخواند و بدمد نیکو شود اسنجی سا
سواها ایضا گزیده که یکبار دست بر دست زند و بگوید درد ساکن
شود اهیا اهیا آج جانه … ایضا در محلی که نیش … زده
اثر کرده باشد بگیرا بگوید که آنجا را محکم بگیرد و عزیمه بخواند و بر سد که کجا
فرود آمده است و چون بجای نیش رسد آنجا بخواند و آب دهان بریزد دفع شود
ساب ناهنین کل کل الحمیه دین کر کون کل وهرلی ابجها کهال ابن هرم
در جواهر آورده که هر که حب قرطم را یعنی … کاجیره بین
کوبند در کفه دست گیرد درد نیش عقرب ساکن گردد مادام که در دست بود
و اگر با قلفل در دست گیرد بالکلیه زائل شود و اگر کسی دست را به آب ترب بمالد
و مار و عقرب را بگیرد … ضرر نتوانند رسانید و تضمید شکوفه حنا کنند
عقرب به عذیل دانسته اند و تجربه رسیده است که اگر عقرب گزیده را از کوزه
… کنند درد آن زود ساکن شود و نیز اگر در گوش … مکوبند کسی
را عقرب گزیده است باعث دفع و تسکین درد آن باشد و هم چنین ضماد
… رقیق بر موضع گزیده مار و عقرب باعث تسکین درد است و هم چنین

خسکدانه را

محتاج باعاده نیست و در بحر المنافع آورده که حکمای هند بتجربه یافته<br>
اند که اگر کسی را روز شنبه مار گزد و مقعد او گشاده شود و بی اختیار براز<br>
او اندفع شود نرهد و اگر روز یکشنبه گزیده باشد در آینه نظر کند اگر<br>
روی خود را در آینه نه بیند نرهد و اگر ببیند معالجه نماید و اگر دوشنبه<br>
گزیده باشد و شکم درد کند نرهد و اگر سه شنبه گزیده باشد و بول او<br>
متواتر تقاطر نماید بیم خطر است و اگر چهارشنبه گزیده باشد و دل درد<br>
کند دوا پذیر نباشد و اگر پنجشنبه گزیده باشد و بگوش چیزی نشنود<br>
علاج پذیر نباشد و اگر جمعه گزیده باشد و بی اختیار منی از او دفع شود<br>
علاج کردن فائده ندارد و از مجربات گفته اند که چون طفل [illegible] متولد شود<br>
پیش از آنکه او را شیر دهند بقدر یک حبه از اشک چشم گاو کوهی که آن<br>
را تریاق گاو کوهی گویند و در تعبیر شکاف چشم او منجمد میگردد در کام<br>
آن طفل بمالند در ایام حیات از سموم ایمن باشد و [illegible] متضرر نگردد<br>
و ایضا از مجربات دانسته اند که چون نوشادر را حل کرده باشند و<br>
کاغذ را بآن نقش نموده در اطراف خود بگذارند هوام بیرون آیند دیگر [illegible]<br>
و هم چنین پاشیدن آبی که نوشادر در آن حل کرده باشند باعث هرب مار<br>
است و چون از آن آب بر سوراخ مار بریزند باعث هلاک او است و اگر<br>
طبیخ حنظل را بر موضعی بپاشند مار ترک آن مکان کند و اگر [illegible] را بقطران

بقطران آلوده و در دیگر چون حلقه کنند داخل حلقه نمیگردد و از دود<br>
تخم [illegible] و گوگرد و شاخ گوزن و موی انسان و نفت و مقل و سکبینج<br>
و چوب انار و قنه گریزان می باشد و از دیدن زمرد افعی کور است<br>
و چون چشم افعی بر زمرد افتد در ساعت چشمش از حدقه بیرون آید<br>
و [illegible] باعث حفظ از نیش و مضرت جمیع حشرات [illegible]<br>
عصاره حی العالم [illegible] گزیدن رتیلا مفید دانسته اند و عقرب از دود کبریت<br>
میگریزد و [illegible] مذکور شد آنچه گریزان است از آن و بخوری که موکل<br>
الاسقام والاعظام ذکر نموده که در گریزانیدن هوام [illegible] است<br>
زاج سفید و شونیز سکبینج [illegible] چند مقل سم [illegible] گوزن حبها ساخته<br>
در مکانی که [illegible] دود کنند و پاشیدن آب مطبوخ بابونه و حنظل [illegible]<br>
و بیخ انگشت [illegible] عقرب مفید دانسته اند ایضا معالجه زهرها<br>
این کلمات را بر موضع زهر و گزیدن مار بخوانند و بدمند شفا یابد بعون الله بسم الله<br>
اهیا شراهیا ادونا اصباوت ال شدای اعوذ بکلمات الله التامات کلها<br>
من شر ما خلق و ذرء و برء و من شر کل حیة و عقرب [illegible] و سلام<br>
سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین<br>
ایضا بر موضع زخم مار بخوانند شفا یابد باذن الله تعالی [illegible]<br>
برحمتک یا ارحم الراحمین و در خواص الاسرار برای دفع سم مار و عقرب [illegible]

آیات ولقد نادینا نوح فلنعم المجیبون فنجیناه واهله من الکرب العظیم
وجعلنا ذریته هم الباقین وترکنا علیه فی الآخرین سلام علی نوح فی
العالمین را بر لوحی از مس یا نقره یا ارزیز نقش کند و بعد از سلام علی
نوح فی العالمین نقش کند و علی ابنائه اجمعین در شب اول ماه که نور الاول
در حالتی که نقاش با طهارت باشد و هر چند که نقش کند کوکب سها نظر
کند و بگوید یا نظرت الی السهاء فی السماء وکفیت شر العقرب والحیة والافاعی
و چون نقش تمام شود در هر ده شب نصف شب از آن بیرون آورد و بدولت
انکه میان او و آسمان حایلی باشد تحاهه بنات النعش باشد و بگوید که
عقرب العقرب و سمها والحیة و فزعها والافعی و شرها والثعبان و ضررها
کالعقد الذی اخذته المیثاق من کل رطب و یابس و عقدا لا انحلت الی
العظیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس آیات مذکوره را بخواند
و با دیگری وقت خواندن دعا و آیات آن لوح را بر کف دست داشته
باشد و چون عمل تمام شود لوح را در جامهٔ پاک بپیچد و نگاه دارد و چون کسی
را زهر دهند یا مار یا عقرب یا افعی بگزد آن لوح را در آب اندازد و آن
آب بوی دهد تا بیاشامد صحت یابد ان شاء الله تعالی فصل دویم
در دفع کیک و پشه و مگس بعضا ان آن در روایات معتبره از حضرت موسی ابن
جعفر علیه السلم روایت که زمره اصحاب حضرت رسول در بعضی از غزوات از

کیک بسیار بود کیک با حضرت شکایت کردند آنحضرت فرمود که در وقت خواب
این دعا را بخوانند یا ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا ولا غلق
ولا بابا عزمت علیکم بام الکتاب ان لا تؤذونی واصحابی الی ان یذهب
اللیل ویجیء الصبح باجابة شیخ طوسی در مجمع البیان از حضرت رسول
روایت کرده بجهت ایمن بودن از کیکان هفت بار آیه و ما لنا الا نتوکل
علی الله تا آخر آیه بخواند و در فصل اول این باب گذشت پس قدح آبی بخوانند و
بگویند ان کنتم آمنتم بالله فکفوا شرکم واذاکم عنا پس آن آب را در حوالی
فراش در وقت خواب بپاشد و در کتاب جنة الامان آورده که در بعضی از کتب
خواص مذکور است که اگر کسی در وقت خواب جامی پر آب کند و بر بالین نهد و سه
مرتبه سورهٔ انا انزلنا بخواند و هر بار بر آن آب بدمد کیک بگریزد که در آن حوالی
باشد خود را در آن کاسه اندازد و اطبا گفته اند که طبیخ خشک جعفر کشتن
کیک از مجربات است و به بستن طبیخ آب حنظل بجز زهره و افسنتین و شونیز
کیک طارد جمیع ادویه مشهوره است و از زهره در خواص ذکر کرده که
ان خاصیت سماق است که چون آب آن را در خانه بپاشند کیک از آنجا
بگریزد ایضا در دفع پشه از خاصیت این دو اسم است که چون العلیم
الحکیم را بر دیوار خانه رسم کنند پشه در آن خانه در نیاید نوع دیگر از
خواص این آیه است که هر که بخواند و در اثنای خواندن با انگشت خود در دور

خود منزلی بکشد پشه از آن مکان منقطع شود کانما یساقون الی
الموت وهم ینظرون نوع دیگر در دفتر مکنون آورده که از برای بر
طرف شدن پشه این شکل را بنویسد با این عدد و در هر مکانی که
بیاویزد پشه از آن مکان گریزان شود اینست

| ٥ ٧١٧٨١١٨٣٢ |
| --- |
| ١٣ ٥ ٧١٢٣٢ |
| ١٣ ٤١٨ ٣٩٢ |

نوع دیگر هم در همان کتاب در مکنون آورده که
شرح مسطور این شکل دیدیم با تبدیل ذکر کرده

| ٥٧١١ ٨١١ ٨ ٣٢ |
| --- |
| ١٣٥٧١٢٣٢ |
| ١٣ ٤٧١ ٢٨٢ |

و در کتاب خواص الاسرار بجهة بستن در هوام
موذیه آورده که الفاظ ذوالجلال والاکرام
را در ساعت هفتم از شب بر سفال نو بنویسد و در جائی دفن کند پشه
از آن موضع بگریزد و در در النظیم آورده که برای بستن در پشه در روز
پنجشنبه اول ماه رجب این اشکال را بنویسد بر سه قطعه کاغذ و از سه سمت
محلی که خواسته باشد که پشه از آن موضع بسته شود بیاویزد و آن سمت
را که مدخل است خالی گذارد پشه از آن مکان بسته شود اینست
عططس بحق البق عططس بحق البق عططس ملت البق بالف
لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و در کتاب طبقات مولانا
مسطور است که نام شیخ علی هبانی که یکی از مشایخ صوفیه است در
زمین سنقات مذکور شد و بکرات بگویند پشه از آن مکان دور نماید و این را

و این را از کرامات شیخ شمرده اند نوع دیگر طلسم بستن پشه حکما چنین
گفته اند که برش مادیانی را که هنوز بر او نجسته باشد بستانند و مثال
پشه از مس چندانکه توانند بسازند و هر یکی را بتار موئی ببندند و مانند خوشه
انگور بهم آورده و در ظرفی از روی یا سفال بنهند و سر محکم ببندند و در
میان سرا یا ده پنهان کنند چون سه روز بگذرد هیچ پشه در آنجا
نیاید تا این طلسم بر جای باشد و باید که این عمل بوقت برآمدن سهیل
باشد یا شعری عبور کند یا در آنوقت که مریخ از مشرق طلوع کند و اگر با
مشتری مقارن باشد بر نظر او بهتر است و اطبا گفته اند که چون زرنیخ
را با نشادر بهم کاوجیند و بقدر مکانی بخور کنند پشه در آن مکان تولد
نکند و بعضی از دستورات معالجه هوام در فصل سابق مذکور شد
تکرار آن موجب تطویل است و چون زرنیخ را در میزر حل نموده مگس
از عسل بر آن هلاک گردد و بدستور مگس از کاغذ و چوب زیتون و زرنیخ
منکر بر دو چون صورت مگس با زرنیخ بکشند با جوجه بدل کنند مگس با
و در جائی که باشند مگس از آنجا بگریزد و طبیخ طرقوبیا کشنده اوست
و از مجربات است که مادام که آدمی نیم زبان را بدندان گرفته باشد زنبور
نیش نیست باشد و قادر بر گزیدن نیست فصل ششم در دفع دیو و جهم
و ارضه و موش و نحو و غیره ذکر خواص الآیات مذکور است که هرگاه

آیه مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع
سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع
علیم الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منا
ولا اذی لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون قول
معروف ومغفرة خیر من صدقة یتبعها اذی والله غنی حلیم از سوره
بقره در سفال بنویسید و در انبار غله نهد از شپشه محفوظ ماند
و اگر در میان اقمشه و امتعه نهد از موش و سوس ایمن ماند نوع دیگر آن
خواص البحر وغیره است که بر صندوقی یا مخزنی بنویسید هر متاعی که در آنجا
باشد از سوس و کرم و های نباتات و امثال آن ایمن باشد ا د ذ ر ز و ک ا ما
دفع ارضه ریزه سبز را بر موضع ارضه مالند دیگر ارضه بر بنا رود و اگر چوب
را بر نشیمه طرح مالند و در خشت با آن بر کنند در وقتی که تر باشد دیگر آن
چوب را ارضه نخورد و باشید نعطیر خ خربزه در کشتن کنید و سوس را ازمنه
از مجربات است اما دفع موش بر پوست شتر بنویسید و در چوبی د قلی
بر بچسبانید در سوراخ موش داخل کنند موشها همه بیرون آیند باذن الله
فاعرضوا فارسلنا علیهم سیل العرم وبدلناهم بجنتیهم جنتین ذواتی
اکل خمط اللهم بدل لصبرنا منهم وبدلهم بنا خیرا منا واجعل ذلک
عاجلا متقبلا نوع خاصیت اسم وهاب است که بیش از غروب آفتاب روز شنبه

وقلی د

تنبه در ظرف سفال نوشته در انبار غله نهد از موش و سوس محفوظ ماند
نوع دیگر این مربع را چهار پاره کاغذ بنویسید و در زوایای خانه دفن
کند موش گرد آن خانه نگردد این مربع

| | | | |
|---|---|---|---|
| ٥ | ٢و | طا | دی |
| ٥ | هی | ٥ی | ٢٨ |
| ٥ | ع ح | ١٢ | ٢٤ |
| ☒ | ☒ | ☒ | ☒ |

و در منافع آورده که بجهت دفع موشان
این مثلث را بنویسید و در میان غله نهد اگر
در انبار است و اگر در کشت زار باشد بنویسید و بر چوب بندد و بر چهار
گوشه کشت نصب کند و اگر در خانه باشد در زوایای خانه دفن کند این است

| | | |
|---|---|---|
| ب٢ | ز٧ | وعو |
| ط٩ | ه٥ | ١١ |
| د٤ | ج٣ | ج١ |

نوع دیگر بر چهار سفال آب ندیده بنویسید
و چهار دیگر سر موش نماید و بر چهار گوشه خانه
یا کشت فرو برد و می باید که در وقت عمل با وضو باشد و هر پاره که
فرو برد با بانگ نماز بگوید موشان دفع شود لیلم اللهم ان الفاره
جند من جنودک و خلق من خلقک فاکفف شرها واصرف عنا اللهم
صل علی محمد و آله اجمعین یا ارحم الراحمین ایضا این نقش را بر سفال
بنویسید و در میان کشت زار با ارگوند بنهد و زیر برد موشان کشت زار را
مکر نزنند و دفع شوند ع و ا ا ل ا لا ا ه ا ح ٧ والعاقبة
مغز پیاز و شتر را با آب مخلوط سازند و در سوراخ موش بریزد هم بمیرند
هم چنین اگر موش زنده را بسوزانند هر موشی که در آن خانه بوده بود از

انبار نهادند و بسوزانند و اگر خاکستر چوب بلوط را در سوراخ موش بریزند
بعضی بعضی را بخورند و هم چنین سر خفاش را در سوراخ موش اندازند
باعث گریختن موشان شود و هم چنین موش از آن خانه گریزان میباشد
و پیاز عنصل کشنده ایشان است در یک ساعت و چون دندان گربه در آتش
دود نماید موشان از آن مقام گریزان شوند و سم [illegible] در زیر آستانه نهاد
موجب گریختن موشان میشود از آن خانه امّا دفع مورچه چیزی بنویسد
و در زیر پای خانه بیاویزد مورچگان فرار نمایند بعد از بسمله ان کنتم
تؤمنون بالله وباليوم الآخر والنبيين وما انزل اليهم واسئلكم
بحق الله وبحق نبينا ونبيكم وما انزل اليهما الا اخرجتم عن مسكننا [illegible]
مورچه بازع ریک بگیرد و سه مرتبه این افسون را بر آن ریک بخواند و
نفس بر آن دمد و در میان موران بریزد چنانکه بریزند عزمت عليكم يا
معشر النمل ان لا تخرجن عن مساكنكن ولا تؤذين احدا من اهل الدار
بحق بسم الله العظيم الاعظم الرفيع الاشرف التى قامت به السموات
والارض اقول حقا حقا اخفين ولا تخرجن عن بيوتكن قد جربت
مرارا یعنی مکرر تجربه نموده ام و مذکور است که کوکرد سرخ و پیاز و سعتر
را بهم الحقه [illegible] دود کنند هم بگریزند مجرب است نوع دیگر بنویسد
و بشوید و در مکان ایشان بریزد و دیگری بنویسد و در سوراخ ایشان پنهان

الخرج ود

پنهان کنند از آن منزل فرار نمایند این است دعا يا ايها النمل اخرجوا من
هذه المكان بهذه الدار واسرعوا بخروج اخرجكم كما اخرج سليمان
ابن داود وجنوده في اليم طريقه دیگر بر ابریشم با موی بخوانند و در سوراخ
ایشان گذارند دیگر بنویسند يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم سليمان
وجنوده وهم لا يشعرون نوع دیگر در کتاب دفع [illegible] آورده که اگر
سوراخ موران را [illegible] بگیرند
اطبا گفته اند که اگر زاج سیاه را بسوزانند و خاکستر آن را در سوراخ موران
ریزند موران بمیرند یا از آنجا فرار نمایند و امّا حد اسرار است که اگر
کسی نفس خود را ضبط نموده و [illegible] بکشد و چیزی را بجایی بگذارد و دعا را
که آنچه را از جای خود حرکت نداده اند مورچگان پیرامون آن نگردند
و در آن داخل نشوند و در میان [illegible] مورچگان [illegible] میکرده اند
و از لسان آلوده بقطران [illegible] نمایند و در جا سنگ [illegible]
نمایند مورچه هرگز عبور بآنجا نمیکند و از تجربه است و داشتن بیاض
عنصل موجب [illegible] و [illegible] و عقرب و قمل و کیک است اما برای
شپش در خواص الآيات از ابن عباس روایت کرده اند که اگر کسی را شپش
آزار کند از سوره کهف آیه قالوا يا ذا القرنين ان ياجوج وماجوج مفسدون
في الارض فهل نجعل لك خرجا على ان تجعل بيننا وبينهم سدا قال ما مكني

بِهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا آتُونِي زُبَرَ
الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ
نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا
اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي
جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ
فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا دائما تلاوت کند و بران
مواظبت نماید تا ازان خلاص شود و اطبا طلا کردن سیماب را در
مستاصل کردن شپش از مجربات شمرده اند و همچنا در روغن زیت را نیز
قاتل است و بیستو صبر مزد و طلای مجرب قاتل قمل است و جوز ماثل
جوب کردن کان را چند روز و روغن زیتون بجیسانند تدهین آن رانیز
قمل و صئبان است که بغایت مهلک کویند و از مجربات است و بیستو
شب همانی با آب قاتل قمل و صئبان است و در همین روغن کردن آن در
این باب بیعدیل است و طلای مولود در روغن کلادت با آب در زرع باعث
عدم تکوین شپش در تمام عمر او کرده فصل چهاردهم در دفع آفات
زرع و بوستان از کرم و ملخ و طیور و عصافیر و چشم بد و بعضی بجهة
دفع شر شش و ملخ و ضبع و کرم و مالر و عصافیر از آفات زرع و باغ این
دعا را بر چهار قطعه کاغذ نویسد یا بر چهار تخته و در چهار جانب کشت

در دفع آفات زرع و بوستان

کشت و باغ دفن نماید و باید رمان کشت با او برد تا آفتها دفع شود انشاء
الله اول بعد از بسمله فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم بالکاف
الکریم بحق النوح من الله و بحق التوریة و الانجیل و الزبور و الفرقان
العظیم و خالق الشمس والقمر الم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین الذین
یؤمنون بالغیب ویقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون وما انفقتم
من شیء فهو یخلفه وهو خیر الرازقین دوم بعد از بسمله خذوه فغلوه
ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان
لا یؤمن بالله العظیم ولا یحض علی طعام المسکین فلیس له الیوم ههنا حمیم
ولا طعام الا من غسلین لا یاکله الا الخاطئون اعنی الجراد و القمل و
الرائش والضفادع والتابع وکل آفة من زرع فلان ابن فلان
سیم بعد از بسمله کهیعص ذکر رحمت ربک عبده زکریا
واذکروا نعمة ربکم وادعوا بعهد الله واتقوا سلطانه وابتغوا فی
الارض منهجا والی السماء مصعدا فانتهوا بنهیه واتقوا الله الذی
خلقکم والجبلة الاولین چهارم بعد از بسمله ربکم ان یجعل الله لکم
ابا آدم آدم آدم بحیل وهو الذی احیاکم ثم یمیتکم ثم یسلطکم ثم
یحییکم وهو الولی الحمید ادفع جمیع آفات الزرع فلان ابن فلان
برحمتک یا ارحم الراحمین پنجم دیگر بر کوزه نو نوشته و مهر

التراس

آب زرع نفس غایدبعد از بسمله الا تعلوا علی وأتونی مسلمین الله یجمع
بیننا والیه المصیر یوم یجمعکم لیوم الجمع ذلک یوم التغابن
ارحلی ایتها الآفة الارضیة الی الاسفل ایتها الدودة والدواب
الارضیة بعزة الله الذی أسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی
المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا الکبری
انه هو السمیع البصیر واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلک
الحرث والنسل والله لا یحب الفساد وان تبتم فتاب الله علیکم
وان عدتم عدنا وجعلنا جهنم للکافرین حصیرا اخرجی ایتها
الآفة عن هذه الزرع ایتها الذباب ایتها الجفنا الحق بحق
لا اله الا هو الحی القیوم وبحق الخالق البارئ المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم
لا یضرکم کیدهم شیئا ادفع یا خالق الاشیاء الساعة الساعة
الساعة بحق محمد وآل محمد وبحق جبرئیل ومیکائیل واسرافیل و
عزرائیل ایضا ملخ وکرم … اگر کشت زار یا باغ در هم شود آن
اشکال را بر چهار پاره سفال آب نرسیده بنویسد و در چهار جانب
زمین باغ دفن کند […] هسی قروس
ه و ه ه و ه معاکب … کرم … 

این آلکو بگوید در … این … شصت و … ز روز از عید نوروز گذشته
بود در روز پنجشنبه بعد از دهم شهر رمضان المبارک نخستا بعد ساعت
نیم از روز گذشته بود … را بنویسد و … که بتجربه رسیده
و آزموده است ایضا جهت دفع آفت از زراعت و باغ عشبک … غوزان
برده و … بنویسد … در میان زرع … نصب کنند و …
که حاصل زرع نمایان باشد و … در بند گاه آب زرع بگذارد که آب از
روی آن زرع رود اینست بسمله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة
ولا نوم له الله الله الله لا اله الا انت العلی العظیم اللهم الله
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام اللهم انی اسألک باسمائک
المکنونات المخزونات الطاهرات المقدسات واسألک بنورک الذی
نور علی نور … نور فوق کل نور … تحت کل نور … نور السموات
والارض ونور العرش العظیم واسألک بنور وجهک الکریم وشدة
سلطانک القدیم وشدة جبروتک لک الحمد لا اله الا انت المنان
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام وادفع کل آفة وبلاء
من هذا الزرع والمقام بحولک وقوتک وقدرتک وجلالک وسلطانک
من اولها الی آخرها وحسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر
طریقه دیگر بنویسد … زرع و … بگذارد اینست دعا بسمله والی الکتاب …

عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من
حكيم حميد انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا
علي واتوني مسلمين اخرجوا ايتها الديدان من امكنتكم فلا
تنزلن فان ابيتم فأذنوا بحرب من الله ورسوله اخرجوا اخرجوا باذن
الله الذي يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحيي الارض
بعد موتها وكذلك تخرجون [charm symbol] نوع دیگر
دعای غنچه و کرم که در درختها بهم میرسد بر تخته بنویسند و در آن
آویزند دفع شود باذن الله تعالى باهيج اهيا شراهيا ۱۱۱۱ ب
۱۱۱۱ ج ۱۱۱۱ د ۱۱۱۱ ه ۱۱۱۱ و ۱۱۱۱ ز ۱۱۱۱ ح ۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ ی
۱۱۱۱ ک ۱۱۱۱ ل ۱۱۱۱ م ۱۱۱۱ ن ۱۱۱۱ س ۱۱۱۱ ع ۱۱۱۱ ف ۱۱
۱۱ ص ۱۱۱۱ ق ۱۱۱۱ ر ۱۱۱۱ ش ۱۱۱۱ ت ۱۱۱۱ ث ۱۱۱۱ خ ۱۱۱۱
ذ ۱۱۱۱ ض ۱۱۱۱ ظ ۱۱۱۱ غ ۱۱ نوع دیگر بجهت دفع آفت زرع از
خوک و موش و همچو زندگان و جمیع جانوران مفسد بنویسند و بر سر چوب
بندند و در گوشه زمین زرع برند بسم الله الرحمن الرحيم هو هو هو بس کی
سس کحسو کمت [illegible] کل کون هن هن هن بهن کسی [illegible]
شپشه و غنچه و سوسه و من محصولات هذه الارض انه من سليمان وانه بسم
الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي واتوني مسلمين ۱۲ بجهت دفع کرم از بستان

غنچه [illegible]

بستان خیار و فواکه دیگر بنویسد بر تخته یا کوزه و در بوستان بیاویزد
دفع شود بسمله ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها ان الله لا يحب
المفسدين فاخرج منها فما يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج منها انك من
الصاغرين فاخرج منها مذءوما مدحورا من قبل ان يأتيكم
العذاب بغتة وانتم لا تشعرون يغفر لمن يشاء ويعذب من
يشاء ان الله على كل شيء قدير امن الرسول بما انزل اليه من
ربه والمؤمنون كل امن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا
نفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا
واليك المصير لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها
ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا
اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا
به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا على القوم
الكافرين نوع دیگر اگر درخت میوه در بوستانی بیم آفت باشد از کرم
[illegible] بر چهار پاره کاغذ بنویسند و در میان چهار پاره نی کنند و در
چهار جانب بوستان یا باغ یا زرعجای دیگر نصب کنند از آفت ایمن
باشد باذن الله تعالى بسمله یا ایها الدیدان والهوام والحیوانات اخرجوا
من هذا الزرع ولا تعودوا الی الخراب کما یخرج ابن متی من بطن الحوت [illegible]

يخرجا ارسل عليكم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران الم تر الى الذين
خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا
اخرج منها فانك رجيم فخرج منها خائفا يترقب سبحان الذي اسرى
بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله
كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها فاخرجناهم من جنات
وعيون وكنوز ومقام كريم ونعمة كانوا فيها فاكهين فما
بكت عليهم السماء والارض وما كانوا منظرين اخرج منها مذموما
مدحورا فلناتينهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم
صاغرون نوع دیگر این آیات را بجهت دفع کرم و غیره بر سه پاره
بنویسید و بر سه سمت زمین فرو برد و سمت قبله را خالی بگذارد دفع
شود واذا تولى سعى في الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث و
النسل والله لا يحب الفساد واذا قيل له اتق الله اخذته العزة با
لاثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد ایضا بجهت دفع طیر و عصافیر
در کتاب ... آورده است که بنویسید و در مکانی که گنجشک
زیان رساند بیاویزد گنجشک آنجا نگریزد و دیگر زیان نرساند
بسم الله یس والقرآن الحکیم ص والقرآن لو انزلنا هذا القرآن على
جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله لئن لم تنتهوا لنرجمنكم

لنرجمنكم وليمسنكم منا عذاب اليم ایضا بجهت دفع آفت تگرگ در کتب معتبره
مذکور است که در روز عرفه ... آفت تگرگ باشد این شکل را
در کوزه آب ندیده گذاشته و در چهار جانب زراعت دفن کند از ... ماند

الملك لله

بسم الله الرحمن الرحيم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله
عقدت بلاء البرد وآفته عن مزرعة فلان ابن فلان من ان يفسدوها
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم انما امره اذا اراد شيئا ان يقول
له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون
الم تر ان الله يزجي سحابا ثم يؤلف بينه ثم يجعله ركاما فترى الودق
يخرج من خلاله وينزل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به
من يشاء ويصرفه عن من يشاء يكاد سنا برقه يذهب بالابصار
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين سلام على نوح في العالمين انا كذلك نجزي
المحسنين بحق نوح نوح اللهم ادفع بلاء البرد عن هذه المزرعة بحق
محمد وآله اجمعين وبحق جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين

ایضا بجهت دفع مور ... در زمین و مزرعه بر چهار
پاره سفال بنویسید و در چهار گوشه مزرعه دفن کند مجرب است

بحق حمعسق ۲ ا معالجه ترس اطفال را ایشان خوانند و بنویسند
و بر ایشان ببندند سورهٔ اذا زلزلت الارض تا آخر سوره و من یتق الله
یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان
الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا و برای اضطراب خفتن اطفال کی
فصل دهم باب اول گذشت ۲ ا معالجه بجهة بیخوابی و گریه کردن اطفال این
تعویذ را نوشته بر ایشان ببندند بسم الله الآن خفف الله عنکم وعلم ان
فیکم ضعفا وخلق الانسان ضعیفا وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب
من حمل ظلما یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم بسم الله ذی العزة و
الکبریاء والنور وصلی الله علی محمد وآله اجمعین نوع دیگر اسامی اصحاب
کهف بجهة نفع بیخوابی و گریستن اطفال بسیار مجرب است مکسلمینا یملیخا
مرطونس بینونس ساریونس کشفیططیونس قطمیر دیان تعوید نوع
دیگر بجهة نفع بسیار گریستن و بخواب رفتن ایشان و نفع بیخوابی ریزان
این تعویذ را نوشته با خود دارند فضربنا علی آذانهم فی الکهف
سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا نوع دیگر
برای طفلی که بسیار گرید و بخواب نرود نوشته بر چوب گهواره او ببندند و یا
در زیر سر او گذارند یا بر او تعلیق نمایند بخواب رود و گریه نکند لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم الله الله الله الله الله الله لسه لسه لسه

لسه لسه لا لا ک مراشرا هیا طریقه دیگر از خواص این اشکال
است که هر گاه کودکان بخواب نروند نوشته در زیر سر او گذارند بخواب
روند باذن الله تعالی ۹۹۹و ۳ ج سه ۸ ورد جهة المنافع آورده
که جهة دفع بیخوابی اطفال و بیماران بنج کاکنج یعنی عروسک پس پرده تا
در پیمان بنج نسبته در گوش او ببندند بخواب روند و در فصل دوازدهم
از باب اول بجهة دفع بیخوابی قدری از این مقوله گذشت گل خوردن اگر کودکی
گل خوردن عادت کرده باشد این را بر قطعه نان نوشته بوی خورانند
ترک گل خوردن کند و مجرب رسیده ولا تقربا هذه الشجرة فتکونا من
الظالمین لا تاکل الطین یحیی کن ولا تاکل التراب یا آلم ذلک الکتاب
تعبدها کهیعص و یحیی کهیعص بالف لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم ایضا از سوره سبا این آیه را نوشته بر طفلی ببندد
که خاک میخورد ترک میکند ویقذفون بالغیب من مکان بعید وحیل
بینهم وبین ما یشتهون کما فعل باشیاعهم من قبل انهم کانوا فی شک
مریب وارد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که سورهٔ
بروج را بنویسد و بر کودکی ببندد که او را از شیر باز گرفته باشند
باز ایستادن او را آسان کرده نوع دیگر اگر طفلی از شیر بریدن
رنجور شده باشد و بسیار گرید بر تخم مرغ مسلوخ نوشته باو خورانند

از آن خیال بد برود فتح شخت باید با سانی ترک شیر خوردن نماید و
تاكلون التراث اكلا لما وتحبون المال حبا جما ام ابرموا امرا
فانا مبرمون ودنا اگر طفلی در راه افعال این آیات را بر ظرف سفال
نویسد و بشوید و بسیار بعالد و بقدری را بر وجود باند و یکی بکر توشته
را بسند بر آن ابتدا ارکض برجلك هذا مغتسل بارد وشراب والله
خلق كل دابة من ماء فمنهم من يمشي على بطنه ومنهم من يمشي على رجلين
ومنهم من يمشي على اربع يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شيء
قدير و برای دیر سخن آمدن طفل در فصل دفع لکنت زبان و حصول
فصاحت مذکور شد جهت بندی برای جلم لبستن مولود و مادر او [illegible]
سفید و سیاه هفت تار بر هم تابیده بر هر یکی هفت بار این کلمات
را بخواند و هر نوبه گرهی بر آن زند و دو رشته چنین تمام کند
یکی را بمولود و دیگری را بمادر مولود ببندد بعد از بسمله اللهم احمله
حلّه وسلاه وصلاه وصلاه وكلاه ولساه وعن الجن والشياطين
بخاتم سليمان بن داود لسم جلد فلان بنت فلانه را بسته باد بحق محمد و
آله الامجاد نوع دیگر در نسخه دیگر بنظر رسیده که بر رشته [illegible]
این آیات او کلمات را بخواند و هفت گره بر آن زده ببندد بدیشان تعلیق
نماید تا [illegible] بعد از آن آب [illegible] بعد از بسمله آیة الکرسی تا العظیم

العظيم وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان كنتم جنبا فاطهروا
وان كنتم مرضى او على سفر او جاء احد منكم من الغائط بسم جلد فلان یا
فلانه ابن فلان یا فلانه بنت فلانه را بسته باد بحق محمد و آله الامجاد
وبحق بسم الله الرحمن الرحيم وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى وليبلي
المؤمنين منه بلاء حسنا ان الله سميع عليم ایضا در حاشیه اصل
نسخه اصل رقم بود از برای دفع کل خوردن طفل بر نجم مربع سیاه
نوشته بعد از آن نجم را بخته بخورد طفل دهند قل رب اعوذ بك
من همزات الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون و اگر جاهد
گوش و بینی طفل را سوراخ کند و ترسد که مجروح شود و درد کند این
عزیمه را بر شقه یا سوزن خواهند سوراخ کند از مجروح شدن و
درد کردن ایمن ماند اللهم انی عزمت علی الحدید وعلی الساعة
الشديد بحق عليم العلماء وبحق سكان الارض والسماء وبحق عيسى
ابن مريم ان لا اوجع لحما ولا اخرج مني دما ادخل سالما واخرج سالما
و در عین الناس نو آورده که هفت بار آیة الکرسی را بخوانند و گوش و بینی اطفال
سوراخ کنند و درد آن زائل گردد و تجربه ایمن ماند ایضا آورده که این
افسون را بخوانند و سوزن را بلعاب دهن خود تر میگردانید و بعد از آن
بآن سوزن گوش خود یا دیگری را سوراخ میکنی درد او و بخت خون نباشد

اربن ها از تیر بتک سوتا ایضا هفتبار بر سوزن بخواند و هر جا
که خواهد سوراخ کند خون بیرون نیاید و بجست نکند و در وقت
سوراخ کردن نیز بخواند کهیعص و حمعسق کاستی واز تاثیرات
جماع موافق احادیث در شب جمعه بعد از خفتن فرزند از جمله
اکابر و اعاظم شود و روز جمعه بعد از عصر فرزند از جمله مشاهیر
علما شود و شب دوشنبه فرزند حافظ قرآن شود و راضی بقسمت خود
باشد و شب سه شنبه مومن و رحیم دل شود و زبانش از غیبت و بهتان
پاک باشد و شب پنجشنبه فرزند از جمله علما و اکابر دین شود و روز
پنجشنبه وقت ظهر فرزند کار ساز مردم باشد و در دین و دنیا ایمن
بسلامت باشد و شیطان نزدیک او نرود تا پیر شود البته
واهانت کردن ایشومها فایده دارد **فصل دویم** در دفع حبس
حیض و نزع و آن در خواص آیات قرآنی مذکور است که چون زنی
را احتباس طمث شده و اذان در گوش باشد آیه فاذا نفخ فی الصور
نفخة واحدة تا یومئذ واهیة از سوره الحاقة را بر صحیفه از سرب
روز سه شنبه که قمر در عقرب باشد نقش کند بنام آن زن و مادر او
پس آنرا در آب روان اندازد خون روان شود و باز نایستد مادام که آب
متوجه باشد لوح در آب بود **نوع** دیگر در همان کتاب مسطور است که چون

چون خواهد که راه حیض گشاده شود یا کسی را ارعاف پیدا شود و خون
از کج بند نشود [illegible] نقش کند و این
آیه را که مما خطیئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا فلم یجدوا لهم من دون
الله انصارا بر شکم آن صورت نقش کند و در کوزه نوی نهد و در جایی
که آب رود در بالای آن دفن نماید خون روان شود و باز نایستد مادام
که آن کوزه در آن موضع باشد **نوع** دیگر بنویسد بمشک و زعفران
و بشوید و بیاشامد بسمله بسم الله المبارک العظیم تا آخر در فصل دویم
مقدمه کتاب گذشت والطباخه ادرار و نمودن حیض مجرب داشته
اند که فرفیون [illegible] و بعد پنبه آلوده استعمال نمایند و هم
جنین جمه کشوده شدن حیض بسته شده واخراج جنین زنده و مرده
بغایت موثر و مجرب داشته اند که عصاره قثاء الحمار را [illegible] اطبا
زهره گاو مخلوط کرده بالته کبود بر آرند کشوده شود و بتجربه رسیده
که هر گاه از عنب الثعلب و آرد [illegible] حلوای که
از پوست [illegible] آن [illegible] حیض بسته او گشاده شود و هم چنین
حلوای که از پوست نارنج و روغن گوسفند سازند و همچنین عصاره
[illegible] را آشامیدن و تریاق فاروق را بعمل نمایند کشوده شود و کشودن
راه [illegible] اثر عظیم دارد **اما** معالجه [illegible] در کتاب مکنون

قثاء الحمار [illegible]

آورده که این حروفات بهمه را بر بازوی زنی که همیشه حیض از او آید
بنویسند بشرط آنکه جامه پاکیزه باشد حیض از او منقطع میشود باذن
الله احد پس سطح کلم هولاء ایضا از برای مذکور در کتاب مسطور
این اشکال مذکور است حوطا یحوطا حوطا لوطا لوطا لوطا عقرضا
سلك الله اقطع الدم بحق ادم محطا ربس بعیطلق دیگر این
آیات بر بازوی زنی که خونش بسیار آید بنویسند منقطع شود ان الذی
فرض علیك القرآن لرادك الی معاد بعد از آن چهار قل و کلمات
بنا مستقر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم در فصل دفع
رعاف نقد قده ادعیه مناسب این مقام مذکور شد و اینجا گفته
اند که تخم مرغ نیم برشته را با نیم مثقال [illegible] که در زکران [illegible]
و آلات با آن استحکام نهند در قطع سیلان حیض [illegible] مجرب
و موثر است ایضا زیره بوداده و زیره بوداده را بالسویه با آب برنج
مطبوخ [illegible] مجرب است فرزجه که در قطع
خون حیض عدیل ندارد [illegible] نیم مثقال [illegible] البنج [illegible]
هر یك دانگی والله اعلم فصل ششم در دفع عقم زنان و دواهای
حامله شدن ایشان و دفع سقوط جنین و ضد آن اگر زنی را فرزند نشود
این آیات را بر کاغذ بنویسند یکی را بر بازو بندد و دیگری را بشویند زن و شوهر

نیم بخته تخم مرغ [illegible]

دفع عقم زنان و دواهای حامله شدن ایشان

شوهر
هر دو بخورند بعد جمع شوند فرزند بهم رسد اگرچه عقیم باشد بسم
یا یحیی خذ الکتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیا ایضا این عزیمه را
بمشك و زعفران بر کاغذی بنویسند و بشویند و بخورد زن دهند
و شوهرش با او جمع شود بکرم خدای تعالی حامله شود این عزیمه
ایضا اگر زنی را فرزند نشود بنویسند [illegible]
سنگ دهد حامله شود باذن الله هو هو هو هو
هو هو هو هو هو الله الله الله الله الله
الله الله الله الله حی حی حی حی حی حی حی
حی قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم و صلی
الله علی محمد و آله اجمعین ودود نسخه دیگر این دعا را بر بازوی
راست زن [illegible] باشد باذن الله حامله شود و از مجربات است یا الله یا الله
یا الله یا رب یا رب یا رب یا حی یا حی یا حی یا قیوم یا ذا الجلال
و الاکرام اسئلك باسمك العظیم الاعظم ان ترزقنی ولدا طیبا برحمتك
یا ارحم الراحمین [illegible] ودود خواص آیات قرآنی
آورده که هر که این آیه را از سوره [illegible] بر هفت برگ ریحان بنویسد و
زنی که حمل نگیرد بدین برگها آنرا بلع نماید و در عقب هر برگی یک جرعه
شیر گاو سرخ موی بیاشامد هفت روز بدین دستور عمل نماید حامله شود لقد

مؤمنون [illegible]

خلقنا الانسان من سلالة من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار
مکین ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا
المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر فتبارک
الله احسن الخالقین **ودر** خواص التوحید مذکور است که چون
سورهٔ بینه را بنویسی و بشویی و آنرا حامله بنوشد حمل از سقوط
و آفات دیگر سالم ماند و چون این آیات از سورهٔ انبیاء بر پوست
آهو بنویسی و بر حامله بندی انشاء الله حملش تا حصول وزن با او باشد
و بعد از آن بگشاید و بدانکه تمام هو که وقت زائیدن است با خود دارد فرزند
از آفات سالم ماند و ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر وانت ارحم
الراحمین فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر و آتیناه اهله و مثلهم
معهم رحمة من عندنا و ذکری للعابدین **نوع** دیگر برای دفع عقم
زنان [illegible] را در [illegible] با [illegible] و آن آب [illegible] و این آیات
بر ظرف [illegible] نویسد [illegible] بشوید [illegible] انشاء الله در [illegible] که اراده
مقاربت نماید کند ابتدا سورهٔ فاتحة الکتاب تا آخر و صلوات بر پیغمبر
و آل او [illegible] قال انما
انا رسول ربک لاهب لک غلاما زکیا قال کذلک قال ربک هو علی
هین و لنجعله آیة للناس و رحمة منا و کان امرا مقضیا فحملته

بعون الله تعالی انحلت بلطف الله تعالی انحلت بحول الله ولا قوة الا
بالله انحلت فانتبذت به مکانا قصیا انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له
کن فیکون سبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون سبحان
ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
**نوع** دیگر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت که بعضی
از اصحاب خود که از او درخواست فرزند کردند فرمود که هفتاد مرتبه این
دعا را بخوانند رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین واجعل لی من
لدنک ولیا یرثنی فی حیوتی واستغفر لی بعد وفاتی واجعله خلقا
سویا ولا تجعل للشیطان فیه نصیبا اللهم انی استغفرک واتوب
الیک انک انت التواب الرحیم **ایضا** اگر زنی را فرزند نشود بر بازوی
راست وی ببندد که مجرب است [illegible] ط

بیتی [illegible] برهی

| مهیج | مهیج |
|---|---|
| مهیج | مهیج |

**واز** خواص آیات است که

| مهیج | مهیج |
|---|---|
| مهیج | مهیج |

هرگاه زنی بار نگیرد چون از حیض پاک شود
غسل کرده باشد این آیه را بنویسد و بشوید و وقت خواب زن آن
را بیاشامد و شوهر با او مقاربت نماید بار گیرد انشاء الله فلما تغشیها
حملت حملا خفیفا فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صالحا

مادیس بطریس ملوماس حوداه ودیاورشاه سدماه بجماه سلوس

ایضاً اشکال

حلق ۵۵۵۵۵ [illegible] وه مرب

همین تاثیر بخشد و شکل با هو اه اه اه اه اا ذو فی اصبات

اصبا و فوت ایل شدای یا الله یا الله یا الله یا حی یا قیوم

کهیعص حمعسق ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نوع

دیگر اگر زنی را فرزند نشود و اگر شود نا رسیده ساقط کرده بگیرد

بقدر یک ابریشم ازرق سه تا با وجه کره بر آن بندد و هر کره بندد

در هر کره بخواند واصبر وما صبرک الا بالله ولا تحزن علیهم ولا تک

فی ضیق مما یمکرون ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون

نوع دیگر این دعا را با خود دارد تا جنین از سقوط ایمن ماند

لبطه هیطس معلوس اذ بف اهیا اما یا حی یا قیوم ااا کهیعص — بیطرة ل

حمعسق فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم ولا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم ۹۹ ۳۹ ۲۱۹ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ایضاً اگر فرزند خطا کند

این نوشته را در موم گرفته در آب اندازند و از آن آب غسل کند

بعد از آن دعا را با خود دارد بعد از لبطه هو هو هو ال شدای اهیا

شراهیا یا هو [illegible] سمائیه میکائیل و اسرافیل و جبرئیل

مویس صاحب در النظیم آورده که هر که این آیه اذ قالت امرأة عمران رب — مریم ل

رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم

فلما وضعتها قالت رب انی وضعتها انثی والله اعلم بما وضعت ولیس

الذکر کالانثی وانی سمیتها مریم وانی اعیذها بک وذریتها من

الشیطان الرجیم فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وکفلها

زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک

هذا قالت هو من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب از سوره آل

عمران بر پوست آهو بره با گلاب و زعفران بنویسد و بر کمر حامله بندد

تا زمان ولادت از جمیع آفات و بلاها و امراض کرها محفوظ باشد و از

سقوط جنین ایمن ماند ایضاً چون حمل [illegible] اشکال را که در شبیه

با عقرب با خود دارد از سقوط حمل ایمن باشد و در مجمع النافع آورده که

کرده را در طالع عقرب یا قمر در عقرب بگیرد بنویسد ماه ماه ماه ماه

ماه ماه ماه اهیا اهیا اهیا اهیا اهیا اهیا صا صا

صا صا صا طا طا طا طا طا طا سا سا سا سا سا — طا طا ۲ بار ل

سا کا کا کا کا کا ما ما ما ما ما فا فا فا فا فا لا — حا ۲ بار ل

لا لا لا لا ی ی ی ی ی وا و [illegible] الحلال والقیم وکاله — ۲ بار ل

وکاله طه طه طه طه طه طه قو قو قو سبحان — [illegible]

سبحانه [illegible] الی حین [illegible] الذی [illegible] سبحان — [illegible] ل الحال ل

اصابت سلمی سلمی فلانه بنت فلان آمین یا رب العالمین تذییل

از شیخ الرئیس ابو علی سینا نقل شده که از کلام مجرب حکمای یونانست
که هر گاه خواهند معلوم نمایند که علت عقم و توالد از زن و یا مرد میباشد باید که از
چند دانه تخم کدو یا جو را در دو مکان در زمین غرس نمایند و زن بر
یکی و مرد بر یکی بول نماید هر کدام که سبز نشود علت از آن طرف باشد
و هم چنین گرچه باکره و [illegible] هر کدام علی حده بول کنند از هر یک
که زرد شود علت از آن طرف میباشد و ایضا از زهراوی در خواص
آورده که اگر بندق و مجوف را زن با خود دارد در پوست ماده که آن با
او باشد حامله نگردد و هم چنین حکما بلع کردن هفت عدد دانه کاکنج را
بعد از پاکی از حیض جهت منع حیض و حمل مجرب دانسته اند ایضا
اگر خواهند که بتجربه دریابند که زن حامله است یا نه عسل آتش ندیده
با آب بجوشانند اگر بپیچد شکمها دش شود دلیل آبستنی است و الا
فلا و هم چنین از سیر و ترجیه [illegible] اگر طعم و بوی آن از دهن آید
آبستن نباشد و الا آبستن باشد ایضا اگر خواهد که بداند که
زن حامله بپسر آبستن است یا بدختر شیر او را در کف دست گذارد و
شیر بدان [illegible] اگر شیر [illegible] آن شیر حرکت نماید آبستن بپسر
باشد و اگر حرکت نکند آبستن بدختر باشد و هم چنین گفته اند و بتجربه

سلمی سلمی

کاکنج دانه

از زنی هم

رسیده است که اگر زن بپسر آبستن باشد و [illegible] خون نفاس او
بیشتر باشد و اشتهای او صحیح تر باشد و بر طرف راست خود ثقلی احساس
نماید و پستان راستش بزرگتر باشد و اگر چنین نباشد بدختر حامله است
والله العالم در باب آبستن نشدن زنان چند چیز است و چند علت
[illegible] که [illegible] ماند که آبستن نمیشوند
سلیمان علیه السلام از حکیمان جن پرسید که چند علت است که زن آبستن
نمیشود گفت یا سلیمان هفت علت است و آن هفت کدام است گفت زنی را
که در رحم او گوشت زیاده باشد یا ریح بود و زنی که رحم او نگونسار است
و زنی که در رحم او سردی باشد و زنی که در رحم او باد باشد و زنی
که در رحم او آب سوخته باشد در باب علامت علتهای مزبوره در رحم
زیاد علامت آنکه در وقت جماع فرج زن درد کند پیه در رحم علامت
آنکه سر زن درد کند در نگونساری رحم علامت آنکه ناف زن درد کند
باد در رحم علامت آنکه سینه زن درد کند زرداب سوخته در رحم علامت
آنکه سرین زن درد کند سردی در رحم علامت آنکه کمر زن درد کند
و اما در معالجه علتهای مزبور هر زنی که در رحم او آب سوخته باشد
زهره خرگوش با زهره خروس باید با قدری [illegible] آلوده [illegible] پاک شدن
حیض زن بخود بر دارد تا سه روز بعد با شوهر مجامعت نماید و زنی که در رحم

انگشت زنان دو بار باشد زهره بز با قدری پشم تر کرده تا سه روز
بخود بر دارد بعد با شوهر مجامعت نماید و زنی که در رحم او باد
باشد قدری موم زرد بگوید با روغن کهنه و روغن سداب بیامیزد
و بخود بر دارد تا سه روز بعد با شوهر مجامعت نماید و زنی که در
رحم او زرداب باشد زهره روباه و خایه مرغ و روغن زیت بیامیزد
و پارهٔ پنبه تر کرده تا سه روز بخود بر دارد بعد با شوهر مجامعت
نماید و زنی که در رحم او پیه زیادتی باشد زهره کاو کرک با پیه
مار با روغن سداب با آب بیامیزد و موم بر نشانه کرده آلوده سازد
و تا سه روز بخود بر دارد و بعد با شوهر مجامعت نماید و هر زنی که سرخی
در رحم او باشد روغن سداب و آب با هم بیامیزد با قدری پشم بعد از
پاک شدن از حیض زنانه بخود بر دارد و بعد از آن با شوهر خود مجامعت
نماید باکره شود باذن الله تبارک و تعالی و هر زنی که رحم او نکونسار باشد
زهره ماده کاو با آب بیامیزد و سه روز بخود بر دارد و بعد مجامعت نماید
ایضا حکیم جز گفت زنان را چند علت ناگزیر است که بعلاج بچه در خانه
باشد یا بنکس حضرت سلیمان خود علاج آنها را نیکو گفت زنی که در خانه
اول گوشت گرفته باشد در وقت مجامعت شهوت اندک کند انکه در
خانه او باد باشد وقت مجامعت بیهوش چنین شود انکه در رحم او زرداب
زرداب در مجامعت شهوت تباه شود انکه در میان جادو کرده باشند
در مجامعت بر زنان درد کند معالجه گوشت گرفتن چنانکه زهره کرک
و زهره خرگوش با روغن زیتون بیامیزد با پشم شتر یا گوسفند تا سه روز
آلوده بخود بر دارد انکه در خانه او باد باشد نکبد عنبر با قند زرد با زرد
کرده و آب شراب و زعفران پشم گذاشته بعد از پاکی از حیض چهار روز
بخود بر دارد دفع شود انکه در خانه او زرداب باشد زهره روباه با عنبر
کرده و مشک و زعفران در میانه پشم ناشسته گذارد و بخود بر دارد
و بعد با شوهر مجامعت نماید و هر زنی که فرزند مرده زایان کند زهره کنجشک
و روغن زیت با هم بیامیزد بعد از پاک شدن از حیض بخود بر دارد تا چهار روز
فرزند سلامت بدنیا باز آید و هر زنی که در میان او لجادو کرده باشند
زهره خرگوش با پشم ناشسته چهار روز بخود بر دارد و مجامعت نماید
باکره شود باذن الله تعالی ایضا بجهت فرزند و هر مطلب مشکل که داشته باشد
اول دو رکعت نماز حاجت بر دو ویث بگذارند و در قنوت سه بار این دعا
را بخوانند چون سلام دهند سجده شکر بجا آورند و در سجده سه بار
این دعا را بخوانند ان شاء الله فرزند نرینه با وکرامت شود و چون شب
بگذرد روز دیگر بر پهلوی چپ بنویسد تا چهل روز هر گاه از مشکل
پهلوی دیگر طرف شود باز بنویسد و دعا اینست بسم الله اللهم ارزقنا ولدا

شسته

ذکوراً صالحاً یا خالق الازواج یا ارحم الراحمین و شکلی که بر پهلوی

چپ زن نویسند اینست مـحـمد مـحـمد مـحـمد فصل چهارم در دفع

انانیث حمل بر شکم زن، حامله نویسند پیش از

آنکه حمل او بچهار ماه رسد حمل او پسر گردد انشاء الله یا زکریا

انا نبشرك بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیا اجعل اللهم

ذکراً ان کانت انثی یا زکریا انا نبشرك تا سمیا اللهم یا وهاب یا

فتاح یا خلاق یا من وهب لآدم شیث و لابرهیم اسحق و لداود

سلیمان و لزکریا یحیی و لمریم عیسی اللهم ارزقنی ولداً صالحاً آمین

محمد صلی الله علیه نوع دیگر روایتست که شخصی بخدمت امام جعفر صادق

علیه السلام از بسیاری دختران شکایت کرد حضرت فرمود که چون اراده

مواقعه کنی بگذار دست راست خود را بر جانب راست زن و سوره مدثر

هفت بار بخوان چون حمل ظاهر گردد پس بر گرد و دست راست بر جانب

ناف زن بگذار و باز هفت بار سوره قدر را بخوان پسر آرد چنین کرد

حق تعالی از عقب یکدیگر هفت پسر باو کرامت کرد و جمع کثیری باین عمل

کردند و پسر با ایشان کرامت شد نوع دیگر روی قبله جانب قبله کند و

آیة الکرسی بخواند و دست بر پهلوی چپ حامله بگوید اللهم انی

سمیته محمداً فتبهاه انت محمداً البته حمل او پسر گردد و در بعضی نسخ

نوع چنین است که اینرا بر شکم زن بنویسد و عجب دارد پسری باو کرامت

شود اللهم انی سمیت ما فی بطنها باسم نبیك محمد صلی الله علیه

وآله فتبها انت محمداً نوع دیگر منقول است از امام جعفر صادق علیه

السلام پیش از آنکه حمل چهار ماهه شود دست بر پهلوی چپ زن بنهد و بگوید

دعای سابق را و شرح آن اینست نوع دیگر چون زن حامله شود

پیش از آنکه بچهار ماه رسد این دعا را بر شکم او بنویسد و در محل نوشتن

بخواطر بگذراند که البته پسر است و اسم او را محمد کند دعا اینست اللهم

انی سمیت ما فی بطنها باسم نبیك علیه السلام اینرا دعا با آب زرد حل

کرده بنیا شامد نوع دیگر در خاطر بگذراند و عزم جزم نماید که

او را محمد یا علی نام کند نوع دیگر بتجربه رسیده که بر پهلوی راست

و ناف و چپ زن حامله پیش از آنکه حمل چهار ماهه شود این

شکل را کشیده بر جای این شکل بنویسد اینست شکل مذکور بر پهلو

راست محـمد بر پهلوی چپ او محمد محمد محمد

اللهم انی سمیت ما فی بطنها محمداً فسمه انت محمداً بر پهلوی چپ

این دعا را بنویسد و لو ان قرآناً سیرت به الجبال او قطعت به الارض

او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعاً ایضاً کفته اند که هر زنی که این

اشکال را با خود دارد پسران راست بند حامله گردد و اکثر پسر خواهد

٩ ٢ ١١١١ ٣ ١١١١ ٩ لح ١عم اع اه ٨ م م م م ع

نوع دیگر بران زن بخواند و بر کوزه پر آب بخواند و از آن آب بزن
دهد تا بخورد و قدری در میان پستانها و شانهای او بریزند
یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصها بحولك و
قوتك وحسبی الله وکفی فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
بسم الله الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب
العرش العظیم والحمد لله الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات
السبع ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین کانهم یوم
یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا
الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلك الا القوم الفاسقون
ایضا اینشکل را بنویسد و بر پشت زن ببندند فی الحال بزاید
هذا الیسلوك واللسلوك لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ایضا اینشکل را بنویسد و با آب محو نموده بزن بیاشامد خلاص
شود لبلم اذا او بی امه نخلها ... ملح ما هو منه
الماء کل ما ایرساده منهم کلوا واسم ابو بس دوق لعلو الارض
باسم فلانه بنت فلانه العجل الساعة الساعة الساعة الان الان
نوع دیگر صاحب النظیم آورده که چون وضع حمل بر زنی دشوار

هذه د ... مس ۲ د

دشوار باشد بنویسد این آیه را از سوره انبیا که اولم یر الذین کفروا ان
السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء
حی افلا یؤمنون و از عقب آن بنویسد که مریم ولدت عیسی یخرج الله
تعبد عن ... اللهم کما فتقت الارض بالنبات والسماء بالمطر کذلك
یسر لفلانه بنت فلانه لوضع الحمل فلینظر الانسان الی طعامه انا صببنا
الماء صبا ثم شققنا الارض شقا و نوشته را بر ران چپ زن ببندد تا
بزودی آسانی بزاید بجلی از ثقات میگوید که بعضی از فضلا امر کردند
که برای عسر ولادت آیه اولم یر الذین کفروا را که در پیش گذشته در محل
وضع حمل بکر باید بخواند و بر شکم آن زن بدمد و بر ناف آن زن نقش کنند تا
بخوانند در پیشانی ... مجرب است نوع دیگر مجرب است که
سوره انا انزلناه را قدری یا قدری از تربت امام حسین علیه السلم
بنویسد و محو نماید و قدری از آن آب بزن بیاشامد و قدری بر
سر و روی و میان شانه او بزند فرج او پیدا شد اگر بعد از بچه خلاص
شود بعضا والاسوره قدری را ربه دیگر تمام بنویسد بیهاد بشوید بعد
او برید خلاص شود و اطبا تجربه یافته اند که حمل را دو حرف ... نگاه داشته
بر ران زن بسته اند وضع عسر ولادت او شود و همچنین خوردن بکتل ...
آشیان خطاف اگر سوزانیده باشند بغایت مفید دانسته اند و همچنین خوردن

معصود مدتوقف اولا با قدری بادروج جهة اخراج جنین مرده سریع
الاثر گفته اند و بجهة اخراج جنین میت و زنده در تنقیح احتباس حیض
دوائی مذکور شد و همچنین طلا کردن چشمهای خطاف بالبار بغش
نیفو بر ناف زنان برای آسانی وضع حمل مجرب و مفید دانسته اند
و تعلیق سنگ چخماق را که ملتهب نباشد بر ران زنان برای وضع
عسر ولادت بغایت مؤثر و مجرب دانسته اند و لیکن ضرع حماری که آن را
ضرب الفرکویند بر بوی او بیعد بدل است **خاتمه** در بیان بعضی
از تجارب حکما که در معرفت احوال مریض از صحت و عافیت و علت و
حتی نجات و ایمن از خطر و در این چند فصل است **فصل اول**
در معرفت احوال مریض در ایام اسبوع بدین طریق منظور رسیده **اول**
آنکه نام بیمار و مادرش را بحساب جمل کرده سه سه طرح نمایند
نظر کنند که چند مانده و چه روز بیمار شده پس اگر روز شنبه
بیمار شده یکی بماند بمیرد و اگر دو بماند بیماریش دراز کشد و سه
بماند به شود و اگر یکشنبه بیمار شده یکی بماند زود به شود و دو بماند
دراز کشد سه بماند بمیرد و اگر دوشنبه بیمار شده یکی بماند بمیرد
دو بماند بهتر شود سه بماند دراز کشد و اگر سه شنبه بیمار شده یکی
بماند بمیرد دو بماند بهتر شود سه بماند دراز کشد و اگر در چهار شنبه

چهارشنبه بیمار شده یکی بماند به شود دو بماند دراز کشد و صحت یابد
سه بماند بمیرد و اگر پنجشنبه بیمار شده یکی بماند دراز کشد دو بماند
بمیرد سه بماند به شود و اگر جمعه بیمار شده یکی بماند بمیرد دو بماند بیماریش
دراز کشد سه بماند به شود **طریقه** دوم آنست که گفته اند اگر کسی در
روز شنبه بیمار شود اگر دو روز بکشد صحت یابد و مخاطره بود و
روز یکشنبه اگر بیمار شده تا نه روز بکشد چون از این بگذرد تا نوزده
روز بکشد و روز دوشنبه تا هشت روز بکشد چون از این بگذرد
شفا یابد و روز سه شنبه تا هفت روز بکشد و در روز چهارشنبه تا
دوازده روز بکشد و روز پنجشنبه تا چهارده روز بکشد و روز جمعه تا
سیزده روز بکشد و هرگاه شب بیمار شود پس اگر در شب شنبه بیماری
عارض شود اول شب سهم بود میان شب و صحت یابد و آخر شب مخاطره
بود و در شب یکشنبه اول شب صحت یابد میان شب تا پنج روز بکشد و
آخر شب تا پانزده روز بیماریش امتداد داشته باشد شب دوشنبه
اول شب مخاطره بود و وسط شب تا پانزده روز بکشد آخر شب هم پانزده
روز بکشد شب سه شنبه اول شب سهم بود میان شب تا بیست روز بکشد
آخر شب تا نه روز بکشد و شب چهارشنبه اول شب تا چهارده روز
بکشد میان شب تا نوزده روز آخر شب مخاطره بود شب پنجشنبه اول شب روز

بیست و نه ل

شفا یابد میان شب تا بیست روز بکشد آخر شب تا شش روز بکشد شب جمعه
اول شب زود شفا یابد میان شب تا هیجده روز بکشد و در آخر شب تا نه
روز بکشد نوع دیگر در کتاب بحر المنافع آورده که اگر بیماری در روز
شنبه عارض شود تا هفت روز بکشد و در خطر بود و اگر در یکشنبه
باشد چشم زخم رسیده بصدقه دفع شود و اگر دوشنبه بیمار شود
درد اندام کلانه او بود و علت او از باد بود ولیکن زود صحت یابد
و اگر سه شنبه باشد درد پشت و شکم لازمه او بود و اگر روز چهارشنبه
باشد از غلبه خون است تا دوازده روز بکشد در مخاطره بود و اگر
پنجشنبه باشد اگر مرد بود درد اندام کلانه او بود تا سیزده روز
در خطر باشد و اگر جمعه باشد خوف و خطر و رنجوری مدار بود
والعلم عند الله فصل دویم در معرفت احوال مریض از ایام
شهور و در این باب در نسخه معتبر رسیده یکی از آنها از سلمان فارسی
رضی الله عنه نقل شده که در کمال صحت و اعتبار و در وقوع الواقعه
و غیر مذکور است اگر عمل بطلب آنها هفهای قدیم کرده شود اولی
و لازم است که احوال بیمار هرگاه از ایام شهور ابتدای بیماری
او اتفاق افتد دانسته میشود که چگونه خواهد بود و چون در هر
روزی چندین احکام را ذکر نموده و غرض در این نسخه همین معرفت

احوال مریض بود اتفاقا همین احوال مریض را از آن تحت نموده و بطریق
جدول وضع و آن را ثبت نموده و چون احکام بعضی از ایام در نسخه
مذکور مسطور نبود لهذا بعضی از بیوتات خالی مانده تا واضح باشد

| جدول ایام الشهور العربیة فی احکام المریض | |
|---|---|
| ا | هر که بیمار شود زود شفا یابد |
| ب | هر که اول روز بیمار شود بیماریش سبک باشد بخلاف آخر روز |
| ج | هر که در این روز بیمار شود [illegible] شفا یابد والسلم |
| د | هر که در این روز بیمار شود زود شفا یابد والسلم |
| ه | |
| و | |
| ز | |
| ح | هر که در این روز بیمار شود تعب و رنج بسیار کشد |
| ط | هر که در این روز بیمار شود بیماریش سنگین باشد |
| ی | هر که در این روز بیمار شود مر او را اگر بسیار معصیت نماید بر ولیکن شفا یابد |
| یا | هر که در این روز بیمار شود امید هست که زود شفا یابد |
| یب | هر که در این روز بیمار شود امید شفا هست والسلم |
| یج | هر که در این روز بیمار شود در تعب افتد والعلم عند الله |

| بقیه احکام ایام الشهور فی احوال المریض فی الجدول | |
| --- | --- |
| ید | هرکه درین روز بیمار شود صحت یابد ان شاء الله تعالی |
| یه | هرکه درین روز بیمار شود صحت یابد بعون الله تعالی |
| یو | هرکه بیمار شود زودی شفا یابد والله اعلم |
| یز | |
| یح | هرکه درین روز بیمار شود شفا یابد والله اعلم |
| یط | هرکه درین روز بیمار شود بصعب گذرد وهو اعلم |
| ک | هرکه درین روز بیمار شود بصعب گذران نماید ۞ |
| کا | |
| کب | هرکه درین روز بیمار شود بزودی شفا یابد ۞ |
| کج | |
| کد | هرکه درین روز بیمار شود بیماریش بطول انجامد ۞ |
| که | هرکه درین روز بیمار شود بیماریش سید باشد ۞ |
| کو | هرکه درین روز بیمار شود بیمار بحال بد باشد |
| کز | |
| کح | |
| کط | هرکه درین روز بیمار شود صحت یابد ان شاء الله تعالی |
| ل | طوفیق |

طریقه دیگر بتجربه حکما است که گفته اند چون کسی بیمار شود آن
روز که آغاز بیماری ویست احوال او را بآن استدلال توان کرد از دایره
که تاهی و بهمنی و آسانی و بعضی سلامتی و از احکام آن دایره آن روز وضع
کرده اند تا کیفیت احوال روز مرض از صحت و خطر و غیر آن معلوم و واضح
گردد و دایره مذکوره اینست والله اعلم بالصواب والیه المآب

فصل ششم در معرفت حیات و ممات مریض حکما بتجربه یافته اند که
هرگاه شخصی بیمار شود و خواهند که بر ایشان معلوم گردد که از آن بیماری

بیرهمه‌دیانه نام بیمار بحساب جمل کبیر بگیرد و آنچه از ماه گذشته است
که بیماری او آغاز شده آن را نیز حساب نموده و بیست عدد هم بر اینها بیفزاید
و بعد از آن سی سی طرح نماید آنچه اضافه بماند در این دو جدول که در
مقابل یکدیگر کشیده شده یکی را لوح حیات و دیگری را لوح ممات نام کرده‌اند
نظر کند و ببیند که آن عدد در کدام لوح از این دو جدول می‌باشد
اگر در لوح حیات است امید بهتری می‌باشد و اگر در لوح ممات می‌باشد درد
خطر بود و لازم بوده است والله اعلم بحقایق الامور والسلم

| لوح حیات | | لوح ممات | |
|---|---|---|---|
| ١ | ٤ | ٢ | ٣ |
| ٩ | ١٠ | ٥ | ٦ |
| ١١ | ١٢ | ٧ | ٨ |
| ١٣ | ١٤ | ١٨ | ٢٠ |
| ١٥ | ١٦ | ٢١ | ٢٤ |
| ١٧ | ١٩ | ٢٥ | ٢٦ |
| ٢٢ | ٢٣ | ٢٩ | ٣٠ |
| ٢٧ | ٢٨ | والله | اعلم |
| تمام | شد | بحقایق | الاشیاء |

و دیگر گفته که اگر خواهی بدانی که بیمار بهتر میشود یا نه نام بیمار را بحساب
جمل کبیر بگیرد و از ایام هفته آن روز که بیمار شده بحساب ارقام هفته

هفته چنانچه معروف است بر آن بیفزاید و همه را جمع کند و بعد از آن
سی سی طرح کند و آنچه بماند آن عدد را در این دو جدول آینده طلب
نماید پس اگر آن عدد را در لوح حیات یابد دلیل بر صحت و حیات بیمار باشد و اگر
در لوح ممات باشد دلالت بر موت بیمار کند پس اگر در لوح حیات آن رقم به
رنگ سرخ ثبت شده زودتر بهبود یابد و اگر سیاه نوشته شده بیماریش بطول انجامد
و اگر آن عدد در لوح ممات باشد اگر آن عدد در سرخی ثبت شده بحال مرگ افتد اما
عاقبت نیک شود و اگر سیاهی نوشته شده بمیرد والعلم عند الله تعالی

| لوح حیات | | | | لوح ممات | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ١ | ٢ | ٣ | ٧ | ٤ | ٥ | ٦ | ٨ |
| ١٧ | ١٣ | ١٤ | ١٦ | ٩ | | ١٥ | ١٢ |
| ١٠ | ١٩ | ٢٠ | ٢٢ | ١٨ | ٢١ | . | ٢٤ |
| ١١ | ٢٨ | ٢٦ | ٢٤ | ٢٥ | ٢٩ | ٣٠ | ٢٧ |

۱۴۱ استعلام بقسم دیگر در بعضی از کتب بنظر رسیده که جهت معرفت
احوال مریض بیضه را بگیرند و تیر ازو کشند و از اشکال آن را با نام مریض

برآن بیضه نقش کند وشب در پیه با لبن مربعی کذارند وبامداد بان
بهمان سنک بسنجند پس اکر سبک آید بعض ببرد واکر مساوی آید
بیماری او بطول انجامد واکر زیاده آید بیماری او بزودی دفع شود
وصحت یابد اینست شکل [illegible]
ایضاً کفته اند که این اشکال را برکف دست چند بنویسد ودر برابر
بیمار بدارد چون نظر بیمار بر آن افتد اکر خندان وبشاش کردد
بزودی صحت یابد واکر کئیب وعبوس وکریان کردد بمیرد والله اعلم
[illegible] ودر کتاب فردوس مذکور
شده که این اشکال را نوشته بر سینه مریض کذارند اکر بخندد آن
مریض خلاص شود واکر چینی بجبین بکیرد بمیرد والله یعلم هط هم
کل هی ایضاً این کلمات مخصوص این آیات مجربه بر سنک کرهکاه
برنیت بیماری بر کاغذ بنویسند وآنرا در میان طاس آب اندازند اکر
نوشته بر روی آب آید صحت یابد واکر در میان آب بماند هنوز
بیماری دارد واکر بزیر آب رود بمیرد بسمله وآمنوا بما نزل علی محمد وهو
الحق من ربهم وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل محمد رسول
الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم
رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله ورضوانا والله اعلم بالصواب

بالصواب تا اینجا است انچه اراده داشتیم که آنرا ایراد نمائیم در این
رساله ومعاونت الهی بفتوحات وشامل احوال کردید هرچند که امثال
انچه ایراد شد از عوذه ورقی ودوای ابواب قبیل وبیشمار ودر این نسخه
جمع آنها ممکن نبود رعایت اعتدال نموده تا ما بر سبیل ایجاز واختصار بهمین قدر
اختصار نمود والتایید من الله الودود قد تم کتاب الجمع لتسهیل الدواء
لتحصیل الشفاء بعون الله تبارک وتعالی وحسن توفیقه والحمد لله
علی الاتمام وقد سوده اضعف المذنبین واکثرهم احتیاجاً العبد الذلیل
اقل الطلبة والخلیقة بل لاشیء فی الواقع والحقیقة [illegible] وفرغ من
تبییضه فی یوم الخمیس الخامس من شهر الله الاصب رجب المرجب من شهور سنة
تسع وسبعین ومائتین بعد الالف من الهجرة النبویة المصطفویة علی هاجرها
الف الف سلام وتحیة یلوح الخط فی القرطاس دهراً وکاتبه رمیم فی التراب
الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله